

## حضرت معصومه عليها السلام فاطمه دوم

مؤلف: محمد محمدی اشتهااردی

این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین عليهم السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تاییبی احتمالی، روی این کتاب انجام نگردیده است.

## پرتوی از تالوؤ زهرا علیها السلام

آیتی از خداست معصومه  
جلوه ای از جمال قرآن را  
عطر باغ محمدی دارد  
پرتوی از تالوؤ زهرا  
ماه عفت نقاب آل کسا  
اختری در مدار شمس شمس  
زائران! یک در بهشت اینجاست  
در توسل به عترت و قرآن  
از مدینه به قصد خطه طوس  
تا زیارت کند برادر خود  
روز و شب عاشق بیابان گرد  
یا مگر اوست زینب دگری  
تا بدانی که نیمه ره جان داد  
از وطن دور و از برادر دور  
گر چه نشکسته سینه و پهلویش  
داغ زهرا و داغ اجدادش  
هر حسینه بیت اوست حسان  
لطف بی انتهاست معصومه  
چهره ای حق نماست معصومه  
زاده مصطفی است معصومه  
گوهری پربهاست معصومه  
دختر مرتضی است معصومه  
یعنی اخت الرضاست معصومه  
تربتش باصفا است معصومه  
باب حاجات ماست معصومه  
رهروی خسته پاست معصومه  
فکر و ذکرش دعاست معصومه  
خواهری باوفاست معصومه  
کز برادر جدا است معصومه  
بنگر اکنون کجاست معصومه  
حسرتش غم فزاست معصومه  
در دلش داغ هاست معصومه  
وارث کربلاست معصومه  
چون که صاحب عزاست معصومه<sup>(1)</sup>

## پیش سخن

### در پناه بارگاه ملکوتی حضرت معصومه علیها السلام

آگاهی به فرهنگ و روش زندگی پرافتخار خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و آل علی و پناهندگی معنوی و علمی به این پناهگاه مطمئن و استوار، یکی از اصیل ترین راه های شناخت اسلام ناب و بهره مندی از آن است، چرا که آن از سرچشمه زلال اسلام آب نوشیده اند، و تبلوری از مکتب حیات بخش پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هستند.

در این میان، آگاهی به زندگی حضرت معصومه علیها السلام که گلی درخشان از گلستان خاندان نبوت، و حرمش دارالشفای آل محمد صلی الله علیه و آله است، و آگاهی به سرزمین مقدس قم از قدیم و ندیم، و برکات این سرزمین، و حوزه علمیه آن، و آثار درخشان حوزه، و ماجرای مسجد جمکران و پایگاه بودن قم برای حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و... هر کدام فرهنگی پر بار و سازنده است، که موجب هدایت و رشد بیشتر شده و ما در مسیر ترقیات معنوی، مددکاری نیرومند، در سطح عالی خواهد بود.

بر همین اساس، به عنوان برگرفتن خوشه ای از این خرمن یا لیوان آبی از این دریا، به نگارش این کتاب اقدام گردید، چرا که این امور از شعائر و نشانه های دین است، و باید نشانه های دین را که نقش به سزایی در سازندگی و باسازی و سازماندهی معنوی و فرهنگی دارند، ارج نهاد و حریم آنها را حفظ کرد، چنان که قرآن می فرماید: و من یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب؛

و هر کس نشانه های الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دلهاست <sup>(2)</sup> و مفهوم سوره کوثر، بیانگر استواری و برقراری همیشگی آثار خاندان نبوت، و بهره گیری قاطع از این آثار و جلوگیری از گزند دشمنان است.

## احترام به مقدسات مذهبی

احترام به مقدسات مذهبی، و تجلیل و بزرگداشت آن مقدسات، از امور بسیار مهم اسلامی است، بر همین اساس حتی تماس دادن جایی از بدن، بدون وضو به کلمه خدا (به هر زبانی که نوشته شده باشد) حرام است، همچنین تماس دادن جایی از بدن به نام مبارک چهارده معصوم: (بنا به فتوای بسیاری از فقها) حرام است، رفتن جنب به مسجد یا حرم امامان علیهم السلام حرام است، و هر گونه اموری که توهین به حریم آنها باشد حرام است، این گونه دستورها بیانگر آن است که حریم مقدسات را باید حفظ کرد، و با خلوص و پاکی فوق العاده از آنها بهره گرفت.

بزرگان ما به این موضوع اهمیت زیادی می دادند، نقل شده روزی شاه عربستان سعودی به ایران آمد، و هدایایی برای مرجع کل، حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رحمه الله) فرستاد، آقا در میان آن هدایا، چند قرآن و مقداری از پرده کعبه را پذیرفت و بقیه را رد کرد، و در ضمن شاه عربستان تقاضای ملاقات با آقای بروجردی کرده بود، آقا این تقاضا را رد کرد، وقتی که از علت این امر سوال شد آقا فرمود: این شخص (شاه عربستان) اگر به قم بیاید (به خاطر اینکه وهابی است به زیارت حضرت معصومه علیها السلام نمی رود) و اگر او به قم بیاید و به زیارت حضرت معصومه علیها السلام نرود، به مقام ارجمند حضرت معصومه علیها السلام توهین خواهد شد، و من به هیچ وجه چنین امری را - که توهین غیرمستقیم به حضرت معصومه علیها السلام است نمی پذیرم و تحمل نمی کنم.<sup>(3)</sup>

احترام متواضعانه و عمیق رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (رحمه الله) و مقام معظم رهبری، از حضرت معصومه علیها السلام و مقدسات دین نیز شاهد دیگری بر این مطلب است. امام خمینی آن بزرگ مرد الهی کنار مرقد مطهر حضرت

معصومه علیها السلام می آمد و با کمال تواضع و خضوع ضریح را می بوسید، و به عقیده بعضی شاید علت آنکه او نخواست مرقد مطهرش در کنار مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام باشد، از این رو بود که مبادا به حریم حضرت معصومه علیها السلام بی احترامی شود، زیرا با رفت و آمد میلیون ها نفر از مردم، و آمدن سران کشورها کنار قبر او، به طور طبیعی موجب کم رنگ شدن احترام به مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام می گردید، و چنین کاری هرگز با خلق و خوی امام خمینی (رحمه الله) نسبت به خاندان عصمت و طهارت سازگار نبود.

مرحوم آیت الله العظمی، مرجع تقلید شیعیان آقای نجفی مرعشی (رحمه الله) حدود شصت سال، در زمستان و تابستان، صبح قبل از اذان برای اقامه جماعت در حرم حضرت معصومه علیها السلام از خانه به طرف حرم می آمدند، در بسیاری از موارد، هنوز درهای حرم باز نشده بود، در پشت در به انتظار می نشستند تا در باز گردد. (4)

یک بار خودم دیدم که آن بزرگوار صبح قبل از اذان، عبا بر سر افکنده بود، و در پشت در صحن (جانب خیابان موزه) خود را به صحن چسبانده بود، و با کمال تواضع در انتظار آمدن خدام برای باز کردن در، می نشست، گویی شخص نیازمند دردمند، به در خانه حضرت معصومه علیها السلام پناهنده شده است.

در وصیتنامه خود چنین سفارش کرد: جنازه مرا روبروی مرقد مطهر بی بی فاطمه معصومه علیها السلام قرار داده، و در این حال یک سر عمامه ام را به ضریح مطهر و سر دیگر را به تابوت بسته، به عنوان دخیل (دست توسل) و در این هنگام مصیبت وداع من حسین مظلوم با اهل بیت طاهرینش علیهم السلام را بخواند. (5)

آری بزرگان علم و عمل، این گونه به مقدسات احترام می کردند، و از شعائر مذهبی تجلیل می نمودند.

## کتاب حاضر و وجه نام گزاری آن

آغاز سال 1350 هجری شمسی بود که به تألیف کتاب زندگینامه حضرت معصومه علیها السلام اقدام نمودم، مورد علاقه دوستداران خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار گرفت و در همان سال ها، چهار بار به چاپ رسید، اینک شایسته دیدم که آن را با تجدید نظر کامل و تهذیب و تکمیل اهدا کنم که به خواست خداوند متعال، به صورت این کتاب تقدیم می گردد.

وجه نام گزاری این کتاب به حضرت معصومه علیها السلام؛ فاطمه دوم، از این رواست که نام اصلی حضرت معصومه علیها السلام، فاطمه است، و آن حضرت با این نام، بعد از حضرت زهرا علیها السلام، نمونه ای از وجود حضرت زهرا علیها السلام بو و در راستای اهداف حضرت زهرا علیها السلام، در سطح بسیار بالا درخشید، و همچون او در دوران جوانی در راه تأیید ولایت امامان: به شهادت رسید.

نیز این نام، اقتباسی است از اشعار ارزنده حضرت امام خمینی (رحمه الله) که در یکی از قصاید خود، تحت عنوان مدیحه نورین نیرین، فاطمه زهرا و فاطمه معصومه زهرا و فاطمه معصومه علیها السلام پس از چند شعر، گوید:

نور خدا در رسول اکرم پیدا	کرد تجلی ز وی به حیدر صفدر
وز وی تابان شده به حضرت زهرا	اینک ظاهر ز دخت موسی جعفر
آبروی ممکنات جمله از این نور	گرنبدی باطل آمدند سراسر
دختر چون این دو از مشیمه قدرت	نامد و ناید دگر هماره مقدر
آن یک، امواج علم را شده مبدأ	وین یک افواج حلم را شده مصدر
آن یک بر فرق انبیا شده تارک	وین یک اندر سر، اولیا را مغفر
آن یک در عالم جلال، کعبه	وین یک در ملک کبریایی مشعر
لم یلدم بسته لب و گرنه بگفتم	دخت خدایند این دو نور مظهر

آن یک بر ملک لایزالی، تارک  
 آن یک خاک مدینه کرده مزین  
 خاک قم این کرده، از شرافت، جنت  
 عرصه قم غیرت بهشت برین است  
 زبید اگر خاک قم به عرش کند، فخر  
 خاکی عجب خاک، آبروی خلائق  
 وین یک بر عرش کبریایی، افسر  
 صفحه قم را نموده این یک، انور  
 آب مدینه نموده آن یک، کوثر  
 بلکه بهشتش یساولی است برابر<sup>(6)</sup>  
 شاید گر لوح را بیابد همسر  
 ملجأ بر مسلم و پناه به کافر<sup>(7)</sup>

توضیح این که: در مورد نام گذاری این کتاب در میان چند نام تردید داشتیم، یکی از آن نام ها حضرت معصومه علیها السلام فاطمه دوم بود، زیرا نام اصلی آن حضرت فاطمه علیها السلام است، و در میان بانوانی که نامشان فاطمه است، بعد از حضرت زهرا علیها السلام کسی به مقام حضرت معصومه علیها السلام نمی رسد.

در این فکر بودم که آیا چنین اسمی مناسب و بی اشکال است یا نه؟ با این فکر وارد صحن نو حرم شدم و در کنار حوض، رو به مرقد مطهر ایستادم و محکم گفتم: سلام بر تو ای فاطمه دوم! .

سپس از آنجا عبور کردم، همچنان در این فکر بودم که آیا این نام، نام مناسبی برای کتاب است؟! در حین عبور از دری که به طرف میدان آستانه نزدیک مدرسه فیضیه باز می شود، ناگهان چشمم به در کتابخانه آستانه افتاد، با این که سال ها بود به آن کتابخانه نرفته بودم، به دلم القاء شد سری به کتابخانه بزنم. کتابخانه در طبقه دوم قرار گرفته، از پله ها بالا رفتم، تابلویی نظر مرا به خود جلب کرد، که با فلش، اطاق های مدیریت کتابخانه و آستانه را نشان می داد، به آنجا رفتم وارد اتاق شدم دیدم چند نفر از خدمتکاران فرهنگی آستانه که بعضی از آنها روحانی بودند، مشغول انجام وظیفه هستند، در آنجا موضوع را عنوان کردم و با آنها در مورد نام کتاب به مشورت پرداختم، یکی از آقایان بی

درنگ برخاست و به اطاق دیگر رفت و بازگشت، دیدم کلیات دیوان<sup>(8)</sup> حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) را آورد و صفحه های 253 تا 275 را گشود و به من نشان داد، دیدم در صفحه 253 این جمله به صورت تیتراژ نوشته شده:

(مدیحه نورین نیرین، فاطمه زهرا و فاطمه معصومه علیها السلام)

در ذیل این تیتراژ 44 بیت بسیار عمیق در شأن حضرت زهرا علیها السلام و حضرت معصومه علیها السلام ذکر شده بود که حضرت امام خمینی (رحمه الله) حضرت معصومه علیها السلام را با حضرت زهرا علیها السلام مقایسه کرده بود (که بخشی از این اشعار قبلاً ذکر شد).

دو بیت از آن اشعار مرا بیشتر جذب کرد و آن این بود:

لم یلدم بسته لب، و گرنه بگفتم دخت خدایند این دو نور مطهر  
دختر چون این دو از مشیمه قدرت نامد و ناید دگر هماره مقدر  
قلبم سرشار از اطمینان شد که این نام (حضرت معصومه علیها السلام فاطمه دوم)  
بهترین و زیباترین نام برای این کتاب است، و این موهبت را از راهنمایی  
ناپیدای حضرت معصومه علیها السلام یافتم که مرا بدون نیت قبلی در چند لحظه روانه  
کتابخانه نموده و تردید را از دلم برطرف کرده. لذا این کتاب را به همین نام نام  
گذاری نمودم.

این کتاب در سه فصل زیر تنظیم گردید:

1- پیشینه تاریخی قم، و سیر حوزه علمیه در قم، و اشاره ای به آثار آن، و برجستگان برخاسته از این سرزمین مقدس.

2- ماجرای ورود حضرت معصومه علیها السلام به قم، و مطالبی پیرامون بزرگ بانوی خاندان عصمت، و بارگاه ملکوتی آن حضرت و چند نمونه از کرامات آن بانوی ممتاز.



3- مسجد جمکران، یکی از پایگاه های مرکزی حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)، قبور امام زادگان و رجال و مکان های دیدنی قم. به امید بهره گیری از این گنجینه های فرهنگی و مذهبی، و دست یابی آگاهانه به برکاتی که از این رهگذر نشأت می گیرد.

حوزه علمیه قم: محمد محمدی اشتهاردی

بهار 1375 ش؛ با تجدید نظر، پاییز 1380 ش

## فصل اول

پیشینه تاریخی قم، برخاستگان آن و حوزه علمیه

### قم قبل از اسلام

تاریخ، قیافه قم را قبل از ظهور اسلام درست نشان نمی دهد، ولی آنچه که مسلم است این است که قم قبل از اسلام آبادی دارای سکنه بوده و در لابلای تاریخ به آن اشاره ای شده است، امام حدود قم به طور کلی، خصوصیات آن در زمان ها و قرون قبل از ظهور اسلام به خوبی روشن نیست.

به نظر می رسد که قم قبل از اسلام به صورت قلعه های متعدد بوده و ساکنان برخی از آنها زردتشتی و بعضی دیگر یهودی بوده اند، و شهر شدن آن چنان که خاطر نشان می شود به دست اشعرها که اصلا از نژاد عرب یمنی و شیعه بودند شده و لذا ایشان نزد اهل تاریخ از مفاخر قم به شمار آمده اند، و شهر شدن قم ملازم با تشیع و ولایت خاندان نبوت علیهم السلام بوده است.

برخی از مورخان قدیم، نام بعضی از نامداران پیش از ظهور اسلام را که قم حکومت کرده اند ذکر کرده اند.

نویسنده کتاب انوار المشعشعین<sup>(9)</sup> به نقل از کتاب سیر الملوک عجم می گوید: بهرام گور<sup>(10)</sup> به جانب بلاد ارمنیه می رفت، گذرش به سوی اطراف ساوه افتاد، قم و روستاهای آن را بنا کرده و به نام ممجان گذاشت.<sup>(11)</sup> ولی با توجه به محل اصلی شهر قم که خرابه های آن اکنون در یک کیلومتری شرقی شهر مشاهده می شود و همچنین از نام های روستاهای اطراف شهر، و وضع زندگی ساکنان این روستاها، برای انسان شکی باقی نمی ماند که شهر قم برخلاف گفته یاقوت حموی<sup>(12)</sup> از شهرهای ساخته شده دوره اسلام نیست، بلکه مدتها پیش از ظهور اسلام وجود داشته و از شهرهای آباد ایران بوده است.

نام قم و توصیف زعفران آن در کتاب خسرو و کواذان و ریزک از آثار زمان ساسانی<sup>(13)</sup> ذکر گردیده است.

به علاوه سندی در دست داریم که اسکندر مقدونی<sup>(14)</sup> قم را نیز ویران کرد، به احتمال قوی آبادی قم از زمان هخامنشیان<sup>(15)</sup> شروع گردیده است.<sup>(16)</sup> قدمت این شهر به پایه ای است که بنای آن را به یکی از پادشاهان پیشدادی یعنی تهمورث<sup>(17)</sup> نسبت داده اند، شکی نیست که در زمان ساسانیان، قم معروف بوده است... و در شاهنامه فردوسی<sup>(18)</sup> هم سه جا نام قم ذکر شده است.<sup>(19)</sup>

### قم پس از اسلام

در اوایل قرن اول یعنی سنه 23 هجری هنگام حمله مسلمانان به ایران، شهر قم توسط ابوموسی اشعری<sup>(20)</sup> فتح گردید و بعضی فتح قم را به احتف بن قیس نسبت می دهند کم رفت و آمد و نفوذ اعراب در قم، راه را برای آنها باز کرد، سرانجام در زمان خلافت عبدالملک بن مروان گروهی از عرب های منسوب به بنی الاشعر به قم پناهنده شدند و به تدریج قم را تحت نفوذ خود قرار دادند. در مورد ورود اشعری ها به قم، از این رو که پایه گذار حوزه علمیه قم بودند، بعداً در همین فصل، در بحث پیشینه تاریخی حوزه علمیه قم سخن خواهیم گفت.

### قم در عصر خلافت عباسیان

در زمان خلافت عباسی<sup>(21)</sup> که بیشتر اوقات، آل علی را (به تصور اینکه ممکن است مدعی خلافت گردند) تعقیب و شکنجه می کردند بسیاری از فرزندان علی عَلِيٍّ به قم پناه می آوردند، و از همین موقع عقاید شیعه در اذهان ساکنان قم رسوخ پیدا کرد، و به تدریج قم به عنوان یک شهر شیعه نشین شناخته شد، به همین مناسبت خلفا نسبت به این شهر نه توجهی داشته اند و نه نظر کمک و مساعدتی.

از این رو قم تا اواخر قرن دوم تابع اصفهان بوده است و حاکم مستقلی نداشت تا در زمان هارون الرشید<sup>(22)</sup> حمزه بن یسع یکی از مشاهیر قم به حضور هارون رسید و از وی درخواست کرد که قم را از اصفهان جدا کرده و اجازه داده شود نماز جمعه و نماز عید فطر و قربان در آن جا انجام گردد، و خلیفه تقاضای او را پذیرفت.<sup>(23)</sup>

حمزه بن یسع که از امرای نامی عرب در قم بود، به حضور هارون الرشید رفته، پس از آنکه اجازه استقلال قم از وی گرفت، مأمور وصول خراج و مالیات کشاورزی و تجاری قم شد... او در این باره بسیار کوشش نمود، حتی سرزمین قم را تعیین مساحت کرد و مالیات را به خلیفه می رساند.<sup>(24)</sup> در این باره در همین فصل، در رابطه با حوزه علمیه قم، سخن خواهیم گفت).

#### مهاجرت شیعیان کوفه به قم، و تشیع قمی ها

با اینکه در صدر اول اسلام همواره شیعه در فشار سخت گیری های حکام و زمامداران جور بود، ولی مردم روشن بین حقیقت را به زودی درک کردند و به دنبال آن رفتند.

در زمان خلافت عمر، وقتی که مسلمانان به ایران حمله کردند و یزدگرد سوم را در نهاوند شکست دادند، رفته رفته سپاه اسلام بر سراسر ایران مسخر شد و یزدگرد به خراسان گریخت و به دست آسیابانی در مرو کشته شد.

در سال 22 هجری یعنی یک سال بعد از واقعه نهاوند، سپاهیان عرب شهرهای ری، زنجان، آذربایجان و شهرهای قومش را که شامل سمنان و دامغان و شاهرود امروزی است تحت تسخیر خود درآوردند و سال بعد (23 هجری) همدان و قم و کاشان و اصفهان به دست ایشان افتاد، در این عصر اکثر مردم روشن بین ایران، دین مقدس اسلام را پذیرفتند.

قابل توجه اینکه. همین که در زمان امامت پیشوای پنجم شیعه امام باقر علیه السلام در اواخر قرن اول و سال های آغاز قرن دوم هجری به خاطر اختلال وضعی که در حکومت امویان پیدا شد، شیعیان از اطراف کشورها پروانه وار در محور پیشوای پنجم امام باقر علیه السلام اجتماع کرده و به کسب معارف دینی پرداختند. <sup>(25)</sup> هنوز قرن اول هجری تمام نشده بود که بر اثر آمدن چند نفر از کوفه به قم که شیعه بودند، قم را شیعه نشین کردند و مردم به مذهب اهل بیت علیهم السلام گرویدند، کشور شیعه نشین ایران که اکثریت قریب به اتفاق مردم آن شیعه هستند خود یک حقیقتی را بازگو می کند و آن اینکه: با اینکه ایران توسط طرفداران خلیفه دوم فتح شد، دیری نپایید بر اثر آزادی و قضاوت آزاد، مردم به آیین مبارک جعفری معتقد شدند، همان گونه که ملاحظه کردید، تنها چند نفر محدود کافی بودند که مردم را به مذهب تشیع رهنمون سازند.

باری آن طوری که از لابلای تاریخ استفاده می شود، قم در حدود دو قرن (یعنی از نیمه قرن دوم تا نیمه قرن چهارم) بسیار آباد و وسیع و پر جمعیت بود ولی پس از آن دست حوادث دگرگونی هایی در این سرزمین ایجاد کرد و این آبادی را به ویرانه های تبدیل نمود و در این مسیر، قم بارها آباد ویران شده است.

چنان که نویسنده کتاب تاریخ قدیم قم، در ضمن اینکه اهمیت و دشواری نگارش تاریخ قم را خاطر نشان می سازد می گوید: ... از جمع اخبار شهری که محل او مندرس شده و اهل او منقرض گشته، و از آن نام و نشانی مانده. <sup>(26)</sup>

#### قم آماده استقبال از آل علی علیهم السلام

این سرزمین با آن همه خاطراتی که داشت قرن اول و دوم هجری بر سرش گذشت و چنان که یادآور شدیم، بذر مذهب شیعه در نیمه دوم قرن اول هجری

در این سرزمین پاشیده شد، و دیری نپایید که به صورت یک شهر به تمام معنا شیعه در آمد، در این مدت، قم آماده استقبال و پذیرایی از آل علی علیهم السلام بود، کافی بود که هر یک از دودمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به این سرزمین آید و با کمال عزت و احترام زندگی کند.

بر همین اساس، بسیاری از مردان نامی و سادات جلیل القدر و نواده های پیشوایان مذهب شیعه به این سرزمین آمدند. در رأس آنها دختر بزرگ و با عظمت حضرت موسی بن جعفر پیشوای هفتم شیعیان، حضرت معصومه علیها السلام به قم آمد، از همان زمان، قم فصل نوینی را در تاریخ اسلام آغاز کرد، و ورود این بانوی بزرگوار که سال ها قبل، پیشوایان شیعه خبر اجلال نزول او را به قم به دوستان خود داده بودند، چون خورشیدی به قم اجلال نزول او را به قم به دوستان خود داده بودند، چون خورشیدی به قم درخشش داد، در فصل دوم این کتاب مشروح ماجرای تشریف آوردن آن بانوی ارجمند را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

قم تا سال 1221 میلادی (قرن هفتم قمری) در نوعی آرامش نسبی به سر برده، و تا این تاریخ وقایع مهمی رخ نداده است ولی در همین سال، این شهر، دستبرد سپاهیان غارتگر مغول شده و ویرانی های بسیار به آن وارد آمده است. در حدود کمتر از نیم قرن پس از آن تیمور لنگ <sup>(27)</sup> به قم حمله کرد و پس از زحمت بسیار و مقاومت شدید و طولانی مردم، شهر را تحت سلطه شجاعانه ای که ابراز داشته از دم تیغ گذرانده و قسمت اعظم شهر را ویران نمود.

### دیدار چند نفر خارجی از قم

از قدیم تا کنون کشورهای خارجی، جهان گردانی به این شهر آمده، و از نزدیک اوضاع شهر را از نظر تاریخی و مذهبی و اجتماعی تحت مطالعه قرار

داده اند از جمله خارجیانی که به این شهر آمده و مطالبی را راجع به این سرزمین به رشته تحریر درآورده اند:

1- جیاروفوباربارو

2- امبروجیوکونتارینی

این دو نفر از مردم ونیز بودند و در سال 1474 میلادی برابر 853 هجری وارد این شهر شده و چند روزی در آن به سر برده اند، باربارو در یادداشت های خود می نویسد: قم شهری است محصور به دیوار و در بناهای آن آثار هنری زیادی دیده نمی شود. نامبرده سپس به باغ های میوه قم اشاره کرده است.

کونتارینی می نویسد: در این شهر همه چیز به حد وفور یافت می شود و بازارهای خوب و متعدد دارد، همان طور که انتظار می رفت، مردم این شهر قدیمی، مدافعین مذهب تشیع را دوست داشته و به آنان یاری می کردند. به همین لحاظ بود هنگامی که شاه اسماعیل صفوی (از مدافعان مشهور تشیع) در اوایل قرن 16 میلادی به این شهر آمد از وی استقبال گرم و شایسته ای به عمل آوردند. ولی شهرت واقعی این شهر از نقطه نظر زیارتگاه و سرازیر شدن انبوه زائران به این شهر از آغاز سلطنت شاه عباس بزرگ شد.

3- جان کارترایت انگلیسی در سال 1600 میلادی از قم دیدن کرده است، طی یادداشت های خود می نویسد: بر اثرهایی که تیمور لنگ به جای نهاده است این شهر زیبا تقریباً به نصف مساحت واقعی خود تقلیل یافته است.

4- دون گارسیا سفیر اسپانیا دربار شاه عباس اول در سال 1618 میلادی از قم دیدن کرده و می نویسد: کمتر اتفاق می افتاد که در میان آن همه مردمی که در کوچه و خیابان قم رفت و آمد می کنند زنی را مشاهده کرد!

5- توماس هربرت یک قرن بعد، از قم دیدن کرد، وی می نویسد:  
تعداد خانه های این شهر بیش از هزار است که قسمت اعظم آن ها خوب  
ساخته شده و خوب مفروش گشته و شکل و فرم خوب دارد...  
کوچه ها و خیابان ها پهن و بازار آن زیبا هستند، شهر قم اینک مانند  
بسیاری از شهرهای آسیایی فاقد دیوار است و مساجد زیبا و جالب دارد.  
6- شاردن که در عصر قاجاریه به قم سفر کرده از آن به نام یک شهر بزرگ  
یاد می کند و می نویسد: این شهر در حدود پانزده هزار خانه دارد، فتح علی  
شاه قاجار پس از تاج گذاری، طبق وعده ای که در مورد بسط و آبادانی قم  
داده بود، کاشی های گنبد حضرت فاطمه علیها السلام را برداشته و به جای آن ورقه  
ای از طلا بر روی گنبد نصب کرده که هنوز بر تارک این شهر می درخشد. <sup>(28)</sup>

### چرا قم را قم گفتند؟

علل مختلفی برای وجه نام گذاری این شهر به قم ذکر کرده اند، ما در اینجا  
به طور اختصار هر یک از آنها را خاطر نشان می کنیم و قضاوت آنها با خود  
شما:

1- کلمه قم معرب کومه است، با این توضیح: که این سرزمین پیش از آنکه  
به صورت شهر در آید، دارای گودال های پر آبی بود، چوپانان گوسفندان خود  
را برای آشامیدن آب و چریدن در سبزه زارهای اطراف آن گودال ها می برده  
اند. به تدریج چوپانان به خاطر توقف طولانی در آن سرزمین مسکن های  
موقتی که به فارسی به آن کومه می گویند، ساختند، این کومه ها کم کم زیاد شد  
و به صورت قریه ای درآمد، رفته رفته به صورت شهر درآمد و به نام همان  
کومه (یا کوم) برای آن باقی ماند.



پس از ظهور اسلام و نفوذ زبان و ادبیات عرب و ایران در یکدیگر، بسیاری از کلمات فارسی تغییر شکل داد و از جمله کوم مبدل به قم گردید، همانطور که کرمانشاهان فرمیسن خوانده شد. (29)

2- رسول اکرم در شب معراج، مشاهده کرد که ابلیس در این سرزمین نشسته است فرمود: قم یا ملعون؛ برخیز (و از اینجا برو) ای ملعون. از این رو اسم این سرزمین را قم نهادند (30).  
در این معنا شاعر نیکو سروده است:

به ابلیس گفتا شه دین که قم از این بقعه ملعون تو می باش گم  
به قم گفتن سید المرسلین مسمی به قم گشت این سرزمین  
3- نیز روایت شده رسول خدا ﷺ فرمود: در شب معراج به بقعه ای در سرزمین جبل نظر کردم، که از نظر رنگ زیباتر از زعفران و از نظر بوی، خوش بوتر از مشک بود، و شخص پیری در آن نشسته و بر سرش برنسی (کلاه دراز) بود گفتم: ای جبرئیل این بقعه چیست؟ عرض کرد: این بقعه ای است که شیعیان علی عَلَيْهِ السَّلَام در آن به گرد هم می آیند، گفتم: این شخص کیست؟! گفت: ابلیس است، گفتم او از آنها چه می خواهد؟!

گفت: می خواهد آنان را از ولایت و دوستی علی عَلَيْهِ السَّلَام منع کند و به سوی فسق و فساد سوق دهد، گفتم: مرا بر زمین فرود آر، از برق تندتر بر زمین آمدیم، نزد او آمده و گفتم قم یا ملعون...؛ برخیز ای دور افتاده از رحمت خدا، با طایفه مرجئه دشمنان آنها در زن و مالشان شرکت کن، چه آنکه اهل قم شیعیان من و شیعیان وصی من علی بن ابیطالب عَلَيْهِ السَّلَام می باشند. (31) از این رو به این سرزمین قم گفتند.

نور محمدی چو به معراج در رسید ابلیس را به بقعه قم با سپاه دید

زد بانک احمدی که بشو دور ای پلید این سرزمین بهشت نه جای توو مرید  
4- امام هادی علیه السلام فرمود: قم را از آن جهت قم گفتند، چون کشتی حضرت  
نوح در آن طوفان معروف در این زمین ایستاد و این سرزمین قسمتی از بیت  
المقدس است. (32)

5- امام صادق علیه السلام فرمود: قم را قم گفتند چون اهل قم با قائم آل محمد  
صلی الله علیه و آله و سلم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام می کنند و به نصرت و  
پشتیبانی آن حضرت می روند. (33)

6- بعضی گویند به واسطه رودخانه و مسیله و دریاچه گودال های فراوان  
پیرآبی که در اطراف قم دیده می شوند و عرب به جایی که پر آب باشد قمقه می  
گویند از این رو با حذف زواید این سرزمین را قم گفته اند.

7- یکی از وجوه نام گذاری قم را چنین گفته اند، قبلا اسم قریه های قم،  
کمندان بود، سپس بعضی از حروف کمندان را انداختند و آنگاه کم را معرب و  
مبدل به قم کردند. (34)

باید توجه داشت که مشهورترین نام این سرزمین که تا کنون به همین نام  
گفته می شود قم است که بیان شد.

ولی این سرزمین اسم های دیگری هم دارد که آنها را صاحب انوار  
المشعیین در این کتاب، ج 1، ص 96 با استفاده از روایات نام برده و می گوید:  
زیادی اسم دلالت بر افزایش شرافت کند... و آن نام ها از این قرار است:

زهرا، ارض جبل، قطعه من بیت المقدس، مظهره، مقدسه، مجمع انصار القائم،  
حرم اهل البیت، حجه علی البلاد، بحر، مأوی للفاطمیین، استراحتگاه مومن،  
آشیانه آل محمد، معدنا للعشیه، کوفه صغیره، مأوی لشیعہ آل محمد، معدنا للعلم  
و الفضل، مختار البلاد، مقصم الجبارین، مذاب الجبارین، بلد الائمہ، بلد شیعہ

الائمہ، امان للخائفین، مفرغ للمومنین، مفر للهاربین، المدفوع عنها البلاء، المفرفوع عنها البلاء، المفتوح اليه باب الجنه، بلد الامین، مرفوف الملائکة، خاک فرج، محروس الملائکة، مزین بالعرب. (35)

### قداست سرزمین مبارک قم

درباره قداست و فضایل قم، روایات بسیار نقل شده (36) که هر کدام به نحوی آن را؛ شش ستوده اند، در اینجا نظر شما را به چند روایت زیر، جلب می کنم:

1- روزی جمعی از مردم ری در مدینه به محضر امام صادق علیه السلام رفتند و عرض کردند: ما از اهالی ری هستیم امام صادق علیه السلام فرمود: آفرین به برادران ما از اهالی قم آنها گفتند ما از اهالی ری هستیم، امام باز همان سخن خود را تکرار کرد، و این مطلب چند بار تکرار شد، آنگاه فرمود:

ان الله حرما و هو مکه، وان للرسول حرما و هو مدینه، و ان لامیرالمومنین حرما و هو الکوفه، و ان لنا حرما و هو بلده قم...؛

برای خدا حرمی هست و آن مکه است، و برای رسول الله صلی الله علیه و آله حرمی هست و آن مدینه است، و برای امیرالمؤمنان علی علیه السلام حرمی است و آن کوفه است، و برای ما (امامان) حرمی است، و آن شهر قم است (37)...

2- روایت دیگر از قاضی نورالله شوشتری نقل شده که امام صادق علیه السلام پس از ذکر حرم بودن مکه برای خدا، و مدینه برای پیامبر، و کوفه برای علی علیه السلام و قم برای امامان علیهم السلام فرمود:

الا و ان قم، الکوفه الصغیره، لا ان للجنه ثمانیه ابواب، ثلاثه منها الی قم، تقبض فیها امراه من ولدی اسمها فاطمه بین موسی و تدخل بشفاعتها شیعتی الجنه باجمعهم؛

آگاه باشید که قم، کوفه کوچک است، آگاه باشید که برای بهشت هشت در است که سه در آن به سوی قم است، بانویی از فرزندان من به نام فاطمه دختر موسی بن جعفر علیه السلام در آنجا رحلت می کند که با شفاعت او همه شیعیان ما وارد بهشت می گردند. <sup>(38)</sup>

از این حدیث چند مطلب فهمیده می شود: 1- قم همانند کوفه مرکز نشر علوم خاندان نبوت است. 2- سه در از قم به بهشت گشوده می شود. <sup>(39)</sup>  
3- مقام شفاعت حضرت معصومه علیه السلام بسیار وسیع است.

در مورد اینکه: سه در بهشت از قم به سوی بهشت گشوده شود، از حضرت رضا علیه السلام نیز نقل شده که فرمود:

لجنة ثمانية ابواب، فتلاثة منها لاهل قم، فطوبى لهم ثم طوبى لهم؛  
بهشت دارای هشت در است، سه در از آن برای اهل و ساکنان قم می باشد،  
خوشا به سعادت آنها. باز خوشا به سعادت آنها.

به احتمال قوی، این سه در بهشت در اثر پدیده مهم و بزرگی است که از امتیازات قم می باشد: 1- بارگاه حضرت معصومه علیه السلام در قم و آثار درخشان آن که موجب سوق دادن مردم به سوی بهشت می شود. 2- حوزه علمیه دیرپای قم که موجب هدایت انسان ها شده و آنها را به سوی بهشت رهسپار خواهد کرد. 3- وجود جمکران و مرکزیت قم بعد از مکه و کوفه، به عنوان پایگاه مقدس، وسایل سعادت مردم را فراهم نموده و آنان را به عواملی که موجب استحقاق رضوان خدا و بهشت می شود رهنمون خواهد شد. و هم اکنون آثار معنوی آن، بسیار چشمگیر است.

نیز امام صادق علیه السلام فرمود: شهر قم شهر ما و شیعیان ما است، این شهر، مقدس و پاک می باشد، مردم این شهر ولایت و دوستی ما را پذیرفتند، و تا

وقتی که خیانت نکنند هر کسی قصد سویی به آنان داشته باشد به زودی به کیفی خود می رسد، و چنان چه خیانت کنند، خداوند زمامداران ستمگر را بر ایشان مسلط می نماید، اما آنها یاور قائم ما (اما مهدی عجل الله فرجه) و خواهان حق ما هستند. آنگاه حضرت سر مبارک را به آسمان بلند کرد و عرض کرد:

اللهم اعصمهم من كل فتنه؛ خداوندا مردم قم را از هر فتنه ای حفظ کن و از هر هلاکتی نجات بده. (40)

4- حضرت عبدالعظیم حسنی از اسحاق بن ناصح نقل کرده که امام کاظم عجل الله فرجه درباره قم فرمود: قم آشیانه و پناهگاه آل محمد و مأوی شیعیان آنها است. (41)

5- امام صادق فرمود: وقتی که گرفتاری و بلا به شما رو آورد، به قم بروید، قم مأوی و منزل فرزندان فاطمه عجل الله فرجه است، و محل استراحت مومنان می باشد، به زودی زمانی می آید که شیعیان ما از ما دور هستند، و این دوری برای آنان مصلحت است، تا شناخته نشوند و به این ترتیب خونشان حفظ گردد، و اموالشان غارت نگردد، هر کسی قصد سویی به اهل قم کند، خداوند او را ذلیل و خوار می نماید. (42)

6- نیز امام صادق عجل الله فرجه فرمود:

تربه قم مقدسه و اهلها منا و نحن منهم... سرزمین قم، مقدس است، و مردم آن از ما هستند و ما از آنها می باشیم (43)...

7- امام رضا عجل الله فرجه فرمود: وقتی فتنه و بلا عمومی شد و همه جا را فرا گرفت، به قم و اطراف آن بروید، زیرا از قم بلاها برداشته شده است. (44)

8- رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: در شب معراج در آسمان چهارم به قبه ای که از لولو بود، نگاه کردم، چهار رکن و چهار در داشت، گویا از استبرق سبز بود، گفتم: ای جبرئیل این قبه چیست که در آسمان چهارم بهتر از آن ندیده ام؟!

گفت: این قبه، صورت شهر است که آن را قم می گویند، بندگان خدا در آن اجتماع می کنند، امیدوار به شفاعت رسول خدا در روز حشر و حساب هستند، و آنها دستخوش حزن و گرفتاری خواهند شد. (45)

### فضیلت اهل قم

پیشوایان ما امامان معصوم علیهم السلام نظر خاصی به اهل قم داشتند و در روایات بی شماری که از آنان نقل شده استفاده می شود که فوق العاده اهل قم را ستوده اند. اینک به عنوان نمونه برخی از آنها را در اینجا خاطر نشان می سازیم.

الف: حضرت علی علیه السلام فرمود: سلام و رحمت خدا بر اهل قم، خداوند بر مزارع آن ها باران رحمت بفرستد، برکات خود را بر آنها نازل کند، گناهان آنان مبدل به حسنات شود، آنان اهل رکوع و سجود و خشوع و نماز و روزه هستند، آنها علماء و فقها بوده و دانا هستند، آنها اهل دین و ولایت و عبادت می باشند، رحمت و درود خداوند بر آنها باد. (46)

ب: امام صادق علیه السلام فرمود: اهل قم در قبر خود محاسبه می شوند، و هنگام حشر از قبر به بهشت رهسپار می گردند، اهل قم آمرزیده شده اند. (47)

ج: امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند قم را برای سایر شهرها حجت می آورد و اهل قم را برای اهل تمام مردم از شرق و غرب، حجت می آورد، و قم اهل آن، در دین خود ضعیف نیستند، بلکه خداوند به آنها توفیق داده و آنها را تأیید کرده است. (48)

### مرکز شیعیان

علامه قاضی نور الله شوشتری (49) در کتاب مجالس المومنین (50) می گوید: بلده قم شهری عظیم و بلده کریم است، و از جمله بلادی است که همیشه دارالمومنین بوده است، و اکابر و افاضل و مجتهدان شیعه امامیه از آن جا

برخاسته اند و انتساب به چنین جایی، از اقوی ادله صحت عقیده منسوب به آن است، یعنی هر کس که بگوید من قمی هستم، حتما شیعه است چنان که در این باره گفته اند:

من ینسب الی قم فکانما ینسب الی التشیع و الرفض فیقولون قمی رافضی؛ کسی که خود را به قم نسبت دهد، گویا به مذهب شیعه و رفض<sup>(51)</sup> نسبت داده و می گویند او قمی رافضی است.

مردم قم قبل از اسلام، بسان سایر مردم ایران مجوسی و زرتشتی و آتش پرست بودند، و آشکده معروف قم نشانه این موضوع است، وقتی که فرزندان سعد بن مالک اشعری از کوفه به قم آمدند، رفته رفته، مذهب تشیع به وسیله آنها در قم رواج پیدا کرد به طوری که سراسر مردم قم شیعه شدند.

در ایران نخستین شهری که به مذهب شیعه گرایید قم بود، هنگامی که اهل اصفهان هنوز اهل تسنن بودند و قم تابع اصفهان بود، در مذهب بین این دو شهر جدایی افکنده شد، اینک بسیار مناسب است، نظر خوانندگان را به برخی از نکات تاریخی راجع به این مطلب جلب کنیم:

در زمان حکومت زمامداران اهل تسنن در قم، یکی از حکام متعصب سنی را در قم فرماندار کردند، او شنیده بود که چون اهل قم با خلفای ثلاثه (ابوبکر، عمر و عثمان) دشمنی دارند، در میانشان کسی را به نام این سه نفر ندارند، دستور داد اهالی قم به حضور او آمدند، به اعیان و بزرگان قم خطاب کرد و گفت: شنیده ام شما به خلفا (ابوبکر، عمر و عثمان) بدگویی می کنید، و نام فرزندان خود را به آنها نمی گذارید، به خدا سوگند اگر در میان خود، کسی را که به نام ابوبکر یا عمر یا عثمان باشد نزد من نیاورید شما را مواخذه و مجازات می کنم.

اهالی سه روز مهلت خواستند، در این سه روز به جستجوی پرداختند سرانجام مردی نامرتب، زشت رو با سر و پای برهنه و گدا صفتی را که نامش ابوبکر بود پیدا کرده و نزد او آوردند، او هم از اهل قم نبود بلکه پدر او غریب بود که در اطراف شهر قم سکونت کرده بود.

چون نظر حاکم به او افتاد ناراحت شد، اهالی را فحش داد و گفت: بعد از چند روز، این آدم زشت روی کتیف را آورده اید، یکی از طنز گویای قم به او چنین جواب داد:

ای امیر! هر چه می خواهی بکن، ولی در آب و هوای قم، ابوبکر نام بهتر از این پرورش نمی یابد!! حاکم هم که بهره ای از شوخ طبعی داشت، خندید و او را بخشید. (52)

این ارادت خالص اهل قم به اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از همان قرن اول تا قرن حاضر ادامه دارد و در تمام قرون اسلامی، اهل قم شیعه بوده و منسوب و معروف به مذهب اهل بیت بوده اند.

در سال 345 هجری قمری بین مردم قم و اصفهان نزاع و جنگ سختی درگرفت، سببش این بود که گروهی از مردم قم به عنوان تجارت به اصفهان رفته بودند، و در آنجا (ابوبکر، عمر و عثمان) بدگویی نموده بودند، اهل اصفهان که سنی بودند گروهی از اهل قم را در این کشمکش کشتند و اموالشان را غارت کردند. (53)

و بر اساس همین موضوع بود که اهل قم همواره مورد شک و اعتراض متعصبین اهل تسنن بوده و در این راه گرفتاری هایی برای آنان رخ داد.



### شخصیت های برجسته شیعه در قم

قابل توجه اینکه: وجود افراد گران مایه و عالی مقام و شخصیت های برآزنده که مورد لطف و نظر امام معصوم علیه السلام بوده، و در تشیع خود، استوار و پابرجا بودند در این موضوع (شیعی بودن مردم قم) بسیار موثر بوده، بلکه می توان یگانه عامل بروز تشیع مردم قم را از آن آنان دانست که امام در حقشان فرمود: **لو لا القمبیون لضاع الدین؛ اگر قمی ها نبودند، دین نابود می شد.** (54)

این افراد لایق که پرورده مکتب امامان معصوم علیهم السلام بودند، مرکز خود را قم قرار دادند، اینها بیش از صد نفر بودند که برخی از آنها بارها به محضر امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام رسیده بودند. و بعضی صاحب فتوا و از طرف امام در قم نیابت داشتند، به عنوان مراعات اختصار در اینجا نام چند نفر از آنها را می بریم.

مانند: آدم بن اسحق، زکریا بن ادریس، زکریا بن آدم که حضرت رضا علیه السلام وی را ستوده است. (قبر مبارک هر سه در قبرستان شیخان قم است) و اسحق بن آدم، و اسحق بن عبدالله، که از امام صادق و امام کاظم علیه السلام نقل روایت می کنند، و آدم بن عبدالله بن سعد قمی که از اصحاب امام صادق علیه السلام است، و ابراهیم بن هاشم ابواسحق قمی که از اصحاب امام رضا علیه السلام است و عمران بن عبدالله و... (55)

### حضرت امام رضا علیه السلام در قم

هنگامی که مأمون در سال 200 هجری قمری حضرت رضا علیه السلام از مدینه به خراسان دعوت اجباری کرد، و آن حضرت ناگزیر به قبول دعوت گردید، مأمون گروهی را همراه رجاء بن ابی الضحاک مأمور کرد، که حضرت رضا علیه السلام را از راه بصره، اهواز، فارس به خراسان بیاورند، نه از بلاد جبل (کرمانشاه، همدان،

و... ) تا مبادا در این مسیر که شیعیان بسیاری وجود داشتند، به امام بیبوندند و مأمون برای حضرت رضا علیه السلام نوشت، که از راه جبل نیا <sup>(56)</sup>، بنابراین قول، امام رضا علیه السلام به قم نیامده است.

ولی مدارکی اصیل، در دست است که حضرت رضا علیه السلام در مسیر خود به قم آمده است.

امام رضا علیه السلام از راه کوفه به بغداد رفت، از آنجا (از طریق بلاد جبل) به سوی قم حرکت کرد، مردم قم با استقبال شکوهمندی آن حضرت را وارد قم کردند، و مورد دعوت آن حضرت به خانه خود، با هم کشمکش داشتند، امام فرمود: هر جا که شتر من توقف کرد، همانجا می روم. شتر در کنار خانه مرد صالحی توقف کرد که او شب در عالم خواب دیده بود که حضرت رضا علیه السلام مهمان او است، امام مهمان او شد، هم اکنون آن خانه، به صورت مدرسه علمیه رضویه، در خیابان آذر معروف است. <sup>(57)</sup>

اینکه بعضی ها با تمسک به روایت شیخ صدوق (رحمه الله) در عیون اخبار الرضا، آمدن حضرت رضا علیه السلام به قم را بعید شمرده اند،  
اولا: باید به آنها گفت:

آنچه در عیون اخبار الرضا و اصول کافی آمده این است که مأمون چنین دستوری داده ولی آیا امام دستور مأمون را عمل کرده، مبهم است.

ثانیا: مطابق تحقیق دانشمند محقق آقای علی اصغر فقیهی در کتاب تاریخ مذهبی قم پس از ذکر چهار دلیل و قرائن دیگر، نتیجه می گیرد که حضرت رضا علیه السلام به قم آمده است، و در آخر می گوید: بنابراین و با توجه به دلائلی که قبلا ذکر شد، تشریف فرمایی علی بن موسی الرضا علیه السلام به قم تقریبا مسلم می شود. <sup>(58)</sup>

یکی از دلایلی که نامبرده ذکر نموده، این است که: روایتی از ابن الفقیه نقل شده که در ضمن آن از آبی در قم توصیف شده که حضرت رضا علیه السلام در آن غسل کرده و وضو ساخته است <sup>(59)</sup>...

دلیل دیگر اینکه: مطابق نقل کتاب تاریخ قدیم قم حضرت رضا علیه السلام از آب مذکور نوشید، در آن غسل کرد. <sup>(60)</sup>

نکته دیگر اینکه: امروز در قم محله ای بنام شاه خراسان در اواسط خیابان آذر است، که قبلاً کوچه ای بود، که هنگام احداث خیابان آذر، جزو خیابان شد، و مدرسه رضویه در همین محل قرار دارد، این نام نشانگر آن است که موضع ورود حضرت رضا علیه السلام در همین محل بوده است. <sup>(61)</sup>

به هر حال توجه حضرت رضا علیه السلام به قم، و ورود او به این شهر نیز بیانگر عظمت این سرزمین از جهات گوناگون است.

#### داستان دعبل، و عشق قمی ها به خاندان رسالت

یکی دیگر از فرازهای تاریخی که نشان دهنده اوج ارادت مردم قم، در آغاز قرن سوم به ائمه اهل بیت علیهم السلام و مذهب تشیع می باشد، ماجرای دعبل خزاعی (شاعر متعهد شیعی) است، خلاصه اش چنین است:

دعبل، قصیده ای در مدح و سوگ امامان علیهم السلام سرود، و به مرو خراسان رفت، و در روز عاشورا، آن را در محضر امام رضا علیه السلام که جمعی نیز حاضر بودند، خواند، که به قصیده مدارس آیات معروف می باشد، امام هشتم علیه السلام یک کیسه محتوی صد دینار، به او عطا فرمود.

دعبل، به عنوان تیمن و تبرک، تقاضای لباس کرد، امام هشتم علیه السلام لباس خز به او هدیه کرد، و دعبل لباس و کیسه دینار را برداشت و به سوی وطن روانه

شد، او در مسیر راه، به قم آمد، مقدم او را گرامی داشتند، و از او دعوت کردند تا قصیده خود را بخواند.

او از مردم خواست که در مسجد جامع قم اجتماع کنند، تا قصیده خود را در آنجا بخواند.

مردم سیل آسا به سوی مسجد روانه شدند، دعبل، آن قصیده را در اجتماع بزرگ مردم خواند، و مردم هدایای بسیاری به او دادند.

مردم قم، اطلاع یافتند که حضرت رضا علیه السلام، لباسی به دعبل داده است، از او خواستند که آن لباس را به هزار دینار به مردم قم بفروشد، ولی او حاضر نشد، تا آنکه مردم قم پیشنهاد کردند که قسمتی از آن لباس را به هزار دینار بفروشد، باز او حاضر به فروش او نشد، وقتی دعبل از قم به سوی وطن حرکت کرد، جوانان قمی سر راه او را گرفتند و به اجبار، آن لباس را از او ربودند، او به قم بازگشت و تقاضای استرداد لباس کرد و پس از گفتگوی زیاد، راضی شد که قسمتی از آن لباس را به قمی ها بدهد، و قسمت دیگر را خود بردارد، مردم قم، هزار دینار، بابت آن قسمت از لباس به او دادند. <sup>(62)</sup>

این فراز تاریخی همانند آئینه صافی است که عشق و پیوند بسیار محکم مردم قم را با امامان اهل بیت علیهم السلام، و خط فکری آنها، نشان می دهد، و شاهد صادق بر پیشگامی مردم قم، و مرکزیت قم برای تشیع و گسترش آن است.

#### ملاقات جمعی از مردم قم، با حضرت رضا علیه السلام

اباصلت هروی می گوید: در (خراسان) محضر امام رضا علیه السلام، بودم، جمعی از مردم قم بر آن حضرت وارد شده سلام کردند و امام جواب سلام آنها را داد، و با آنها بسیار گرم گرفت، آنها را به نزدیک خود خواند و به آنها فرمود:

مرحبا بکم و اهلا، فانتم شیعتنا حقا، فسیأتی علیکم یوما، تزورون فیه تربتی،  
لا فمن زارنی و هو علی غسل خرج من ذنوبه کیوم و لدته امه؛  
خوش آمدید، آفرین بر شما، شما به حق شیعیان ما هستید، به زودی روزی  
فرا می رسد که شما قبرم را در طوس زیارت می کنید، آگاه باشید، هر کس از  
شما شیعه، با غسل، قبر مرا زیارت کند، آن چنان از گناه خارج می گردد، که  
روز تولد از مادرش متولد شده است (63)

### استقلال طلبی مردم قم در برابر خلفای ستمگر و غاصب

پس از هجرت عرب های شیعه از کوفه به قم، شهر قم طی نیم قرن با  
سرعتی عجیب توسعه یافت، مردم قم چنان اهمیت و عظمت یافتند، که گویی در  
کشور نیمه مستقل کوچکی در قلب دارالاسلام زندگی می نمایند.  
چنان که از آغاز ظهور خلفای عباسی تا اواخر خلافت هارون الرشید از  
دادن باج و مالیات به حکومت وقت، خودداری می نمودند.

هارون در سال 184 هجری قمری پس از به شهادت رساندن امام کاظم  
علیه السلام در صدد برآمد که طرفداران آن حضرت را در فشار شدید قرار داده، و قم  
را که به صورت کانون ضد خلفا در آمده بود، سرکوب و تضعیف نماید عبد الله  
بن کوشید قمی را حاکم اصفهان نمود، و به او دستور داد که مالیات پنجاه و چند  
ساله مردم قم را وصول کند، او برادرش عاصم بن کوشید را عامل قم نمود،  
عاصم اهالی قم را تحت فشار سخت قرار داد، مردم از او اطاعت نمی کردند، او  
بر فشار خود افزود جمعی از مردم قم پراکنده شدند، شکایت آنها بی نتیجه ماند،  
سرانجام شورش نموده و به عاصم حمله کردند و او را کشتند، هارون پس از  
اطلاع از قتل عاصم، عبدالله بن کوشید حاکم اصفهان را از مقام خود ازل کرد،

عبدالله نزد هارون رفت، تا بار دیگر به مقام پیشین خود بازگردد، مشروط بر اینکه هارون از مالیات های نپرداخته شده سابق، صرف نظر کند.

استدلال ها و قاطعیت پی گیر حمزه باعث شد که قم از اصفهان جدا گردیده و استقلال یافت، و همین حمزه بن یسع حاکم و امام جمعه قم شد، و منبر امامت جمعه را در مسجد جامع قم نصب کرد...

پس از استقلال قم، اعراب اشعری، به آبادانی و بازسازی قم پرداختند و این سرزمین را از نظر ظاهر و باطن، رونقی جدید و وسیع بخشیدند.<sup>(64)</sup>

آری تشیع علوی که همواره در طول تاریخ در برابر زور و ستم ایستاده و موجب آزادی خواهی و استقلال شده بود، در همان عصر نیز شکوه خود را موجب آزادی خواهی و استقلال شده بود، در همان عصر نیز شکوه خود را آشکار ساخت و قم را از چنگال یاغیان و دزدان دین و اموال مردم، نجات بخشید.

#### اعتراض و شورش مردم قم در برابر مأمون

مردم قم از رحلت امام رضا علیه السلام آگاه شدند؛ و چنین باور کردند که مأمون آن حضرت را به شهادت رسانده است، وقتی که مأمون به بغداد رفت، مردم قم، به عنوان اعتراض به او، از دادن مالیات به حکومت او سر باز زدند و مدت هفت سال (از سال 204 تا 211 هجری قمری) این وضع ادامه یافت، و مردم قم همچنان از حکومت مأمون، نافرمانی می کردند، مأمون شخصی به نام علی بن هشام را با نیرویی مجهز برای سرکوب شورشیان، به سوی قم فرستاد، علی بن هشام با سپاه خود، وقتی به قلعه قم نزدیک شد، مردم قم دروازه های قلعه را روی آنها بستند، علی بن هشام و سپاهش، در پشت دیوار قلعه چادر زدند و خیمه به پا کردند و قلعه را به محاصره در آوردند و سرانجام از راه های قنات

ها، به داخل قلعه نفوذ کرده و دروازه ها را گشودند و وارد قلعه قم شدند، یحیی بن عمران اشعری شیخ و بزرگ قمی ها را با چند نفر دیگر از سران قم را گشتند، قسمت هایی از قلعه را خراب کردند، و مالیات های عقب مانده را وصول نمودند، و سپس علی بن هشام شخصی به نام (علی بن عیسی طلحی) را حاکم قم کرد، و خود به بغداد بازگشت. مردم قم به باسازی قم و جبران ویرانی ها پرداختند و در سال 215 هجری قمری بار دیگر بر ضد حکومت مأمون شورش نمودند، به طوری که حاکم نصب شده از طرف او علی بن عیسی طلحی را از قم اخراج کردند.

طلحی به بغداد رفت و ماجرا را به مأمون گزارش داد، مأمون عبدالرحمن بن مفلج ترک را همراه سپاهی به قم فرستاد، مردم از ورود او به شهر جلوگیری کردند، ولی او شبانه وارد قلعه قم شد، و سران شورشی را کشت و عده ای را زندانی کرد و در این گیر و دار اکثر اهالی قم متواری شدند. مردم آزاده و مبارز قم، پس از مأمون، با سایر خلفای ستمگر عباسی نیز درگیر شدند، و در این راه فداکاری ها نمودند و بسیاری از آنها به شهادت رسیدند. (65)

این حوادث بیانگر آن است که قم در همان قرن دوم و سوم، شهر قیام و خون بوده، و خیزش و قیام بر ضد ستمگران که همان معنی واژه قم است، از همان وقت به بغداد به بعد همچنان ادامه داشته است.

### همبستگی محکم اهل قم با آل علی علیه السلام

ارتباط و همبستگی و علاقه مردم قم با خاندان نبوت به قدری بود که مأمون هنگام واگذاری مقام ولایت عهدی به حضرت رضا علیه السلام گفت:  
ما اجدا احدا یعیننی علی عذا الامر، لقد همت ان اجعل اهل قم شعاری و  
دثاری؛

کسی را نمی یابم که در این کار (واگذار ولایت عهدی به امام رضا علیه السلام مرا یاری کند، تصمیم قطعی گرفته ام مردم قم را یاران باطنی و ظاهری خود قرار دهم. <sup>(66)</sup>

در ماجرای کشمکش مردم قم با هارون و سپس با مأمون، که قبلاً به طور کوتاه سخن به میان آمد، مأمون ناچار شد که حکومت قم را به هرثمه که از رجال بزرگ و با نفوذ شیعه بود، واگذار کند، تا به این وسیله مردم قم را از خود راضی نگهدارد.

همچنین مقتدر (هیجدهمین خلیفه عباسی) در سال 296 هجری قمری، حسین بن حمدان را که از شیعیان با نفوذ و توانمند بود، و سال ها با بنی عباس مبارزه کرده بود، حاکم قم نمود.

علامه اربلی در کشف الغمه نقل می کند: حسین بن حمدان گفت: کار اهل قم بر خلیفه دشوار شد، زیرا خلیفه هر کس را می فرستاد، اهل قم با او می جنگیدند، تا اینکه خلیفه مرا همراه سپاهی به قم فرستاد، برخلاف انتظار، اهل قم به استقبال من آمدند، و گفتند: ما با کسی جنگ می کنیم که با مذهبمان مخالف باشد، و چون تو با ما هم مذهب هستی (تشیع آل حمدان، معروف است) میان ما و تو اختلافی نیست. <sup>(67)</sup>

کوتاه سخن آن که: مردم قم از همان آغاز ورود اسلام به این شهر، از علاقمندان استوار خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند و در همان عصر به عنوان شیعه متصلب و محکم، شهرت داشتند، آنها در زمان امام علیه السلام آنچه ملک و باغ داشتند حتی بعضی از آنها خانه خود را وقف امامان علیهم السلام کردند، و هر سال خمس اموال خود را برای امامان علیهم السلام می فرستادند، به آل علی علیهم السلام احترام



بسیار می نمودند، به طوری که قم پناهگاه آل علی علیهم السلام بود، از این رو تعداد امامزادگانی که به قم آمده اند، از همه جا بیشتر است.

ارتباط اهل قم با امام صادق، امام کاظم، امام رضا، امام جواد، امام هادی علیهم السلام و امام حسن عسکری علیه السلام و ناحیه مقدسه، در پیشانی تاریخ تشیع در قرن دوم و سوم هجری قمری، می درخشید. در اینجا نظر شما را به ذکر چند نمونه جلب می کنم:

### لطف امام جواد علیه السلام به یکی از شیعیان قم

محمد بن سهل قمی می گوید: در سفر حج به مدینه رفتم و در آنجا به محضر امام جواد علیه السلام رسیدم، خواستم لباسی از آن حضرت برای پوشیدن و تبرک، درخواست کنم، فرصتی به دست نیامد، با آن حضرت خداحافظی کردم و از خانه او بیرون آمدم، تصمیم گرفتم در این مورد نامه ای برای آن حضرت بنویسم، به مسجد رفتم و پس از انجام دو رکعت نماز و استخاره به قلبم آمد که نامه را نفرستم، نامه را پاره کرده و از مدینه بیرون آمده و همراه کاروان به سوی قم روانه شدم، در مسیر راه ناگهان شخصی به میان کاروان آمد و پرسید: محمد بن سهل کیست؟

نزدش رفتم و گفتم من هستم لباسی که در میان دستمالی بود، به من داد و گفت: مولای تو امام جواد علیه السلام این لباس را برای تو فرستاده است. نگاه کردم دیدم دو لباس مرغوب و نرم است، آن لباس ها را همراه خود بردم. محمد بن سهل آن لباس ها را تا آخر عمر نگه داشت، وقتی که از دنیا رفت، پسرش احمد، با همان دو لباس، بدن او را کفن کرد. (68)

### ارتباط مردم قم با امام هادی علیه السلام

مردم قم در همان عصر امام های علیهم السلام که شدیدترین عصر اختناق بود، خود را به شهر سامرا می رساندند، و اموالی را به محضر آن حضرت برده و روابط خود را با امام خود برقرار می ساختند.

این موضوع به متوکل دهمین طاغوت عباسی گزارش داده شد، او با وزیرش فتح بن خاقان، در این امور به گفتگو پرداخت، فتح بن خاقان شخصی به نام ابو موسی را مأمور مخفی بازرسی و گزارش نمود.

ابو موسی خود را به عنوان یکی از علاقه مندان به امام هادی علیه السلام وانمود کرد، و به محضر آن حضرت رفت و آمد می نمود، امام هادی علیه السلام که از پشت پرده خبر داشت، روزی به او فرمود: ای ابو موسی! همین امشب مال را می آورند.

ابوموسی شب را در خانه امام ماند، نیمه های شب، امام به ابو موسی فرمود: آن مرد قمی مال را آورد، ولی مأمور خدمتکار (طاغوت از رسیدن آن به دست من جلوگیری کرد...<sup>(69)</sup>

### نامه امام حسن عسکری علیه السلام به مردم قم و آوه

آبه که امروز به آن آوه می گویند روستای بزرگی در نزدیک ساوه است، غالب مردم آنجا در عصر امام حسن عسکری علیه السلام شیعه بودند، قم نیز مرکز رفت و آمد شیعیان بود، امام حسن عسکری علیه السلام که با مردم قم و آوه ارتباط داشت، نامه ای برای آنها می فرستد که هم نامه تشکر از آنها است، و هم هشدار به آنها در مورد اتحاد و به هم پیوستگی، و دلگرمی به آنها است، در آن نامه چنین آمده است:

خداوند متعال با وجود لطف و عنایتش، با فرستادن پیامبر اسلام ﷺ به عنوان مژده بخش و هشدار دهنده، بر مردم منت نهاد، و شما را به پذیرش دینش توفیق داد و با هدایتش گرمی داشت، و بذر محبت و دوستی خاندان پیامبر را در قلوب گذشتگان و آیندگان شما در سرزمین اطاعتش کاشت، آنها که از میان شما رفتند به نجات و سعادت رسیدند، و میوه های کردار نیک خود را چیدند و به پاداش اعمالشان نایل شدند.

ای مردم! همواره اراده و نیت ما، استوار و محکم است، و روان ما به افکار نیک و پاک و شما آرام است، و پیوند قرابت بین ما و شما پر توان است که چنین پیوندی از سفارش های گذشتگان ما و شما است.

پیمانی است که بر عهده جوانان ما و پیران شما برقرار است، و همواره با اعتقاد واحد و به هم پیوستگی، محکم هستیم، چرا که خداوند این ارتباط تنگاتنگ و ناگسستگی را بین ما برقرار نموده است، چنان که عالم (اشاره به اما صادق یا امام باقر) می فرماید:

المومن اخو المومن لأمه و ابیه مومن برادر پدر و مادری مومن است. (70)

از این نامه به خوبی آشکار است که امام حسن عسکری علیه السلام با مردم قم ارتباط داشته و آن ها را از شیعیان و طرفداران خود می دانسته، و پیمان محکمی بین آن حضرت و مردم قم برقرار بوده است.

نامه امام حسن عسکری علیه السلام به علی بن بابویه، فقیه و مرجع قم (که بعدا در پیشینه تاریخی حوزه علمیه قم بیان می شود) نیز گواه دیگری بر این مطلب است.

## ارتباط مردم قم و مدائن با امام حسن عسکری علیه السلام

چند روز قبل از شهادت امام یازدهم حضرت حسن عسکری علیه السلام، آن حضرت به خادم خود ابوالادیان نامه هایی داد و به او فرمود: این نامه ها را به مدائن ببر، و به فلان و فلان و... برسان، پس از پانزده روز که به شهر سامرا بازگشتی، صدای گریه از خانه من می شنوی و خواهی فهمید که من از دنیا رفته ام.

ابوالادیان می گوید: عرض کردم: اگر چنین اتفاقی رخ داد، به چه کسی به عنوان امام مراجعه کنم؟  
فرمود: آن کسی که جواب نامه ها را از تو مطالبه می کند، امام بعد از من است.

گفتم: نشانه دیگری ذکر کن.

فرمود: آن کسی که بر جنازه من نماز می خواند.

گفتم نشانه دیگر ذکر کن.

فرمود: آن کس که از محتوای همیان، خبر می دهد.

شکوه ملکوتی آن حضرت، مانع شد که نشانه های دیگر بپرسم، به سوی مدائن سفر کردم، و نامه امام حسن عسکری علیه السلام را به صاحبانشان دادم و جواب نامه ها را گرفتم و روز پانزدهم به سامرا بازگشتم، صدای گریه از خانه امام حسن علیه السلام شنیدم، به آنجا رفتم، ناگاه جعفر کذاب (برادر امام حسن عسکری) را دیدم که شیعیان به گرد او اجتماع کرده اند و به او به عنوان امام بعد از امام حسن علیه السلام تبرک می گویند. با خود گفتم، اگر این شخص، امام شود، مقام امامت لکه دار می گردد، زیرا من جعفر کذاب را می شناختم که شرابخوار

و قمار باز بود و همواره با آلات لهو سر و کار داشت، نزد او رفتیم و تسلیت و تبریک گفتیم، هیچ سوالی از من نکرد.

سپس خادم خانه و به نام عقیده نزد جعفر آمد و گفت: ای آقای من، بر جنازه برادرت، کفن پوشیده شد، بیا بر آن نماز بخوان.

جعفر با جمعی از همراهان، کنار جنازه برای نماز آمدند، همین که جعفر آماده شد، ناگاه کودکی از دورن خانه بیرون آمد، و ردای جعفر را گرفت و به عقب کشید و فرمود: ای عمو! عقب بیا که من سزاوارتر به نماز بر جنازه پدرم هستم!

جعفر کنار آمد، و آن کودک، بر جنازه نماز خواند، بعد نماز به من فرمود: جواب نامه ها را به من بده، آنها را به آن حضرت دادم، با خود گفتم: این دومین نشانه صدق امامت این کودک، ولی یک نشانه دیگر؛ (اطلاع از محتوای همیان) باقی مانده بود... در همان ایام که ما در سوگ امام حسن عزادار بودیم، ناگاه دیدیم جمعی از مردم قم به سامرا آمدند، و جویای امام حسن علیه السلام شدند، فهمیدند که امام حسن علیه السلام از دنیا رفته است، حاضران، آنها را به جعفر کذاب، راهنمایی کردند.

گروه قمی نزد جعفر آمده و سلام کردند و تسلیت و تبریک گفتند، سپس گفتند: همراه ما اموال و نامه هایی است بگو این اموال و نامه ها از کیست؟! جعفر، عصبانی شد و از شدت ناراحتی، لباس هایش را تکان می داد و می گفت: اینها از من می خواهند که از غیب خبر بدهم.

در این هنگام، خدمتکار از دو خانه (از نزد حضرت مهدی علیه السلام بیرون آمد به گروهی قمی گفت: در نزد شما نامه های فلانی و فلانی و... است، و در میان

همیان هزار دینار وجود دارد و گفتند: آن کسی که تو را نزد ما فرستاد، تا به سوال ما پاسخ بدهی، امام بر حق همان است. (71)

#### استقبال مردم از فرماندار شیعه

فرماندارانی که از طرف خلفای عباسی برای قم تعیین می شدند، مردم قم آنها را نمی پذیرفتند، مگر این که شیعه باشد، از این رو خلفا معمولا افرادی را به عنوان فرماندار به قم می فرستادند که شیعه باشند، یکی از این موارد فرستادن شخصی به نام حسین از طرف خلیفه وقت (در عصر محمد بن عثمان دومین نایب خاص امام زمان - عج) بود، او می گوید از بغداد به سوی قم حرکت کردم، پیش خود فکر می کردم برای جنگ با مردم قم می روم ولی وقتی که به نزدیک قم رسیدم، گروهی از مردم به قم به استقبال من آمدند و گفتند: ما با کسی می جنگیدیم که از نظر مذهب با ما مخالف بود، ولی چون تو با ما موافق هستی، با تو جنگ نداریم، و اینک وارد شهر شو، و هر گونه که می خواهی، امور قم را تدبیر و اداره کن.

حسین می گوید: وارد قم شدم، به ناهنجاری های قم سر و سامان دادم، و مردم از من راضی بودند، وضع مالی و حال من نیز خوب شد، ولی حاسدان در نزد خلیفه از من بدگویی کردند، خلیفه نیز مرا (که در مذهب تشیع و طرفدار مردم قم بودم) از فرمانداری عزل کرد. به بغداد بازگشتم، در آنجا محمد بن عثمان عمری (نایب خاص دوم امام زمان - عج) به دیدار من آمد... و خمس اموالهم را به او دادم.

و از شک و تردیدی که قبلا نسبت به ناحیه مقدسه امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) داشتم، بیرون آمدم و به حقانیت آن اطمینان یافتم. (72)

## نگاهی بر پیشینه تاریخی حوزه علمیه قم و تحولات آن

اشاره

بی شک در جهان اسلام به خصوص در تاریخ تشیع، یکی از پدیده های مهم و بزرگی که نمی توان برای آن نظیری یافت، پدیده حوزه علمیه قم است که تا کنون منشأ آثار و برکات عظیم و بسیاری شده، و موجب تحولات علمی، فرهنگی و سیاسی ریشه دار و فراگیری گشته است، از این رو شایسته است که همواره مورد توجه قرار گیرد و مسلمانان جهان، با این حوزه عظیم و آثار آن آشنا باشند.

در این فرصت برای آشنایی گذار با حوزه علمیه قم، بر آن شدیم که در این راستا به ذکر و تحریر سه موضوع مهم زیر بپردازیم، تا رهگشای سازنده برای شناخت این منبع عظیم و فرهنگ ساز تشیع راستین، و اسلام ناب باشد:

1- دور نمایی از پیشینه تاریخی حوزه علمیه قم، از عصر امام صادق علیه السلام تا کنون.

2- نظری به آثار درخشان حوزه و فرزندان برخاسته از آن.

3- نگاهی بر تحولات برجسته فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حوزه. هر یک از موضوعات فوق، در اینجا به طور اختصار و فشرده، مورد بررسی قرار گرفته است، به امید آنکه در فرصت دیگر، در این راستا به طور مشروح سخن به میان آید.

دور نمایی از پیشینه تاریخی حوزه علمیه قم

مطابق متون و شواهد تاریخی، چنان که گفتیم، مردم قم مقارن ظهور اسلام پیرو آیین زرتشت بوده اند.

سرزمین قم در سال 23 هجری قمری در آخرین سال زندگی عمر، خلیفه دوم، به دست مسلمانان فتح شد.

بلاذری و اعثم کوفی و حسن بن محمد بن حسن قمی مولف تاریخ قدیم قم<sup>(73)</sup> تصریح کرده اند که شهر قم در سال 23 هجری به دست مسلمانان به سرداری ابو موسی اشعری، فتح شد.<sup>(74)</sup>

در مورد آغاز تشیع مردم قم، گرچه نویسندگان به پیروی از نویسندگان قدیم قم، و به پیروی از یاقوت حموی نویسنده معجم البلدان، آغاز تشیع مردم قم را به تاریخ پس از ورود اشعری ها به قم (در حدود سال 83 هجری قمری) دانسته اند، ولی متون و قراین تاریخی نشان می دهد که قبل از ورود اشعری ها مرکز رفت و آمد و جنب و جوش شیعیان و تابعان و قاریان و مفسران قرآن، و پارسیان معروف تشیع مانند سعید بن جبیر و کمیل بن زیاد بوده است (چنان که خاطر نشان می شود) و مردم قم دوستدار خاندان نبوت بوده اند.

بر همین اساس، کسانی که در برابر حاکمان جبار اموی، پرچم مخالفت برمی افراشتند به قم و کاشان آمده و از مردم قم و کاشان استمداد می کردند، از جمله در سال 77 هجری مطرف بن مغیره بن شیععه در راه مبارزه با حجاج بن یوسف ثقفی استاندار خون آشام عراق منصوب از جانب عبدالملک (پنجمین خلیفه اموی)، به قم و کاشان برای استمداد از مردم آمد، و مردم قم به گرد او اجتماع کردند.<sup>(75)</sup>

نیز از متون تاریخ فهمیده می شود که هنگام قیام مختار (در سال های 66 و 67 هجری قمری) جمعی از شیعیان بنی اسد از کوفه به قم آمدند، و در قریه جمکران سکونت نمودند، و سرزمین قم و اطراف آن، پناهگاه خوبی برای آنها بود.<sup>(76)</sup>



و نیز در حدود سال 83 هجری، عبدالرحمن بن محمد بن اشعث بن قیس حاکم سیستان با اینکه از جانب حجاج، نصب شده بود، بر ضد او شورش کرد، ولی شورش او با شکست روبرو شد، در این هنگام هفده نفر از علمای تابعین و شیعیان برجسته و پارسا، که از جمله آنها کمیل بن زیاد و سعید بن جبیر بودند، به سوی قم روانه شدند، و در جمکران نزد بنی اسد سکونت نمودند.<sup>(77)</sup>

#### ورود اشعری ها به قم

آل اشعر اصلا اهل یمن بودند، نخستین کسی که از آنها به مدینه آمد و مسلمان شد مالک بن عامر اشعری بود، که در اسلام دارای مقام ارجمندی گردید.

یکی از فرزندان او به نام سائب از یاران خاص مختار بود و با او کشته شد.<sup>(78)</sup>

یکی دیگر از فرزندان او، عبدالله نام داشت، عبدالله پسری به نام سعد داشت، سعد دارای دوازده (یا پانزده) پسر بود، و آنها از شاگردان امام صادق علیه السلام در کوفه بودند، و فرزندان و نوادگان آنها بیش از صد نفر، جزو روایان حدیث از امامان دیگر بودند، و همه آنها از رجال شیعه بوده و به امامت ائمه اهل بیت علیهم السلام اعتقاد داشتند.<sup>(79)</sup>

یاقوت حموی در کتاب معجم البلدان پنج نفر از پسران سعد اشعری را نام می برد که (در اواخر قرن اول) جزو هفده تن از علما و روایان حدیث بودند که در ماجرای شکست سپاه عبدالرحمن بن اشعث، در برابر سپاه حجاج، وارد قم شدند، که نام آن پنج نفر عبارت بود از:

1- عبدالله بن سعد، 2- احوص، 3- عبدالرحمن، 4- اسحاق، 5- نعیم، که پس ورود آنها به قم رفته رفته برادران و پسر عموها و سایر بستگان آنها به آنها پیوستند.

از جمله موسی بن عبدالله اشعری از شاگردان امام صادق علیه السلام بود و در کوفه سکونت داشت، وارد قم گردید، و نقش به سزای در تشیید و گسترش تشیع، در قم داشت.

محقق کاوشگر شیخ محمد رازی می نویسد: اغلب تاریخ نویسان قم نوشته اند: قم با ورود اشعری ها دگرگون شده و مرکز علما و محدثان و راویان و فقها گردید، گروهی از اشعری ها که به قم آمدند، از علمای تابعین بودند، که در سپاه عبدالرحمن بن محمد بن اشعث، با حجاج می جنگیدند. <sup>(80)</sup>

عبدالله بن سعد و پسرش موسی که از اشعری ها بودند، از علمای آن روز به حساب می آمدند که به قم وارد شدند. <sup>(81)</sup>

از گفتنی ها اینکه: هنگامی که آل اشعر در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم به قم آمدند، زمینه مساعد و خوبی برای پی ریزی حوزه علمیه به صورت ابتدایی در قم به وجود آمد، زمینه ای که در آینده نه چندان دور، حوزه علمیه فراگیر و پرتلاشی را نوید می داد، از این رو امامان اهل بیت علیهم السلام با آینده نگری وسیعی که داشتند، از چنین حوزه ای خبر می دادند، امام صادق علیه السلام در سخنی فرمود:

ستخلو کوفه من المومنین و یأزرعها العلم کما تآزر الحیه فی حجرها، ثم یظهر العلم ببلده یقال لها قم و تصیر معدنا للعلم و الفضل حتی لا یبقی فی الارض مستضعف فی الدین حتی المخدرات فی الحجال...؛

به زودی کوفه از مومنان خالی می گردد، و علم از آن همچون ماری که در لانه اش جمع می شود، جمع و برچیده می گردد و سپس در شهری که آن را قم می گویند، آشکار می شود، و آنجا مرکز علم و فضیلت خواهد شد در آن وقت

بر اثر گسترش علم و از قم) در سراسر زمین هیچ کس حتی زنان خانه نشین باقی نمی ماند که از نظر دینی، ضعیف و مستضعف باشد. (82)

### حوزه علمیه قم در قرن دوم، و آستانه قرن سوم هجری

از مطالب گذشته دورنمایی از پی ریزی حوزه علمیه قم در اواخر قرن اول، و در قرن دوم را دانستیم، برای تکمیل آن، نظر شما را به مطلب زیر جلب می کنیم:

عباس فیض نویسنده کاوشگر می نویسد: احوص اشعری هنگام قیام ابومسلم خراسانی (در اوایل قرن دوم هجری قمری) بر ضد خلفای اموی، در سرزمین قم، کاری بی نظیر انجام داد، در یک شب (چهارشنبه) تمام بت ها و سران بت پرستان حصارهای این منطقه را به وسیله غلامان خود، نابود کرد، و این سرزمین را پایگاه شیعه امامیه گردانید... برای نخستین بار مکتب امامیه، توسط عرب اشعری در قم افتتاح گردید که فقه شیعه به طور رسمی در آن تدریس می شد، و مشعل هدایت و ارشاد، در اولین بار، در این شهر، فروزان گردید، و تربیت یافتگان مکتب (حوزه) قم، بر سایر بلاد اسلامی نور افشانی کردند. از این مکتب اساتید و اساتینی برخاستند که نام نامی و لقب گرامی آنها برای همیشه زینت بخش صفحات کتب رجال و تراجم است...

یکی از تربیت شدگان این مکتب ابو عصیده، احمد بن عبیدین ناصح بن بلنجر دیلمی بود، که به سوی بغداد رهسپار گشت، و نظر به اینکه در ادبیات عرب، استادی ماهر بود، متوکل (دهمین خلیفه عباسی) او را معلم فرزندان خود نمود، از این رو او پیوسته ملازم دربار متوکل بود، تا اینکه روزی شنید متوکل به طور آشکار به ساحت مقدس حضرت زهرا علیها السلام و علی اسائه ادب کرد، بسیار

اندوهگین شدت این راز را با معتز (فرزند متوکل) که شاگردش بود، در میان گذاشت، و چنین وانمود کرد که ریختن خون متوکل، مباح است.

معتز گفت: اگر اجازه دهی، خون پدرم را بریزم.

ابوعصیده گفت: چه گوئیم، که کشنده پدر، بیش از شش ماه زندگی نخواهد کرد. معتز گفت: من به خاطر بدگویی او از حضرت فاطمه علیها السلام یگانه دخت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را می کشم، هر چند که خود نیز بر روی زمین نمانم.

سرانجام با یکی از امرای لشگر، پیمان سری بست، و با او شبانه همراه یاران، به خوابگاه متوکل یورش بردند، او و وزیرش فتح بن خاقان را کشتند. <sup>(83)</sup>

#### حوزه علمیه قم در قرن سوم و ورود حضرت رضا علیه السلام به قم

در قرن دوم می توان گفت که قم در قبضه شیعیان این سرزمین تحت اشراف آل اشعر همان شاگردان امام صادق و ائمه دیگر علیهم السلام به سر می بردند، تا اینکه ماجای حرکت حضرت رضا علیه السلام در سال 200 هجری قمری به خراسان رخ داد، مأمون (هفتمین خلیفه عباسی) در خراسان می زیست، حضرت رضا علیه السلام را که در مدینه بود به خراسان طلبید، و برای آن حضرت نوشت که از راه کوفه و قم نیاید بلکه از راه بصره اهواز و فارس بیاید. <sup>(84)</sup>

ظاهراً منظور مأمون این بود که حضرت رضا علیه السلام از کوفه و قم که مرکز عمده شیعیان آن روز بود عبور نکند، تا مبادا شیعیان با محور قرار دادن آن حضرت، بر ضد حکومت بنی عباس شورش کنند، در عین حال بعضی از متون تاریخی و قراین بیانگر آن است که حضرت رضا علیه السلام در سفر خود به خراسان، به قم آمده است. (چنان که قبلاً ذکر شد).

سید بن طاووس که از علمای قرن هفتم بوده، پس از ذکر آمدن حضرت رضا

علیه السلام به قم، و خانه ورود او می نویسد:

و هو الیوم مدرسه مطروقه؛ و این خانه (که حضرت رضا علیه السلام در آن خانه مهمان شد) در زمان حاضر (قرن هفتم) مدرسه ای است که رهگذران (و محل اطراق طلاب) می شد. <sup>(85)</sup>

ورود حضرت رضا علیه السلام در سال 200 هجری به قم، و استقبال گرم مردم از آن حضرت بیانگر آن است که در اواخر قرن دوم و آغاز قرن سوم هجری، در قم زمینه های عمیق و وسیعی برای بروز فرهنگ تشیع و فقه آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم وجود داشته، و همان زمینه ها، پدیدار شدن حوزه علمیه، و برخاستن افراد فرزانه و برجسته را از آن حوزه، نوید می داد، بر همین اساس بود که امام صادق علیه السلام در سخنی فرمود:

وسیأت زمان تکنون بلده قم و اهلها حجه علی الخلائق

به زودی زمانی فرا می رسد که شهر قم و اهل آن، حجت سایر مردم خواهند شد. <sup>(86)</sup>

تأثیر ورود حضرت معصومه علیه السلام به قم در تشیید و تداوم حوزه

در سال 201 هجری قمری حضرت معصومه علیه السلام دختر امام کاظم علیه السلام، از مدینه به سوی خراسان حرکت کرد، هنگامی که به ساوه رسید، در آنجا بیمار و بستری شد، آن حضرت از وجود قم، و تمرکز شیعیان در قم، اطلاع داشت، به خادم مخصوص خود فرمود: مرا به قم ببرید.

از سوی دیگر، خبر ورود حضرت معصومه علیه السلام به ساوه، به مردم قم رسید، پسران و نوادگان سعد اشعری به اتفاق تصمیم گرفتند که آن حضرت را به قم بیاورند، در میان آنها موسی بن خزرج بن سعد اشعری نیز بود، با هم به ساوه برای استقبال از حضرت معصومه علیه السلام رفتند و او را با کمال احترام به قم آوردند، موسی بن خزرج زمام شتری را که حضرت معصومه علیه السلام برا آن سوار

بود، به دست گرفت و آن شتر را به سور قم به خانه خود آورد، و حضرت معصومه علیها السلام را به منزل خود وارد کرد و با کمال احترام از او همراهانش پذیرایی نمود، که شرح آن در فصل بعد خاطر نشان می شود. ورود حضرت معصومه علیها السلام به قم، و مرقد مطهر او، و سپس ورود امامزادگان بسیار به قم، موجب تحولات تازه و موثر در استحکام و گسترش تشیع گردید، و در کنار آن نقش به سزایی در تحکیم و گسترش حوزه علمیه و رفت و آمد و ارتباط علما و راویان و شاگردان برجسته امام صادق علیه السلام، امام کاظم علیه السلام، امام رضا علیه السلام و... داشت.

و مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام همچون چراغ تابان در طول قرن ها از آغاز قرن سوم تا کنون فراراه رونق حوزه علمیه در قم بوده و می باشد.

#### چهره های برجسته حوزه علمیه قم در قرن های دوم، سوم و چهارم

از متون و شواهد تاریخی می توان استنباط کرد که بیش از صد نفر، از علما و شاگردان امامان علیهم السلام که غالبا از آل اشعر بودند، حوزه علمیه قم را در قرن های دوم و سوم و چهارم تشکیل می دادند، در اینجا به عنوان نمونه به ذکر پانزده نفر از آنها می پردازیم:

#### 1- ذکریا بن آدم بن عبدالله بن سعد اشعری

یکی از علمای برجسته و راویان خبیر، که نقش بسیار در به وجود آوردن حوزه علمیه، در قرن سوم در قم داشت، ذکریا بن آدم بن عبدالله بن سعد اشعری است، محققین و روای شناسان از بزرگوار، به عنوان فقیه جلیل و عظیم القدر یاد کرده اند، او در عصر امام صادق علیه السلام و حضرت رضا علیه السلام می زیست و از شاگردان برجسته و مورد وثوق آن دو بزرگوار بود، و در قم به عنوان یک مرجع تقلید فتوا داد، و مسائل حلال و حرام را برای مردم بیان می کرد.

علی بن مسیب می گوید: به امام رضا علیه السلام (در خراسان) عرض کردم: فاصله محل زیست من با شما بسیار دور است، و من نمی توانم هر وقت به حضور شما برسم و مسائل خود را بپرسم، احکام و معارف دینم را از چه کسی بیاموزم؟ امام رضا علیه السلام در پاسخ فرمود:

من زکریا بن آدم القمی، المأمون علی الدین و الدنیا؛

از زکریا فرزند آدم قمی بیاموز که امین در امور دین و دنیا است. <sup>(87)</sup>

در روایت دیگر آمده: زکریا بن آدم در ملاقاتی به حضرت رضا علیه السلام عرض کرد: می خواهم از قم بیرون بروم، زیرا تعداد افراد سفیه در آنجا زیاد شده است. امام رضا علیه السلام در پاسخ فرمود:

لا تفعل فان اهل بیتک یدفع عنهم بک کما یدفع عن اهل بغداد بابی الحسن  
الکاظم علیه السلام؛

چنین نکن زیرا به وسیله وجود تو بلا از اهل بیت تو (مردم قم) دفع می شود، همان گونه که به خاطر وجود امام کاظم علیه السلام بلا از بغداد دفع می گردد. <sup>(88)</sup>  
مرقد شریف این فقیه عالی قدر در قبرستان شیخان قم، دارای بارگاه بوده و مزار شیعیان است.

## 2- زکریا بن ادريس بن عبدالله اشعری

یکی از فقها و راویان برجسته زکریا بن ادريس، پسر عموی زکریا بن آدم است، که به عنوان ابو جریر قمی خوانده می شد، از فضیلت و فرزاندگی این بزرگوار اینک، وقتی که از دنیا رفت زکریا بن آدم می گوید: به حضور امام رضا علیه السلام رفتم، از آغاز شب تا صبح، حضرت رضا علیه السلام مکرر از او سخن به میان می آورد و می فرمود، خدا او را؛ 44 شش رحمت کند.

او از اصحاب امام صادق علیه السلام و امام رضا علیه السلام بود، و همواره روایت آنها را برای مردم نقل می کرد، و دارای کتاب بود، و امامان علیهم السلام او را امین و مورد اطمینان معرفی کرده اند.

این بزرگمرد نیز بیشتر در قم سکونت داشت، و همواره به ارشاد مردم و آموختن فقه و شرایع اسلام مشغول بود، قبر شریفش در قبرستان شیخان قم می باشد.

پدر وی، ادريس بن عبدالله اشعري قمی نیز از فضلاء و دارای کتاب بوده است. (89)

### 3- آدم بن اسحاق بن آدم بن عبدالله اشعري

یکی دیگر از افراد مورد وثوق که از فضلاء و طلاب عالی مقام در عصر امامان علیهم السلام، پسر عموی زکریا بن آدم است، وی مولف کتابی محتوی روایات امامان علیهم السلام بود که علمای برجسته، از آن کتاب نقل روایت می کردند، و مولفش را مورد اعتماد می دانستند. (90)

قبر شریف این بزرگوار نیز، در قبرستان شیخان قم قرار دارد.

### 4- اسحاق بن عبدالله بن سعد اشعري

یکی از فضلاء و چهره های درخشنده از اصحاب امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام، اسحاق بن عبدالله قمی، عموی زکریا بن آدم است، وی نیز دارای کتاب بوده، و در نشر علوم ائمه اهل بیت علیهم السلام در قم کوشش می نمود و از فضلاء حوزه علمیه قم در آن عصر به شمار می آمده است. (91)

فرزندش احمد بن اسحاق وکیل امام حسن عسکری علیه السلام در قم بود که خاطرنشان می شود، قبر شریف اسحاق بن عبدالله نیز در قبرستان شیخان قم قرار دارد.



## 5 و 6- عمران و عیسی، دو برادر از فرزندان عبدالله

دو نفر از راویان برجسته و شاگردانش برازنده امام صادق علیه السلام که در پیشگاه آن حضرت در جایگاه ارجمندی بودند، عمران و عیسی پسران عبدالله بن سعد اشعری می باشند، این دو نیز در تعلیم فرهنگ و فقه فقه شیعی، در قم، تلاش مستمر وسیع می کردند و در بازسازی حوزه علمیه قم در اواخر قرن دوم و در قرن سوم، نقش به سزا داشتند. برای اینکه به مقام ارجمند این دو عالم ربانی و پر تلاش پی ببریم نظر شما را به سه روایت زیر در مورد لطف و توجه خاص امام صادق علیه السلام به آنها جلب می کنیم:

1- از ابان بن عثمان روایت شده، عمران بن عبدالله قمی به حضور امام صادق علیه السلام آمد، امام صادق علیه السلام او را به گرمی پذیرفت و در کنار خود نشانید و به او فرمود: حالت چگونه است؟ حال فرزندان و خانواده ات چگونه است؟ حال پسر عموهایت چگونه است؟ بستگان و فامیلت در چه حال هستند؟ . در پایان وقتی که برای خداحافظی برخاست و رفت، یکی از حاضران، از امام صادق علیه السلام پرسید: این آقا چه کسی بود؟ .

امام صادق علیه السلام در پاسخ فرمود:

نجیب قوم نجباء، ما نصب لهم جبار الا قصمه الله

این شخص، یکی از افراد شریف از خاندان شریف است، که هر ستمگری از طاغوتیان نسبت به آنها سوء قصد کند، خداوند کمرش را می شکند. <sup>(92)</sup>

2- و در روایت دیگر آمده: عمران، خیمه هایی بافت و آماده کرد و در سرزمین منی به حضور امام صادق علیه السلام رسید و آنها را به آن حضرت اهدا نمود، امام صادق علیه السلام دست عمران را گرفت و چنین دعا کرد:

از درگاه خداوند می خواهیم که بر محمد و آلش درود بفرستد و در روزی که سایه ای جز سایه خدا نیست، تو و خانواده ات را در سایه خویش قرار دهد. (93)

3- یونس بن یعقوب می گوید: در مدینه بودم، در یکی از کوچه های مدینه امام صادق علیه السلام را ملاقات نمودم، آن حضرت به من فرمود: اذهب یا یونس فان بالباب رجلا اهل البيت؛

ای یونس! به سوی خانه حرکت کن، که در پشت در خانه، مردی از ما اهل بیت منتظر است.

من زودتر به سوی خانه امام صادق علیه السلام حرکت کردم، دیدم که عیسی بن عبدالله قمی در کنار در نشسته است، طولی نکشید که امام صادق علیه السلام آمد و به ما فرمود: وارد خانه شوید سپس به من فرمود: ای یونس! به گمانم تو سخن مرا نپذیرفته ای که گفتم: عیسی بن عبدالله از ما خاندان است.

یونس عرض کرد: آری فدایت گردم، عیسی از اهل مردم قم است، چگونه است اهل خانه شما است؟!

امام صادق علیه السلام فرمود:

یا یونس! عیسی بن عبدالله رجل مناحی و هو منامیت؛

ای یونس! عیسی بن عبدالله در حیات و ممات، از ما خاندان است. (94)

هنگام خداحافظی، امام صادق علیه السلام بین دو چشم عیسی بن عبدالله را بوسید. (95)

## 7 و 8- ابراهیم بن هاشم و پسرش علی بن ابراهیم

یکی از راویان و علمای پرکار که از اهالی کوفه بود، ولی در قرن سوم به قم مهاجرت کرد، ابراهیم بن هاشم است، او نخستین کسی است که حدیث کوفیان را در قم منتشر نمود، او از اصحاب خاص امام جواد علیه السلام بود، و به گفته بعضی

با امام رضا علیه السلام نیز ملاقات نموده بود، و از روایانی است که 6414 روایت از امامان علیهم السلام نقل کرده است.

او دارای تألیفاتی بود <sup>(96)</sup> از جمله کتاب النوادر و کتاب قضاوت های امیرالمؤمنان علی علیه السلام را می توان نام برد. <sup>(97)</sup>

آری آن کسی که حامل 6414 روایت از امامان معصومه علیهم السلام است، و از اصحاب نزدیک امام جواد علیه السلام می باشد، و با این مکتب علمی در اوایل قرن سوم به قم می آید و به نشر آثار امامان علیهم السلام همت می گمارد، قطعاً نقش به سزایی در تشکیل حوزه علمیه در قم، در آن عصر خواهد داشت، چرا که وجود ذیجود علمای پرکار و برجسته ای همانند او، موجب رونق بازار علم و دانش و تعلیم و تعلم خواهد شد.

جالب اینکه پسر ارجمند او علی بن ابراهیم قمی (صاحب تفسیر علی بن ابراهیم) نیز راه پدر را بیمود، و از دانشمندان و روایان لایق و تلاشگری بود که در انتقال احادیث و فرهنگ امامان اهل بیت علیهم السلام از عراق به قم ید طولاً داشت. این مرد بزرگ را به عنوان یکی از اعلام قرن 3 و 4 که در قم می زیسته، خوانده اند،

او کتاب های متعددی تألیف کرد، مانند:

1- تفسیر روائی قرآن، 2- الناسخ و المنسوخ، 3- المغاری، 4- کتاب الشرایع، 5- قرب الاسناد، 6- المناقب، 7- اختیار القرآن - 8- کتاب التوحید و الشرک، 9- کتاب الحیض، 10- کتاب الانبیاء، 11- کتاب فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام، 12- کتاب المشذر.

قبر شریف این عالم بزرگ، در قم در بقعه ای در کنار باغ شهرداری همراه قبر شریف محمدبن قولویه است. <sup>(98)</sup>

9- یکی از رجال برجسته که با قم ارتباط داشت و شاگردانش از کوفه به قم آمدند، و به نشر آثار تشیع پرداختند، یونس بن عبدالرحمن شاگرد برجسته امام کاظم علیه السلام، سپس شاگرد امام رضا علیه السلام است، او دارای تألیفات ارزنده بود و با بیان و قلم از حریم ولایت و امامت دفاع می کرد، به گفته فضل بن شاذان، یونس هزار کتاب در رد مخالفین و... نوشت.

یونس از فقها و مراجع عالیقدر است که امام رضا علیه السلام در پاسخ به سوال حسن بن علی بن یقطین فرمود: یونس مورد اطمینان است، مسائل مورد نیاز خود را از او بپرس.

و در مورد دیگر، اهالی بصره، در مورد یونس بن عبدالرحمن، شکایت کردند، یونس غمگین شد، حضرت رضا علیه السلام با او فرمود:

ای یونس! با کی بر تو نیست وقتی که امام تو را از تو راضی است، ای یونس! هر گاه در دست تو گوهر درخشانی باشد و مردم بگویند پشگل است یا در دستت تو گوهر درخشانی باشد و مردم بگویند پشگل است یا در دستت پشگل باشد و مردم بگویند گوهر است، آیا در نظر تو اثر می کند؟

یونس عرض کرد: نه، امام رضا علیه السلام فرمود: بنابراین واقعیت که راه و روش تو در دست است و امام تو از تو راضی است، از گفتار مردم نگران نباش. <sup>(99)</sup>

#### 10- احمد بن اسحاق، وکیل امام حسن عسکری علیه السلام در قم

یکی از علمای برجسته و محدثین عالی مقام و شیوخ علمای قم در قرن سوم احمد بن اسحاق بن عبدالله اشعری قمی است، او از اصحاب و نزدیکان امام حسن عسکری علیه السلام بود، و حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در کودکی در نزد پدرش امام حسن علیه السلام دیدار کرد، او از سفراء و وکلای امام حسن عسکری علیه السلام در قم بود، و به امر آن حضرت مسجد امام قم

را ساخت، او دارای تألیفات متعدد بود، مانند: 1- کتاب علل الصلوه 2- مسائل الرجال، 3- علل الصوم و...

او در رسیدگی به امور دینی، اجتماعی و سیاسی شیعیان، به خصوص مردم قم، تلاش فراوان داشت، و بین مردم و امام حسن علیه السلام و آستان قدس امام زمان علیه السلام رابط بود، و توقیعات متعددی که از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام برای افراد خاص صادر می شد، یکی از آنها به نام احمد بن اسحاق بود.

این مرد مخلص و بزرگ، در تکوین و تشیید حوزه علمیه در عصر خود، نقش موثر داشت، و در حدیث رسانی به طلاب آن زمان تلاش بسیار می کرد <sup>(100)</sup>. سرانجام هنگام بازگشت از سامرا به قم، در مسیر خود وقتی به حلوان (سر پل ذهاب) رسید، از دنیا رفت قبرش در آنجا دارای بارگاه شکوه مند زیارتگاه شیفتگان خاندان رسالت علیه السلام است.

### 11- سعد بن عبدالله اشعری قمی

یکی از فقها برجسته و روایان جستجوگر و پر تلاش، و مولفان بزرگ قمی در قرن سوم، سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری قمی پیشوای قمی ها است که از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام بود، و در قم سکونت داشت و در راه استحکام و گسترش فقه تشیع، در قم رنج فراوان برد و کوشش بسیار نمود.

وی رد روز 27 شوال سال 299 یا 300 یا 301 هجری قمری وفات یافت. <sup>(101)</sup>

شخصیت های برجسته ای مانند محمد بن قولویه، علی بن حسین بن موسی بابویه، حمزه بن قاسم و... را از شاگردان او به شمار آورده اند. <sup>(102)</sup>

وی در آن عصر کتاب های بسیار در فقه و تاریخ و رجال و علم کلام تألیف نمود که از جمله آنها است:

1- کتاب الرحمه، 2- کتاب جوامع الحج، 3- کتاب الضیاء در امامت، 4- مقالات الامامیه، 5- مناقب، 6- مثالب رواه الحدیث، 7- کتاب فی فضل قم و الکوفه، 8- بصائر الدرجات، 9- منتخبات، 10- فضائل عبدالله و ابوطالب و عبدالمطلب (103).

## 12 - علی بن بابویه قمی

نامه امام حسن عسکری علیه السلام به علی بن بابویه

امام حسن عسکری علیه السلام نامه ای برای علی بن بابویه نوشت که ترجمه آن چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم، حمد و سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است، و عاقبت نیک برای پرهیزکاران می باشد، و بهشت برای یکتاپرستان، و آتش دوزخ برای منکران است، و عدوانی جز بر ستمگران نیست، و معبودی جز خدای یکتا وجود ندارد، که برترین آفریدگار است، درود بر بهترین خلقش محمد صلی الله علیه و آله و سلم و عترت پاکش.

اما بعد اوصیک یا شخصی و معتمدی و فقهی ابالحسن علی بن الحسین قمی...؛

سفارش می کنم تو را ای شیخ و مورد اعتماد و فقیه من، ابوالحسن، علی بن الحسین قمی، خداوند تو را بر آنچه مورد خشنودی او است موفق بدارد، و در پرتو رحمتش فرزندان شایسته در نسل تو قرار دهد. (سفارش می کنم تو را) به تقوا و پرهیزکاری و برپا داری نماز و دادن زکات، زیرا نماز از کسی که زکات نمی دهد قبول نمی شود، و تو را سفارش می کنم به بخشیدن لغزش های دیگران، فرو بردن خشم هنگام غضب، صلح رحم، ایثار و همکاری با برادران دینی، و کوشش در تأمین نیازهای آن ها در هنگام سختی و آسانی، تعقل و

خردمندی، هنگام جهل و نادانی. دین شناسی و استواری در امور، و فراگیری قرآن و پیوند معنوی با آن، خوش اخلاقی، امر به معروف و نهی از منکر که خداوند می فرماید:

لا خیر فی کثیر من نجواهم الا من امر بصدقه او معروف، او اصلاح بین الناس؛

از بسیاری از درگوشی (و جلسات محرمانه) آنها (مناققان و منکران خیر و سودی نیست، مگر کسی که (به این وسیله) امر به کمک به دیگران یا کار نیک یا اصلاح در میان مردم کند، و هر کس برای خشنودی خداوند چنین کند، پاداش بزرگی به او خواهیم داد. (104)

و دوری از همه زشتی ها.

و بر تو باد به نماز شب، همانا پیامبر ﷺ به علی ع چنین وصیت کرد: یا علی علیک بصلوه الیل، علیک بصلوه الیل و من استخف بصلوه اللیل فلیس منا؛

ای علی بر تو باد به نماز شب، بر تو باد به نماز شب، و کسی که نماز شب را سبک بشمرد از مام نیست.

به سفارش ما عمل کن، و آنچه را به تو امر کردم، به همه شیعیانم امر کن تا به آن عمل کنند.

و بر تو باد به صبر و انتظار فرج (امام مهدی ع) همانا پیامبر ﷺ فرمود: بهترین اعمال امت من، انتظار فرج است، و همواره شیعیان ما در اندوه هستند، تا پسر من آشکار گردد، همان که پیامبر ﷺ در مورد او چنین مژده داد: او سراسر زمین را همان گونه که پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد کند، ای شیخ من! و ای مورد اعتماد من ابوالحسن! صبر کن و همه شیعیانم

را به صبر و استقامت امر کن؛ ان الارض لله یورثها من عباده، و العاقبه للمتقین؛ همانا سراسر زمین از آن خداست، و آن را به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) واگذار می کند، و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است.

و سلام بر تو و همه شیعیان ما، و رحمت و برکات خدا بر آنها، و خدای برای ما کافی و نگهبان، و مولای نیک و یاور نیکو می باشد. <sup>(105)</sup>

این نامه به روشنی بیانگر آن است که قم در همان قرن دوم و سوم، در دوران غیبت صغری، دارای وزنه های بزرگ علمی و معنوی بوده و مرکزیت ویژه ای برای نشر علوم آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ داشته است.

### 13- ابن ولید قمی

محمد بن حسن ولید قمی، بزرگ ترین فقیه و محدث شیعه در قم بعد از علی بن بابویه بود، و او را به عنوان استاد شیخ صدوق یاد کرده اند، و کتاب الجامع در فقه از تألیفات او است، وی در سال 343 هجری قمری در قم از دنیا رفت.

### 14- ابن قولویه قمی

یکی از فقها و علمای برجسته حوزه علمیه قم در قرن چهارم، جعفر بن محمد بن قولویه مولف کتاب کامل الزیارات استاد شیخ مفید است، او کتاب های بسیار در فقه و حدیث و... تألیف کرده که علامه سید محسن امین در اعیان الشیعه، تعداد 25 کتاب او را نام می برد، این مرد بزرگ در سال 367 یا 369 هجری قمری از دنیا رفت، و قبرش در کاظمین است. <sup>(106)</sup>

### 15- شیخ صدوق

یکی از ستارگان درخشان آسمان فقه و علم و فضیلت، عالم بزرگ و مجتهد اکبر، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بابویه، معروف به شیخ صدوق است، وی در حدود سال 305 هجری قمری متولد شد و در سال 381 از دنیا



رفت، در شرح حال این فقیه بزرگ قمی، به ذکر گفتار محدث خیبر، شیخ عباس قمی (رحمه الله) اکتفا می کنیم:

شیخ صدوق، بسیار جلیل القدر و حافظ احادیث بود، به حدی که در میان قمی ها مانند او در حفظ و کثرت علم دیده نشد، او در قم بود و به التماس شیعیان ری به ری رفت و در آنجا اقامت گزید... او قریب سیصد کتاب تصنیف فرمود... غالب احادیثی که به ما رسیده از برکات قلم اوست، قبرش در این بابویه، شهر ری است. (107)

جالب این که شیخ صدوق (رحمه الله) به دعای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) متولد شد، به این ترتیب که: علی بن بابویه (پدر شیخ صدوق) گوید: عریضه ای به محضر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نوشتم و توسط حسین بن روح (سومین نایب خاص امام زمان) به ناحیه مقدسه فرستادم، و از آن حضرت خواستم دعا کند تا دارای فرزند شوم. طولی نکشید جواب آمد: به زودی خداوند دو فرزند صالح به او خواهد داد دعای امام مستجاب شد، او دارای دو پسر شد، نام یکی از آنها را محمد و دیگری را حسین گذاشت، محمد (شیخ صدوق) و وقتی که بزرگ شد افتخار می کرد که بر اثر دعای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) متولد شده است، اساتید او می گفتند: سزاوار است کسی که به دعای حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَام متولد شده این چنین (دارای مقامات عالی علمی و معنوی) گردد. (108)

کوتاه سخن آنکه: نویسنده تاریخ قدیم قم (تألیف شده سال 378) که معاصر شیخ صدوق بوده می نویسد: تعداد علمای شیعه در عصر ما به 226 نفر رسیده، ولی تعداد علمای اهل تسنن به چهارده نفر می رسند. (109)

نتیجه و جمع بندی:

مطالب فوق بیانگر آن است که قم در قرن دوم و سوم، و به خصوص در قرن چهارم دارای حوزه علمیه بود، و این حوزه از نظر علمی در پرتو وجود علمای بزرگ و فقهای عالی مقام، در جایگاه رفیعی قرار داشته است. و مطابق بعضی از متون، تنها در قرن چهارم هجری قمری صد نفر از علمای بزرگ و محدثان از قم برخاسته اند. (110)

### حوزه علمیه قم از قرن پنجم تا کنون

رونق حوزه علمیه قم در قرن پنجم و ششم

در قرن های 5 و 6 هجری قمری (دوره سلجوقیان) نیز قم مرکزی بزرگ برای فقهای و علمای شیعه بوده و عده ای برای تحصیل به این شهر می آمدند و مدارس دایری داشت.

شیخ عبدالجلیل رازی نویسنده کتاب النقص الفضائح وضع علمی قم را در قرن ششم شرح داده می گوید: مدارس دینی قم، دارای وسایل کافی علما و مدرسان و مفسران بزرگ می باشد، و کتابخانه هایی مشحون از کتب فرقه های مختلف در آن وجود دارد.

شیخ عبدالجلیل رازی نام این چند مدرسه علمیه را در قم که در عصر خودش (قرن ششم هجری قمری) دایر بود فقیهان و پیشوایان دینی، با شکوه تمام در آن می زیسته اند، ذکر کرده است که عبارتند از:

مدرسه سعد صلت، مدرسه اثیرالملک، مدرسه سید سعید عزالدین مرتضی،  
مدرسه سید زین الدین، مدرسه ظهیر الدین عبدالعزیز، مدرسه ابوالحسن کمیج،  
مدرسه شمس الدین مرتضی، مدرسه مرتضی کبیر، و مدرسه ای در جنب مرقد

مطهر حضرت معصومه علیها السلام (که به نام مدرسه آستانه یا... بوده است، این مدرسه به احتمال قریب به یقین همان مدرسه فیضیه فعلی است).<sup>(111)</sup>

نویسنده تاریخ مذهبی قم، پس از نقل مطلب فوق، می نویسد: در فاصله میان سلجوقیان - که در قرن 6 و 7 می زیستند) تا آغاز حکومت نویسنده روشن نیست، در این فاصله در قم از لحاظ روحانیت برای نویسنده روشن نیست، در این فاصله در قم حوادث گوناگونی رخ داده و چند بار مردم آن قتل عام شده اند، و خود شهر ویران گردید...<sup>(112)</sup>

### حوزه علمیه قم در قرن 10 و 11 و 12 (عصر صفویه)

سلسله صفویه حدود 240 سال قمری و 237 سال شمسی، از سال 907 تا سال 1148 قمری (877 تا 1114 شمسی) زمام حکومت ایران را به دست گرفتند، از آنجا که زمامداران صفوی، مروج مذهب تشیع بودند، و امکانات فراوانی در اختیار علمای شیعه گذاشتند و مساعدت فراوان با آنها داشتند طبعاً حوزه های علمیه در تبریز، شیراز، اصفهان و قم رونق فراوان یافت، و شهر قم رسماً مورد توجه دولت و ملت ایران واقع شد، و بار دیگر مدارس ویران شده آباد گردید، و یا مدارس از نو ساخته شد، از این رو علمای برجسته شیعه، در این عصر در حوزه علمیه قم به درس و بحث اشتغال داشته اند، مانند:

حکیم معروف ملا صدرا شیرازی صاحب اسفار، و دامادهاش: مولی محسن فیض، فقیه فیلسوف نامی آن عصر، و مولی عبدالرزاق فیاض لاهیجی، و فرزند او میرزا حسن گیلانی (متوفای 1043 هجری قمری) و همچنین قاضی سعید<sup>(113)</sup> و مولی طاهر قمی و دیگران، و به گفته بعضی دو عالم بزرگ دوره صفویه، یعنی شیخ بهائی و میرفندرسکی نیز مدتی در حوزه علمیه قم بودند و در مدرسه فیضیه حجره داشته اند.<sup>(114)</sup>

حضور این علمای برجسته و پر تلاش در قم، در عصر صفویه بیانگر آن است که قم در آن عصر، دارای حوزه علمیه فعال، و مدارس و طلاب بسیار بوده، و علوم مختلف اسلامی در آن، تحصیل و تدریس می شده است. مدرسه فیضیه که از قدیمی ترین مدارس علمی قم است، و می توان آن را در همه قرن ها، مرکز طلاب علوم دینی نامید در عصر شاهان صفوی تجدید بنا شد، چنان که از کتیبه ایوان جنوبی مدرسه فیضیه، که در آن به صحن کهنه مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام باز می شود، فهمیده می شود که این مدرسه در عهد صفویه بازسازی شده و این تجدید بنا از بناهای دومین شاه صفوی یعنی طهماسب اول (متوفای 948 هجری قمری) در سال 934 هجری قمری است، و به گفته بعضی وجه نامگذاری آن به فیضیه این رو است که حکیم و محدث و فقیه بزرگ، مولی محسن فیض (متوفی 1091 هجری قمری) در این مدرسه سکونت داشته است.

و به گفته بعضی دیگر: این نام، نام (حکیم عبدالرزاق فیاض لاهیجی گرفته شده که او در همین عصر در مدرسه فیضیه سکونت داشت.

یکی دیگر از مدارس علمیه که در عصر صفویه، در زمان سلطنت شاه سلطان حسین (نهمین پادشاه صفویه) ساخته شده، مدرسه مومنیه می باشد، که آن را محمد مومن ساخته است که اخیراً به دستور مرجع فقید آیت الله العظمی مرعشی نجفی (رحمه الله) بازسازی و وسعت یافته است.

و نیز یکی از مدارس حوزه علمیه، (مدرسه جانیخان) است که در مقابل در بزرگ مسجد جامع قم قرار دارد، این مدرسه نیز در عهد صفویان، توسط شخصی به نام جهانگیرخان ساخته شده است.

و همچنین بنای اولیه مدرسه آیت الله بروجردی، که قبلاً نام آن، مدرسه خان بود، و توسط آیت الله العظمی بروجردی، تجدید بنا شد نیز در عهد صفویه توسط شخصی به نام مهدی قلی خان از شاگردان ملا محسن فیض بود، ساخته شده است، این مدرسه در سال 1123 قمری تأسیس گردید.<sup>(115)</sup>

این آثار نشان می دهد که حوزه علمیه قم در عصر صفویه در قرن های دهم و یازدهم و دوازدهم از رونق خاصی برخوردار بوده است.

### حوزه علمیه قم در عصر قاجاریه

شاهان قاجار از سال 1200 هجری تا 1339 هجری قمری، در ایران سلطنت کردند، که معروف ترین آنها فتح علی شاه و ناصر الدین شاه بودند، در این عصر نیز علمای بزرگی در حوزه علمیه قم به تحصیل و تدریس اشتغال داشتند، به ویژه با سکونت مجتهد عالی مقام مرجع تقلید، آیت الله العظمی میرزای قمی (رحمه الله)<sup>(116)</sup> در قم عصر سلطنت فتح علی شاه حوزه علمیه قم، مایه برکات و آثار و توسعه حوزه علمیه قم گشته است.

توضیح اینکه: مدرسه فیضیه که باسازی نخستین آن در دوره صفویه تا حدود حوض وسط مدرسه بود، در عصر فتحعلی شاه در سال 1213 و 1214 هجری قمری و بازسازی دیگر شد.

و بنای اصلی مدرسه دارالشفای به دستور فتحعلی شاه انجام گرفت.

مدرسه حاجی ملاصادق واقع در گذر قاضی قم، توسط میرزا آقا خان از رجال دولتی ناصر الدین شاه ساخته شد و...

به این ترتیب می بینیم حوزه علمیه قم در این عصر، وارد مرحله جدیدی شده و رونق عمیق و گسترده ای داشته است.

## نقش آیت الله فیض برای توسعه حوزه

یکی از برجستگان حوزه علمیه قم مرحوم آیت الله العظمی میرزا محمد فیض؛ بود، او در سال 1293 هجری قمری در قم دیده به جهان گشود و در 25 جمادی الاولی سال 1370 در 77 سالگی رحلت نمود، قبر شریفش در صحن عتیق جلوی ایوان طلای بارگاه ملکوتی حضرت معصومه علیها السلام گرفته است.

این مرد بزرگ با تدریس و تألیف و تربیت شاگردان، قدم های راسخی در تحکیم و گسترش حوزه علمیه برداشت.

او در سال 1340 هجری قمری برای گسترش علوم و توسعه حوزه علمیه، برای آیت الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری که در آن وقت در اراک بود، نامه نوشت و او را به سکونت در قم دعوت کرد، و افرادی را به اراک فرستاد، تا با پیام شفاهی، دعوت کتبی قبلی را تأکید کند، پی گیری های او و دیگران باعث شد که آیت الله حائری در همان سال 1340 به قم آمد.

آقای فیض شخصا همراه آقای تولیت با بسیج کردن مردم، به محله شاه جمال رفتند، و استقبال گرمی از آیت الله حائری نمودند، پس از ورود آیت الله حائری به صحن حضرت معصومه علیها السلام چون نزدیک غروب بود، آیت الله فیض نماز جماعت خود را که در صحن نو می خواند به آیت الله حائری واگذار کرد و خود و همه علما به آیت الله حائری اقتدا کردند، شب بعد آیت الله فیض به صحن آمد، آیت الله حائری به او فرمود: اگر باید من نماز بخوانم، پس میل ندارم شما اقتدا کنید. در نتیجه آیت الله فیض محل نماز جماعت خود را به مسجد امام قم انتقال داد.

به این ترتیب مرحوم فیض، مرجعیت خود را فدای توسعه حوزه علمیه نمود، و با دعوت از آقای حائری، و استقبال از ایشان، گام بزرگی برای تحکیم و استواری و گسترش حوزه برداشت.

از گفتنی های جالب اینکه: آیت الله فیض هنگام قنوت نماز، در حالی که می گفت: الهنا عاملنا بفضلک؛ ای خدای ما با ما به فضل و کرمت رفتار کن. جان به جان آفرین سپرد. در آن عصر هشتاد هزار نفر، در زیر باران، جنازه او را تشییع کردند، آیت الله العظمی بروجردی (رحمه الله) بر جنازه اش نماز خواند، و تاریخ رحلت او را روی قبرش آیت الله الفیض نوشته اند که جمله به حساب ابجد 1370 می شود، یادش به خیر و خدماتش همیشه در خاطر زنده باد. (117)

#### تأسیس جدید حوزه، توسط آیت الله العظمی حائری

حوزه علمیه قم همچنان در نوسانات مختلف ادامه داشت، ولی دارای شکل و انسجام نبود، بلکه می توان گفت: پس از رحلت آیت الله میرزای قمی (در سال 1231 هجری قمری) سال ها در فترت و رکود به سر می برد و نیاز مبرم به عالمی وارسته و مجتهدی استوار و پر صلابت و مدیر و مدبر داشت، تا اینکه قرعه این فال به نام مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری (رحمه الله) افتاد، و با ورود این بزرگمرد علم و عمل، حوزه آنچنان متشکل و منظم و با شکوه شد، که او را مؤسس حوزه علمیه قم، می باشند، زیرا حوزه علمیه در این تاریخ به دست مبارک این بزرگ مهر الیه، نوسازی و باسازی گردید، از این رو چنان که بیان شد حوزه علمیه قم در عصر امام صادق علیه السلام بی ریزی شد و ادامه یافت.

در گفتار مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای (در 13 آذر سال 1374 در صحن مطهر حضرت معصومه علیها السلام چنین آمده:

این خصوصیت (اتصال مردم قم به اهل بیت علیهم السلام برای شما مردم قم، تقریباً از 1200 سال قبل تا امروز هست، این خصوصیات است که اینجا (قم) پذیرایی کننده بزرگ ترین حوزه علمیه طول تاریخ شیعه است. ما در طول تاریخ از اول تشکیل حوزه های علمیه طول تاریخ شیعه است. ما در طول تاریخ از اول تشکیل حوزه های علمیه تشیع تا امروز به بزرگی این حوزه مبارکه ای که به دست مرحوم آیت الله حائری (رضوان الله تعالی علیه) در این شهر، بنیان شد یا باسازی گردید، و در زمان مرحوم آیت الله العظمی بروجردی، عظمت و اعتلا پیدا کرد، و سپس به برکت امام بزرگوار و انقلاب عظیم به اوج اعتلای خود رسید، در هیچ جای دنیا نداشته ایم. <sup>(118)</sup>

آیت الله حائری در حدود سال 1276 هجری قمری در روستای مهر جرد یزد دیده به جهان گشود <sup>(119)</sup> وی سال ها در نجف اشرف و کربلا و سامرا به تحصیل و تدریس اشتغال داشت، سرانجام در سال 1332 هجری قمری به دعوت علمای اراک، وارد اراک شد و به ترتیب شاگرد پرداخت، تا اینکه در اواخر سال 1299 شمسی مطابق سال 1340 هجری قمری برای زیارت و تحویل سال به قم آمد، و بر اثر دعوت و اصرار علما و دانشمندان حوزه علمیه فعلی را پی ریزی کرد، برای طلاب علوم دینی امتحان و شهریه قرار داد، و قانون اتحاد شکل (به لباس روحانیت) اجرا شد، به طوری که در پرتو تدبیر و مدیریت و همت والادی این مرد بزرگ، مدارس قم پر از طلاب گردید و تحول عظیمی در حوزه علمیه به وجود آمد، و نام حوزه علمیه قم در همه جا شهرت یافت، از این رو وی را به عنوان مؤسس حوزه علمیه قم یاد می کنند، یکی از آثار مکتب درسی آیت الله حائری در حوزه علمیه قم، برخاستن اساتید و مراجع بزرگی، از جمله: حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد علی اراکی (رحمه الله) و



حضرت آیت الله العظمی سید محمد گلپایگانی (رحمه الله) و حضرت امام خمینی (رحمه الله) است، که اگر هیچ اثری جز این نداشت، برای نشان دادن عظمت حوزه در این عصر، کفایت می کرد، تعداد طلاب حوزه علمیه قم در این عصر از یک هزار تا دو هزار نفر می رسید.

### تحول عظیم حوزه، در عصر زعامت آیت الله العظمی بروجردی

آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری، در شب 17 ذیقعده سال 1355 هجری مطابق با 10 بهمن 1315 شمسی از دنیا رفت، و مرقد شریفش در مسجد بالا سر در جوار مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام قرار دارد.

جالب اینکه: نام آیت الله حائری با این تعبیر حاجی شیخ عبدالکریم یزدی به حساب ابجد برابر 1340 (قمری) است که او در همین سال وارد قم شد و به تأسیس جدید حوزه پرداخت، و همچنین عبارت حاج شیخ عبدالکریم به حساب ابجد برابر 1299 است، که او در همین سال 1229 شمسی، وارد قم برای تأسیس جدید حوزه شد.

مرحوم آیت الله سید صدرالدین صدر، در قصیده ای که در مدح او سروده، تاریخ رحلتش را به حساب ابجد با این جمله تطبیق نموده: لدی الکریم، حل ضیفا عنده (یعنی او به عنوان مهمان به محضر خداوند کریم وارد شد) این جمله به حساب ابجد مطابق با 1355 قمری سال رحلت ایشان است.

(120)

پس از رحلت آیت الله حائری (رحمه الله) سه تن از مراجع و علمای بزرگ، و مجتهدین از شاگردانش، مانند آیت الله العظمی سید محمد حجت، و آیت الله العظمی سید صدر الدین صدر، و آیت الله العظمی سید محمد تقی خوانساری، به طور ائتلاف سرپرستی حوزه را بر عهده گرفتند، و از پاشیدگی آن ممانعت نمودند، در این راه دوره که از سال 1315 شمسی تا سال 1324 ورود آیت الله

بروجردی (یعنی 9 سال) طول کشیده نیز به تدریج بر عظمت حوزه از نظر کمیت و کیفیت افزوده شد، احداث مدرسه حجتیه که یکی از مدارس علمی عظیم حوزه علمیه قم است از آثار این دوره تحت زعامت آیت الله حجت می باشد که به روشنی از افزایش طلاب و وسعت حوزه در این دوره حکایت می کند.

این مدرسه دارای پارک های متعدد و مسجد و آب انبار و صحن بزرگ است، که پس از فیضیه و دار الشفاء به عنوان دومین مرکز تجمع طلاب حوزه علمیه قم، به شمار می آید.

#### ورود آیت الله بروجردی به قم

در همین عصر در بین فضلاء حوزه علمیه قم گفتگو بود تا از آیت الله العظمی بروجردی (رحمه الله) که در آن روز در بروجرد سکونت داشت، دعوت به عمل آورند، تا فقیهی بزرگتر به قم به بیاید و زعامت حوزه را به دست گیرد.

سرانجام این دعوت انجام شد، و آیت الله بروجردی (رحمه الله) در سال 1324 شمسی وارد قم شد.

آیات ثلاث (آیت الله خوانساری، آیت الله حجت، آیت الله صدر) کمال احترام و تجلیل را از آقای بروجردی نمودند، سرانجام آیت الله خوانساری در شهریور 1330 و آیت الله حجت در 29 دیماه 1331 شمسی و آیت الله صدر در پنجم دیماه 1332، رحلت کردند.

و دو مرجع بزرگ آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی در 13 آبان 1325 و آیت الله حاج آقا حسین قمی در اسفند همین سال در نجف اشرف رحلت کردند، مردم ایران و عراق و... متوجه آیت الله العظمی بروجردی شدند، به طوری که ایشان مرجع کل گردید، از این رو حوزه علمیه قم در پرتو توجهات مخصوص ایشان، و توجه مردم، رونق کامل یافت، و در اندک زمانی دارای تحولات عظیم

گردید، موقعیت حوزه در عصر مرجعیت آقای بروجردی از نظرات مختلف، به پیش رفت، و پیوسته بر کمال آن افزود.

مدارس، کتابخانه ها، درس و بحث ها، نشریات و مجلات عربی و فارسی، و علوم مختلف اسلامی، در سطح عمیق و گسترده ای، فعال شدند و زمان تصدی ایشان، تعداد طلاب ساکن در قم به شش هزار نفر رسیدند، با توجه به اینکه قبل از ایشان در حدود هزار تا دو هزار نفر بودند، کوتاه سخن آنکه حوزه علمیه قم در عصر زعامت آیت الله بروجردی از سال 1324 تا 1340 شمسی (16 سال) به صورت یک کانون عظیم علمی و فرهنگی و یک دانشگاه با عظمت فقه جعفری درآمد، و همزمان تحولات عظیم سیاسی، اجتماعی و دینی بر اثر آن حوزه به زعامت آیت الله بروجردی، در کشور رخ داد.

در این عصر، یکی از اساتید بزرگ و یکی از ارکان حوزه علمیه قم، که استادی والا مقام، و مدرسی نیرومند بود، و نقش به سزایی در پیشرفت همه جانبه حوزه داشت، حضرت امام خمینی (رحمه الله) بود، درس اصول و فقه او، مهم ترین درس حوزه، و پرجمعیت ترین درس ها بعد از آیت الله المعظمی بروجردی (رحمه الله) به شمار می آمد<sup>(121)</sup>.

پیشروی حوزه بر همین منوال ادامه داشت که ناگاه حوزه در فروردین سال 1340 شمسی (مطابق با 13 شوال 1380 قمری) با سوگ فقدان آیت الله العظمی بروجردی (رحمه الله) روبرو شده که بزرگترین فاجعه برای جهان تشیع و به خصوص برای حوزه علمیه قم بود.

پس از رحلت آیت الله بروجردی، مراجع عظیم الشأن وقت همانند: امام خمینی (رحمه الله) و آیت الله العظمی گلپایگانی و آیت الله العظمی نجفی مرعشی و... زمام حوزه را بر عهده گرفتند، حوزه در مرحله دیگری قرار گرفت

و ماجراهای سیاسی در این دوره، به خصوص ماجرای مبارزات روحانیت به رهبریت امام خمینی (رحمه الله) با رژیم ستم شاهی و طاغوتی پهلوی، حوزه را بیش از پیش، مورد توجه مردم قرار داد، چرا که حوزه به صورت کانون و محور مبارزات شده بود، بر همین اساس روز به روز بر رونق حوزه می افزود، و به عنوان شکوهمندترین کانون فرهنگی و مبارزاتی و سیاسی، جلوه کرد.

پس از پیروزی انقلاب، حوزه به مرحله تازه ای وارد شد، و در ابعاد مختلف، مورد توجه قرار گرفت و گسترش یافت و هم اکنون حدود سی هزار نفر از طلاب ایرانی و خارجی در حوزه به درس و بحث اشتغال دارند و در تحت پوشش نظام جدید مدیریت متمرکز شده اند و به روند تکاملی خود ادامه می دهند، از زحمات طاقت فرسای شورای مدیریت قبل و مدیریت و شورای عالی کنونی تشکر می شود که صمیمانه با تلاش پی گیر و وسیع برای حفظ حوزه و پیشرفت های آن کوشا و جدی بوده و هستند.

چرا که حوزه های علمیه، به خصوص حوزه علمیه قم، اساس کار نظام دینی ما است، از این رو در فرازی از گفتار رهبر انقلاب<sup>(122)</sup> حضرت آیت الله خامنه ای آمده: دستگاه مدیریت حوزه علمیه قم علاوه بر جدیت و برنامه ریزی، باید نسبت به برگزاری همایش ها و اجتماعات علمی اقدام کند.

#### نظری به آثار درخشان حوزه، و فرزندان برخاسته از آن

می دانیم که هدف اصلی حوزه های علمیه، فراگیری علوم اسلامی و در رأس آن فقه جعفری، و تبلیغ و ترویج آن علوم است، به طوری که تمام قشرهای مردم در امور و شوون مختلف دینی، بهر مند گردند، و وظائف و مسوولیت ها را بشناسند بنابراین هدف اصلی حوزه برد و پایه نهاده شده

1- اسلام شناسی عمیق، 2- اطلاع رسانی، به گونه ای که سخن امام صادق علیه السلام محقق شود که فرمود:

و تصیر معدنا للعلم و الفضل حتی لا یبقی فی الارض مستضعف فی الدین؛  
قم مرکز علم و فضیلت گردد، به گونه ای که در سراسر زمین مستضعف دینی  
یافت نشود. (123)

و تعبیر دیگر فرمود:

فیفیض العلم منه الی سائر البلاد، فی المشرق و المغرب فیتم حجه الله علی  
الخلق حتی لا یبقی احد علی الارض لم یبلغ الیه الدین و العلم ثم ینظر القائم  
(عج)؛

و از قم به تمام شهرها در شرق و غرب، علم و دانش منتشر می شود، و  
حجت خدا بر همه تمام می گردد، کسی در زمین باقی نمی ماند که دین و علم و  
از قم به او نرسد، سپس حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور می  
کند (124).

آثار درخشان حوزه علمیه قم، بسیار است، و فرزندان برخاسته از آن  
فراوان هستند، در اینجا به عنوان نمونه به ذکر چند اثر، و چند نفر از برخاستگان  
حوزه می پردازیم.

1- پرورش اساتید برجسته در رشته های گوناگون اسلامی، مانند: فقه،  
اصول، تفسیر، ادبیات، منطق، علم کلام، فلسفه، اخلاق و... در میان این اساتید  
مراجع بزرگی برخاستند که بعضی از دنیا رفته اند و بعضی هم اکنون به رتق فتق  
امور اشتغال دارند، علامه طباطبایی صاحب تفسیر ارزشمند المیزان و بسیاری از  
مسولان نظام، از جمله حضرت آیت الله شهید دکتر محمد تقی بهشتی و رهبر

معظم انقلاب حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، و حضرت آیه الله شهید صدوقی و حضرت آیت الله شهید قدوسی از همین حوزه برخاسته اند.

4- ایجاد بیش از یکصد مرکز تحقیقاتی در سطح علمیه قم.

5- پرورش مبلغین و گویندگان دانشمند و محقق برای ارشاد مردم، در داخل و خارج، که بعضی از آنها در کشورهای خارج با تجهیزات وسیع به زبان های مختلف دنیا، به ارشاد و تبلیغ اشتغال دارند.

6- تأسیس کتابخانه های بزرگ و پرمحتوا، که هر کدام گنجینه های عظیم فرهنگی و ماندگار برای اسلام مسلمانان هستند، در رأس آنها کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی (رحمه الله)، کتابخانه دفتر تبلیغات اسلامی، و کتابخانه مدرسه فیضیه را می توان نام برد.

هم اکنون موقعیت حوزه علمیه قم و آثار درخشان آن در تمام نقاط کشور ایران و در کشورهای خارج در سطحی است که گویی به مرحله تحقق پیشگویی جالب امام صادق علیه السلام نزدیک شده آنجا که فرمود:

فیفیض العلم منه الی سائر البلاد و...

پیش از ظهور قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قم مرکز علم و دانش می گردد، و از آنجا علم و دانش به تمام شهرهای غرب و شرق، انتشار می یابد، و حجت خدا بر همه تمام می شود، و کسی را نمی توان یافت که از این سرچشمه دین و علم بهره مند نشده باشد. (125)

باید توجه داشت که هر کدام از آثار فوق، منشأ ده ها و صدها آثار درخشنده دیگر شده و خواهد شد.

به عنوان مثال: وجود ذیجود سه نفر از برخاستگان حوزه علمیه قم یعنی امام خمینی و شهید مطهری و شهید بهشتی (قدس الله اسرارهم) را در نظر بگیریم،

این سه بزرگ مرد علم و دین و سیاست، هر کدام سرچشمه صدها بلکه هزارها آثار و تحولات حوزوی، سیاسی، علمی، اجتماعی و دینی شده اند. (تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل).

### سخن عمیق امام خمینی (رحمه الله) و آیت الله خامنه ای

کوتاه سخن آنکه: در مورد آثار تابناک حوزه علمیه قم در رابطه با حفظ و گسترش اسلام از گزند دشمن در طول قرون و اعصار اسلامی، به خصوص در قرن اخیر، سخن بسیار است و در این گفتار نمی گنجد، ولی برای پی بردن به اوج عظمت و اهمیت آن، کافی است که به این سخن پرجا و عمیق و حساب شده حضرت خمینی (رحمه الله) گوش جان فرا دهیم که در پاسخ عده ای که گفته بودند: اگر بنا است مرجع دینی در سیاست دخالت نماید چرا مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (موسس حوزه علمیه قم) این کار را انجام نداده اند؟ فرموده بود:

اگر مرحوم حاج شیخ در حال حاضر زنده بودند کاری را انجام می دادند که من انجام داده ام، و تأسیس حوزه علمیه ایران آن روز، از جهت سیاسی کمتر از تأسیس جمهوری اسلامی در ایران امروز نبود (126).

آیا به راستی جز این است که صاحبان اصلی انقلاب اسلامی ایران و بنیانگذار جمهوری اسلامی، از برجستگان حوزه علمیه می باشند؟!

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله) در گفتار خود (در روز 13 آذر، که در صحن مطهر حضرت معصومه علیها السلام در برابر ابنوه جمعیت قم سخن می گفت) فرمود:

عزیزان من، جوانان قم، مرد و زن مومن و انقلابی حریم اهل بیت و خانه ولایت! من امروز مایلم نگاهی به انقلابی که شما این قدر نسبت به آن

خویشاوندی و نزدیکی دارید بیندازم، و از آغاز تا امروز، و از امروز به بعد آن را مختصر ارزیابی کنم.

خیمه اصلی دستگاه حرکت عظیم انقلاب اسلامی، این جاست، به همین دلیل دنیا متوجه قم است، دوستان انقلاب و اسلام، قم را دوست می دارند، و مستکبران و ظالمان و انسان های شریر در هر جا که هستند، قم را زشت می دارند، و همه چیزش را مبعوض می شمارند. (127)

### تحول حوزه، توسط امام خمینی

از اموری که هرگز نباید آن را فراموش کرد، و نیز باید آن را از افتخارات زندگی درخشان امام خمینی (رحمه الله) دانست، تحول عمیق در ابعاد گوناگونی است که توسط امام خمینی (رحمه الله) در حوزه علمیه قم و سپس در حوزه های دیگر، به وجود آمد.

آن بزرگمرد، حوزه را از زیر حجاب تحجر و سطحی نگری نجات داد. حوزه ای که از واژه سیاست، یا عرفان، وحشت داشت، سردمدار سیاست گردید و به عرفان حقیقی در کنار فقه، روی آورد.

او طلبه ها را از گوشه انزوا بیرون کشید، و به عرصه های جهاد و شهادت، سیاست و عرفان وارد ساخت، و در جهات مختلف، حتی در جهت تغییر فرهنگ ادبیات حوزه، منشأ خیرات و برکات بسیار گردید. او در ضمن نامه ای خطاب به حوزویان تحول یافته می نویسد:

سلام بر حماسه سازان همیشه جاوید روحانیت، که رساله علمیه و علمیه خود را به دم شهادت و مرکب خون، نوشته اند، و بر منبر وعظ و خطابه ناس، از شمع حیاتشان گوهر شب چراغ ساخته اند، افتخار و آفرین بر شهدای حوزه و روحانیت که در هنگامه نبرد، رشته تعلقات درس و بحث و مدرسه را بریدند،



و عقال تمنیات دنیا را از پای حقیقت علم برگرفتند و سبکبالان به مهمانی  
عرشیان رفتند، و در مجمع ملکوتیان، شعر حضور سروده اند.

آنان که حلقه ذکر عارفان و دعای سحر مناجاتیان حوزه ها و روحانیت را  
درک کرده اند، در خلسه حضورشان، آرزویی جز شهادت ندیده اند <sup>(128)</sup>.

عنایت حضرت امام خمینی (رحمه الله) به رونق حوزه به حدی بود که در  
اشعاری خطاب به امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چنین گوید:

حوزه علمیه قم را علم فرما به عالم      کند فلک مسلمین را بادبانی  
نیکخواهش را عطا فرما بقای جاودانی      بهر بد خواهش رسان هر دم بلای آسمانی  
تا ز فرط گل شود شاها! زمین چون گلشن      تا ز فیض فروردین گردد جهانی چون جنانی  
بگذرد بر دوستان هر خزانی چون بهاری      کند بر دشمنان هر بهاری چون خزانی <sup>(129)</sup>

آن بزرگمرد، بذر سیر و سلوک و عرفان بر اساس عشق (نه علم منهای  
عشق) را در قلوب حوزویان کاشت، به طوری که این بذر در سطح وسیعی  
شکوفا شده و ثمر بخشید.

او کتاب های: اسفار، فتوحات مکیه، فصوص الحکم و مصباح المنیر را  
وسیله ای به سوی همین عشق قرار داد، نه آنکه در اصطلاحات این کتاب ها،  
غرق شود، و از پرواز غافل گردد، او در این راستا می گوید:

بشکنیم آینه فلسفه و عرفان      از صنم خانه این قافله بیگانه شویم  
فارغ از خانقه و مدرسه و دیر شده      پشت پایش زده برهستی و فرزانه شویم  
در جوانی سرگرم به مفاهیم و اصطلاحات پررزق و برق شدم، که نه از آنها  
جمعیت حاصل شد، نه حال، اسفار اربعه با طول و عرضش، از سفر به سوی  
دوست بازم داشت، نه از فتوحات فتحی حاصل شد، و نه از فصوص الحکم  
حکمتی دست داد، تا چه رسد به غیر آنها.

از فتوحات نشد فتحی و از مصباح نوری      هر خواهم در درون جامه دلفریب است <sup>(130)</sup>

و در پاسخ به یکی از بانوان از بستگانش که از او خواسته بود تا چند کتاب عرفانی را به وی معرفی کند، فرمود: دخترم! در دفع حجب کوش، نه در جمع کتب.

به این ترتیب امام خمینی (رحمه الله) کتاب های عرفانی را اگر وسیله وصول به حق باشند، نور می دانست و گرنه، آن را حجاب سر راه تکامل.

آری او همه دانش پژوهان، به خصوص حوزویان را به عبور از پوست به مغز فراخواند و آنها را به تحول و دگرگونی عمیق به حرکت در آورد. به گفته شمس مغربی:

نظر را نغز کن تا نغز بینی گذر از پوست تا مغز بینی

#### نگاهی بر تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حوزه

گرچه کار اصلی حوزه علمیه، تعلیم و تعلم است، ولی از نظر حوزه هیچ گاه تعلیم و تعلم، هدف نیست، بلکه وسیله ای است برای وصول به اهداف عالی و کمالات متعالی انسانی، بر همین اساس حوزه علمیه قم در هر زمانی تا سرحد امکانات خود، منشأ تحولات عظیم فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و هرگونه عواملی که موجب رشد تعالی انسان ها می شود، شده است، در این کتاب که بنای آن بر اختصار است، به طور فهرست به ذکر چند نمونه از این تحولات می پردازیم:

#### تحولات فرهنگی

فرهنگ اسلام، غنی ترین فرهنگی است که بر همه ابعاد علمی توجه کرده، و از نظر عمق و فراگیری و پرمایه بودن، سرآمد فرهنگ های ملل مختلف جهان است، حوزه های علمیه به خصوص حوزه علمیه قم که از یک سو، برخاسته از فرهنگ اسلام است، و از سوی دیگر نشانگر فرهنگ اسلام و نگهدارنده و

پرورنده آن می باشد، در این راستا خدمات بسیار نموده است، دانشمندان بزرگ و جهانی مانند: بوعلی سینا، خواجه نصیر طوسی، علامه حلی، وحید بهبهانی، ملاصدرا شیرازی و ده ها نفر از این گونه افراد که در علوم مختلف مانند: ادبیات، منطق، فلسفه، عرفان، علوم طبیعی، ریاضی، طب، و... صاحب نظر بودند، و در این مسیر، خدمات شایانی نمودند از حوزه های علمیه برخاسته اند، در رأس حوزه ها، حوزه علمیه قم در این موارد، گام های راسخ برداشته، و با تربیت دانشمندان بزرگی توانسته است تا بزرگترین خدمات فرهنگی را ارائه دهد.

تألیف کتاب ها در علوم مختلف، و تأسیس کتابخانه های پرمحتوا و عظیم، که تعداد کتب بعضی از آنها بر صدها هزار کتاب بالغ می شود، نشانگر روشن این تحولات فرهنگی است، با توجه به اینکه نقش حوزه های علمیه به خصوص حوزه علمیه قم در پیدایش آنها، از همه دانشگاه ها و محافل بیشتر است.

محققان آگاه و عالمان بی نظر می گویند: اگر کتابخانه هایی مانند کتابخانه آستان قدس، در مشهد، و کتابخانه مجلس در تهران، و کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (رحمه الله) در قم را، از کتاب های حوزویان و از آثار علمی عالمان دین و برخاستگان حوزه های علمیه تهی کنیم، قفسه های آن کتابخانه ها جز از چند کتاب واریخته و گرد و خاک گرفته، چیزی باقی نمی ماند، آنچه که مایه قوام و اعتبار این کتابخانه ها شده، همام کتاب های حوزویان است.<sup>(131)</sup>

به عنوان نمونه، عالم بزرگ قرن چهارم شیخ صدوق (ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه، متوفای 381 هجری قمری)، از برخاستگان حوزه علمیه قم در قرن چهارم است که استادش ابن ولید قمی بود که در سال 343 هجری قمری در قم

از دنیا رفت، شیخ صدوق در آن عصر، با آن امکانات بسیار محدود، در حدود سیصد جلد کتاب در علوم مختلف اسلامی، مانند: فقه، حدیث، کلام، رجال و... تألیف نمود، که یکی از کتاب های معروف او از کتب اربعه شیعه، به نام من لا یحضره الفقیه است. <sup>(132)</sup>

تحولات فرهنگی حوزه علمیه در عصر زعامت آیت الله العظمی بروجردی (رحمه الله) تا کنون فرهنگی است، و حوزه علمیه قم در هر عصری به خصوص در این عصر مشعلدار انقلاب فرهنگی در ابعاد گوناگون بوده و در این راستا، سهم به سزایی دارد.

نمونه دیگر اینکه، احمد بن محمد بن خالد برقی <sup>(133)</sup> صاحب کتاب المحاسن از محدثین و علمای برجسته قرن سوم در قم بود، وی با اینکه از علما و محدثان برجسته آن عصر بود، شیخ جلیل ابوجعفر احمد بن محمد بن عیسی قمی که شیخ و فقیه و رئیس محدثان حوزه علمیه آن عصر قم بود، احمد بن محمد برقی را به دلیل اینکه بر و روایات مرسل (که تعدادی از سلسله روایانش ذکر نشده اند) اعتماد می کند، و از روایاتی که موثق نیستند نقل روایت می نماید، از قم بیرون کرد، و بعدا او را به قم برگردانید. <sup>(134)</sup>

و همچنین علی بن بابویه (پدر شیخ صدوق) متوفای 329 هجری قمری که شیخ محدثان قم بود، دستور داد حسین بن منصور حلاج، صوفی معروف را که به قم آمده بود با کمال ذلت بیرون کردند، تا مبادا القائات انحرافی او افکار مردم را آلوده و منحرف نماید. <sup>(135)</sup>

## تحولات اجتماعی

عالمان ربانی همواره دارای روح مردمی و خدمت‌گزاری به مردم بودند، و همچون پدر و مادر مهربان برای جامعه، دل‌سوزی می‌کردند، و شعارشان این سخن معروف پیامبر ﷺ بود که:

من اصبح لا يهتم بأمر المسلمين فليس بمسلم

کسی صبح کند ولی به امور مسلمانان توجه ننماید، مسلمان نیست. (136)

بر همین اساس، حوزه علمیه قم و برخاستگان آن، همواره نقش مهمی در تحولات اجتماعی داشته، و در رشد و تعالی جامعه، و نگهداری آن از خطر سقوط، قدم‌های راسخ برداشته و بر می‌دارند، اکثر موسسات اجتماعی، و عواملی که موجب ساختن جامعه سالم می‌شود، و از نظرات مختلف مانند: اقتصادی، سیاسی، مذهبی، ملی و روابط گوناگون اجتماعی مفید است از همت والادی عالمان دین، نشأت گرفت و تحت نظارت و اقدامات علمی و جدی برخاستگان از حوزه‌های علمیه، به خصوص، به خصوص حوزه علمیه قم بوده است.

امام خمینی (رحمه الله) با اینکه به حق رهبر راستین و مورد قبول جامعه بود، آن چنان از روح مردمی و خدمت‌گزاری برخوردار بود که از روی صدق و خلوص، می‌فرمود: به من رهبر نگوئید، به من خدمت گزار بگوئید.

امر به معروف و نهی از منکر، دو فریضه بزرگ اسلامی، شیوه همیشگی حوزویان است، آنها با اجرای این دو وظیفه مهم، نقش به‌سزایی در تهذیب و تکمیل، پاک‌سازی و به‌سازی جامعه داشتند و دارند، انقلاب عظیم اسلامی ایران، که یکی از آثار آن، تحولات اجتماعی آن است، در حقیقت نشأت گرفته از حوزه علمیه قم است، زیرا بینانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام

خمینی (رحمه الله) از حوزه برخاسته، و صاحبان اصلی انقلاب و تداوم دهندگان آن از حوزه بوده اند، و این مطلبی است که جملگی بر آنند و نیاز به توضیح ندارد.

یکی از تحولات اجتماعی در تاریخ ایران که در جایگاه بسیار رفیعی قرار دارد، موضوع تشیع ایرانیان است، با اینکه اسلام در عصر خلافت خلیفه دوم، وارد ایران گردید، بدون تردید یکی از عوامل تشیع ایرانیان، ورود محدثان و راویان شیعه در قرن دوم و سوم به قم بود، که همان ها قم را مرکز تعلیم و تعلم (حوزه) قرار دادند، و مبانی تشیع را به اطلاع مردم از آنجا به جاهای دیگر سرایت کرد، و به طور کلی حوزه علمیه قم از روز تأسیس تا کنون، قرن به قرن، نقش به سزایی در تشیع مردم و تداوم تشیع و اسلام ناب داشته است، و با تألیفات و تبلیغ و اطلاع رسانی های مختلف، در این راستا به پیش رفته است، که نمونه هایی از آن در بحث پیشینه تاریخی حوزه علمیه قم بیان گردید.

### تحولات سیاسی

هیچ گاه سیاست به معنی حقیقی با اسلام حقیقی جدا نیست، بلکه این دو، عین هم و مکمل همدیگر هستند.

حضرت امام خمینی (رحمه الله) در تحریر الوسیله می فرماید:

فمن توهم ان الدین منفک عن السیاسه فهو جاهل لم يعرف الاسلام و

لاالسیاسه

پس آن کس که بیندارد که دین از سیاست جدا است چنین کسی ناآگاه است

که نه اسلام را می شناسد و نه سیاست را. (137)

حوزه علمیه قم از ابتدا تا حال، در هر عصری، از ماجرهای سیاسی برکنار نبود، بلکه در بعضی موارد، دخالت جدی کرده، و گاهی زمام سیاست عصر خود را به دست گرفته است.

رابطه حوزه علمیه با سیاست، در طول زمان و شرایط و امکانات، مختلف بوده، که چاره ای نیست جز اینکه در اینجا با ذکر نمونه هایی، به تماشای دور نمای آن بپردازیم:

### استقلال قم از اصفهان

مردم قم به خاطر وجود علما و محدثان شیعه در قم، در همان قرن دوم و سوم، حاضر نبودند که به حکومت خلفای جور کمک کنند، چرا که آنها را غاصب و طاغوت می دانستند، و در هر فرصتی بر ضد آنها رفتار می نمودند. قم تا سال 189 هجری قمری تابع اصفهان بود، و مردم قم خراج و مالیات خود را به اصفهان می پرداختند، از آنجا که حکومت و مردم اصفهان در آیین غیر تشیع بودند، مردم قم به پیروی از علمای خود، خواهان استقلال بودند، و از دادن مالیات به اصفهان اکراه داشتند. چنان که قبلا خاطر نشان گردید.

سرانجام در سال 189 هجری قمری با کوشش حمزه بن الیسع اشعری قم از اصفهان جدا شد، و به صورت کوره (به اصطلاح امروز شهرستان) درآمد، و در سال 195 در مسجد دزیل یا درپل منبر قرار داده اند، با توجه به اینکه: منبر داشتن شهری، علامت استقلال آن شهر بود. (138)

چنین استقلالی، از نظر سیاسی و مذهبی، برای مردم قم بسیار مهم بود، و قطعا وجود محدثان و راویان و علما و شاگردان امامان علیهم السلام در قم، موجب این استقلال گردید، زیرا آنها بودند که با ارشاد و اطلاع رسانی به مردم، چنین زمینه ای را به وجود آوردند.

بر همین اساس، خلفا و سلاطین به قم توجه خاصی داشتند، تا آنها را آرام نگهدارند، زیرا قم در هر فرصتی از فرمان آنها سرباز می زدند، از این رو خلفا برای جلب رضایت مردم قم، غالباً یکی از رجال بزرگ شیعه، یا متمایل به شیعه را فرماندار قم می نمودند، از جمله مأمون (هفتمین خلیفه عباسی) هرثمه را که از رجال بزرگ و با نفوذ شیعه بود، حاکم قم کرد، و المقتدر عباسی (هیجدهمین خلیفه عباسی) حسین بن حمدان را که سال ها با بنی عباس مبارزه کرده بود، به حکومت قم منصوب نمود. (139)

اما متوکل عباسی (دهمین خلیفه بنی عباس)، یکی از دژخیمان ناپاک و خونخوار خود، به نام موسی بن بغا ابن کلیب را فرماندار قم کرد، موسی که شخصی گستاخ و بدزبان بود، و با آل علی علیهم السلام دشمنی سخت داشت. به قم آمد و حکومت آن را به دست گرفت، او با اینکه به شدت مردم قم را ترسانده بود و آنها را به قتل تهدید نموده بود، ولی مردم قم در برابر او تسلیم نشدند، سرانجام جمعی از مردم قم به محضر امام حسن عسکری علیه السلام رفتند و از بودن چنان حاکم سفاکی در قم، شکایت و چاره جویی نمودند.

امام عسکری علیه السلام به آنها امر کرد که نماز مظلوم بخوانند (140) و پس از نماز او را نفرین نمایند، آنها به دستور امام حسن عسکری علیه السلام عمل کردند، نفرین آنها باعث شد که پس از اندک مدتی، موسی بن بغا به هلاکت رسید (141)

در ورق دیگر تاریخ می خوانیم: معتمد (پانزدهمین طاغوت عباسی 23 سال (از سال 256 تا 279) خلافت کرد، و چهارده سال از امامت امام حسن علیه السلام مقارن زمان او بود، موسی بن بغا در عصر مهتدی و معتمد عباسی، فرمانده لشکر بود، بسیار ظلم می کرد، مردم قم از ظلم او به ستوه آمدند، و به محضر امام حسن عسکری علیه السلام رفته، او از ظلم او به آن حضرت شکایت نمودند، امام



حسن عليه السلام دعایی را به مردم قم آموخت تا در قنوت نماز بخوانند، تا از شر او نجات یابند، فرازی از آن دعا چنین است:

اللهم و لا تدع للجور دعامة الا قصمتها، و لا حبه الا هتكتها، و لا كلمه الا فرقنها... و لا رافعه علم الا نكستها

خدایا! برای ظلم و جور، پایه ای را رها نساز، مگر اینکه آن را درهم بشکن، و سپری نگذار مگر اینکه آن را پاره کن، و کلام وصف به هم فشرده ای نگذار، مگر اینکه گسیخته کن، و پرچم برافراشته ای نگذار، مگر اینکه سرنگون فرما...  
(142)

نتیجه اینکه: وجود محدثان و شاگردان امامان عليهم السلام و به زبان روز وجود علما و طلاب، در همان قرن دوم و سوم در قم، که بیانگر وجود حوزه علمیه کوچک در آن عصر است، باعث شده بود، که مردم در برابر حکام جور، نه تنها تسلیم نمی شدند، بلکه با آنها مبارزه کرده و برای بیرون راندن آنها، اقدامات گوناگون می نمودند.

### موضع گیری پنج عالم بزرگ قم، در برابر طاغوت

#### 1- میرزای قمی (رحمه الله) در برابر فتحعلی شاه

حوزه علمیه قم در هیمن منوال قرن به قرن، منشأ آثار مختلف سیاسی بوده، تا عصر قاجار، چنان که قبلاً گفتیم، مرجع عظیم الشأن حضرت آیت الله العظمی میرزا ابوالقاسم قمی<sup>(143)</sup> معروف به میرزای قمی) در قم سکونت داشت، این مرجع عالی مقام در رتق و فتق امور، و در سیاست دخالت می کرد، و با نصایح خود، فتحعلی شاه و حکام دیگر را از ظلم و ستم داستان زیر که بیانگر دخالت میرزای قمی (رحمه الله) در امور سیاسی، و قاطعیت او در برابر سلطان عصرش است: توجه کنید:

1- فتحعلی شاه گاهی به دیدار میرزای قمی می آمد در یکی از ملاقات ها، میرزا به فتحعلی شاه گفت: ای پادشاه! عدالت را رعایت کن، از آن ترس دارم که بر اثر رابطه ای که با تو دارم مشمول عذاب و خشم خدا گردم، چرا که خداوند در قرآن می فرماید:

لا ترکنوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار

و تکیه بر ظالمان نکنید که موجب می شود آتش دوزخ شما را فراگیرد. (144)

2- در ملاقات دیگر، میرزای قمی؛ دست بر ریش بلند فتحعلی شاه کشید و فرمود: ای پادشاه! مبادا کاری کنی که این ریش در روز قیامت بسوزد. (145)

3- و در یکی از ملاقات ها، فتحعلی شاه به میرزای قمی عرض کرد: اجازه بده دخترم را همسر پسرت کنم و به این وسیله بین ما و شما رابطه خانوادگی برقرار گردد.

در آن ملاقات، در این مورد نتیجه گرفته نشد، میرزا از این پیش نهاد نگران بود (چرا که چنین وصلتی موجب تأیید کارهای شاه می شد، و میرزا هرگز نمی خواست، با خاندان شاه نزدیک گردد و او را تأیید کند) میرزا که نمی توانست چنین اجازه ای بدهد، و از طرفی احتمال آن وجود داشت که مجبور به اجازه گردد، دست به دعا برداشت و گفت: خدایا اگر بنا است دختر شاه همسر پسر من شود، مرگ جوانم را برسان.

طولی نکشید که پسر میرزا در میان حوض خانه افتاد و غرق شده و فوت کرد. (146)

نظیر این موضع گیری در مورد ملامحسن یزدی یکی از علمای مشهور ایران در عصر فتحعلی شاه رخ داد، شاه با اصرار می خواست دخترش ضیاء السلطنه

را همسر پسر ملا محسن یزدی کند، ولی ملا محسن با کمال قاطعیت مانع چنین وصلتی گردید. (147)

## 2- آیت الله حائری و رضاخان

قبلاً گفتیم حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری (رحمه الله) در سال 1340 هجری قمری وارد قم شد، و حوزه علمیه را باسازی و منظم کرد، به طوری که به عنوان موسس حوزه علمیه لقب گرفت.

دوران زعامت و مرجعیت آیت الله حائری، با سلطنت مشئوم رضا خان، مصادف بود، و رضاخان دشمن سرسخت روحانیت بود، و مأمورین دژخیم او، عمامه ها را از سر طلاب می گفتند، و انواع هتاکی ها و آزارها را نسبت به عمامه ها و روحانیون روا می داشتند، در این عصر خشونت و دیکتاتوری، آیت الله حائری (رحمه الله) هرگز تسلیم رضا خان نشد و در برابر او ایستادگی کرد، و با تدابیر داهیانه و سیاست معقول، حوزه را از گزند رضا خان و دژخیمان او محافظت نمود.

توضیح اینکه: آیت الله حائری در برابر رضاخان، بیشتر در صدد حفظ حوزه علمیه بود، از این رو زیاد خود را به عنوان مخالف او آشکار نمی نمود، زیرا در آن عصر، بازسازی حوزه مهم تر از همه چیز بود، در عین حال با سیاست های رضا خان پوشیدن لباس روحانیت را ممنوع نمود، ولی آیت حائری عملاً افراد را به پوشیدن لباس تشویق می کرد، آیت الله بهبهانی در مورد سیاست معقول و تدبیر داهیانه آیت الله حائری گفته بود: اگر آیت الله حائری نبود، این عمامه به سرها نبودند.

آیت الله حائری در برابر مزاحمت های رضا خان، تلگراف اعتراض آمیزی به او کرد، و رضا خان جواب تند و تهدید آمیزی داد.

آیت الله حائری در ماجرای کشف حجاب، به عنوان اعتراض به رضا خان، درس خود را تعطیل کرد، و نماز جماعت خود را ترک نمود، این امور نشان می داد که آیت الله العظمی حائری (رحمه الله) به انحاء مختلف نارضایتی خود را به اعمال رضا خان نشان می داد، از این رو هنگامی که آیت الله حائری وفات کرد و مجلس ترحیم او را در مسجد امام قم برقرار نمودند، در همان آغاز مجلس، چکمه پوشان رضاخانی، مجلس را به هم زدند، و از برگزاری مجالس ترحیم به مناسبت رحلت آن مرحوم، جلوگیری نمودند، با اینکه قبل از ایشان، به مناسبت وفات آیت الله حاج شیخ ابوالقاسم قمی، و وفات آیت الله حاج میرزا جواد تبریزی، چهل شبانه روز، مجالس ترحیم بر پا بود. (148)

### 3- فریاد آیت الله بافقی بر ضد رضا خان

در سال 1306 شمسی، عصر حکومت دیکتاتوری رضا خان، در قم شایع شد که چند نفر از زنان خانواده رضا خان (همسر و دو دخترش شمس و اشرف) بدون حجاب وارد قم شده اند، و می خواهند با همان وضع وارد حرم گردند، در این میان خبر به یکی از مدرسین عالی مقام حوزه علمیه قم، که از نزدیکان و شاگردان برجسته و مجاهد آیت الله حائری بود، یعنی آیت الله محمد تقی بافقی (رحمه الله) رسید، این مجاهد شجاع، نخست به خانواده رضا خان پیام داد که اگر مسلمان هستید نباید، با این وضع در این مکان مقدس (حرم حضرت معصومه علیها السلام حضور یابید، اگر مسلمان نیستید، باز هم حق ندارید (زیرا کافر نباید وارد حرم شود).

خانواده رضا خان به پیام آیت الله بافقی، اعتنا نکرد، آن عالم مجاهد شخصا به حرم حضرت معصومه علیها السلام آمد، و به خانواده رضا خان به شدت اخطار کرد،

و همین برخورد قاطع نزدیک بود موجب قیام و شورش مردم قم بر ضد حکومت شاه گردد.

از طرف شهربانی قم به رضا خان اطلاع دادند که: خانواده شما (همسر و دو دختر شما) به دستور روحانیون در اتاقی زندانی شده اند و به آنها اخطار شده که بدون حجاب، حق ورود به حرم حضرت معصومه علیها السلام را ندارند.

رضا خان شخصا با یک واحد نظامی به قم آمد و خانواده خود را نجات داد، و با چکمه وارد صحن مطهر شد، و آیت الله بافقی را مورد ضرب و شتم قرار داد، سپس با اشاره او دژخیمان او آن عالم ربانی را دمر خوابانیدند و شاه با عصای ضخیم خود بر پشت او می زد، سرانجام به دستور رضاخان، مدتی آیت الله بافقی (رحمه الله) را زندانی کردند و سپس به شهر ری تبعید نمودند، و تا آخر عمر تحت نظر اداره آگاهی به عبادت اشتغال داشت و همانجا از دنیا رفت (149)

وی در سال 1332 شمسی در تبعدهگاه خود رحلت کرد، و جنازه او را به قم آوردند، قبر شریفش در مسجد بالاسر جنب مرقد حضرت معصومه علیها السلام است. این حوادث به روشنی نشان می دهد که حوزه علمیه قم در عصر زعامت آیت الله حائری (رحمه الله) نیز به امور سیاسی توجه داشت و برای حفظ کیان اسلام به طاغوتی مانند رضاخان اعتراض می کرد، در این راه کتک بخورد و تبعید گردد. (150)

#### 4- آیت الله بروجردی در برابر شاه

آیت الله بروجردی (رحمه الله) در سال 1324 شمسی وارد قم شد، و زعامت حوزه علمیه قم را به دست گرفت، این زعامت تا سال 1340 شمسی، سال رحلت آن مرجع عظیم الشأن (یعنی 16 سال) ادامه یافت، در این مدت حوزه علمیه قم کاملاً مستقل بود، و هرگز با حکومت طاغوتی محمد رضا شاه مقبور،

سازش نکرد، در این راستا، یکی از علما می نویسد: محمد رضا پهلوی پس از بازگشت از سفر هند، برای دیدار آیت الله بروجردی (رحمه الله) به شهر قم وارد شد، ولی آقای بروجردی (رحمه الله) ملاقات با او را (در حرم حضرت معصومه علیها السلام) نپذیرفت، واسطه ها تلاش و اصرار بسیار داشتند تا این ملاقات انجام شود، ولی آقای بروجردی قبول نکرد و فرمود: من چگونه ملاقات با کسی را که به هند رفته و در آنجا همسرش برهنه سوار فیل شده و در شهرهای کفر گردش کرده و موجب ذلت مسلمین شده، بپذیرم؟!

شاه می خواست بعضی از قوانین را به میل خود تغییر دهد، ولی آیت الله بروجردی (رحمه الله) را چون سدی خلل ناپذیر، مانع سر راه خود می دید، شاه نخست وزیر خود را نزد آیت الله بروجردی فرستاد تا و را راضی کند، نخست وزیر از زبان شاه به آیت الله بروجردی گفت: شاه می گوید این قوانین در کشورهای همسایه پیاده شده، ما هم مجبوریم آن را اجرا کنیم. آیت الله بروجردی به نخست وزیر گفت: به شاه بگویید، در آن کشورهای همسایه رژیم پادشاهی به جمهوری تبدیل شده است. (کنایه از آنکه اگر تو بخواهی به قوانین دست بزنی، باید اعلام جمهوری کنی) وزیر در مقابل این سخن آقای بروجردی نتوانست سخنی بگوید، زیرا این سخن بزرگترین خطر و هشدار بود، که سلطنت محمد رضا را تهدید می کرد، لذا تا آقای بروجردی زنده بود، شاه نتوانست، قوانین دلخواه خود را پیاده کند. <sup>(151)</sup>

و در مورد دیگری آیت الله العظمی بروجردی (رحمه الله) اخطار کرد که از کشور خارج می شوم، این خبر به شاه رسید، شاه دید خروج آیت الله بروجردی یعنی همان انقلاب داخلی، از این رو از تصمیم نامشروع خود مبنی بر تساوی حقوق زن و مرد، منصرف شد. <sup>(152)</sup>

قاطعیت و بی اعتنائی آیت الله بروجردی (رحمه الله) به شاه در حدی بود که شاه در بازگشت از خوزستان همراه همسرش ثریا با قطار به قم آمد، و همسرش را در قطار گذاشت و خود سوار بر لندور شده و از خیابان های قم گذشت تا به صحن رسید، و وارد حرم شد، و انتظار داشت در حرم با آیت الله بروجردی (رحمه الله) ملاقات کند، در همان ایام توسط دانشجویان، عکس هایی از همسر شاه برای آقای بروجردی فرستاده شده بود، که او در اروپا با زنان و مردان به طرز بسیار زننده ای در استخر شنا کرده است.

شاه به تولیت می گوید: آقای بروجردی در حرم است؟  
تولیت جواب می دهد: نه، آقای بروجردی همین امروز به خارج شهر رفته اند.

شاه هم دلق شده، بدون اینکه به زیارت برود، یا قرائت زیارت نامه تمام شود، به صورت قهر از در دیگر رفت که رفت، و از آن پس دیگر ملاقاتی بین شاه و آقای بروجردی انجام نگرفت. (153)

این برخوردها نیز نشان می دهد که حوزه علمیه قم، در عصر زعامت مرجع کل آیت الله العظمی بروجردی رحمه الله در برابر شاه و دولت طاغوتی او قرار داشت، و هرگز آن را تأیید نکرد، بلکه به عکس در هر فرصتی مخالفت خود را با آن دستگاه ضد اسلامی، آشکار می نمود، و به همین منوال همواره حوزه علمیه قم بر اساس همین سیاست به حیات خود ادامه می داد، تا آنگاه که جهان تشیع و حوزه های علمیه، به ویژه حوزه علمیه قم با رحلت آن مرجع عظیم قم بر اساس همین سیاست به حیات خود ادامه می داد، تا آنگاه که جهان تشیع و حوزه های علمیه، به ویژه حوزه علمیه قم با رحلت آن مرجع عظیم الشان به

سوگ نشست، و آن بزرگ مرد علم و دین، در فروردین سال 1340 شمسی، چشم از جهان فرو بست.

#### 5- امام خمینی در میدان سیاست

بسیاری تصور می کردند با رحلت مرجع کل آیت الله العظمی بروجردی رحمه الله حوزه علمیه افول نموده، یا بی فروغ خواهد شد و بار دیگر در فترت و سکوت قرار می گیرد، ولی فقها بزرگ و مشعل داران عظیم علم و دین همچون آیت الله العظمی گلپایگانی و آیت الله العظمی مرعشی نجفی، زمام امور را به دست گرفتند و ضایعات را جبران کردند، و در این میان، مرجع عالی قدر حضرت امام خمینی (قدس سره) پا به میدان علم و فقه سیاست گذاشت، و با نهضت عظیم خود، تحولات عظیمی در جهان اسلام به وجود آورد، و همزمان حوزه علمیه را به مرحله جدیدی وارد ساخت، به گونه ای که حوزویان هویت خود را یافتند، و در پرتو رهنمودهای داهیان آن مرجع شجاع و پر صلابت، نهضت را ادامه دادند، و آن چنان در میدان سیاست درخشیدند، که انقلاب به پیروزی رسید، و رژیم دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی، به جمهوری اسلامی تبدیل یافت، و همین افتخار عظیم برای حوزه علمیه قم بس که در مهد خود بزرگمردی چون امام خمینی (رحمه الله) را پرورید، که بنیانگذار جمهوری اسلامی در ایران شد، و سیاست اسلامی را که در گوشه انزوا در حال نابودی، به صحنه آورد، و سیاست عین دین خواند، و بزرگ ترین گام را برای تثبیت سیاست اسلامی برداشت، که این رشته را سردار از است و شرح آن نیاز به کتاب ها دارد، و بخش هایی از آن در کتاب های مربوطه نگاشته شده است، تنها در اینجا پایان این مقال را با سخنی از آن بزرگمرد الهی و سیاسی، می آراییم: فرض است که مردم را بیدار کنید، و به مردم بفهمانید این را که این نغمه



ای (جدایی دین از سیاست) که در همه ممالک اسلامی بلند است که علما نیاید در سیاست دخالت کنند، این یک نقشه ای است مال ابر قدرت ها... به حرف این ها گوش ندهید... این نغمه، نغمه ای است که می خواهند علما را از سیاست کنار بزنند، و آن را بکنند که در زمان های سابق بر ما گذشته است، بیدار باشیم.

(154)

### وسعت حوزه علمیه بعد از انقلاب اسلامی

حوزه علمیه قم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، از جهات مختلف در ابعاد گوناگون از نظر فرهنگی و سیاسی، گسترش عمیق یافته، و تحت نظر مدیریت و شورای عالی حوزه، دارای نظم عالی در سطوح مختلف اداره می شود، برنامه های درسی در رشته های گوناگون در بیش از ده پایه، با امتحانات شفاهی و کتبی، و برنامه ریزی های تخصصی و... دوش به دوش روند انقلاب به پیش می رود.

در این راستا مدارس علمی بسیار، با برنامه های جدید و منظم، مشغول به کارند، از جمله آنها مدرسه معصومیه است که بعد از پل صفائیه، روبروی راهنمایی قرار گرفته و خودش معرف عظمت خود می باشد، و اداره بیمه درمانی طلاب، قبلا در این مدرسه، و اکنون در نزدیک امام زاده سید علی علیه السلام واقع شده است.

مدرسه معصومیه در سال 1360 شمسی با بودجه آستانه مقدسه حضرت معصومه علیه السلام و با طرح و مهندسی معماران آستانه، در وسعت 15000 متر مربع، و زیر بنای 2800 متر مربع، احداث و در سال 1368 مورد بهره برداری قرار گرفته است.

این مدرسه دارای 406 حجره، دوازده مدرس شصت نفره، و قابل سکونت شبانه روزی 1200 نفر بوده، و نیز دارای سالن اجتماعات و مسجد بزرگ است.

مدرسه فیضیه و دارالشفای نیز بعد از انقلاب، در ابعاد مختلف، توسعه بسیار وسیع و عمیق با تشکیلات مهم، یافته که خود نیاز به شرح جداگانه دارد.

## فصل دوم: زندگی نامه حضرت معصومه علیها السلام از آغاز تا شهادت

### زندگی نامه حضرت معصومه علیها السلام

در این فصل نظر شما را به طور فشرده به زندگی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام جلب می کنیم:

### پدر بزرگوار حضرت معصومه علیها السلام

پدر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام امام هفتم شیعیان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است که او را ابوالحسن اول نیز می گویند، و از القاب مشهور آن حضرت کاظم، باب الحوائج و صالح می باشد.

آن بزرگوار روز یک شنبه هفتم ماه صفر سال 128 هجری در روستای ابواء که بین مکه و مدینه واقع شده، دیده به جهان گشود.

آن حضرت بیش از سایر امامان علیهم السلام فرزند داشت که بعضی سی، و برخی شصت فرزند برای او نام برده اند.

عالم بزرگ شیخ مفید (رحمه الله) (وفات یافته سال 413 هجری قمری) می نویسد: آن بزرگوار سی و هفت فرزند از همسران متعدد داشت که نام های آنها به این ترتیب بود:

1- پسران:

- 1- حضرت علی بن موسی الرضا 2- ابراهیم 3- عباس 4- قاسم 5-
- اسماعیل 6- جعفر 7- هارون 8- حسن 9- احمد 10- محمد 11- حمزه
- 12- عبدالله 13- اسحق 14- عبیدالله 15- زید 16- حسن 17- فضل 18-
- حسین 19- سلیمان.

2- دختران:

1- فاطمه کبری 2- فاطمه صغری<sup>(155)</sup> 3- رقیه 4- حکیمه 5- ام ابیها 6- رقیه صغری 7- ام جعفر 8- لبابه 9- زینب 10- خدیجه 11- علیه 12- آمنه 13- حسنه 14- بریهه 15- عایشه 16- ام سلمه 17- میمونه 18- ام کلثوم آن بزرگوار در سال 148 هجری قمری زمان خلافت منصور به امامت رسید و در زمان خلافت مهدی عباسی و هادی عباسی نیز امام بود، وقتی که هارون الرشید به خلافت رسید پس از پانزده سال، در زندان شهید مشهور بین تاریخ نویسان آن است که آن بزرگوار در روز 25 رجب سال 183 هجری از دنیا رفت<sup>(156)</sup>.

هارون الرشید آن بزرگوار را در سال 179 هجری قمری در مدینه دستگیر کرده و به طرف عراق آورد و از آن وقت تا آخر عمر در زندان به سر می برد.

#### مادر حضرت معصومه علیها السلام

آن طور که شواهد و قرائن و بعضی از روایات<sup>(157)</sup> استفاده می شود، مادر حضرت معصومه علیها السلام همان مادر اما رضا علیه السلام است برای مادر حضرت علیها السلام نام های متعددی ذکر کرده اند، مانند: خیزران، ام البنین، نجمه... روایت شده پس از آنکه حضرت رضا علیه السلام از او متولد شد، به او طاهره گفتند.<sup>(158)</sup>

#### روز ولایت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

مطابق پاره ای از مدارک، حضرت معصومه علیها السلام در روز اول ماه ذیقعد سال 173 هجری قمری، در مدینه چشم به جهان گشود.

محدث گرانقدر مرحوم آیت الله شیخ علی نمازی (وفات یافته در دوم ذیحجه سال 1405 هجری قمری که مرقدش در یکی از حجره های صحن رضوی در کنار بارگاه ملکوتی امام رضا علیه السلام قرار دارد) در کتاب پربار مستدرک سفینه البحار (که ده جلد است) در جلد هشتم چنین می نویسد:

فاطمه المعصومه المولوده فى غره ذى القعد سنه 173

فاطمه معصومه عليها السلام در آغاز ماه ذيقعد، دیده به جهان گشود. (159)

مرحوم فیض در کتاب انجم فروزان و گنجینه آثار قم از کتاب لواقح الانوار فى طبقات الاخيار (تألیف عبدالوهاب شعرانى شافعى وفات یافته در سال 937 هجرى قمرى) و کتاب نزهه الابرار فى نسب اولاد الائمه الاطهار (تألیف سید موسى برزنجى شافعى مدنى) چنین نقل می کند:

و لا فاطمه بنت موسى بن جعفر، فى مدینه المنوره غره ذى القعد الحرام، سنه ثلاث و ثمانین و مائه بعد الهجز النبویه، و توفیت فى العاشر من ربیع الثانی فى سنه احدى و مائین فى بلده قم؛

حضرت فاطمه (معصوم) دختر امام کاظم عليه السلام در مدینه منوره، در آغاز ماه ذيقعد سال 184 هجرى قمرى دیده به جهان گشود، و در دهم ما ربیع الثانی سال 201 در قم وفات یافت. (160)

مدرک دیگری نیز در مورد روز ولادت آن حضرت (در آغاز ذيقعد) در دسترس است مانند:

1- عوالم العلوم، تألیف علامه بحرانی، ج 21، ص 328.

2- حياه السنه، تألیف شیخ مهدى منصورى، ص 10.

3- فاطمه بنت الامام موسى الكاظم، تألیف دکتر محمد هادى امینى (فرزند علامه امینى صاحب الغدیر) ص 21 و 5.

4- زندگانی حضرت موسى بن جعفر، تألیف عماد زاده، ج 2، ص 375.

بررسى و شرح کوتاه:

در بعضى از مدارک فوق، سال 183 ذکر شده، که صحیح که در مستدرک سفینه آمده 173 است، زیرا با توجه به این که امام کاظم عليه السلام در 25 رجب سال

183 هجری قمری در زندان هارون رد بغداد به شهادت رسید، و کمترین مدت زندانش، چهار سال بود، در این مدت از خانواده اش که در مدینه ساکن بودند دور بود، بنابراین ممکن نیست ولادت حضرت معصومه علیها السلام در سال 183 رخ داده باشد، و ظاهراً در این شماره اشتباه شده و به جای 173، 183 نوشته شده است.

از این رو محقق کاوشگر، مرحوم عمازده اصفهانی، بدون ابهام می نویسد: حضرت معصومه علیها السلام در مدینه در ماه ذیقعه سال 173 متولد شد، و در ربیع الثانی 201 (در قم) دیده از جهان فرو بست. <sup>(161)</sup>

بنابراین باید پرونده این مطلب را در همین جا بست، و از باب تسامح در ادله سنن، تاریخ ولادت حضرت معصومه علیها السلام را همان آغاز ذیقعه سال 173 هجری قمری اعلام کرد، چنان که اخیراً آستانه مقدسه قم همین اعلام را نموده است، به امید آنکه با توجه به ولادت با سعادت حضرت رضا علیه السلام که در روز 11 ذیقعه سال 148 در مدینه رخ داد، این ده روز بین روز ولادت حضرت معصومه علیها السلام و روز ولادت امام رضا علیه السلام را به عنوان دهه نور یاد نموده و از آن دو برزگوار یاد کرد، و خاطره سازنده و پربار زندگی درخشان آنها را تجدید نمود.

#### شادی و سرور ولادت

آغاز ماه ذیقعه برای حضرت رضا علیه السلام دودمان نبوت، پیام آور شادی مخصوص و پایانه یک انتظار عمیق و استثنایی است، زیرا حضرت نجمه علیها السلام فرزندی جز حضرت نداشت، و مدت ها پس از حضرت رضا علیه السلام صاحب فرزندی نشد (زیرا حضرت رضا علیه السلام در سال 148 هجری قمری متولد شد، ولی حضرت معصومه علیها السلام در سال 173، یعنی با 25 سال فاصله) با توجه به

اینکه امام صادق علیه السلام به ولایت چنین بانویی، بشارت داده بود، بنابراین پس از آنکه حضرت معصومه علیها السلام دیده به جهان گشود، آن روز برای حضرت نجمه علیها السلام و حضرت رضا علیه السلام روز شادی و سرور و صفت ناپذیر و روز نهم از ایام الله بود، چرا که دختری از آسمان ولایت و امامت، طلوع کرده بود، که قلب ها را جلا و صفا می داد و چشم ها را روشن می کرد و کانون مقدس اهل بیت علیهم السلام را گرم می نمود.

به راستی توصیف عظمت هلله و غریو شادی از دودمان رسالت را به خاطر اینکه امام رضا علیه السلام داری خواهری شده که سال ها قبل در خبرهای غیبی به وجود او مژده داده شده بود نمی توان ترسیم کرد، چرا که فروغی از کوثر، و گلی تابناک از گلشن آل محمد به جهان گشوده بود، و جهان ملکوت و معنی را صفای دیگری بخشیده بود.

#### تاریخ وفات حضرت معصومه علیها السلام

مدارک متعددی وجود دارد که حضرت معصومه علیها السلام در سال 201 هجری قمری در قم، وفات نموده است،<sup>(162)</sup>

1- طبق پاره ای از مدارک، دهم ربیع الثانی بوده است.<sup>(163)</sup>

2- مطابق بعضی از مدارک، دوازدهم ربیع الثانی بوده است.<sup>(164)</sup>

3- و بر اساس مدرک دیگر، هشتم شعبان بوده است.<sup>(165)</sup>

هیچ یک از این سه قول، آن گونه که باید، مورد اطمینان نیست.

ولی همان گونه که بعضی از بزرگان گفته اند: انصاف این است که برای جمع بین دو قول اول و دوم، برای بزرگداشت مقام آن بزرگ بانوی دو عالم جهان، سه روز (10 و 11 و 12 ماه ربیع الثانی) را به عنوان سوگواری معصومیه، مراسم سوگواری برقرار کرد، چنان که در سال های اخیر مسوولین و دست اندر

کاران آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام همین کار را شروع نموده، و این سنت خوب به جریان افتاده است، و این سه روز به عنوان ایام معصومیه، جا افتاده است، به امید آنکه در این ایام در آستانه مقدسه قم، و در سایر مساجد و محافل، از آن بانوی با عظمت، تجلیل شایان گردد، و خاطره زندگی درخشان آن شفیعه روز جزا، تجدید شود.

از آنچه در بالا خاطر نشان شد نتیجه می گیریم که سن حضرت معصومه علیها السلام هنگام وفات، در حدود 28 سال بوده است (از سال 173 تا 201 هجری قمری) پس اینکه در زبان عوام، آن حضرت به عنوان 18 یا 23 ساله، معروف شده، مدرک و سند محکمی ندارد.

### چرا حضرت معصومه علیها السلام ازواج نکرده است؟

تقریباً قطعی است که حضرت معصومه علیها السلام ازدواج نکرد، در این صورت این سوال پیش می آید که سنت ازدواج از مستحبات موکد است، تا آنجا که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

ما بنی فی الاسلام بناء احب الی عزوجل، و اعز من التزویج  
در اسلام در پیشگاه خدا بنایی بر پا نشده که محبوب تر و عزیزتر از بنای  
ازدواج باشد. (166)

نیز فرمود:

النکاح سنتی، فمن رغب عن سنتی فلیس منی  
ازدواج سنت و برنامه من است، پس کسی که از سنت من دوری کند از من  
نیست. (167)

در عصر امام باقر علیه السلام بانویی به خاطر ریاضت و کسب فضیلت، ازدواج نمی کرد، امام باقر علیه السلام به او فرمود: اگر در ترک ازدواج، فضیلتی به دست می آمد،



حضرت فاطمه علیها السلام سزاوارتر از تو بود، که به خاطر کسب فضایل اخلاقی، ازدواج نکند، زیرا هیچ بانویی در کسب کمالات، از فاطمه علیها السلام پیشی نگرفته است. <sup>(168)</sup>

پاسخ:

در پاسخ به این سوال دو مطلب گفته شده که هر کدام، یا یکی از آنها، دلیل شایسته ای است که موجب ترک ازدواج حضرت معصومه علیها السلام شده است:

1- دختران امام کاظم علیه السلام به ویژه حضرت معصومه علیها السلام در سطحی از کمالات بودند که برای خود کفو و همسر مناسبی نیافتند، تا با او ازدواج کنند، امام کاظم علیه السلام به آنها سفارش کرده بود که با رأی و مشورت بردارشان حضرت رضا علیه السلام ازدواج کنند <sup>(169)</sup> این سفارش و قرائن دیگر بیانگر این است، که باید برای آنها همسر مناسبی باشد. با توجه به اینکه در مورد حضرت زهرا علیها السلام، امام صادق علیه السلام فرمود: اگر خداوند متعال، علی علیه السلام را برای فاطمه علیها السلام نمی آفرید، در سراسر زمین از حضرت آدم گرفته تا هر انسانی بعد از او، همسر و همتای مناسبی برای فاطمه علیها السلام پیدا نمی شد. <sup>(170)</sup> 2- ترس و وحشت حکومت پر از خفقان و اختناق هارون، به گونه ای بود که کسی که جرأت نمی کرد با دختران امام کاظم علیه السلام ازدواج نماید و داماد آن حضرت شود، زیرا دامادی آن حضرت، از نظر دستگاه طاغوتی هارون، موجب خطر شدید برای آن داماد می شد، به این ترتیب، حضرت معصومه علیها السلام و بعضی از خواهرانش، از ازدواج صرف نظر کردند.

در ضمن نباید این مطلب را از نظر دور داشت که امام کاظم علیه السلام در زندان به سر می برد، و اطلاع امام رضا علیه السلام از آینده (در مورد شهادت پدر، و هجرت

اجباری او به خراسان) شاید دلیل دیگری برای ترک ازدواج حضرت معصومه علیها السلام باشد.

و این نیز از مصائب و رنج های روزگار نسبت به خاندان نبوت است، که ستمگران کنیه توز، با ایجاد شرایط نامساعد، آن ها را از مواهب زندگی، محروم ساختند.

### هجرت عظیم حضرت معصومه علیها السلام از حجاز به ایران

مأمون عباسی در سال 200 هجری قمری، با نامه ها و پیام ها بسیار، حضرت رضا علیه السلام را به خراسان دعوت کرد، آن بزرگوار، ناگزیر از روی اکراه، این دعوت را پذیرفت و با کاروان که مأمون فرستاده بود، به سوی خراسان آمد. یک سال بعد (سال 201) حضرت معصومه علیها السلام به شوق دیدار برادرش حضرت رضا علیه السلام عازم خراسان گردید و با همراهان حرکت کردند، ولی حقیقت این است که این حرکت، هجرت معنی دار و عظیم حضرت معصومه علیها السلام برای حمایت از ولایت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام و تقویت مسأله رهبری بود، که در ظاهر به صورت سفر برای دیدار برادر عنوان می شد آن حضرت در این هجرت به ساوه رسیدند. در مورد آمدن حضرت معصومه علیها السلام از ساوه به قم، مطالب مختلفی گفته شده است.

ولی در این باره بهترین و اصیل مدارک، تاریخ قدیم قم است که در قرن چهارم نگاشته شده و مرحوم علامه مجلسی و محدث قمی و بزرگان از علما به آن اعتماد می کنند، آنچه که حسن بن محدث نویسنده تاریخ قدیم قم به گفته علامه مجلسی در بحار الانوار، و محدث قمی در سفینه البحار <sup>(171)</sup> و در این باره نظر می دهد، چنین است:

حضرت رضا علیه السلام به دعوت مأمون در سال 200 هجری از مدینه به خراسان آمد، حضرت معصومه علیها السلام در سال 201 برای دیدار برادر، از مدینه رهسپار خراسان شد (ناگفته پیداست که در این سفر دور، گروهی از برادران و خدمتکاران به همراه حضرت معصومه علیها السلام بوده اند) وقتی که به ساوه رسیدند، حضرت معصومه علیها السلام بیمار شد، پرسید از این مکان تا قم چقدر راه است؟ عرض کردند: ده فرسخ، به خدمتکار دستور داده که به جانب قم رهسپار گردند، به این ترتیب به قم آمد و به منزل موسی بن خزرج بن سعد اشعری که از اصحاب امام رضا علیه السلام بود، وارد شد.

اما روایت صحیح تر این است که: چون خبر ورود آن بانوی با عظمت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به آل سعد رسید، همگی به اتفاق به استقبال او رفتند تا او را به قم دعوت کنند، در میان آنها موسی بن خزرج به کاروان حضرت معصومه علیها السلام رسید، زمام شتر آن حضرت را گرفته و به طرف قم آمد و در منزل خود با کمال افتخار از آن بانو پذیرایی کرد، ولی پس از 16 یا 17 روز آن بانوی ارجمند، رخت از جهان بر بست و پسران سعد را در سوگ خود نشانید.

آری خاطر حضرت معصومه علیها السلام خیلی آزرده بود، آرزوی دیدار پدر و برادر در دلش ماند، و با دنیایی از غم و اندوه با این جهان وداع گفت.

در این چند روزی که حضرت معصومه علیها السلام در قم بود از فراق برادر می گریست و محزون و غمگین بود، در سرای موسی بن خزرج عبادتگاهی داشت که هنوز باقی است و هم اکنون مکان شریف با بنایی مجلل و جالب مشخص است، دارای حجرهایی است که در آن طلاب علوم دینی هستند، و در جنب آن مسجد با شکوهی ساخته اند.

اینک آنجا به نام مدرسه ستیبه<sup>(172)</sup> در محله میدان میر قم، معروف می باشد.  
(173)

### ماجرای ورود حضرت معصومه علیها السلام به قم در روایات دیگر

امام کاظم علیها السلام وقتی که زندانی شد، به فرزندش امام رضا علیها السلام وصیت کرد تا سرپرستی دخترانش (که خواهران حضرت رضا علیها السلام باشند) را عهده دار گردد، و به آنها سفارش کرد، که در همه امور از برادرشان حضرت رضا علیها السلام اطاعت کنند. حضرت معصومه علیها السلام هنگام شهادت پدر (که در سال 183 هجری قمری رخ داد) ده سال داشت و بخش مهمی از دوران کودکیش را با روزگار تلخ فراق پدر (که در زندان به سر می برد) گذراند.

حضرت معصومه علیها السلام در پناه برادرش زندگی می کرد، زیرا پدرش در زندان بود، هنگامی که یگانه برادر و پناهگاهش از روی اکراه به خراسان رفت، یک سال در مدینه بدون برادر زندگی کرد، ولی کاسه صبرش لبریز شد، تصمیم گرفت به خاطر دیدار برادر، سفر دور و دراز بین مدینه و خراسان را ببیماید، سرانجام همراه کاروانی از بستگان، مدینه را به قصد خراسان ترک کرد، و با یک جهان اشتیاق و امید، بلکه پس از یک سال دوری بردار و سرپرستش، به فیض زیارت او نایل گردد، ولی در ساوه بیمار گردید....

بعضی علت بیماری آن حضرت را چنین نوشته اند: مردم ساوه در آن عصر از دشمنان سرسخت خاندان نبوت بودند، از این رو وقتی که موکب حضرت معصومه علیها السلام و همراهانش به ساوه رسید، به آن حمله کردند و جنگ سختی در گرفت، برادران و بزرگان حضرت معصومه علیها السلام در این جنگ به شهادت رسیدند، حضرت معصومه علیها السلام همچون عمه اش زینب علیها السلام وقتی که بدن های پاره پاره آنها را که 23 تن بودند دید، به شدت غمگین گشته و بر اثر آن بیمار

شد (174) و سپس روانه قم گردید، و در قم بیماری او ادامه یافت و پس از 16 یا 17 روز رحلت کرد.

و در روایت دیگر آمده: هارون بن موسی بن جعفر علیه السلام همراه 23 نفر از بستگان که یکی از آنها خواهرش حضرت معصومه علیها السلام بود، در یک کاروان وارد ساوه شدند، دشمنان اهل بیت علیهم السلام به هارون که در حال غذا خوردن بود، حمله کردند و او را به شهادت رساندند و افراد دیگران کاروان را مجروح و پراکنده ساختند. نقل شده: در غذای حضرت معصومه علیها السلام زهر ریختند (175) و آن بانوی گرامی، مسموم گشته و بستری شد، و طولی نکشید که در قم به شهادت رسید.

مطابق نقل بعضی، مسموم نمودن آن حضرت توسط زنی در ساوه انجام شد. (176)

### داغ پر سوز فراق

نظر به اینکه این ماجرا در سال 201 هجری قمری، حدود دو سال قبل از شهادت حضرت رضا علیه السلام رخ داده است (زیرا امام رضا علیه السلام در سال 203 شهید شد) این نیز از مصائب دیگر حضرت رضا علیه السلام است، مصیبتی جان سوز، که خواهر مهربانش در نیمه راه وصال، مظلومانه و غریبانه به شهادت رسید، و دیدار و ملاقات، به فراق و جدایی، تبدیل گردید و داغ جان سوز شهادت حضرت معصومه علیها السلام قلب مبارک حضرت رضا علیه السلام را جریحه دار کرده حضرت معصومه علیها السلام نیز با دلی پر از سوز فراق امید دیدار برادر، و با چشمی گریان از دوری برادر شهید شده است، شاعر معاصر آقای حسان در این راستا گوید:

از مدینه به قصد خطه طوس رهروی خسته یاست معصومه

تا زیارت کند برادر خویش      فکر و ذکرش دعاست معصومه  
 روز و شب عاشقی بیابان گرد      خواهری با وفاست معصومه (177)  
 قطعا حضرت رضا علیه السلام نیز هنگام شهادت، همان گونه که از یگانه فرزندش  
 حضرت جواد علیه السلام یاد کرده، از خواهر مهربانش، حضرت معصومه علیه السلام نیز یاد  
 کرده که شاعر از زبان آن حضرت می گوید:

مردم به غریبی و عیالم به سرم نیست      صد حیف که من صورت معصومه ندیدم  
 افسوس از آن حسرت دیدار که دلم را      صد چاک زد و چهره محبوب ندیدم  
 مرحوم محقق دانشمند آقای قرنی در این راستا چنین سروده است:

ز بس انتظار کشیدم سفید شد مویم      جریحه دار شد از اشک دیده گان رویم  
 به انتظار پدر، روز و شب به سر بردم      ولی دریغ نشد تا گل رخسار بویم  
 سپس به هجر برادر، فلک دچارم کرد      گشود باب فراق دگر زکین سویم  
 خزان بگشت گلستان و گل ز دستم رفت      به حیرتم که گل گم شده کجا جویم  
 مدینه تا به خراسان هزار فرسنگ است      ره وصال برادر، به صد شعف پویم  
 که شاید آنکه ببینم دوباره رخسارش      به نزد یوسف گم گشته راز دل گویم (178)

#### ماجرای دفن جنازه حضرت معصومه علیه السلام

زمینی که آستانه حضرت معصومه علیه السلام در آن واقع است، با بلان نام داشته، و  
 این زمین پیش از آنکه مرقد مطهر آن حضرت شود، بنایی نداشته است، فقط  
 ملکی از ملک های موسی بن خزرج بوده است، این زمین را موسی بن خزرج  
 که هم مهمان دار حضرت معصومه علیه السلام بود و هم در عصر خویش رئیس و  
 محترم بود، برای دفن آن حضرت معین کرد.

آل سعد در این سرزمین سردابی حفر کردند تا آن را مقبره حضرت معصومه  
علیه السلام قرار دهند، پس از آنکه جنازه مطهر آن بی بی بزرگوار را غسل داده و کفن

نمودند، آن را به آن سرزمین آوردند، در این وقت میان آل سعد گفتگو شد که چه کسی داخل قبر شده، و جنازه را در سرداب به خاک بسپارد، سرانجام اتفاق کردند که شخصی به نام قادر که پیرمرد پرهیزکار و صالح و سید بود داخل قبر شود و آن گوهر پاک را دفن کند.

چون به سراغ آن مرد رفتند، ناگاه از جانب صحرا دو سوار نقاب دار پیدا شدند، همین که به نزدیک رسیدند، از مرکب خود پیاده شدند و بر جنازه حضرت معصومه علیها السلام نماز گزارادند، سپس داخل سرداب شده و جنازه را دفن کردند، آن گاه بیرون آمده و رفتند، و کسی نفهمید که آنها چه کسی بودند.

آنگاه موسی بن خزرج سقف و سایبانی از بوریا بر سر قبر برافراخت تا هنگامی که حضرت زینب دختر امام نهم علیها السلام وارد قم گردید و قبه ای بر آن مرقد مطهر بنا کرد. (179)

بعد از مدتی ام محمد دختر موسی پسر امام جواد علیها السلام وفات کرد، جنازه او را در کنار مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپردند.

مدتی بعد، میمونه خواهر ام محمد وفات کرد، او را نیز در کنار مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپردند و قبه ای جداگانه بر روی قبر آن دو بانو، بنا نمودند سپس بریبه دختر موسی بن امام جواد علیها السلام وفات نمود، او را نیز در آنجا به خاک سپردند. (180)

مرحوم محدث قمی، غیر از بانوان فوق، از بانوان دیگر نیز نام برده که در کنار مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام مدفون هستند، مانند: زینب دختر امام جواد، ام اسحاق کنیز محمد بن موسی مبرقع علیها السلام، و ام حبیب کنیز محمد بن احمد بن موسی مبرقع علیها السلام. (181)

بنابراین این در مجموع شش تن از امامزادگان، و منسوبین به امامان  
علیهم‌السلام در کنار مرقد مطهر حضرت معصومه علیها‌السلام دفن شده اند. (182) از این رو  
شایسته است آنان که مرقد شریف حضرت معصومه علیها‌السلام را زیارت می کنند، از  
آنها نیز یاد کنند، گرچه با این جمله کوتاه باشد:

السلام علیکن یا بنات رسول الله، السلام علیکن و رحمہ الله و برکاتہ  
سلام بر شما ای دختران رسول خدا، سلام و رحمت و برکات خدا بر شما  
باد.

#### بیکرهای تر و تازه، پس از هزار و چند سال

از گفتنی های عجیب و معجزه آسا که در عصر ناصر الدین شاه (متوفای  
1313 هجری قمری) رخ داده اینک: مرحوم آیت الله حاج آقا حسین مجتهد  
(کوچه حرمی جد پدری حرم پناهی ها و جد مادری اشراقی که قبرش به  
صورت مرتفع در صحن نو، مقابل قبر مطهر حضرت معصومه علیها‌السلام با سنگ های  
مرمر، در قسمت پایین پای حضرت، روزنه ای به سرداب باز شد، ضروری به  
نظر رسید که افرادی انتخاب شوند و داخل سرداب بروند و وضع آنجا را بررسی  
کنند که اگر نیاز به تعمیر داشت، تعمیر نمایند.

دو نفر بانوی صالحه انتخاب شدند، چراغی برداشته داخل سرداب شدند،  
دیدند قبر مطهر حضرت معصومه علیها‌السلام در آن سرداب نیست، بلکه آن سرداب در  
پایین قبر مطهر آن حضرت است، در آن جا سه بیکر مطهرتر و تازه را دیدند که  
گویی همان روز، روح از بدنشان جدا شده بود یک تن بانو، و دو تنی کنیز و  
سیاه چهره بودند. (183)

از بررسی کتب فهمیده می شود که آن بانوی ارجمند میمونه دختر موسی  
مبرقع بن امام جواد علیها‌السلام بوده، و آن کنیز، ام اسحاق و ام حبیب، بوده اند. آری



پس از گذشت یازده قرن از وفاتشان، بدن مبارکشان، هیچ تغییر نکرده بود، و مصداق این سخن پیامبر ﷺ شدند که فرمود:

ان الله حرم لحومنا على الارض فلا يطعم منها شيئا  
خداوند گوشت های ما را بر زمین حرام کرده، هرگز زمین چیزی از گوشت ما را نمی خورد. (184)

### نگاهی به فضایل حضرت معصومه عليها السلام

از آنجا که شناخت، پایه دین است، و اظهار عقیده و انجام کارهای نیک و از روی شناخت، به عقیده و اعمال، ارزش چندان برابر می دهد، و از آنجا که امیر مومنان علی عليه السلام به کمیل فرمود:

ما من حركة الا و انت محتاج فيها الى معرفة  
هیچ حرکتی نیست مگر اینکه تو به شناخت خیر و شر آن نیازمند هستی. (185)

و حضرت رضا عليه السلام در مورد پاداش زیارت مرقد مطهر حضرت معصومه عليها السلام فرمود:

من زارها عارفا بحقها فله الجنة  
کسی که او را در حالی که حقش را شناخته، زیارت کند، برای او بهشت است. (186)

و در فرازی از زیارتنامه حضرت معصومه عليها السلام که از حضرت رضا عليه السلام نقل شده می خوانیم:

و ان لا يسلبنا معرفتكم انه ولي قدير  
از خدا می خواهیم که معرفت به شأن را از ما سلب نکند، او سرپرست توانا است.

نتیجه می گیریم که قبل از هر چیز باید امامان علیهم السلام و شخصیت های بزرگی چون حضرت معصومه علیها السلام را شناخت، و درک پاداش و درجات ارزش، بستگی به شناخت آنها دارد، از این رو در اینجا نظر شما را به ده نمونه از فضایل حضرت فاطمه معصومه علیها السلام که موجب شناخت بیشتر است، جلب می کنیم:

### دختر روح و جسم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

در زیارتنامه ای که در شأن حضرت معصومه علیها السلام از حضرت رضا علیه السلام نقل شده، حضرت معصومه علیها السلام به عنوان:

دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، دختر فاطمه و خدیجه علیها السلام دختر امیرالمؤمنان علی علیه السلام، دختر حسن و حسین علیهم السلام، دختر ولی خدا (امام کاظم)، خواهر ولی خدا (امام رضا علیه السلام)، و عمه ولی خدا (امام جواد علیه السلام) خوانده شده است.

این تعبیرات، تنها بیانگر شرافت خانوادگی نیست، بلکه علاوه بر آن، بیانگر آن است که حضرت معصومه علیها السلام از نظر معنوی و مقامات علاوه بر آن، ملکوتی، به راستی فرزند روح جسم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نظر معنوی و مقامات عالی ملکوتی، به راستی فرزند روح و جسم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت زهرا و خدیجه کبری علیها السلام و امامان معصومه علیهم السلام است.

### مقام عصمت و طهارت حضرت معصومه علیها السلام

روایت شده: حضرت رضا علیه السلام فرمود:

من زار المعصومه بقم کمن زارنی

کسی که معصومه را در قم زیارت کند، مانند آن است که مرا زیارت کرده

است. (187)

گرچه شواهد و قراین و در مورد مقام عصمت حضرت معصومه علیها السلام بسیار است، ولی سخن فوق از امام معصوم حضرت رضا علیه السلام صراحت دارد که حضرت معصومه علیها السلام دارای مقام عصمت بوده است، ضمناً این سخن بیانگر آن است که: این لقب را حضرت رضا علیه السلام به حضرت معصومه علیها السلام داده است، وگرنه نام حضرت معصومه علیها السلام فاطمه کبری است از سوی دیگر، به فرموده حضرت رضا علیه السلام پاداش زیارت حضرت رضا علیه السلام است.

یکی از قوانینی که بیانگر مقام عصمت حضرت معصومه علیها السلام است، این که (چنان که خاطر نشان شد) دو نفر نقاب دار از عالم غیب آمدند و جنازه آن حضرت را به خاک سپردند.

با توجه به این که: ما معتقدیم، معصوم را باید معصوم دفن کند، به احتمال قوی، آن دو نفر، امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام بوده اند.

پاسخ به یک سؤال

در اینجا این سوال مطرح می شود که مگر غیر از پیامبران و چهارده معصومه علیهم السلام دیگری نیز داریم؟

پاسخ: مقام عصمت که عالی ترین مقام معنوی و پاکی است، درجاتی دارد، در وهله اول بر گونه است: 1- معصوم از خطا 2- معصوم از گناه، حضرت معصومه علیها السلام همانند حضرت زینب علیها السلام در یکی از درجات عصمتند، گرچه در درجات چهارده معصوم علیهم السلام نباشند، زیرا چهارده معصوم علیهم السلام علاوه بر عصمت از گناه عصمت نیز دارند.

به هر حال وجود ذیجود حضرت معصومه علیها السلام که بانویی بسیار ارجمند، و گلی باشکوه از گلستان نبوت و امامت است، همچون روحی در پیکر سرزمین قم است، او با نورانیت معنوی خود، سرزمین قم رونقی دیگر بخشیده است، و

قدم مبارکش در قم، هزاران چندان بر عظمت قم افزوده است. او سلابه پاک از خزائن امامت و ولایت، و گوهری گرانقدر و تابناک از صدف ملک امکان است که روز به روز و ساعت به ساعت بر شکوه و شرافت قم، می افزاید، به گفته شیخ زکی باغبان در قصیده معروف خود:

قم گشته از شرافت معصومه با صفا      چون روضه بهشت برین گشته پر ضیا  
شاهان به درگهش همه آورده التجا      بی شک که می رود به بهشت از ره عطا  
بر نعلش مجرمی که نشیند غبار قم

چند شعر از نگارنده تقدیم به حضرت معصومه علیها السلام

نگارنده نیز در حد بضاعت اندک خود، در این راستا چنین سروده ام:

ای سرزمین قم تو کن از روی افتخار      ز آن گوهر خجسته و آن اخت شهریار  
بر سایر اراضی عالم ز عز و جاه      فخر سرور، هر دم و هر لحظه بی فکار  
بر گو به آسمان که مناز از ستارگان      در من ستاره شرف است و خور نهار  
کاو خواهر امام بود دختر امام      هم عمه امام و ز عصمت چو هشت و چار  
همواره شیعه از ره صدق می کند خطاب      بر دخت مصطفی و نگهدار ذوالفقار  
ای گوهر یگانه عصمت، در شرف      وی منبع فضایل و معنا و اعتبار  
خاک درت بدی و بود تو تیای چشم      مهر رخت حکایت و مرآت نور یار  
دارند فرشتگان ز سر التجاء و صدق      اندر سرای تو سر تعظیم و روی خوار  
قربان شوند و چاکر درگاهت ای مهین      ای گوهر نه صدف عفت و وقار  
از فر تو است حوزه علمیه با شکوه      از لطف تو است رونق آن جمله بر قرار  
اندر حوادث و خطر و پستی و فراز      باشی پناه و یاور این یار جدار  
از نور تو است دیده خفاش بی قرار      از کوی تو است دیده اعداء، تار و مار  
زیید کنی شفاعت ما را از روز حشر      ای شافع شکسته دلان نزد کردگار

ز آن روی که شیفته بود مرا تو از لقب      بهر دلیل در زیارت او اشفعی بیار  
دارد محدی ز سر صدق و بندگی      صبح و مساء در کنف لطف تو بهار

آری حضرت رضا علیه السلام به ما یاد داده که در زیارت او چنین بخوانیم:

یا فاطمه اشفعی لی فی الجنه، فان لک عندالله شأننا من الشان

ای فاطمه معصومه علیها السلام! در مورد رفتن به بهشت، مرا شفاعت کن، چرا که

تو در پیشگاه خداوند، دارای مقام و منزلتی، بس ارجمند هستی. (188)

### 3- پیشگویی امام صادق علیه السلام از حضرت معصومه علیها السلام قبل از ولادتش

از اموری که به روشنی بیانگر عظمت مخصوص مقام حضرت معصومه علیها السلام است، این که امام صادق علیه السلام قبل از ولادت او، حتی قبل از ولادت پدر او، از او یاد کرده است، این موضوع بیانگر آن است که این بانوی خاندان نبوت، از امتیازات و ویژگی های عمیق و ارجمندی برخوردار بوده است، و در سطح بالایی از شخصیت و ارزش های انسانی و ملکوتی قرار داشته است، به عنوان مثال:

1- یکی از شیعیان به محضر امام صادق علیه السلام آمد، دید آن حضرت در کنار گهواره کودکی، با آن کودکی، با آن کودک گفتگو می کند، تعجب کرد و گفت: آیا با کودک نوزاد سخن می گویی؟

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر تو هم مایل هستی نزد این کودک بیا و با او گفتگو کن.

او می گوید: کنار گهواره آن کودک نوزاد رفتم، سلام کردم، جواب سلام مرا داد، به من فرمود: نامی که برای دختر تازه متولد شده ات برگزیده ای عوض کن، زیرا خداوند آن نام را دشمن دارد. (باتوجه به این که او چند روز قبل از او دارای دختر شده بود و نامش را حمیرا گذاشته بود.)

آن شخص می گوید: سخن گفتن نوزاد، و اطلاع او از اخبار پنهان، و نهی از منکر او، مرا بیشتر به تعجب نکت، این کودک فرزندم موسی است خداوند از او دختری به من عنایت کند که نامش فاطمه است، او در سرزمین قم به خاک سپرد می شود، و هر کس (مرقد) او را در قم زیارت کند، بهشت بر او واجب است. (189)

2- نیز امام صادق علیه السلام قبل از ولادت حضرت معصومه علیها السلام در ضمن گفتاری در شأن او فرمود:

و ستدفن فیها امرأه من اولادی تسمى فاطمه، فمن زارها و جبت له الجنة به زودی در قم بانویی از فرزندان من به نام فاطمه دفن شود، پس هر کس او را زیارت کند، بهشت برای او موجب می گردد.

در ذیل این روایت آمده، امام صادق علیه السلام این سخن را قبل از ولادت امام کاظم علیه السلام فرمود. (190)

با توجه به اینکه امام کاظم علیه السلام در سال 128 هجری قمری چشم به جهان گشوده است، و تولد حضرت معصومه علیها السلام در سال 173 رخ داده، نتیجه می گیریم که امام صادق علیه السلام این سخن را 45 سال قبل از تولد حضرت معصومه علیها السلام فرموده است.

این پیش گویی امام صادق علیه السلام، در سخن دیگری نیز آمده که فرمود: در قم بانویی از فرزندانم رحلت می کند که به شفاعت او همه شیعیانم وارد بهشت می گردند. (191)

این پیشگویی ها دلالت ضمنی و در عین حال عمیق و آشکار بر عظمت جلال و مقام رفیع حضرت معصومه علیها السلام دارند، و در ضمن دعوت شیعیان به توجه بیشتر به مقام این بانو، و آرمان های مقدس او است.

این مطلب نیز به نوبه خود حاکی از فضایل مخصوص حضرت معصومه علیها السلام و مقام ارجمند و ممتاز او است.

#### 4- پدرش به فدایش

یکی از فضایل حضرت زهرا علیها السلام این است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در موارد متعدد، در شأن او فرمود:

فداها ابوها؛ پدرش به فدایش باد. (192)

این تعبیر بیانگر اوج مقام ارجمند حضرت زهرا علیها السلام است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در شأن او گفته است.

در مورد حضرت معصومه علیها السلام نیز نظیر این مطلب از پدرش امام کاظم علیه السلام روایت شده، در این راستا به ماجرای جالب زیر توجه کنید:

مرحوم آیت الله مستنبت (داماد اول آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خوئی) از کتاب کشف الثانی که نسخه خطی آن در کتابخانه شوشتری های نجف اشرف موجود است، و تألیف دانشمند محقق صالح بن عرندس دانشمند قرن نهم هجری می باشد، چنین نقل می کند:

عصر امام کاظم علیه السلام بود، روزی جمعی از شیعیان برای دریافت پاسخ از سوال های خود، به مدینه وارد شدند تا به محضر امام کاظم علیه السلام برسند، آن حضرت در مسافرت بود، نظر به اینکه آنها ناگزیر به مراجعت بودند، پرسش های خود را نوشتند و به افراد خانواده امام کاظم علیه السلام تحویل دادند تا در سفر بعد، به آن نائل شوند، مدتی بعد هنگام خدا حافظی، دیدند حضرت معصومه علیها السلام پاسخ پرسش های آنها را نوشته و آماده کرده است، آنها شادمان شدند و آن پاسخ ها را دریافت کردند و به سوی وطن رهسپار شدند، در مسیر راه به امام کاظم علیه السلام برخورد نمودند، و ماجرا را به عرض آن حضرت رساندند، امام

کاظم علیه السلام آن نوشته را از آنها طلبید و مطالعه کرد، پاسخ های حضرت معصومه علیها السلام را درست یافت، سه بار فرمود:

فداها ابوها؛ پدرش به فدایش باد.

با اینکه حضرت معصومه علیها السلام در آن هنگام خردسال بود، این ماجرای جالب نیز، ما را به عظمت ویژه حضرت معصومه علیها السلام از نظر علم و معرفت آشنا می کند، و در جای خود بی نظیر و استثنایی است. <sup>(193)</sup>

### 5- عالمه و محدثه و حجت امین امامان علیهم السلام

سیره حضرت معصومه علیها السلام در تاریخ گم شده است، علت آن خفقان شدید آن عصر، و ترس از نگارش زندگی اهل بیت علیهم السلام بوده است، در عین حال می توان بعضی از مطالب را از آنچه به جا مانده شرح داد.

از ویژگی های حضرت معصومه علیها السلام این بود که به علوم اسلامی و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم آگاهی داشت، و آن را برای دیگران و آیندگان، نقل می کرد، و از راویان و محدثان به شمار می آمد، چنان که روایت قبل بیانگر این مطلب است این روایت امام کاظم علیه السلام فرمود: پدرش به فدایش باد، در حدی که وجود شریفش حجت و امین پدرش امام کاظم علیه السلام بود، چنان که در فرازی از زیارتنامه غیر معروفه او آمده:

السلام علیک یا فاطمه بنت موسی بن جعفر و حجه و امینه

سلام بر تو ای فاطمه دختر موسی بن جعفر علیه السلام ، و حجت و امین موسی بن جعفر. <sup>(194)</sup>

بنابراین حضرت معصومه علیها السلام حجت و امانت دار پدرش اما کاظم علیه السلام بود، که در این صورت، حجت و امین خدا و حجت و نشانه اسلام و حافظ امانت الهی بود.



گرچه روایات آن حضرت به دست ما نرسیده، ولی اندکی از آن روایات را که دست ما رسیده در اینجا می آوریم:

1- در کتاب ارزشمند الغدير، به نقل از کتب متعدد اهل تسنن، حدیث غدیر و حدیث منزلت از آن بانوی بزرگوار نقل شده است، به این ترتیب:

... حدثنا فاطمه و زینب و ام کلثوم بنات موسی بن جعفر، قلن حدثنا فاطمه بنت جعفر بن محمد الصادق، حدیثنی فاطمه بنت محمد بن علی، حدیثنی فاطمه بنت علی بن الحسین، حدیثنی فاطمه و سکینه ابنتا الحسین بن علی، عن ام کلثوم بنت فاطمه بنت النبی، عن فاطمه بیت رسول الله و رضی عنها قالت:

انسیتم قول رسول الله ﷺ یوم غدیر خم من كنت مولاه فعلی مولاه و قوله ﷺ انت منی بمنزله هارون من موسی ﷺ؛

دختران امام کاظم ﷺ فاطمه (معصومه) و زینب و ام کلثوم گفتند: روایت کرد ما را فاطمه دختر امام صادق ﷺ، او گفت: روایت کرد مرا فاطمه دختر امام باقر ﷺ و او گفت: روایت کرد مرا فاطمه دختر امام سجاد، و او گفت: روایت کردند مرا فاطمه و سکینه دختران امام حسین ﷺ و آنها گفتند: روایت کرد ما را ام کلثوم دختر فاطمه زهرا ﷺ دختر پیامبر ﷺ، و او از مادرش فاطمه زهرا دختر گرامی پیامبر ﷺ، روایت کرده که آن بانو در برابر غاصبین خلافت علی ﷺ فرمود:

آیا فراموش کردید سخن رسول خدا ﷺ در روز عید غدیر خم را که فرمود: هر کس که من مولا و رهبر او هستم، پس علی ﷺ مولا و رهبر اوست؟ و نیز به علی ﷺ فرمود: نسبت تو به من همانند نسبت هارون به موسی ﷺ است. (195)

2- حضرت معصومه علیها السلام به همان سند روایت بالا، از حضرت زهرا علیها السلام نقل می کند که فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم فرمود: هنگامی که به معراج رفتم، وارد بهشت شدم، در آنجا قصری از در سفید میان خالی دیدم، که در آن قصر، به در و یاقوت آراسته شده بود، و بر آن در، پرده ای آویخته بود، سرم را به سوی آن بلند کردم، دیدم بر روی آن در چنین نوشته شده است:

لا اله الا الله، محمدا رسول الله، علی ولی القوم؛

خدایی جز خدای یکتا نیست، محمد رسول خداست، علی رهبر قوم است.

و به آن پرده نگاه کردم دیدم در آن چنین نوشته شده است:

بخ بخ من مثل شیعه علی؟

به به! چه کسی همانند شیعه علی علیها السلام (دارای مقامات عالی) است؟

وارد آن قصر شدم، در میان آن، قصری از عقیق سرخ میان خالی دیدم، دارای دری از نقره، آراسته به زبرجد سبز بود، و بر آن در، پرده ای آویخته بود، سرم را بلند کردم، دیدم بر روی آن در چنین نوشته شده:

محمد رسول الله، علی وصی المصطفی؛

محمد رسول خدا است، علی وصی مصطفی است.

سپس در آن پرده دیدم چنین نوشته بود:

بشر شیعه علی بطیب المولد

شیعه علی را مژده بده که پاکزاد است.

در میان آن قصر رفتم، دیدم قصر دیگری از زمرد سبز میان خالی است که زیباترین از آن ندیده بودم، دارای دری از یاقوت سرخ، آراسته به در بود، پرده ای بر آن آویخته بود، سرم را بلند کردم و دیدم روی آن پرده چنین نوشته شده است:

شیعه علی هم الفائرون

شیعیان علی علیه السلام کسانی هستند که رستگار می باشند.

به جبرئیل گفتم: حبیبم جبرئیل، این قصر از آن کیست؟ گفت: این قصر از آن پسر عمو وصی تو علی بن ابیطالب علیه السلام است، همه مردم در روز قیامت پابرهنه و عریان محشور می شوند جز شیعیان علی علیه السلام، در آن روز مردم به نام های ما در نشان خوانده شوند، جز شیعه علی علیه السلام که به نام های پدرانشان خوانده می شوند، گفتم: ای حبیبم جبرئیل! منظور از این سخن چیست؟ گفت:

لأنهم احلوا علیا فطاب مولدهم

زیرا شیعیان، علی علیه السلام در دوست داشتند از این رو پاکزاده شدند. (196)

3- حضرت معصومه علیها السلام با چند واسطه از صفیه عمه رسول خدا نقل می کند: وقتی که امام حسین علیه السلام چشم به جهان گشود، رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: ای عمه! فرزندم را نزد من بیاور، عرض کردم: هنوز او را پاکیزه نکرده ام، فرمود: ای عمه آیا تو می خواهی او را پاکیزه کنی؟ همانا خداوند متعال او را پاک و پاکیزه نموده است. (197)

4- حضرت معصومه علیها السلام وقتی که در ساوه بیمار شد، فرمود: مرا به قم ببرید، زیرا از پدرم شنیدم که فرمود: قم مرکز شیعیان ما می باشد (198)

5- در کتاب اللولو الثمینة فی الاثار المعننه المرویه (که در سال 1306

هجری قمری در مصر چاپ شده) چنین روایت شده:

... عن فاطمه بنت موسی بن جعفر، عن فاطمه بنت الصادق جعفر بن محمد، عن فاطمه بنت الباقر محمد بن علی، عن فاطمه بنت السجاد علی بن الحسین زین العابدین، عن فاطمه بنت ابی عبدالله الحسین، عن زینب بنت امیرالمؤمنین،

عن فاطمه بنت رسول الله ﷺ ، قالت قال رسول الله: الا من مات على حب آل محمد مات شهيدا

فاطمه (معصومه) دختر امام کاظم، و او از فاطمه دختر امام صادق و او از فاطمه دختر امام باقر، و او از فاطمه دختر امام سجاد، و او از فاطمه دختر امام حسین، و او از زینب دختر علی، و او از فاطمه زهرا دختر رسول خدا ﷺ روایت کرد که رسول خدا فرمود: آگاه باشید کسی که با حب آل محمد از دنیا رفت، شهید از دنیا رفت، شهید از دنیا رفته است. (199)

توجه به مضمون این پنج روایت بیانگر آن است که حضرت معصومه علیها السلام با پیام های خود حقانیت تشیع را ابلاغ می کند، و نسبت به شیعیان علی علیه السلام ابراز علاقه می نماید، و پاداش های آنها را بیان می کند تا آنها را در راستای آرمان های مقدس تشیع، استوار باشند.

#### 6- حرم حضرت معصومه علیها السلام تجلیگاه مرقد حضرت زهرا علیها السلام

مرجع عظیم الشأن مرحوم آیت الله العظمی مرعشی (رحمه الله) فرمود: پدرم مرحوم آیت الله علامه سید محمود مرعشی (رحمه الله) که در نجف اشرف می زیست، بسیار علاقمند بود که به طرقي، محل قبر شریف جده اش حضرت زهرا علیها السلام را بیابد، برای این مقصود، ختم مجروبی (یعنی یکی از دعاهایی که استجاب آن به تجربه رسیده که با تکرار آن با حضور قلب و خلوص و شرایط دیگر، موجب رسیدن به مقصود است) انتخاب نمود، چهل شب به آن مداومت کرد، تا شاید از طریقی به محل مرقد شریف حضرت زهرا علیها السلام آگاه گردد.

شب چهلم بعد از آنجا ختم و توسل فراوان، به تستر خوا رفت، در علم خواب به محضر امام باقر علیه السلام (یا امام صادق) رسید، امام به او فرمود: علیک بکریمه اهل البیت به دامن کریمه اهل بیت علیهم السلام چنگ بزن.

ایشان تصور کرد منظور امام علیه السلام از این جمله، حضرت زهرا علیها السلام است، عرض کرد: آری قربانت گردم، من نیز ختم را برای همین گرفتم که محل شریف قبر آن حضرت را دقیق تر بدانم و زیارتش کنم.

امام علیه السلام فرمود: منظور من قبر شریف حضرت معصومه علیها السلام در قم است. سپس افزود: به خاطر مصالحی، خداوند اراده نموده که قبر حضرت زهرا علیها السلام برای همیشه برای همگان مخفی باشد، از این رو قبر حضرت معصومه علیها السلام را تجلیگاه قبر شریف حضرت زهرا علیها السلام قرار داده است، اگر قرار بود قبر حضرت آشکار باشد همان شکوه و عظمت مرقد حضرت زهرا علیها السلام را خداوند برای قبر حضرت معصومه علیها السلام قرار داده است.

مرحوم آیه الله سید محمود مرعشی، وقتی که از خواب برخاست، تصمیم گرفت که به قصد زیارت حضرت معصومه علیها السلام به قم مهاجرت کند. او بی درنگ با همه اعضای خانواده اش از نجف اشرف، عازم قم شد و به زیارت مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام پرداخت. (200)

آن مرحوم، سرانجام به نجف بازگشت و در سال 1338 هجری قمری در آنجا درگذشت، ولی فرزند برومندش آیه الله العظمی سید شهاب الدین نجفی مرعشی به قم آمد و در جوار مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام می زیست تا اینکه پس از 66 سال درس و بحث و خدمات فقهی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بسیار، در هشتم صفر سال 1411 هجری قمری (مطابق با 17 شهریور 1369 شمسی) در سن 96 سالگی در قم به ملکوت اعلی پیوست، مرقد شریفش در جنب کتابخانه عظیم و بی نظیرش، در قم خیابان آیه الله مرعشی (ارم سابق) قرار گرفته است.

این فراز عجیب و استثنایی نیز بیانگر ورق دیگر از مقام با عظمت حضرت معصومه علیها السلام است که گویی آینه تمام نمای وجود مبارک جده اش حضرت زهرا علیها السلام است، که مرقدش در این رویای صادقانه همچون مرقد حضرت زهرا علیها السلام دارای همان شکوه و جلال معنوی شده است:

با توجه به اینکه مرجع تقلیدی این رویا را از پدر مجتهدش نقل می کند، و خواب دیدن امام معصوم علیها السلام، دلیل بر صدق خواب است.

### 7- زیارتنامه مخصوص

یکی از شواهد عظمت استثنایی حضرت معصومه علیها السلام، زیارتنامه ای است که به خصوص، حضرت رضا علیها السلام در شأن او صادر فرموده است، زیرا بعد از فاطمه زهرا علیها السلام تنها زیارتی که از امام معصوم علیها السلام برای او نقل شده زیارت حضرت معصومه علیها السلام است، حضرت زینب علیها السلام با آن همه مقام و منزلت زیارت مخصوص - نقل شده - از معصوم ندار و همچنین بانوان ارجمند دیگر از خاندان عصمت و طهارت.

علامه مجلسی (رحمه الله) از بعضی از کتب زیارت، از علی بن ابراهیم، و او از پدرش، و از او از سعد اشعری قمی نقل می کند که گفت در محضر امام رضا علیها السلام بودم، به من فرمود: ای سعد از برای ما در نزد شما (در قم) قبری وجود دارد: سعد عرض کرد: قربانت گردم آیا مقصود شما قبر فاطمه دختر موسی بن جعفر علیها السلام است. امام رضا علیها السلام فرمود:

نعم من زارها عارفا بحقها فله الجنة؛ آری کسی که با معرفت به شأن او، او را زیارت کند، بهشت برای او است.

سپس حضرت رضا علیها السلام چگونگی زیارت مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام را برای سعد، چنین بیان کرد، وقتی کنار قبرش رفتی در نزد بالای سر آن

حضرت رو به قبله بایست و 34 مرتبه الله اکبر و 33 بار سبحان الله و 33 بار الحمد لله بگو، آنگاه بگو:

السلام علی آدم صفوه الله تا آخر زیارت (201)

از ویژگی های این زیارت این است که مطابق دستور حضرت رضا علیه السلام در آغاز آن 34 بار تکبیر و 33 بار تسبیح و 33 بار حمد گفته شود، چنین دستوری در مورد زیارت های دیگر دیده نشده.

آری این سرآغاز توحیدی، برای آن است که زائر هنگام زیارت آن خاتون ارجمند دو سرا، با توجه و حضور قلب، و توحید و تنزیه و شکر خدا وارد گردد، و با این حالت ملکوتی با حضرت معصومه علیها السلام ارتباط برقرار نماید، که چنین حالتی، عالی ترین حال بنده خدا در برابر عظمت مقام اولیای خدا است تا با روحی پاک و قلبی صاف و دور از شوائب و آلودگی ها به زیارت بپردازد و نتیجه خوب بگیرد.

## 8- القاب پیام آور

در مورد حضرت معصومه علیها السلام دو زیارتنامه نقل شده، یکی همان زیارتنامه معروف است، که علامه مجلسی آن را از حضرت رضا علیه السلام نقل نموده است. (202) دیگری زیارتنامه ای است که صاحب کتاب انوار المشعشعین (شیخ محمد علی بن حسین کاتوزان، در همین کتاب، جلد 1، چاپ سنگی) (203) نقل کرده است، در فرازی از این زیارتنامه، خطاب به حضرت معصومه علیها السلام چنین می خوانیم:

السلام علیک ایها الطاهره الحمیده البره الرشیده، التقیه النقیه الرضیه المرضیه؛ سلام بر تو ای پاک سرشت و پاک روش، ای ستوده، ای نیکوکار، ای بانوی رشد یافته و پاک و پاکیزه ای بانوی شایسته و پسندیده. (204)

در این فراز به هشت لقب از القاب حضرت معصومه علیها السلام تصریح شده که هر کدام پیام آور یکی از ابعاد ارزش های والادی زندگی درخشان او است. هر یک از این القاب و صفات کافی است که ما را به مقام های عالی و درجات ممتاز معنوی او رهنمون گردد، شخصیتی که همه ابعاد روش و منش و فکر و عمل او بر اساس پاکی، صداقت، شایستگی، تفکر و رشد دینی و عرفانی، و مورد پسند خدا و رسول و امامان علیهم السلام پی ریزی شده و در این راستا قرار گرفته است، و به طور خلاصه، این صفات بیانگر مقام عصمت و طهارت ذاتی و اکتسابی او است، که هر کدام، چون آینه نشان دهنده جمال و کمال او می باشند.

#### 9 - شفاعت وسیع حضرت معصومه علیها السلام

در ذیل روایتی که قبلا در مورد پیش گویی امام صادق علیه السلام از تولد حضرت معصومه علیها السلام و وفات او در قم ذکر شده آمده:

... واسمها فاطمه بنت موسی تدخل بشفاعتها شیعتنا الجنة باجمعهم؛

نام او فاطمه دختر موسی علیه السلام است که با شفاعت او، همه شیعیان ما وارد بهشت می گردند.

این روایت حاکی از عظمت مقام فوق العاده حضرت معصومه علیها السلام است، که شفاعت او شامل همه شیعیان خواهد شد. این مطلب نیز شاهد گویایی بر فضایل استثنایی حضرت معصومه علیها السلام است.

یکی از علمای دولت آباد اصفهان، حضرت آیت الله حاج شیخ محمد ناصری دولت آبادی، از پدرش مرحوم آیت الله شیخ محمد باقر ناصری (وفات یافته) سال 1407 هجری قمری) نقل می کند: در سال 1295 هجری قمری، در اطراف قم، قحطی و خشکسالی شد، مردم به ستوه آمدند، در میان آنها چهل نفر از افراد



متدین، انتخاب شده و به قم آمدن و در حرم حضرت معصومه علیها السلام به بست نشستند، تا شاید با عنایات و دعای آن بزرگوار، خداوند باران بفرستد.

پس از سه شبانه روز، در شب سوم یکی از آنان، مرحوم آیه الله العظمی میرزا قمی (وفات یافته سال 1231 هجری قمری)<sup>(205)</sup> را در خواب می بیند میرزا می پرسد: شما چرا در اینجا به بست نشسته اید؟

او عرض می کند: مدتی است در منطقه ما بر اثر نیامدن باران، خشکسالی و قحطی به وجود آمده است، برای رفع خطر، به اینجا پناه آورده ایم. میرزای قمی می فرماید: برای همین، در اینجا جمع شده اید؟ این که چیزی نیست این مقدار از دست ما نیز ساخته است، در چنین نیازها به ما مراجعه کنید، ولی اگر شفاعت همه جهان را خواستید، دست توسل به طرف این شفیع روز جزا (حضرت معصومه علیها السلام) دراز کنید.

#### 10- پاداش عظیم زیارت مرقد حضرت معصومه علیها السلام

در مورد پاداش زیارت مرقد حضرت معصومه علیها السلام روایت متعددی از امامان معصوم علیهم السلام نقل شده که نظر شما را به هشت روایت زیر، که هر کدام پیام ویژه ای از عظمت مقام حضرت معصومه علیها السلام می دهد، جلب می کنیم:

1- امام صادق علیه السلام در ضمن گفتاری فرمود: .. من زارها و جبت له الجنة؛ کسی که او را زیارت کند، بهشت بر او واجب می گردد.<sup>(206)</sup>

2- نیز فرمود:

ان زیارتها تعدل الجنة؛ همانا زیارت او برابر کسب بهشت است.<sup>(207)</sup>

3- سعد بن سعد اشعری می گوید: در مورد پاداش زیارت قبر حضرت

معصومه علیها السلام از امام رضا علیه السلام پرسیدم، فرمود:

من زارها فله الجنة؛ کسی که او را زیارت کند پاداش او بهشت است.<sup>(208)</sup>

4- در مورد دیگر فرمود:

من زارها عارفا بحقها فله الجنة؛ کسی که او را از روی معرفت به شأن و مقامش، زیارت کند، پاداش او بهشت است. (209)

5- نیز فرمود:

من زار المعصومه بقم کمن زارنی کسی که معصومه علیها السلام را در قم زیارت کند، مانند آن است که مرا زیارت کرده است. (210)

6- یکی از شیعیان به زیارت مرقد منور حضرت رضا علیها السلام رفت و پس از زیارت، عازم کربلا شد، و از مسیر همدان به سوی کربلا رفت، در بین راه در عالم خواب حضرت رضا علیها السلام را در خواب دید، آن حضرت به او فرمود: چه می شد که اگر از قم عبور می کردی و قبر خواهرم را زیارت می کردی؟ (211)

7- مولی حیدر خوانساری می نویسد: روایت شده، اما رضا علیها السلام فرمود: هرکس نتواند به زیارت من بیاید، برادرم را در ری (یعنی امام زاده حمزه را که در کنار مرقد حضرت عبدالعظیم علیها السلام قرار گرفته است) یا خواهرم را (حضرت معصومه علیها السلام) را در قم زیارت کند، به همان ثواب زیارت من می رسد. (212)

شرح کوتاه

گرچه همه این احادیث، با زبان گویا، بیانگر اوج عظمت مقام حضرت معصومه علیها السلام است، ولی نکاتی در این روایات هست که در اینجا اشاره می شود:

مانند: وجوب بهشت، معادل بهشت، مالک شدن بهشت که از کلمه له فهمیده می شود، و برابر بودن زیارت او با زیارت حضرت رضا علیها السلام و بازخواست حضرت رضا علیها السلام از شیعه ای که به زیارت مرقد منور حضرت معصومه علیها السلام نرفته است.

زیارت حضرت معصومه علیها السلام را تنها یک امام، سفارش نکرده است، بلکه سه امام (امام صادق، امام رضا و امام جواد علیهم السلام) سفارش نموده اند، و جالب اینکه امام صادق علیه السلام این سفارش را قبل از تولد حضرت معصومه علیها السلام بلکه قبل از تولد پدر حضرت معصومه علیها السلام اما کاظم علیه السلام نموده است.

نکته جالب دیگر، روایت پنجم است که در آن، پاداش زیارت قبر شریف حضرت معصومه علیها السلام، برابر پاداش زیارت حضرت حضرت رضا، اما معصوم قرار داده شده است، زید شحام از امام صادق علیه السلام پرسید: پاداش کسی که یکی از شما را زیارت می کنند چیست؟ آن حضرت در پاسخ فرمود:  
کمن زار رسول الله مانند کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را زیارت نموده است. (213)

حضرت رضا علیه السلام فرمود:

الا فمن زارنی و هو علی غسل، خرج من ذوبه کیوم ولدته امه آگاه باشید، کسی که مرا در حالی که غسل کرده زیارت کند، به گونه ای از گناه بیرون آید و پاک می شود که هنگام تولد از مادرش از گناه پاک بود. (214)

دو نکته پیام آور

1- آن همه مقام چرا؟

می پرسند: آن همه مقام چرا؟ با این که حضرت معصومه علیها السلام چندین خواهر داشت، چرا بر آنها برتری داشت؟

پاسخ: این سوال در مورد حضرت زهرا علیها السلام نیز مطرح است، که باید در پاسخ گفت: این دو بانو علاوه بر شرافت خانوادگی و ذاتی، در عرصه ها و میدان های ایمان و عمل، ممتاز بودند و در این راستا با گزینش خود، درجات

عالی ارزش ها والای انسان را پیمودند، و با عرفان و عمل خود آن گونه درخشیدند.

حضرت معصومه علیها السلام در صحنه های علم، عرفان، ایمان، سیاست، و حمایت از مقام رهبری، بسیار ممتاز بود و سرانجام در این رستا به شهادت رسید. او در اقامت هفده روزه خود در قم، به عبادت و راز و نیاز با خدا اشتغال داشت، چنان که عبادتگاه او که آن را بیت النور گویند و اکنون در مدرسه ستیه قم در محله میدان میر قم قرار گرفته، گواه نورانیت و صفای ممتاز او در ارتباط با خداست.

از پرباری عمر مبارک 28 ساله حضرت معصومه علیها السلام همان بس که در اقامت هفده روزه اش در قم، حوزه علمیه قم را بقای جاودانه بخشید، و ده ها هزار فریخته و دانش پژوه را به جهان تشیع ارزانی داشت، بزرگانی بسان زکریا بن آدم از اصحاب امام رضا علیه السلام و احمد بن اسحاق وکیل امام حسن عسکری علیه السلام در قم تا وجود تقلید و اندیشمندان متفکری چون: میرزای قمی، آیت الله شیخ ابوالقاسم قمی، آیه الله حائری، آیه الله صدر، آیه الله سید محمد تقی خوانساری، آیه الله گلپایگانی، آیه مرعشی نجفی، آیه الله اراکی، علامه طباطبائی، استاد شهید مرتضی مطهری و حضرت امام خمینی (اعلی اله مقامهم الشریف) همه از برکت وجود عالمه آل عبا حضرت معصومه علیها السلام است که به حوزه علمیه مرکزیت داده، و با پرتو افشانی خویش، آن را به مدینه فاضله اسلامی تبدیل نموده است... انقلاب اسلامی ایران در حقیقت فرزند پاک این سرزمین مطهر و فیضیه (فیض گرفته از درگاه بی بی فاطمه معصومه علیها السلام است، که اینک با رهبری های حکیمانه ولی امر مسلمین، حضرت آیه الله خامنه ای مد ظله العالی، به مسیر خود ادامه می دهد.

رحمت خدای بزرگ و دورود خالصانه همه پیامبران، امامان، اولیای خدا و مجاهدان راستین بر این بانوی بزرگ باد، که همواره می درخشد و نور افشانی می کند. و کوثر همیشه جوشان ولایت است.

کوتاه سخن اینکه: آنچه انسان را به مقامات ارجمند می رساند، ایمان و عمل است، چنان که امام باقر علیه السلام فرمود:

فو الله ماشیعتنا الا من اتقى الله و اطاعه؛ سوگند به خدا شیعه ما نیست مگر کسی که پرهیزکار بوده و از خدا اطاعت کند. <sup>(215)</sup>

نیز فرمود:

لاتنال و لا یتنا الا بالعمل و الوره؛ به ولایت و دوستی ما جز از راه انجام عمل نیک و پرهیزکاری نمی تواند رسید. <sup>(216)</sup>

## 2- توجه اسلام و مسلمانان به ارزش زن

در همه تاریخ و در تمام ادیان، با افراط و تفریط، به زنان ظلم شده است، ولی اسلام حقوق زن را به طور کامل و عادلانه به آنها داده است، و آنها را از هر گونه انحطاطهای ساختگی رهای بخشیده است. یکی از نمونه های این حقیقت این که: مسلمانان بانوانی همچون: حضرت خدیجه، حضرت فاطمه، حضرت زینب، حضرت معصومه علیها السلام - علهین السلام - را به عنوان اینکه آنها دارای عالی ترین مقام ها هستند می ستایند، و با بهترین و عمیق ترین روش، از آنها تجلیل و احترام و نسبت به آنها ابراز احساسات می نمایند، و با این روش خود اعلام می دارند که میزان در رسیدن به مقامات عالی، تقوا و عمل است، نه زن و مرد سیاه و سفید و....

و این عظمت و احترام که در بارگاه نورانی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام که همچون نگین در شهر قم، جلوه دارد بهترین دلیل و گواه به احترام اسلام به

شخصیت زنان والا مقام است، و همین نمونه عملی می تواند جواب کوبنده ای باشد برای آنهایی که می گویند اسلام برای زن چندان ارزشی قائل نیست.

مرغ دلم راهی قم می شود      در حرم امن تو گم می شود  
عمه سادات سلام علیک      روح عبادات سلام علیک  
کوثر نوری به کویر قمی      آب حیات دل این مردمی  
عمه سادات بگو کیستی      فاطمه یا زینب ثانی استی؟  
از سفر کربلا آمدی      یا که به دنبال رضا آمدی  
کاش شوی مست حضورم کنی      باخبر از وقت ظهورم کنی

### چند کرامت از درگاه حضرت معصومه علیها السلام

#### توضیحی درباره کرامت و ولایت تکوینی

یکی از اقسام ولایت ها در سطح بالایی قرار دارد، ولایت تکوینی است، ولایت تکوینی آن است که کسی توانایی تصرف در جهان آفرینش داشته باشد، مثلا حضرت عیسی علیه السلام دارای مقام ولایت تکوینی بود، یعنی می توانست در جهان خلقت تصرف کند و به تعبیر قرآن به اذن خدا، با دمیدن به مجسمه گلی پرنده، آن را زنده کرده و به پرواز درآورد، و یا کور مادرزاد را بینا نماید، و یا بیماری بی درمان برص را درمان بخشد، و از همه بالاتر مرده را زنده کند. (217)

این قدرت ملکوتی عیسی علیه السلام به خاطر آن بود که او عبد کامل خدا و از اولیاء و پیامبران بود، و انسان می تواند در پرتو بندگی خالص و کامل به چنان مقاماتی برسد که خدا گونه شود و مظهر صفات کمال و جلال خدا گردد، چنان که امام صادق علیه السلام در سخنی فرمود:

العبودية جوهره کنها الربوبية عبودیت و بندگی گوهری است که ربوبیت در آن نهفته است.

یعنی عبودیت انسان را به قدر به خدا نزدیک می کند که مظهر صفات خدا می شود، و به اذن پروردگار می تواند در جهان تکوین، تصرف کند و کارهای خدایی نماید.

توضیح اینکه: وصول به ربوبیت در پرتو پیمودن مراحل عبودیت گرچه در ظاهر تعبیر زنده ای است، زیرا معنی این جمله از بندگی تا خداوندگاری است مگر می شود انسان از مرز بندگی خارج شود، یا در مرز خدایی گام بگذارد؟

این التراب و رب الارباب خاک کجا و پرودگارها کجا؟

ولی به گفته استاد علامه شهید مرتضی مطهری (رحمه الله) باید توجه داشت که خدایی غیر از خداوندگاری است، مقصود از حدیث فوق این است که انسان در پرتو بندگی به خداوندگاری می رسد. (218)

یعنی انسان در پرتو پیمودن مراحل عالی بندگی، دارای روح ولایت تکوینی می شود، و می تواند کارهای معجزه آسا کند و کرامت های عجیب از او سرزند. در آنجا به عنوان نمونه به ذکر یک شاهد عینی از نمونه کرامت های حضرت رضا علیه السلام که نگارنده یقین به آن دارد می پردازم:

خواهری دارم به نام ایران خانم، که در سال 1320 ش در اشتهارد متولد شد، پس از چندی مادرش از دنیا رفت، او به سن دو سالگی رسید ولی نمی توانست بایستد، حتی دست هایش را به دیوار تکیه می دادند، باز به زمین می افتاد، پدرم بار مادر بزرگم همراه از مومنان، او را در سال 1323 ش برای توسل به حضرت رضا علیه السلام به مشهد مقدس بردند. فصل زمستان بود و حرم آن حضرت خلوت بود. پدر و مادر بزرگم این کودک را در کنار خود؛ در نزدیک ضریح مقدس نشاندند و ملتسمانه از آقا خواستند که به او لطف خاصی کند، سپس مشغول نماز شدند، ناگاه در نماز دیدند این دختر برخاست و به سوی ضریح

رفت و ضریح را بغل گرفت. از آن پس دختر به طور کامل شفا یافت و بدون تکیه بر چیزی، به راه افتاد. او را به اشتهارد آوردند، همه بستگان که او را می شناختند و می دانستند که او قادر به اسیتادن و راه رفتن نبود، تعجب کردند، و به یاد لطف سرشار حضرت رضا علیه السلام اشک شوق ریختند. این خواهرم هنوز زنده است و در کمال سلامتی به سر می برد.

اینک می گوئیم: حضرت معصومه علیه السلام نیز بر اثر کمال و عبودیت و عرفان، و دستیابی به مقامات عالی معنوی به مرحله ای رسید که دارای چنین امتیازی شده و می تواند از مقام ولایت خود استفاده کرده و کارهای معجزه آسا و کرامت های شگفت کند: در اینجا در میان صدها نمونه نظر شما را به چند نمونه جلب می کنیم:

#### 1- نجات گروه سرگردان با راهنمایی حضرت معصومه علیه السلام

سال ها قبل از انقلاب، گروهی از مردم یکی از شهرهای دور، در فصل زمستان برای زیارت حضرت معصومه علیه السلام عازم قم بودند. شب فرا رسید، برف سنگینی در زمین نشسته بود، این گروه در چند فرسخی قم راه را گم کردند، در بیابان بدون وسیله، سرگردان شده و در مخاطره شدید قرار گرفتند، همانجا دست به توسل به دامن حضرت معصومه علیه السلام زدند تا با نشان دادن راه، آن ها را از خطر برهاند.

طبق سند موثق، یکی از خدام آستانه مقدسه حضرت معصومه علیه السلام ، مرحوم سید محمد رضوی می گوید: در آن شب (بدون اطلاع از زائران در به در و سرگردان) در حرم بودم، اندکی خوابیدم، در عالم خواب دیدم حضرت معصومه علیه السلام نزد من آمد و فرمود: برخیز، چراغ گلدسته ها را روشن کن. <sup>(219)</sup> به ساعت نگاه کردم، دیدم اندکی از نیمه شب گذشته و هنوز چهار ساعت به اذان صبح



باقی است (و مطابق معمول اندکی قبل از اذان، چراغ های گلدسته ها را روشن می کردیم.

خوابیدم، دوباره حضرت معصومه علیها السلام را در خواب دیدم، این بار با تندی به من فرمود: برخیز، مگر نگفتم چراغ های گلدسته ها را روشن کن.

برخاستم و چراغ هالی گلدسته ها را روشن کردم، دیدم برف سنگینی آمده و همه جا را سفید پوش نموده است، ولی شگفت زده شده بودم که چرا امشب به دستور حضرت معصومه علیها السلام چراغ ها را زودتر روشن نموده ام؟ آن شب به سر آمد، صبح روز بعد که هوا آفتابی بود، از حرم عبور می کردم، شنیدم چند نفر از زائران به همدیگر می گویند: حضرت معصومه علیها السلام به داد ما رسید، چقدر باید از محضر مقدسش تشکر و سپاس گزاری نماییم! اگر چراغ های گلدسته ها روشن نمی شد، ما در دل شب تاریک در بیابان پر از برف و هوای سرد، که راه را گم کرده، بودیم، جان سالمی به در نمی بردیم، اگر چراغ گلدسته ها روشن نمی شد ما جهت شهر قم را در آن تاریکی ظلمانی هرگز پیدا نمی کردیم.

راز خواب را دریافتم که چرا حضرت معصومه علیها السلام به من می فرمود: برخیز و چراغ گلدسته ها را روشن کن! (220)

## 2- امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در کنار حرم

از مطالب گفتنی اینکه: نقل می کند، شخصی به نام سید عبدالرحیم که مورد وثوق بود، گفت: در عالم خواب دیدم، در قبرستان بزرگ قم، جمعیت بسیاری هستند، در این هنگام شخص بزگواری را که سوار بر اسبی بود و از بازارچه می آمد، مشاهده نمودم، دیدم در پشت سر آن سوار، شخصی گفت: این سوار حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد تا این خبر را شنیدم،

سراسیمه به دنبال آن حضرت شتافتم، دیدم آن حضرت به صحن مطهر آمد و در آنجا پیاده شد.

صحن خلوت بود، کسی را جز آن حضرت و شخصی که همراهش بود در آنجا ندیدم، مشاهده کردم که آنها را عبور کرده تابه در صحن عتیق رسیدند، افسار اسب را به دست من دادند تا آن را نگهدارم، با خود گفتم نگهداشتن اسب خوب است یا همراه حضرت بودن؟ سرانجام همراهی حضرت را برگزیدم و افسار اسب را به دست همان شخصی که همراه امام بود دادم و خودم به دنبال حضرت روانه شدم، دیدم حضرت وارد حرم شد و در بالا سر مرقد حضرت معصومه علیها السلام توقف کرد، هیچ کس از خدام نبودند پیش خود فکر می کردم آیا به حضور حضرت بروم یا نروم؟ در کنار رواق ایستادم، صدای آن حضرت را می شنیدم، اما چیزی نمی فهمیدم، پس از مدتی از آن حضرت از حرم برون آمد و من نیز از حرم بیرون آمدم و پشت سر او به راه افتادم، ولی ناگهان ناپدید شد و هرچه جستجو کردم دستم به دامنش نرسید و از فیض حضور آن بزرگوار محروم گشتم. <sup>(221)</sup>

### 3- شفای بیماری بی درمان

از داستان های واقعی که نقل آن به تواتر رسیده این که: پای مردی به نام میرزا اسدالله که از خدام آستانه حضرت معصومه علیها السلام بود بیماری شقاقلوس (یعنی یک نوع بی حسی و فلجی) گرفت، به حدی که انگشت های پایش سیاه شده و یزشک های آن زمان از درمان او عاجز شده بودند و به اتفاق رأی گفته بودند که باید پای او قطع شود.

یک روز قبل از آنکه موعد قطع پا فرا رسد، بیمار نامبرده با خود گفت حال که بنا است فردا پای مرا قطع کنند، خوب است امشب در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام بمانم و متوسل شوم.

شخصی به نام مبارک او را حمل کرد و به حرم برد، اواخر شب که خدام، درهای حرم را بستند، او خود را به پای ضریح انداخت و در مورد درد و بیماری خود ناله کرد و ملت سمانه از حضرت معصومه علیها السلام خواست که از خدا بخواهد، پای او خوب شود، او تا صبح به توسل و سوز و گداز پرداخت، هنوز هوا تاریک بود، خدام شنیدند که میرزا اسدالله، پشت در آمده فریاد می زند در را باز کنید، حضرت به من لطف کرد و توسط حضرت معصومه علیها السلام شفا یافتم، در را باز کردند و دیدند میرزا اسدالله خوشحال است و بیماریش رفع شده، و او جریان شفایش را چنین شرح داد؛ بانوی بزرگواری نزد آمد و فرمود تو را چه شده است؟ عرض کردم: بیماری پا مرا از کار انداخته، از خدا، یا شفا می خواهم یا مرگ! آن بانو گوشه مقنعه خود را چند بار بر روی پای من مالید و فرمود: خداوند تو را شفا داد احساس کردم که خوب شدم و اصلا درد پا ندارم.

از آن بانو پرسیدم، شما کیستید:

فرمود: آیا مرا نمی شناسی و حال آنکه تو خادم حرم من می باشی، من

فاطمه دختر موسی بن جعفر علیه السلام می باشم. (222)

#### 4- رفع خطر شدید سیل

کسانی که به وضع جغرافیایی شهر قم آگاهی دارند می دانند که در وسط شهر قم رودخانه بزرگی قرار گرفته و مسیر آب باران ده ها فرسخ از زمین های قبل از رودخانه از پایین گلپایگان و دلیجان گرفته و در همین رودخانه به دریاچه قم می ریزد.

در این صورت ناگفته پیداست که هنگام بارش شدید پی در پی، سیل های خطرناکی در این رودخانه به جریان می افتد، و چنان که تاریخ قم نشان می دهد قرن ها پیش تا کنون چندین بار سیل رودخانه، طغیان کرده و موجب خسارت های بسیار شده است.

در یکی از این موارد نوشته اند: زمانی سیل بسیار عظیمی آمد که اهل قم را فوق العاده ترسانده، هر لحظه انتظار می رفت که خطر سیل ساختمان ها را ویران کند....

در این بحران شدید مشاهده شد که دستی نمایان گردید و به سیل اشاره کرد و آن سیل به سوی دیگر رفته و رفع خطر نمود، از این رو شیخ زکی باغبان در آن شرفنامه معروف خود می گوید:

روزی که سیل سیمره از رود ناربار آمد به شهر قم ز قضایای کردگار  
دانی که کرد دفع بلا را از این دیار معصومه بود دختر موسی سرفراز  
ذریه رسول خدا، غمگسار قم<sup>(223)</sup>

#### 5- نقاره خانه به صدا در آمد

نقل می کنند در زمان مرجعیت مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری در حدود هفتاد سال قبل شخصی بود که بسیاری از مردم قم او را دیده بودند، قسمت پایین بدنش که حس و فلج بود به طوری که توانایی حرکت نداشت، و هنگام راه رفتن پای خو را روی زمین می کشید، و از اهالی قفقاز شوری بود برای شفای پای خود به مشهد رفته بود ولی نتیجه ای نگرفته بود، به قم به درگاه حضرت معصومه علیها السلام رو آورده بود تا شفا بگیرد.

در یکی از شب های ماه رمضان بود که صدای نقاره خانه<sup>(224)</sup> بلند شد، علت پرسیدند، گفتند حضرت معصومه علیها السلام شخصی را که در پا عاجز بود شفا داد،

تعد معلوم شد، که او همان شخص قفقازی است، وقتی او را دیدند مثل اینکه اصلا درد پا در او نبود است و خودش می گفت: دیگر دردی در بدن و پای خود احساس نمی کنم،<sup>(225)</sup>

#### 6- توسل ملاصدرا به حضرت معصومه علیها السلام

صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی، معروف به ملاصدرا، و صدر المتألهین از علما و حکما و فلاسفه بزرگ دوره صفویان است، او پس از مرگ پدر، از شیراز به اصفهان آمد و در آنجا از محضر درس شیخ بهایی و میرداماد، به ادامه تحصیل پرداخت، و خود اعجوبه زمان و افتخار حکمای دوران گردید، او مدتی از عمر خود را در روستای کهک (که در چند فرسخی قم واقع شده) به سر برد و به تفکرات عمیق پرداخت، او مکرر به مکه برای انجام مراسم حج و عمره رفت و سرانجام در سفر هفتم هنگام مراجعت، در سال 1050 هجری قمری (در بصره) درگذشت، تألیف های او به زبان عربی از این قرار است: اسفار اربعه، شرح اصول کافی، کتاب الهدایه و شرح حکمه الاشراق.

دو نفر از شاگردان برجسته او به نام های ملا محسن فیض کاشانی و مولی عبدالرزاق لاهیجی ملقب به فیاض صاحب کتاب شوارق مشارق و گوهر مراد، داماد او شدند و خود از دانشمندان و استاتید بزرگ عصر خود بودند، نوشته اند روزی دختر ملاصدرا، همسر فیض کاشانی، به پدر گفت: خواهر من همسر فیاض هستم، ملاصدار به او جواب داد: لقب شوهر تو بهتر است، زیرا او عین فیض است.<sup>(226)</sup>

ملاصدرا (حکیم مذکور) هرگاه در مطالب علمی به مشکلات پیچیده برخورد می کرد، از روستای کهک به زیارت حضرت معصومه علیها السلام می آمد، و با توسل

به آن بی بی دو عالم، مشکلات علمیش حل می شد، و از منبع فیض وجود مبارک حضرت معصومه علیها السلام مستفیض می گردید. <sup>(227)</sup>

مرحومه آیه الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی (رحمه الله) مکرر می فرمود: هر وقت برای ملاصدرا مشکل علمی یا مطلب مبهمی پیش می آمد، در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام به بی بی مکرمه متوسل شده، و با استمداد از آن بانوی دو عالم، مشکلش، حل و آسان می شد. <sup>(228)</sup>

### 7- هلاکت مزدور گستاخ

در عصر رضاخان و کشف حجاب، روزی رئیس شهربانی قم که مردی گستاخ و بدزبان بود به حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام وارد شد در همانجا به زنان با حجاب حمله کرد، تا چادر از سرشان بگیرند، آه و ناله زنان بلند شد، در همین وقت غیرت آیه الله مرعشی نجفی (رحمه الله) که در آنجا حضور داشت، به جوش آمد، و به آن قسمت رفته و برای جلوگیری از آن رئیس، پس از بگو و مگو، سیلی محکمی به صورت رئیس شهربانی زد، او که از این سیلی، سخت یکه خورده بود، آیه الله مرعشی را تهدید به قتل نموده ولی روز بعد همین رئیس گستاخ وارد بازار قم گردید، از قضا قسمتی از سقف ساختمان بازار بر سر او خراب شده، و او در همان دم به هلاکت رسید و از دنیا رفت. <sup>(229)</sup>

و این حادثه هم از کرامت های حضرت معصومه علیها السلام است که در حرمش، ستمگر گستاخی، به زنان با حجاب حمله کرد، یا عالم بزرگ آیه الله العظمی مرعشی نجفی را تهدید به قتل نمود، و هم از کرامت آیه الله مرعشی به حساب می آید.

## 8- حل مشکل آیه الله نجفی به دست حضرت معصومه علیها السلام

آیه الله العظمی سید شهاب الدین نجفی مرعشی (وفات یافته شهریور 1369 شمسی) می فرمود: روزگاری که جوان تر بودم، روزی بر اثر مشکلات فراوانی که داشتم، از جمله می خواستم دخترم را شوهر دهم، ولی مال و ثروتی نداشتم، از جمله می خواستم دخترم را شوهر دهم، ولی مال و ثروتی نداشتم تا برای دخترم جهیزیه تهیه کنم، با ناراحتی به حرم حضرت معصومه علیها السلام رفتم، و با عتاب و خطاب در حالی که اشک هایم سرازیر بود گفتم: ای سیده مولا من، چرا نیست به امر زندگی من اهمیت نمی دهی؟ من چگونه با این دست خالی دخترم را شوهر دهم؟

سپس با دلی شکسته به خانه برگشتم، حالت غشوه (کشف) مرا فراگرفت در همان حال شنیدم در می زنند، رفتم و در را باز کردم، شخصی را دیدم که در پشت در ایستاده، وقتی مرا دید گفت: سیده تو را می طلبد با شتاب به حرم رفتم، وقتی که وارد صحن شریف آن حضرت شدم، چند کنیز را دیدم که به تمیز کردن ایوان طلا اشتغال داشتند، از سبب آن پرسیدم، گفتند:

اکنون سیده می آید، پس از اندکی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام آمد، در حالی که در شکل و شمایل، مانند مادرم فاطمه زهرا علیها السلام بود (چون جده ام زهرا علیها السلام را سه بار قبل از آن، در خواب دیده بودم) نزد عمه ام حضرت معصومه علیها السلام رفتم و دستش را بوسیدم، به من فرمود: ای شهاب! کی ما در فکر تو نبوده ایم، که ما را مورد عتاب قرار داده و از دست ما شاکی هستی، تو از زمانی که به قم آمدی زیر نظر ما و مورد عنایت ما بوده ای.

وقتی که از خواب بیدار شدم، فهمیدم که نسبت به حضرت معصومه علیها السلام اسائه ادب کرده ام، همان دم برای عذرخواهی به حرم شریفش رفتم، از آن پس

حاجتم برآورده شد و در کارم گشایشی صورت گرفت، و مشکل زندگیم حل و آسان گردید. (230)

### کرامت های تازه

سابقا کرامت هایی که در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام بروز می کرد، با کمال تأسف ثبت و ضبط نمی شد، ولی اخیرا با تولیت محترم جدید، که تحولی شایان توجه در حرم، از جهات گوناگون! وجود آمده، و به این امور توجه می شود، در این راستا ضمن تشکر از مقام سرپرستی حرم مطهر، نظر شما را به موارد زیر از کرامت های تازه که در دفتر تبلیغات آستانه به ثبت رسیده و توسط حضرت حجه الاسلام آقای محمد نظری، در اختیارم قرار گرفت جلب می کنم:

### 9- شفا یافتن دختر فلج

با دیگر شبانگاهان هنگامی که دیدگان غفلت زده محو تماشای ظلمت خود گردیده بود دست فیاض الهی از آستین کریمه اهل بیت علیهم السلام به درآمد و چراغی به روشنی خورشید ولایت فرا روی عاشقان دل سوخته بر افروخت. سخن از گذشته های دور نمی باشد بلکه حقیقتی است محقق در جمعه شب 1373/2/23 شمسی.

آن زمان که دیگر درهای عالم مادی بسته می شود و تنها و تنها چشم امید به قدرت بی انتها است چاره ساز می گردد. سخن از لطف و کرامت و مهربانی و محبت است.

آری بار دیگر جمعه شب شاهد گشوده شدن خزائن غیب گشتم و نزول رحمت الهی، شامل حال مسافری گردید، او مسافری بود از راه دور، مسافری که بعد مسافت را طی کرده بود و در عین دوری، بسیار نزدیک بود. آری، او



دختری بود چهارده ساله، از اهالی روستای شوط ماکو، از شهرهای آذربایجان، در گفتگویی مختصر شرحی از بی نهایت هستی را برایمان بازگو کرد و او این چنین آغاز نمود:

را... هستم، از اهالی شوط و ماکو. چهار ماه پیش بر اثر یک نوع سرما خوردگی از هر دو پا فرج شدم، خانواده ام مرا به بیمارستان های مختلف در شهرهای ماکو، خوی و تبریز بردند، ولی همه پزشکان پس از عکس برداری انجام آزمایش ها از درمانم عاجز شدند و من دیگر نمی توانستم پاهایم را حرکت دهم، تا این که چهارشنبه 73/2/21 در عالم رویا دیدم که خانمی سفید پوش سوار بر اسبی سفید به طرف من آمدند و فرمودند: چرا از همان ابتدای بیماری به قم پیش من نیامدی تا شفایت دهم؟ با اضطراب از خواب پریدم و جریان خواب را با عمو و عمه ام در میان گذاشتم و آنها نیز بلافاصله مقدمات سفر به قم فراهم آوردند. لذا روز جمعه 73/2/23 ساعت 7/30 بعد ظهر به حرم مطهر مشرف شدیم. پس از نماز مشغول خواندن زیارتنامه شدم که ناگهان صدای همان خانمی که در خواب دیده بودم به گوشم رسید که: بلند شو راه برو که شفایت دادم. من ابتدا توجهی نکردم و باز مجددا همان صدا با همان الفاظ تکرار شد. این بار به خود حرکتی دادم و مشاهده کردم که قادر به حرکت می باشم و مورد لطف آن بی بی دو عالم قرار گرفته ام.

این بود مشتی از خروار الطاف بی شمار این در بی نظیر که به واسطه وجود پاکش سرزمین قم تقدیس یافته و مسکن و مأوای عاشقان و سالکان طریق هدایت و قبله آمال عارفان حقیقت گشته است. به امید آن که این شرح بی نهایت شربتی باشد از خواب غفلت و بدان امید که حضرتش همه را از ره لطف بنوازد و بر سیل هدایت رهنمون گردد. (231)

## 10- نسیم رحمت بر اعصاب مبتلا به تشنج

بار دیگر دست رحمت حق از بارگاه مقدس حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ظاهر گشت و خسته دلی از فرزندگان عاشق را امداد نمود. دل شکسته ای که بهار زندگی او قرین خزان شده بود به میهمانی نور آمد تا خواهر امام هشتم علیها السلام را به شفاعت درگاه الهی برد.

این کرامت در روز پنجشنبه 73/4/2 ایامی واقع می شود که واپسگریان منافق، حریم مقدس رضوی را آماج انفجار بمب قرار داده و عده ای از پروانه ها سوگوار در عزای حسینی در جوار ضریح مقدس ثامن الحجج علیها السلام آن هم در مقدس ترین روز و مقدس ترین ساعت در این کشور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به شهادت رساندند و یا مجروح ساختند.

خواهر پ - م اهل باختران در سال سوم دبستان مبتلا به تشنج اعصاب گشته و پس از مدتها مداوا و معالجه ناامید از همه جا به همراه خانواده قصد زیارت بارگاه رضوی را می نمایند تا شفای درد را از باب الحوائج بستانند.

اکنون به فرموده مادر ایشان به حکایت این کرامت توجه کنید:

هنگامی که به شهر مقدس قم رسیدیم با خود گفتم خوب است اول به زیارت خواهر امام رضا علیها السلام بروم. اگر جواب ندادند، به مشهد می رویم، ساعت 2 بعد از نیمه شب به قم رسیدیم و اطاقی کرایه کردیم و ساعت 9 صبح به حرم مشرف شدیم، و دخترم را که به سختی می خوابید و گاهی اگر اعصاب او متشنج می شد باعث مشکلاتی می گشت با توجه و توسل به حضرت، او را نزدیک ضریح بردم و به راحتی خوابید، پس از مدتی که از نماز ظهر و عصر گذشت بوی عطر عجیبی حرم را گرفت و دیدم دست راست دخترم سه مرتبه به صورتش کشیده شد و رنگ او را برافروخته گردید و گوشه چادر او را که به ضریح گره کرده

بودم باز شد، و دستبند پارچه ای سبز هم باز شد، و دخترم به راحتی از خواب بیدار شد و گفت: مادر کجاییم؟

گفتم: در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام گفت مادر گرسنه ام!! من که حسرت شنیدن این کلمه را چندین ماه داشتم بلافاصله گفتم برویم بیرون از حرم مطهر، او هم قبول کرد، همین که می آمدیم از او پرسیدم مادر احساس ناراحتی نمی کنی، آن چنان که سابق بودی؟ گفت: نه، الحمدلله خوب هستم، کنار حوض صحن آمدیم و آبی به صورتش زدم و احساس کردم که حالت او طبیعی شده و از این بابت از حضرت معصومه علیها السلام تشکر و قدردانی می نمایم، امیدوارم خداوند همه بیماران اسلام را شفا دهد.

ای خواهران و برادران مسلمان! با دل پاک و قلب سلیم و دوری از گناه، و اعتقاد به قدرت الهی و با متوسل شدن به عنایت ائمه معصومه علیها السلام و اولیای الهی است که می توان موفق به دریافت فیض الهی گشت. <sup>(232)</sup>

### 11- شفای دخترک مبتلا به فلج

در آستانه سال 1375 هجری شمسی که مقارن با اول ذیقعد 1416 هجری قمری برابر با سالروز ولادت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بود، کریمه اهل بیت نور امید در دل زائران با صفای خود که دخترک 11 ساله از اهالی مازندران بود از خدای متعادل طلب شفا نمود.

زائری در نهایت پاک دلی و خلوص که مدت ها در حال گلو درد و حالت تهوع به سر می برد و سرانجام مبتلا به فلج در ناحیه پای راست گردیده بود پس از معالجات مکرر نزد اطبای متعدد، مایوس گردید و در حالی که در هاله ای از غم فرو رفته و به آینده تاریک خود فکر می کند به زیارت این بانوی مکرمه دعوت می شود.

در شب جمعه 1374/12/3 به همراه خانواده خود به حرم مطهر مشرف می شوند و در حالی که مادر مهربان و دل سوخته او از سر شب تا به صبح در کنار فرزند دردمند خود بیدار می ماند و باخدای بزرگ راز و نیاز می نماید و حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دخت گرامی امام هفتم موسی بن جعفر علیه السلام را به شفاعت می خواند، نزدیک اذان صبح مشاهده می کند بیمار او که مدت ها توان ایستادن و حرکت نداشت از خواب برخاسته و روی پا می ایستد! مادر با تعجب از حال او می پرسد و او را راه می برد و متوجه می شود که سلامت فرزندش بازگشته و مورد لطف و کرامت کریمه اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته است. پس از دو روز از این واقعه که سلامتی این طفل تحقیق و تنبیت شد در دفتر کرامات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ثبت گردید.

آری اینجاست که جایگاه بلند لطف و مهربانی خداوند است. اینجا است که چنان چه با اخلاص و دلی سوخته قدم بنهی بنا بر مصلحت الهی حاجت روا می گردی و این نمونه ای از هزار عنایتی است که از جانب خدا و از آستین محدثه آل طه، مریم آل رسول، کریمه اهل بیت علیهم السلام فاصله معصومه علیها السلام صادر گردیده، امید که این عنایات خاصه شامل حال همه زائرین مخلص و با صفای این بارگاه نورانی قرار گیرد. (233)

## 12- جام شفا

اینجا حریم کبریایی و دریچه دلگشایی به جهان غیبت است. در اینجاست که گاه در میان آن همه راز و نیاز، نوری می درخشد و حاشه ای مبارک رخ می دهد و توجهی خاص و عنایتی از ناحیه مقدسه کریمه اهل بیت علیهم السلام حضرت فاطمه علیها السلام، دردمندی و گرفتاری را دستگیر می شود و او را از انبوه غم و شدت گرفتاری رهایی می بخشد.

و این بار هم دل شکسته ای که چندین سال به فلج پا مبتلا شده بود و این مشکل، او و خانواده او را در کویری از ناامیدی ها رها ساخته بود، به این بارگاه ملکوتی روی می آورد و به میمنت نیمه شعبان عیدی می گیرد و سرانجام با دو پای سالم به خانه بر می گردد.

چه بهتر که شرح واقعه را از آن گرامی بشنویم:

اینجانب الف - م، مازندارنی، کارمند بازنشسته و ساکن مشهد می باشم که به مدت سه سال مبتلا به درد کمر و فلج هر دو پا شده بودم و با اینکه مخارج زیادی در معالجات کردم تأثیری نکرد. لذا از همه جا مأیوس شدم و مکرر در مجالس دعا و توسلات در حرم مطهر حضرت ثامن الحجج علیه السلام به قصد شفا شرکت می کردم، لکن عنایت آن حضرت شامل حالم نشد.

سرانجام در اوایل ماه شعبان بود که می دیدم همه مردم در ایام ولایت و امامت شادمان هستند، ولی خانواده من بر اثر مشکلاتی که برای ایشان داشتم در غم و حزن به سر می برند.

این بود که به حرم حضرت رضا علیه السلام مشرف شدم و با سوز دل حرف آخر را زدم و عرض کردم: آقا! شما غیر مسلمانان را محروم نمی کنید، پس چرا به من که شیعه و متوسل به فیض و کرم شما هستم توجه ندارید! آقا! یا جوابم را بدهید یا به پابوس خوارتان می روم و شکایت می کنم و آن حضرت را واسطه می سازم!

همان شب خواب دیدم خانم حضرت معصومه علیه السلام را حجابی کامل و نقابی نورانی که به من فرمود: به قم بیا تا درد تو شفا دهم!! از خواب بیدار شدم و خوابم را برای خانواده نقل کردم و گفتم گویا شفای من به حضرت معصومه

علیه السلام حواله شده باشد. ولی بر اثر وضع خاص و مشکلات نمی توانستم تصمیم جدی بگیرم.

چند روز گذشت. مجددا حضرت را در خواب دیدم که فرمود: چرا به قم نمی آیی؟! عرض کردم خانم! شما از حال و وضع من خبر دارید. چطور بیایم؟! اگر می شود همین جا شفافیم بدهید.

فرمودند. باید به قم بیایی. از خواب بیدار شدم و تصمیم قطعی بر آمدن گرفتم و در روز دوشنبه 14 شعبان مطابق با 73/10/26 شمسی ساعت 8 صبح به حرم حضرت معصومه علیه السلام مشرف شدم، پس از زیارت و التجاء به واسطه خستگی راه خوابم برد، مجددا حضرت را به خواب دیدم، با چادری مشکی و نقابی و سبز فرمودند: پسرم! خوش آمدی، اکنون به وعده وفا کردم و تو شفا یافتی برخیز!! عرض کردم: نمی توانم؟! فرمود: این استکان چای بر بخور و بلند شو! چنین کردم. از خواب بیدار شدم، احساس کردم می توانم روی پایم بایستم، لذا با پای خودم به ضریح مطهر نزدیک شدم و فریاد زدم: بابا! حضرت شفافیم داد!!

اینجا بود که زائرین محترم مرا به دفتر آستانه مقدسه آوردند. و اکنون از حضرت تشکر می کنم و از خداوند شفای همه مریضان اسلام را می خواهم.  
والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته (234)

### 13- شفای چشم طلبه نخبوانی

آیه الله العظمی ناصر مکارم شیرازی (دام ظلّه) نقل فرمود: پس از فروپاشی سابق، و آزاد شدن جمهوری های اسلامی از جمله جمهوری نخبوان، شیعیان تقاضا کردند که عده ای از جوانان خود را برای تحصیل علوم حوزوی، به حوزه علمیه قم بفرستند، تا در آینده برای تبلیغ در آن منطقه، آماده گردند، استقبال

عجیبی از این امر شد، از بین سیصد نفر داوطلب، پنجاه نفر که معدل بالایی داشتند انتخاب شدند، ولی در میان جوانی با داشتن معدل بالا به خاطر اشکالی که در چشمانش بود، انتخاب نشد، با اصرار پدرانشان، مسئول مربوط به ناچار او را نیز پذیرفت، هنگام فیلم برداری از مراسم بدرقه این کاروان علمی، مسئول فیلم برداری، دوربین را روی چشم معیوب این جوان، متمرکز کرد، و تصویر برجسته آن را به نمایش گذاشت، جوان با دیدن این منظره، بسیار ناراحت و دل شکسته شد، کاروان به قم رسید، و در مدرسه مربوط ساکن شد، این جوان به حرم حضرت معصومه علیها السلام مشرف گردید، با اخلاص تمام به حضرت معصومه علیها السلام متوسل شد و در همان حال خوابش برد و در عالم خواب، عوالمی را مشاهده کرد، پس از بیداری، چشمانش را سالم یافت، به مشاهده چنین کرامتی از حضرت معصومه علیها السلام تحت تأثیر شدید قرار گرفتند و دسته جمعی به حرم برای دعا و مناجات آمدند، و ساعت ها در حرم حضرت معصومه علیها السلام به دعا و توسل پرداختند.

هنگامی که این خبر به نخجوان رسید، شیعیان آنجا با اصرار تقاضا کردند که این جوان شفا یافته به آنان باز گردد، تا دیدار او موجب بیداری و هدایت دیگران، و استحکام عقیده مسلمانان شود. <sup>(235)</sup>

کرامات معصومیه: از قول حضرت آیه الله العظمی شیخ محمد علی اراکی  
(رحمه الله)

از طرف آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام چند ماه قبل از ارتحال جان سوز آن فقیه فرزانه بود که به خدمت ایشان رسیدیم <sup>(236)</sup> و درخواست نقل کرامات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام را از ایشان نمودیم. ابتدا از آنچه در مورد خود ایشان اتفاق بود پرسیدیم و آن والا مقام فرمود:

## 14- شفای بیماری دستم

1- دستم باد می کرد و قاش می شد. و لذا همیشه باید خاک تیمم همراهم باشد و تیمم کنم، چون وضو نمی توانستم بگیرم و معالجات هم تأثیر نمی کرد. تا اینکه به حضرت معصومه علیها السلام متوسل شدم، و ملهم شدم که دستکش دستم کنم و چنین کردم، خوب شد.

## 15- شفای سید فلج

از آن راجع به کراماتی که در مورد دیگران اتفاق افتاده است پرسیدیم و ایشان فرمودند:

2- سیدی بود در زمان مرحوم آیت الله حاج عبدالکریم حائری (رحمه الله) به نام حاج آقا جمال هژبر که فلج شده بد و او را به دوش می گرفتند و در مجلس روضه ای که از طرف مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری (رحمه الله)؛ در ده عاشورا در مدرسه فیضیه منعقد می شد شرکت می کرد. او را به دوش می کشیدند و از اینجا به آنجا می بردند. آقای سید علی سیف خادم مرحوم حاج شیخ (رحمه الله) که مردی خدوم و صضریح اللهجه ای بود روزی در مجلسی روضه به آن سید (آقا جمال) گفت: ای سید اگر راست می گویی و تو سید هستی چرا مردم را اذیت می کنی؟ از حضرت معصومه علیها السلام بخواه تو را شفا بدهد. این حرف به سید اثر کرد و غیظش گرفت به حرم حضرت معصومه علیها السلام مشرف گردید. و شال (عمامه) خود را از سرش باز کرد و هب ضریح مقدس بست و عرض کرد: یا نمی شوم تا شفا بگیرم.

خوابش برد در خواب او را شفا دادند، و کاغذی کف دستش گذارند و به او گفتند:



این کاغذ را به حاج سید حسین آقا علوی بده. وقتی از خواب بیدار شد، کاغذ را در دستش دید، جرأت نمی کرد کاغذ را زامشتش بردارد. گفته بود به حاج شیخ عبدالکریم (رحمه الله) هم نمی دهم، به هیچ کس نمی دهم. و جرأت هم نمی کرده باز کند و نگاه کند، کاغذ در مشتش بود و می گفت: تا به حاج سید حسین آقا ندهم به کس دیگری نمی دهم (حتی به حاج شیخ عبدالکریم نشان نداد) معلوم نیست در آن کاغذ چه نوشته شده بود.

#### 16 - سفارش حضرت رضا علیه السلام به حضرت معصومه علیه السلام

آقای حاج شیخ علی تهرانی (رحمه الله) (از علمای بزرگ که اواخر عمر در مشهد مقدس ساکن در همان جا فوت نمود و در بالا سر حرم حضرت رضا علیه السلام دفن شد و قریب 50 سال در نجف اشرف به تحصیل علوم اسلامی اشتغال داشته و از شاگردان فاضل میرزای بزرگ محسوب می شد)

ایشان برادری داشت به نام حاج علی شال فروش که از تجار بازار بوده و در تمام مدتی که برادرش در نجف مشغول تحصیل بود هر ماه 50 تومان (که در آن موقع مبلغ قابل توجهی بوده) به او شهریه می داده و تخلف نمی کرده تا اینکه آن برادر تاجر فوت می کند و جنازه او را به قم حمل می کنند؛ و در یکی از مقبره های طرف قبله صحن بزرگ دفن می شود، که مقبره اختصاصی ایشان بوده و آقای حاج شیخ علی تهرانی که در آن موقع در مشهد سکونت داشته طی تلگرافی از فوت برادر تاجرش مطلع می شود پیش خود می گوید الان طی وقت جبران خدمات برادر است لذا به حرم اما رضا علیه السلام مشرف می شود می رود پای ضریح حضرت اما رضا علیه السلام قضیه را عرض می کند. و به حضرت عرض می کند که برادرم در این همه مدت که به من خدمت کرده یک مرتبه هم نتوانستم جبران کنم. جز همین که بیایم اینجا و به شما عرض کنم و از شما

خواهش کنم اکنون که برادرم فوت شده شما به خواهرتان حضرت معصومه علیها السلام سفارش برادر مرا بفرمایید به برادرم کمکی کند.

همام شب یکی از تجار که از قضیه اطلاع نداشته، در خواب می بیند که به حرم حضرت معصومه علیها السلام مشرف شده و آنجا می گویند که حضرت امام رضا علیها السلام هم تشریف فرما شده اند به قم، یکی از جهت زیارت خواهرشان. و یکی جهت سفارش برادر حاج شیخ علی تهرانی به حضرت معصومه علیها السلام. شخص خواب بیننده معانی خواب را نمی فهمد.

و برای حاج شیخ علی خواب را نقل می کند. و مرحوم حاج شیخ علی (رحمه الله) می گوید در همان شب که تو خواب دیدی من متوسل شدم به امام رضا علیها السلام و به این صورت به خواب شما آمده و از رویاهای صادقانه است.

مرحوم آیه الله العظمی آقا سید محمد تقی خوانساری (رحمه الله) پس از شنیدن این خواب فرمود: از این خواب استفاده می شود که قم در حریم حضرت معصومه علیها السلام است. باید حضرت امام رضا علیها السلام به قم تشریف بیاورند و سفارش برادر حاج شیخ علی تهرانی را به حضرت معصومه علیها السلام بفرمایند، تا حضرتش بعد از سفارش حضرت امام رضا علیها السلام به قم در کار برادر حاج شیخ علی توجه کند. و الا خود حضرت امام رضا علیها السلام مستقیماً مداخله در کار می کرد، ولی چون این در محدوده حضرت معصومه علیها السلام است، آن حضرت مداخله در این محیط ننمود. (237)

#### 17- لطف حضرت معصومه علیها السلام به مداحش

4- آقا حسن احتشام (فرزند مرحوم سید جعفر احتشام) از منبرهای قم بودند پدر و پسر از قول آقا شیخ ابراهیم صاحب الزمانی تبریزی (که مرد و روزه خوان با اخلاصی بود و قبل از درس مرحوم حاج شیخ عبدالکریم

حائری (رحمه الله) چند دقیقه خطبه ای از نهج البلاغه و ذکر مصیبت مختصری می خواند (نقل کردند که او گفت:

ما اهل منبر با هم در مواقع تعطیلی دوره ای داشتیم، و دور هم جمع می شدیم و خودمان برای خودمان روزه می خواندیم. شبی من (یعنی آقا شیخ ابراهیم صاحب الزمانی) در خواب که خواستم به حرم حضرت معصومه علیها السلام مشرف شوم، گفتند: ورود به حرم ممنوع است، برای اینکه حضرت معصومه علیها السلام با حضرت زهرا علیها السلام در بالای ضریح خلوت کرده اند و کسی را راه نمی دهند.

من گفتم مادرم سیده بوده است و من محرم هستم، به من اجازه دادند رفتم دیدم که بله دو با هم نشسته اند و در بالای ضریح با همدیگر صحبت می کنند از جمله صحبتها این بود. که حضرت معصومه علیها السلام به حضرت زهرا علیها السلام عرض می کند: حاج شیخ جعفر احتشام (روضه خوان، روضه خوان را خودم می گویم) برای من مدحی گفته است و ظاهرا آن مدح را برای حضرت زهرا علیها السلام می خواند.

آقا شیخ ابراهیم این خواب را در آن جلسه دوره ای که اهل منبر در آن جمع بودند و حاج احتشام هم حضور داشت نقل می کند، حاج احتشام می گوید از آن شعرها چیزی یادت هست گفت: بله در آخر شعر داشت دخت موسی بن جعفر تا این را گفت حاج احتشام زد زیر گریه و گفت: بله توی اشعار من این کلمه هست.

این احتشام از منبری های قم بود و خیلی با حال بود، هیچ منبری را ندیدم که خودش گریه کند و ایشان خودش روزه می خواند و خودش گریه می کرد بکاء بود و گریه زیاد می کرد.

آقا حسن احتشام گفت به ایشان گفتیم شعرا در آخر شعشان تخلص دارند. شما هم برای خود تخلص تعیین کن، هر چه گفتم قبول نکرد تا با اصرار این شعر را گفت.

ای فاطمه به جان عزیز برادرت بر احتشام لطف نما قصر اخضری ایشان گفت قصر اخضری هم لطف کردند. گفتم چطور؟ گفت: همانجا که آقا مرعشی نجفی (رحمه الله) سجاده می انداختند، آنجا را به رنگ سبز گچ کاری کردند با سنگ مرمر و قبر حاج احتشام در همان قسمت از مسجد بالا سر واقع شد. (238)

این چهار نمونه، از قول شیخ الفقهاء، حضرت آیه الله العظمی شیخ محمد علی اراکی (رحمه الله) نقل شد، که سلمان عصر بود و تریدی در راستگویی او نیست.

#### 18- شفا در حرم حضرت معصومه علیها السلام با عنایت حضرت عباس علیه السلام

بانویی مدتی بر اثر بیماری طولانی و شدید یکی از نزدیکانش (فرزند یا برادر و...) رنج می برد، از معالجات و درمان ها نتیجه نگرفته بود، دستش از همه جا بریده و به حرم حضرت معصومه علیها السلام پناهنده شده، و به آن بانوی ارجمند توسل جست، هم چنان به توسل خود ادامه داد، تا اینکه شبی در عالم خواب دید حضرت معصومه علیها السلام به بالین او آمد و فرمود: بیمار ت به حرم من بیاور و در این مکان خاص (که در عالم خواب نشان داد) بگذار بنا است عمویم حضرت عباس علیه السلام به زیارت من بیاید، شفای بیمار تو را از عمویم می طلبم.

این بانوی می گوید: پس از بیدار شدن از خواب خشنود شدم، و به دستور حضرت معصومه علیها السلام عمل کردم، شخص بیمارم را به آن مکان خاص از حرم حضرت معصومه علیها السلام را بردم، او به محض اینکه در آن مکان نشست، احساس سلامتی کرد و با خوشحالی گفت: خوب شدم و شفا گرفتم (239)

## 19- یک کرامت تازه

آیت الله مسعودی خمینی تولیت محترم آستانه حضرت معصومه علیها السلام در حدود ساعت 9/5 صبح روز جمعه 21 دی سال 1380 در جلسه ای که در سیمای تلویزیون قم کانال یک، پخش می شد چنین فرمود: پانزده روز قبل چند نفر ترک زبان به دفتر من آمدند، چون فارسی نمی دانستند، یک نفر مترجم خواستیم، او آمد و سخنان آنها را برایم ترجمه می کرد، ماجرا از این قرار بود: دختر پانزده ساله ای کنار مادرش در روبروی من ایستادند، مادر گفت: این دختر من، یک سال است که بیمار روانی بود، و حال غیر عادی داشت.

گفتم: مدارک دارید؟ او مدارک متعدد نشان داد همراه عکس ها و فیلم ها و نسخه ها و نظریه پزشک ها و... مدارک مورد بررسی قرار گرفت و همه آنها صحیح بود، و بر بیماری روانی آن دختر دلالت داشت.

مادر افزود یک شب همین دخترم از خواب برخاست و گفت: مرا به قم ببر! ما در اطراف زنجان سکونت داریم، بی بضاعت می باشیم، به دخترم گفتم: پول ندارم که خرج سفر را تأمین کنم و شما را به قم ببرم، دخترم گفت: گوشواره ام را بفروشید: من قبول کردم، گوشواره اش را فروختم و با پول آن، همراه دختر به قم سفر کردیم، صبح زود وارد حرم شدیم، کنار ضریح به حضرت معصومه علیها السلام متوسل شده و با سوز و گداز و گریه، شفای دخترم را طلبیدم، دخترم نیز همین سوز و گداز را داشت، ولی همان حالت بیماری روانی او در چهره او دیده می شد، ناگهان دیدم دخترم جیغ و فریاد زد، گفتم چه شده؟ گفت: ده دوازده نفر مرد در اینجا می بینم به من می گویند: برخیز، به آنها می گویم نمی توانم برخیزم، باز دختر به حالت روانی خود فرو رفت و سکوت کرد.

پس از مدتی با جیغ و فریاد برخاست و گفت: خوب شدم، آن ده دوازده نفر به من گفتند، خانمی می آید و تو به دست او شفا می یابی، آنها رفتند، و خانمی آمد و به من فرمود: برخیز!، گفتم: نمی توانم، فرمود: برخیز تو دیگر بیمار نیستی.

در این هنگام دختر که در دفتر بود، گریه کرد و گفت: من یک سال بود چیزی را درک نمی کردم، اکنون همه چیز را درک می کنم:  
من به مادر دختر گفتم: شاید این دختر، امروز خوب شده باشد شما بروید و پس از یک هفته به اینجا بیایید، و گزارش کار را بدهید، آنها قبول کردند، مخارج سفر را به آنها دادم آنها رفتند، و پس از هفت روز از زنجان باز گشتند، و دختر گفت: از آن لحظه شفا تا کنون کاملاً خوب شده ام و هیچ گونه عارضه ندارم. در این هنگام اطمینان به شفا دادن حضرت معصومه علیها السلام پیدا کردیم، و گفتم: برای اطلاع مردم، نقاره را به صدا در آورند نقاره چند روز قبل، به صدا در آمد و آنها که در اطراف حرم بودند، صدای آن را شنیدند و از این کرامت، اطلاع یافتند.

## 20- توجه حضرت معصومه علیها السلام به خدمت گزاری شهدا

آقای سید ابوالفضل رضوی زاده یکی از خدمت گزاران حرم مطهر می گوید:  
در اوایل جنگ که شهدا را که برای طواف به حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام می آورند، مجلس آنها را با سینه زنی و نوحه سرایی، مداحی و هر کاری که از دستم می آمد برای رضای خدا گرم می کردم.

یکی از شبها، آقای اشعری مداح اهل بیت علیهم السلام به من گفت:  
سید ابوالفضل! شب چهارشنبه برای دعای توسل به گلزار شیخان بیا کارت دارم.

وقتی رفتیم، بعد از مراسم دعا به من گفت:

مادرم خواب پسر شهیدش را دیده، و او سراغ شما را گرفته و از مادرم پرسیده که آیا سید ابوالفضل زنده است یا مرده؟ مادرم به برادر شهیدم گفته: حالا چرا سراغ ایشان را می‌گیری؟ و او در جواب گفته: وقتی به شهیدان پیوستم، همگی آنها سراغ سید را از من گرفتند و او را دعا کردند و گفتند: سید آدم خوبی است، چون در مراسم شهدا خیلی خدمت می‌کند. به همین خاطر مورد توجه بی بی حضرت معصومه علیها السلام و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هستند و ما از او راضی هستیم.

**سیر تاریخی بارگاه حضرت معصومه علیها السلام به طور کوتاه،**

پس از خاکسپاری پیکر حضرت معصومه علیها السلام در محل فعلی که در آن عصر به نام بابلان نام داشت، پسران اشعری، سایبانی از بوریا، بر روی مرقد او ترتیب دادن، پس از مدتی در اواسط قرن سوم هجری قمری، حضرت زینب دختر امام جواد علیه السلام از مصالح آجر و سنگ و و گچ، گنبد و بارگاهی بر روی مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام ساخت. پس به مرور زمان دو گنبد دیگر در کنار گنبد اول ساخته شد که سومین آنها مدفن حضرت زینب دختر امام جواد علیه السلام شد. این سه گنبد تا سال 457 هجری قمری برقرار بودند، تا اینکه در همان سال میر ابوالفضل عراقی وزیر طغرل کبیر به تشویق عالم بزرگ، شیخ طوسی (متوفای سال 460 قمری) به جای آن سه گنبد، یک گنبد مرتفعی ساخت.

**در عصر صفویه**

از آن زمان تا ظهور خاندان صفوی <sup>(240)</sup> بارگاه به همان وضعی که نگاهشتیم بود، نه ضریحی بود و نه ایوان‌های با شکوهی که اکنون دیده می‌شود، و نه صحن کهنه و نو.

تعمیرات مهم آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام از زمان سلطنت خاندان صفوی شروع شد.

در سال 925 قمری شاه اسماعیل اول، ایوان قسمت شمالی (ایوان طلا) را ساخت، و شالوده صحن کهنه (کوچک) را ریخت، پس از او شاه طهماسب اول برای مرقد ضریحی از کاشی درست کرد و نیز بنای تاریخی ایوان جنوب مدرسه فیضیه را که به کهنه چسبیده است ساخت. در سال 1077 شاه صفی صحن زنانه را - که اکنون به صورت محوطه سرپوشیده به نام مسجد طباطبائی است و سابقاً سقف و گنبد نداشته است - ساخت که در سمت جنوبی آستانه است، این صحن برای مقبره شاه عباس و شاه سلیمان و شاه عباس ضریحی از فولاد سفید، ترتیب داد، و ضریح فعلی همان ضریح فولادی است که صفحه‌هایی از نقره را بر آن افزوده اند.

#### در عصر قاجاریه

پس از پایان حکومت صفویان، دیگر تعمیرهای قابل توجهی در بارگاه و اطراف آن نشد و تا وقتی که سلطنت ایران به دست قاجاریه <sup>(241)</sup> رسید.

در سال 1218 قمری فتحعلی شاه با دوازده هزار خشت با پوشش طلا، گنبد را طلا نمود و در سال 1236 مسجد بالاسر بنا شد.

در سال 1276 ایوان شاه اسماعیل صفوی را طلا کردند.

در سال 1275 ضریح فولادین شاه عباس صفوی را نقره نمودند.

در آخر قرن 13 هجری قمری، شالوده صحن جدید (بزرگ) به وسیله آقا ابراهیم امین السلطان ریخته شد و ساختمان آن را پسرش میرزاعلی اصغر خان اتابک صدر اعظم ایران در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه، در سال 1303 قمری به پایان رسانید. <sup>(242)</sup>



ظریف کاری های صنایع مختلف در این آستانه از طلاکاری و نقره مینا کاری گرفته و تا آینه کاری و خطوط مختلف از: سخ، نستعلیق، شکسته، کوفی و ثلث و ده ها و صدها ظریف کاری ها در درهای گوناگون حرم مطهر و... بیش از اینها است که ما بتوانیم در این کتاب مختصر بیاوریم. (243)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری مرجع عظیم الشان امام خمینی (رحمه الله) تحولات معنوی و ساختمانی بسیار چشمگیری در بارگاه ملکوتی حضرت معصومه علیها السلام از جهات مختلف بوجود آمده، از جمله مسجد اعظم قم به آستانه ملحق شده، و مرقد شریف آیه الله العظمی بروجردی (رحمه الله) در کنار مسجد بالاسر قرار گرفته، و نظم خاص روحانی در تمام امور دیده می شود، که جدا در خور تحسین است. یکی از آنها عباروی حرم مطهر و داخل ضریح، با حضور مراجع و بزرگان علم و تقوا است که تماشای صحنه ملکوتی آن در سیمای جمهوری اسلامی، انسان را به یاد عباروی حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام برادر حضرت معصومه علیها السلام می اندازد.

کوتاه سخن آنکه: هم اکنون بارگاه ملکوتی حضرت معصومه علیها السلام با کمال جلال و جبروت، تقریباً در مرکز شهر قم قرار گرفته، و همچون روحی در کالبد این سرزمین، و خورشیدی تابان در این خطه مقدسه است. و همواره زیارتگاه ده ها هزار عاشق شیفته از اکثر کشورهای اسلامی می باشد، و حرم و صحن ها و اطراف، در روزهای مخصوص مانند، عاشورا، اربعی، عید نوروز و... مملو از جمعیت است.

#### اشعار و احادیث برخی از کتیبه ها

مساحت مجموع زمین آستانه 13527 متر مربع است و از این مقدار 1914 متر زیر بنای گنبد و ایوان ها و صحن ها است و در بسیاری از مواضع این بناها

کتیبه هایی است که در آنها نوشته هایی با خطهای مختلف از آیات و اشعار و احادیث نگاشته شده است، اینکه به چند نمونه توجه کنید: در کتیبه گلوگاه سابق گنبد اشعاری سروده فتحعلی خان صبا به خط نستعلیق، ثبت شده که چند شعر آن این است:

آتش موسی عیان از سینه سیناستی      یا که زرین باگاه بغضه موساستی  
بغضه موسی بن جعفر فاطمه کزروی قدر      خاک دگاهش عبیر طره حوراستی  
نوگلی رنگین ز طرف گلشن یاسین بود      آیتی روشن به صدرنامه طهاستی  
پرتوی از آفتاب اصطفای مصطفی      زهره ای از آسمان عصمت زهراستی

در ضریح مطهر، که در سال 1240 هجری قمری، نصب شده اشعاری سروده

فتحعلی خان صبا نگاشته شده که چند شعر آن از این قرار است:

تبارک الله از این بارگاه عرش آهنگ      نه بلکه عرش برفرشت آبگینه و سنگ  
ز شرم قبه زرینت عرش را گویند      که شد به پرده این نه رواق سیمین رنگ  
زنه رواق فلک هفت بانوی عذرا<sup>(244)</sup>      به دامن شرفش افتخار را زده چنگ  
به آستانش هموراه خسروان زمین      به سجده خاصه شهنشاه آستان ارونگ

در کتیبه دری که در ضلع شمال غربی، قرار گرفته و به مسجد زنانه باز می شود این اشعار سروده وفا می باشد:

حذارین بقعه عالی که از مجد و شرافت      قبله ابدال گشت و کعبه آمال آمد  
خوابگاه بغضه موسی بن جعفر کز فروغش      جلوه موسی عیان از چشم اهل حال آمد  
عصمت کبری و ناموس نبی همنام زهرا      که آسمانی از حیا و عزت و اقبال آمد  
گفت مصراعی وفا از طبع و شد تاریخ این در      کاین در وردگه مطاف عزت و اقبال آمد

## نمونه از آیات و احادیث کتیبه ها

آیات و احادیث و دعاهای هم در برخی از کتیبه ها نوشته شده، در اینجا به ذکر یکی از آن احادیث می پردازیم که در کتیبه بدنه ایوان طلا از کاشی معرق با زمینه لاجوردی به خط ثلث نوشته شده است:

روی الزمخشری فی تفسیره الموسوم بالکشاف و الثعلبی فی تفسیره الموسوم بکشف البیان، عن رسول الله ﷺ قال: الا و من مات علی حب آل محمد مات شهیدا، ألا و من مات علی حب آل محمد مات مغفورا، الا و من مات علی حب آل محمد مات مومنا کتکملا، الا و من مات علی حب محمد و آل محمد بشره ملک الموت و نکیر و منکر بالجنه، الا من مات علی حب محمد و آل محمد زف الی الجنه الا من مات علی حب محمد و آل محمد فتح الله له فی قبره با بین الی الجنه، ألا و من مات علی حب محمد و آل محمد جعل الله قره مزار ملائکه الرحمه، الا و من مات علی بغض محمد و آل محمد جاء یوم القیمه مکتوب بین عینه آیس من رحمه الله، الا و من مات علی بغض آل محمد مات کافرا، الا و من مات علی بغض آل محمد لی یشم رائحه الجنه - صدق؛

دو نفر از علمای اهل تسنن 1- زمخشری در کتاب تفسیر خود کشاف 2- ثعلبی در کتاب تفسیر خود کشف البیان روایت می کنند که رسول خدا ﷺ فرمود: آگاه باشید کسی که با حب آل محمد از دنیا برود شهید از دنیا رفته است، و آگاه باشید کسی که با حب آل محمد از دنیا برود آمرزیده از دنیا رفته است، کسی که با حب آل محمد بمیرد، با ایمان کامل از دنیا رفته است، کسی که با حب آل محمد از دنیا برود، ملک الموت (عزرائیل) و دو فرشته نکیر و منکر او را به بهشت مژده می دهند، کسی که با حب محمد و آل او از دنیا برود، خداوند دو در در قبر او به بهشت می گشاید، کسی که با حب آل محمد و

آل او از دنیا برود خداوند قبر او را محل زیارت فرشتگان رحمت قرار می دهد، کسی که با دشمنی و بغض با محمد و آل او بمیرد، در روز قیامت در بین دو چشم او نوشته شده است ناامید از رحمت خدا است، آگاه باشید کسی که با بغض محمد و آل محمد بمیرد، کافر مرده است، کسی که با دشمنی آل محمد از دنیا برود، بوی بهشت به مشمام او نمی رسد. - راست گفت رسول خدا.

سپس نوشته شده:

اللهم صل على المصطفى محمد، المرتضى على، البتول فاطمه، السبطین الحسن و الحسين، بن العابدین علی، الباقر محمد، الصادق جعفر، الکاظم موسی، الرضا علی، التقی محمد، النقی علی، الزکی الحسن و الحجه القائم مهدی صاحب الزمان، الائمه الهدی و مصابیح الدجی، بهم أتولی، و من اعدائهم اتبرء؛

خداوند درود بفرست بر برگزیده ات محمد، بر مرتضی علی، بر بتول فاطمه، بر دو سبط رسول خدا، حسن و حسین، بر زین العابدین علی، بر باقر محمد، بر صادق جعفر، بر کاظم موسی، بر رضا علی، بر تقی محمد، بر نقی علی، بر زکی حسن و بر حجت قائم مهدی صاحب زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که این ها پیشوایان راه هدایت هستند، چراغ های روشنی بخش در تاریکی های می باشند، ولایت آنها را قبول دارم و از دشمنان بیزار می باشم.

### کتیبه های مرقد معطر

مرقد مطهر با خشت های کاشی مختلف و رنگین آراسته شده است و بر آن

پنج کتیبه است:

1- به خط نسخ، آیه الکرسی نوشته شده است.

2- به خط نسخ طلایی آیات متعدد نگاشته شده.

3- به خط کوفی آیاتی از قرآن.

4- به خط نسخ طلایی سوره تبارک.

5- آیه ای دیگر از قرآن، و در زیر کتیبه پنجم به خط نسخ برجسته نوشته شده کتبه و عمله محمد بن ابی طاهر بن ابی الحسین. در کاشی های اطراف مرقد مطهر از بالا تا پایین سوره یس و الرحمن و تبارک و هل اتی و سوره قدر نوشته شده و احادیث بسیاری هم نگاشته از جمله:

قال النبی: من کف لسانه عن اعراض الناس، اقاله الله عشرته و یوم القیامه (245)

من فرق بین والده ولدها، فرق الله بینه و الجنه (246)

الزنا یورث الفقر (247)

الله تعالی عون العبد مادام العبد فی عون اخیه. (248)

ماجرای طلاکاری گنبد مرقد مطهر حضرت معصومه ع

چنان که گفتیم: در سال 475 (یا 477) ابوالفضل عراقی (وزیر طغرل کبیر) به تشویق عالم بزرگ شیخ طوسی، بارگاه مرقد را نوسازی کرد، قسمت بالای آن را به یک گنبد بزرگ تبدیل نمود.

تا این که در دوران صفویه تعمیرات بسیاری انجام شد.

و در سال 1228 هجری قمری فتحعلی شاه قاجار با دوازده هزار خشت با پوشش طلا گنبد بارگاه را طلا نمود، هزینه آن به پول آن زمان صد هزار تومان شد. (249)

اینک که سال 1421 هجری قمری است، از آن وقت تا حال که 203 سال می گذرد، هنوز این گنبد با همان طاها می درخشد.

اخیرا در مورد نوسازی گنبد یاد شده، خبر جدید از مصاحبه تولیت آستانه آیت الله مسعودی، پخش شده که خلاصه آن چنین است:

روزی برای دیدار از گنبد، کنار گنبد رفتیم و از نزدیک ملاحظه کردم و دریافتم که بعضی از طلاها طلبه کرده، و زیر سازی آن فرسوده شده است، کارشناسان را دعوت کردم تا پس از بررسی دقیق، نظریه خود را بدهند، آنها پس از بررسی چنین نظر دادند که تعمیر گنبد مطهر باید با این صورت فعلی، کار ساز نیست، باید به طور کامل مسی روی گنبد و طلای روی آن برداشته شود و از نو باسازی گردد.

نتیجه بررسی این شد که طلای حاصل از گنبد، حدود 20 کیلو است ولی نوسازی گنبد نیاز به ده تن مس و 200 کیلو طلای ناب 24 عیار دارد، که هزینه آن حدود دو میلیارد و پانصد میلیون تومان است.

در جلسه خصوصی، این مطلب مطرح شد، گفتم: تأمین این هزینه از عهده ما ساخته نیست، وانگهی عمر من کفایت نمی کند. این موضوع در همان مجلس محرمانه مطرح شد، بی آنکه کسی غیر از افراد آن جلسه اطلاع یابند.

بنده در همین ایام به خدمت مرجع عالیقدر آیت الله العظمی محمد تقی بهجت (مدظله) رسیدم. تا در این مورد صحبت کنم، به خدمتش رسیدم و پس از سلام و احوال پرسی، بی آنکه سخنی بگویم، آقای بهجت به من رو کرد و فرمود:

چرا گنبد خانم حضرت معصومه علیها السلام را درست نمی کنید، گنبد بسیار فرسوده شده است، شما دست به کار شوید، خداوند هزینه آن را می رساند، و طول عمر هم عطا می فرماید.

من تعجب کردم، زیرا ایشان از سخنان محرمانه ما در جلسه خصوصی، اطلاعی نداشت. من به ایشان گفتم: این کار هزینه بسیاری می خواهد و برای ما فعلا امکان ندارد، پس از چند روزی آیت الله لهجت با من تماس گرفت، به خدمتش رفتم فرمود: کار را شروع کنید، خداوند متعال هزینه آن خواهد داد، و

شما این موضوع را به اطلاع مقام معظم رهبری برسانید. من به محضر مقام معظم رهبری آیت الله خامنه ای (مدظله) رسیدم و ماجرا را به عرض رساندم، فرمود: هر چه آیت الله بهجت بگوید قبول دارم. پس از موافقت مقام معظم رهبری، تصمیم گرفتم برای باسازی گنبد، مقدمات کار را فراهم کنم، مجدداً به محضر آیت الله بهجت رسیدم، ایشان برای شروع مبلغ ده میلیون تومان و مقداری طلا جهت این کار اختصاص دادند. قوت قلب یافتم و با اراده محکم تصمیم بر این کار دارم، ان شاء الله این طرح را در فروردین سال 1380 شروع خواهیم کرد، و اگر مشکلی پیش نیاید و وجه و طلای آن را بتوانیم تأمین کنیم، حدود چهار سال فرصت لازم است تا این طرح را به نتیجه برسانیم. (250)

نکته قابل توجه در این ماجرا، عنایت خاص یک مرجع عارف و سالک الی الله حضرت آیت الله العظمی بهجت (مدظله) است، که ما را تشویق می نماید تا بارگاه های مراقد منور امام زاده ها را آباد و آبرومند کرده و در حفظ آن ها بکوشیم. در حدیثی آمده رسول خدا ﷺ به علی عَلِيٍّ فرمود: یا علی من عمر قبورکم و تعاهدها، فکانما اعان سلیمان بن داود بناء بیات المقدس؛

ای علی! کسی که قبرهای شما و خاندان را تعمیر و باسازی و نوسازی نماید، و به زیارت آنها پایبند باشد، گویی حضرت سلیمان بن داود عَلِيٍّ را در ساختن مسجد بیت المقدس یاری کرده است. (251)

نگارنده گوید: اکنون (زمستان سال 1380 شمسی) قسمت مهم طلای سابق گنبد برداشته شده، و استاد کاران مشغول نوسازی گنبد هستند، و از طرف مسوولین آستانه اعلام شده که بودجه طلایی گنبد تأمین شده است.

### پیشینه تاریخی ضریح، و چگونگی نصب ضریح جدید

در سال 950 هجری قمری شاه طهماسب صفوی، در چهار طرف مرقد ضریحی آجری آراسته به کاشی هفت رنگ و کتیبه ها معرق بنا نمود و در اطراف آن منافذی باز بود تا هم مرقد مطهر دیده شود و هم زائران نذورات خود را داخل ضریح بریزند.

بعد از چند سال ضریحی از فولاد سفید و شفاف به دستور شاه عباس، در جلو ضریح آجری قرار داده شد.

در سال 1230 فتحعلی شاه قاجار همان ضریح را نقره پوش کرد، که این ضریح به مرور زمان فرسوده شد و در سال 1280 هجری قمری ضریحی که از نقره ضریح سابق و نقره های موجود در خزانه ساخته شده بود به جای آن نصب گردید.

این ضریح چندین مرتبه تجدید بنا و اصلاح شده و سال های متمادی روی مرقد حضرت باقی بود تا این که در سال 1368 هجری قمری برابر با سال 1328 هجری شمسی به دستور تولیت وقت شکل ضریح را تغییر دادند و ضریح جدید (قبل از تعویض اخیر) را به جای آن نصب نمودند.

#### ضرورت تعویض مجدد ضریح

با گذشت تقریباً چهل سال از آخرین تعویض ضریح، مجدداً بر اثر تشرف و تبرک زائران و فرسایش زیاد، شبکه دچار خوردگی شد.

از سوی دیگر اسکلت پایه های چوبی داخل داخل ضریح حدوداً یک صد سال عمر داشته اند که طولانی بودن زمان و مهم تر از آن شتوهای آن ها با گلاب و نظافت های تطهیری مختلف ضریح دیگر، که به خاطر خونین شدن



ضریح در پی بریدگی ها و جراحاتی که بر اثر خرابی های ضریح در دست زائران ایجاد می شد پوسیدگی شده و نیازمند تعویض بودند.

#### اقدام جهت تعویض ضریح

عوامل مذکور سبب گردید تا حضرت آیت الله مسعودی خمینی تولیت آستانه مقدسه در سال 1375 تصمیم بر تعویض ضریح مطهر بگیرند. در پی تصمیم ایشان در همان سال با آقای حاج حسین پرورش اصفهانی از استادکاران فن ضریح سازی قراردادی بسته شد که بر اساس آن، کار ساخت ضریح جدید آغاز نمود.

متأسفانه ایشان به علت کهولت سن و بیماری که بر ایشان عارض شد تقریباً حدود شش ماه کار کاملاً راکد باقی ماند.

پس از آن، از سازندگان سابقه دار اصفهان استعلام صورت گرفت و در نهایت ادامه کار به استاد حاج محمد حسین عباسپور اصفهانی محول گردید و قرارداد جدید منعقد شد.

#### چگونگی تغییرات در ضریح جدید

قسمت فوقانی ضریح که کتابتی از اشعار در مدح و ثنای حضرت معصومه علیها السلام بود که جمع آوری طلاکاری آن اقدام گردیده، همچنین حد فاصل قسمت فوقانی و قسمت دسترس زائرین که قبلاً نقره بود، صلاکاری شده است.

شبهه ها و غرفه ها که شاید حدود پنج هزار گوی و ماسوره دارد کلاً عوض و ضخیم تر از قبل ساخته شده، برای این بخش 1/5 تن نقره صد در صد خالص خریداری شده، و در حدود 330 هزار مثقال نقره 92 به کار گرفته شده است در حالی که در ضریح که پوسیده بوده نیز مجدداً از بهترین چوب چنار خشک، ساخته و نصب گردیده است.

در مجموع، ضریح که پوسیده بوده نیز مجدداً از بهترین چوب چنار خشک، ساخته و نصب گردیده است.

در مجموع، ضریح جدید از نظر استقامت مقاوم تر شده است خاطر نشان می شود که از نظر شکل ظاهری تفاوت چندانی با ضریح سابق ندارد. و در کل ضخامت و استحکام، ضریح جدید حداقل دو برابر ضریح سابق است و به طور کلی خرید نقره، ساخت و نصب ضریح و تهیه اسکلت چوبی بیش از سه میلیارد ریال معادل 300 میلیون تومان هزینه در بر داشته و با همه فراز و نشیب ها حدود پنج سال کار ساخت آن طول کشیده است.

#### مدت عملیات جایگزینی

با توجه به این اطراف ضریح مطهر جهت این امر بسته شده بود و امت شهیدپرور و زائران مشتاق دیدار از ضریح مطهر بوده و هستند سعی شد با سه شیفت کار مداوم و با سرعت تمام که بحمدالله بیش از یک ماه طول نکشید. (252) قابل توجه این که این ضریح، در فضای ملکوتی در حضور بزرگان و زائران، در روز عید غدیر 1422 قمری برابر با 1380/12/12 شمسی با حضور مرجع بزرگ تقلید آیت الله العظمی بهجت (مدظله) نصب گردید.

#### اشعاری در مدح حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

از آیت الله العظمی وحید خراسانی:

وی گوهر درج و عز و تمکین	ای دختر عقل و خواهر دین
ای علم و عمل مقیم کویت	عصمت شده پاینده مویت
فرخنده نگین خاتمیت	وی گوهر تاج آدمیت
پس تخت تو را به قم نشانند	شیطان به خطاب قم براندند
ناموس خدای جایش اینجا است	کاین خانه بهشت و جای حواست

جسمی که در این زمین نهان است      جانی است که در تن جهان است  
 این ماه منی و مهر تابان      عکسی بود اقم و خراسان  
 ایران شده نور بخش ارواح      مشکاه صفت به این دو مصباح  
 از این او حرم دلا چه برسی      حق داند و صف عرش و کرسی  
 هر کس به درت به یک امیدی است      محتاج تر از همه وحیدی است

### آیین غبار روبی

از آن روی که در محدوده حرم، حریم ها وجود دارد و باید برای حفظ آن  
 کوشید، حرم را، حرم نامیده اند. نقطه ثقل این حرم ضریح مقدس است که چون  
 انگشتی نگیں خود را در بر گرفته است، پس باید با رعایت آداب وارده احترام  
 حرم را حفظ کرد.

چنان که می دانیم قسمتی از محدوده ضریح محلی برای واریز نذورات و  
 هدایای امت محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به این ستاره پرفروغ بوده است. چند صباحی که  
 می گذرد آیین غبار روبی برپا می شود، تلاوت نورانی قرآن کریم، یادی از  
 مصیبت های آل الله و مدح و مرثیه هماره به هنگام غبار روبی طنین انداز است.  
 درب ضریح که گشوده می شود گروهی با لباس سفید بلند که گویی لباس  
 احرام به تن کرده اند با یاد خدا و با زمزمه یا فاطمه اشفعی لی فی الجنه و  
 سرشک از دیده جاری با بوسه به ضیح و با خضوع توفیق تشرف می یابند.  
 زیارت قبر مطهر فروغ دیدگان شان می گردد و پس از جمع آوری نذورات و  
 زدودن غبار، قبر شریف را با گلاب شستشو داده و با خواندن نماز در کنار قبر  
 همنشین عرشیان می شوند، پس از پایان مراسم، غبار روبان بیش از همه  
 آرزومندند تا حضرت معصومه عَلَيْهَا السَّلَام در سرای باقی شفیع آنان باشد.

## فصل سوم: مسجد جمکران و مراقد امامزادگان و مکان های دیدنی

### قم

#### قم یکی از مراکز مهم حکومت حضرت مهدی (عج)

از آنجا که قم از همان قرن اول اسلام، مرکز تشیع بود، و بسیاری از امام زادگان و منسوبین به امامان علیهم السلام و اصحاب آنها به قم وارد شدند، و با ورود حضرت معصومه علیها السلام رونق بیشتری گرفت، فرهنگ اسلامی و تشیع در این سرزمین استوار گردید، و آثار درخشان آن، از هر سوی آن، آشکار شد.

بر همین اساس، قم از همان آغاز، پایگاه مهم تشیع گردید، و سپس با استقرار حوزه علمیه تشیع، و رونق و گسترش آن، قرن به قرن، موجب استحکام و توسعه این پایگاه عظیم شد.

و چنان که قبلاً نظیر این روایت، ذکر شد، که امام صادق علیه السلام در ضمن گفتاری، فرمود:

الا ان حرمی و حرم ولدی بعدی قم؛

آگاه باشید حرم من و حرم فرزندان من بعد از من، قم است. <sup>(253)</sup>

از این سخن استفاده می شود که حرم امام صادق علیه السلام تا امام عصر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یعنی حرم هفت امام، قم است، بنابراین قم چنان که از آثارش پیدا است، از نظر مذهبی و سیاسی اهمیت فراوان دارد، زمینه سازان قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هیچ گاه نبیاد این مرکز را که پایگاه فقه جعفری است، فراموش کنند، بلکه باید روز به روز بر رونق آن بیفزایند.

روایات بسیاری وجود دارد که بیانگر مرکزیت قم برای حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، وجود مسجد جمکران، که

شرح گسترده ای دارد، از نشانه های چنین مرکز است، در اینجا قبل از شرح ماجرای مسجد جمکران (مسجد امام زمان)، نظر شما را به چند نمونه از روایاتی که رابطه ای مستقیم یا غیر مستقیم در مورد ارتباط قم با حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دارد، جلب می کنم:

1- امام صادق علیه السلام در ضمن گفتاری فرمود:

اهل قم انصارنا؛ مردم قم یاران ما هستند. <sup>(254)</sup>

2- امام کاظم علیه السلام فرمود:

رجل من اهل قم يدعو الناس الى الحق، يجتمع معه قوم كزبر الحديد، لا ترلهم الرياح العواصف، ولا يملون من الحرب، و لا يجبنون، و على الله يتوكلون؛ و العاقبه للمتقين؛

مردی از قم بر می خیزد و مردم را به سوی حق دعوت می کند، گروهی همراه او هستند، همچون پاره آهن، محکم می باشند، توفان ها تند حوادث، آنها را از پای در نمی آورد، و از جنگ خسته نمی شوند، و نمی ترسند، و توکلشان بر خداست، و عاقبت نیک برای پرهیزکاران است. <sup>(255)</sup>

3- عفان بصری می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: آیا می دانی چرا قم را قم نام گذاشته اند؟ عرض کردم: خدا و رسولش و شما دانایان هستید، فرمود:

لان اهله يجتمعون مع قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و يقومون معه، و يستقيمون عليه و ينصرونه؛

زیرا مردم قم به گرد قائم آل محمد - که دروهای خداوند بر او باد - اجتماع می کنند، و همراه او قیام می نمایند، و در کنار او استقامت می نمایند، و او را یاری می کنند. <sup>(256)</sup>

4- امام صادق عليه السلام در ضمن ذکر کوچیدن علم از کوفه به قم، و انتشار علم از قم به همه جا از مشرق و مغرب (که قبلا در فصل اول ذکر شد) در پایان فرمود:

فیتم حجه الله علی الخلق، حتی لایبقی احد علی الارض لم یبلغ الیه الدین و العلم ثم ینظر القائم؛

حجت خدا به وسیله اهل قم (ساکنان قم) بر همه مردم تمام می شود، به طوری که در سراسر زمین، کسی باقی نمی ماند که دین و علم به او ابلاغ نشده باشد، سپس حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور می کند. <sup>(257)</sup>

5- امام صادق عليه السلام پس از تمجید از قم و اهل آن، فرمود:

اما انهم انصار قائمیان و دعاه حقنا

آگاه باشید که اهل قم یاران قائم ما، و دعوت گران و خواهان احقاق ما هستند. <sup>(258)</sup>

6- امیرالمؤمنان علی عليه السلام یادی از قم کرد و در ضمن گفتاری چنین فرمود:  
تلك البلده التي يخرج منها انصار خیر الناس ابا و اما وجدا وجده و عما و عمتا؛

این شهری است که از آن بیرون می آیند یاران بهترین انسان ها از جهت پدر، مادر جد پدری و مادری، عمو و عمه. (منظور از این بهترین انسان ها، حضرت مهدی عليه السلام است). <sup>(259)</sup>

7- در آیه 5 سوره اسراء می خوانیم:

فاذا جاء وعد اولیئنا بعثنا علیکم عبادا لنا اولی بأس شدید فجا سوا خلال الدیار و کان وعدا مفعولا؛

هنگامی که نخستین وعده فرا رسد، مردانی پیکار جو را بر شما می فرستیم (تا سخت شما را در هم کوبند، حتی برای به دست آوردن مجرومان) خانه ها را جستجو می کنند، و این وعده ای است قطعی.

امام صادق علیه السلام پس از خاندان این آیه، سه بار فرمود:

هم والله اهل قم؛ سوگند به خدا آنها (پیکارگران) همان اهل قم هستند. <sup>(260)</sup>

8- در محضر امام کاظم علیه السلام از قم و تمایل مردم قم به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سخن به میان آمد امام کاظم علیه السلام برای آنها دعا کرد، سپس فرمود: بهشت دارای هشت در است، یک در آن از آن اهل قم می باشد، آنها بهترین شیعیان ما هستند، خداوند ولایت ما را در طینت آنها سرشته است. <sup>(261)</sup>

9- حضرت علی علیه السلام در ضمن دعا برای اهل قم و تمجید از آنها فرمود:

هم اهل الدین والولایه و العباده و حسن العباده، صلوات الله علیهم و رحمه الله و برکاته؛

آنها دیندار و طرفدار ولایت و رهبری حق، و اهل عبادت و بندگی نیک هستند، درودهای خدا و رحمت و برکات او بر آنها باد. <sup>(262)</sup>

10- از روایات متعدد استفاده می شود که:

و قم، مجمع انصار القائم؛ قم محل اجتماع یاران قائم است.

به طوری که یکی از القاب قم، همین می باشد، و همچنین:

قم مأوی الفاطمیین؛ قم پناهگاه شیعیان و فرزندان فاطمه علیها السلام است. <sup>(263)</sup>

این روایات حاکی از آن است که قم همچون سابقه درخشان خود، در آستانه ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پایگاه استوار طرفداران و منتظران آن حضرت است <sup>(264)</sup> که زمینه سازان نیرومند برای استقبال از امام قائم

(عجل الله تعالى فرجه الشريف) خواهند شد و پس از ظهور آن حضرت، قم همان شهر قیام و خون خواهد بود، و این سرزمین را به عنوان یکی از مراکز مهم پس از مکه و کوفه، برای حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) قرار خواهند داد.

ماجرای مسجد جمکران، که شرح آن خواهد آمد و همچنین ماجرای مسجد امام حسن علیه السلام در کنار جاده قدیم قم به تهران، جنب مدینه العلم که خاطر نشان می شود این مطلب را تأیید خواهند کرد.

شهر قم، هم اکنون به عنوان پایگاه اصلی انقلاب اسلامی ایران، به رهبری حضرت امام خمینی (رحمه الله) است، و یادآور ایمان، صلابت، پایداری و پیشگامی مردان و زنان قم در پانزده خرداد سال 1342 ش، و دیماه سال 1357 است که شعله ای برافروخت و به جاهای دیگر سرایت کرد، و با رهبری امام خمینی (رحمه الله) پیکره منفور رژیم طاغوتی شاهنشاهی را برانداخت، و به جای آن، جمهوری اسلامی را پایه گذاری نمود.

#### ماجرای مسجد جمکران:

آغاز فرمان تأسیس مسجد جمکران، در شب سه شنبه 17 رمضان سال 293 هجری قمری (1129 سال قبل)<sup>(265)</sup> بود.

شیخ فاضل، حسن بن محمد بن حسن قمی صاحب کتاب تاریخ قم (که این کتاب در سال 378 هجری قمری تألیف شده) معاصر شیخ صدوق<sup>(266)</sup> از کتاب مونس الحزین فی معرفه الحق و الیقین از تألیفات شیخ صدوق، بنای مسجد جمکران را به دستور حضرت مهدی صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) چنین نقل می کند:



شیخ عقیف و صاحب حسن بن مثله جمکرانی می گوید: شب سه شنبه هفدهم ماه رمضان سال 293 هجری قمری در سرای خود خوابیده بودم، نیمه شب بود، ناگهان عده ای به خانه ام آمدند و مرا از خواب بیدار کردند و گفتند: برخیز و امر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را اجابت کن که تو را می طلبد. حسن به مثله می گوید: برخاستم و آماده شدم و حرکت کردم و چون به در خانه ام رسیدم جماعتی از بزرگان را دیدم، سلام کردم، جواب سلام را دادند، و خوش آمد گفتند و مرا به آن جایگاه که اکنون مسجد جمکران در آنجا واقع شده، بردند، نگاه کردم دیدم تختی در آنجا نهاده شده، و فرشی نیکو بر روی آن تخت، گسترده اند و بالش ها تکیه کرده و پیرمردی در پیش روی او نشسته و کتابی در دست گرفته برای آن جوان می خواند، دیدم بیش از شصت مرد که بعضی جامه های سفید و بعضی جامه های سبز بر داشته اند، در گرداگرد آن جوان، بر روی زمین نماز می خواندند.

آن پیرمرد که حضرت خضر علیه السلام بود مرا روی تخت نشانید، و حضرت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (آن جوان) مرا به نام خود خواند و فرمود: برو به حسن به مسلم بگو تو چند سال است این زمین را آباد می کنی و ما خراب می کنیم، پنج سال زراعت کردی، بار دیگر امسال شروع به زراعت کردی، باید چه از این زمین سود برده ای برگردانی، تا در همین محل، (از همان سود زراعت) مسجد بنا کنند، به حسن بن مسلم بگو اینجا زمین شریفی است، خداوند متعال این زمین را از زمین های دیگر برگزیده و ارجمند نموده است، تو آن را گرفته و به زمین خود ملحق نموده ای خداوند دو پسر جوان از تو گرفت و هنوز متبه نشده ای، اگر از این کار دوری نکنی، بلای خداوند از ناحیه ای که گمان نمی بری بر تو فرو می ریزد.

حسن بن مثله عرض کرد: ای سید و مولای من، لازم است علامت و نشانه ای در اختیارم بگذاری، زیرا مردم سخن مرا بدون علامت و نشانه نمی پذیرند. امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: نزد سید ابوالحسن برو و به او بگو برخیزد و بیاید و آن مرد (حسن بن مسلم) را بیاورد، و منفعت چند ساله را از او بگیرد، و به دیگران بدهد تا صرف در بنای ساختمان مسجد شود، باقی وجوه را از رهق واقع در ناحیه ادهال که ملک ما است نیز بیاورد و ساختمان مسجد را تمام کند و نصف رهق را وقف این مسجد کردیم، که هر ساله وجوه درآمد آن را بیاورد و در ساختمان این مسجد به مصرف برسانند.

به مردم بگو! به این محل اشتیاق باشند و آن را عزیز بدانند، و در آن چهار رکعت نماز بخوانند، دو رکعت نماز تحیت مسجد، در هر رکعتی یک بار الحمد و هفت بار قل هو الله احد و در رکوع و سجود هفت بار ذکر رکوع و سجود را بخوانند، سپس دو رکعت نماز صاحب الزمان بگذارند، به این ترتیب که در رکعت اول هنگامی که در سوره حمد به آیه ایاک نعبد و ایاک نستعین رسیدند، آن را صدبار بگویند، رکعت دوم را نیز به همین طریق انجام دهند، و تسبیح رکوع و سجود را در هر دو رکعت، هفت بار بخوانند، و بعد از نماز، یک بار تهلیل (لا اله الا الله) بگویند، سپس تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام را بگویند، آنگاه سر بر سجده نهاده و صد بار بر پیامبر و آلش، صلوات بفرستند.

فمن صلاهما فکانما صلی فی البیت العتیق

هر کس این دو رکعت (یا این دو نماز) را بخواند، گویی آن را در خانه کعبه خوانده است.

حسن بن مثله می گوید: در دل خود گفتم: تو اینجا را زمین عادی خیال می کنی، اینجا مسجد صاحب الزمان علیها السلام می باشد.

آنگاه آن حضرت به من اشاره کرد که برو، چون مقداری راه پیمودم بار دیگر مرا صدا کرد و فرمود: در گله جعفر کاشانی (چوپان) یک بز هست که باید آن را بخری، اگر مردم پولش دادند که از پول آنها خریداری می کنی، و گرنه پولش را خودت بپرداز، فردا شب (یعنی شب چهارشنبه) آن بز را بیاور و در این محل (کنار مسجد) ذبح کن آنگاه روز چهارشنبه هیجدهم ماه رمضان، گوشت آن بز را بین بیماران و کسانی که بیماری سخت دارند تقسیم کن که خداوند متعال همه را شفا دهد<sup>(267)</sup> آن بز ابلق است، موهای بسیار دارد، هفت نشان سفید و سیاه، هر کدام به اندازه، یک درهم در یک طرف، و چهار نشانه در طرف دیگر آن است. حسن بن مثله می گوید حرکت کردم، با دیگر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مرا صدا زد و فرمود: هفتاد (یا هفت روز) در اینجا اقامت کن... حسن بن مثله می گوید: به خانه ام بازگشتم و همه شب را در فکر بودم تا صبح شد، پس از نماز، نزد علی بن منذر رفتم و ماجرای شب را برای او تعریف کردم، سپس همراه او به همان محل مسجد رفتیم، او گفت: سوگند به خدا، نشانه ای که امام فرموده بود در اینجا نهاده است، نگاه کردیم دیدیم حدود مسجد با میخ ها و زنجیرها، مشخص شده است.

آنگاه با علی بن منذر نزد سید ابوالحسن رفتیم، وقتی که به خانه اش رسیدیم، غلامان و خدمتکارانش گفتند: شما از جمکران می آید، گفتیم: آی، گفتند: آقای سید ابوالحسن از آغاز بامداد تا حال در انتظار آمدن شما به سر می برد.

حسن بن مثله می گوید: وارد خانه سید ابوالحسن شدم و سلام کردم، جوابی نکو داد و بیسار به من احترام کرد و مرا در جای نیکو نشانید قبل از آنکه سخنی بگویم، او آغاز به سخن کرد و چنین گفت:

ای حسن بن مثله! من خوابیده بودم، شخصی در عالم خواب به من گفت، صبح شخصی به نام حسن بن مثله از جمکران نزد تو می آید، آنچه گفت به او اطمینان نما و گفتار او را تصدیق کن که سخنش از سخن ما است، هرگز سخنش را رد نکن. از خواب بیدار شدم و تا این ساعت در انتظار تو بودم.

حسن بن مثله، ماجرا را به طور مشروح برای سید ابوالحسن نقل کرد، سید ابوالحسن رضایی (که مردی متمکن بود)<sup>(268)</sup> دستور داد؛ بر اسب ها زین نهادند و سوار شدند و به سوی جمکران رهسپار گشتند، در نزدیکی جمکران، جعفر چوپان را دیدند که گله اش در چراگاه کنار راه است، حسن بن مثله به میان گله رفت و آن بز (که امام نشانه های آن را فرموده بود) را دید که از پشت سر گله به سویش دوید.

حسن آن بز را گرفت و خواست پولش را بپردازد، جعفر چوپان گفت: سوگند به خدا تا کنون من این بز را جز امروز ندیده بودم، هر کار کردم پولش را نگرفتم، آنگاه بز را به محل تعیین شده آوردند، در آنجا ذبح کردند.

سید ابوالحسن آن میخ ها و چوب ها را که محدوده مسجد نشانده بودند، به قم آورد، در خانه اش نگهداری کرد، هر بیماری که مبتلا به بیماری سخت بود، می آمد و خود را به آن زنجیرهای می مالید، شفا می یافت.

سید ابوالحسن که در محله سوسویان قم (خیابان آذر فعلی) سکونت داشت وفات کرد، پس از مدتی یکی از فرزندانش بیمار گردید، داخل اطاق شده، سر صندوق ها را برداشت، تا خود را به آن میخ ها و زنجیرها بمالد و شفا یابد، آنها را نیافت.<sup>(269)</sup>

### خبر غیبی حضرت علی علیه السلام از مسجد جمکران

جالب اینکه امیرالمؤمنان علیه السلام در عصر خود، قبل از آن که سخنی از قم در حجاز و کوفه به میان آید، حدود 253 سال قبل از تأسیس مسجد جمکران، از آن خبر داده است.

مرحوم کاتوزیان صاحب کتاب انوارالمشعشین (ج 1، مشعشع سوم) از کتاب خلاصه البلدان، و از کتاب مونس الحزین شیخ صدوق (رحمه) نقل می کند که روزی حضرت علی به حذیقه بن یمان، یکی از اصحاب نیک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

ای پسر یمانی! در اول ظهور، قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم از شهری که آن را قم می گویند، خروج کند <sup>(270)</sup> و مردم را به سوی حق دعوت نماید، همه خلائق از شرق و غرب، به آن روی آورند و اسلام تازه شود... ای پسر یمانی! این سرزمین، مقدس است و از همه آلودگی ها پاک می باشد...

رایت (برجم) وی (حضرت مهدی) را برفراز کوه سفید، نزدیک مسجد... که آن را جمکران نامند، نصب کنند، او از زیر مناره آن مسجد، بیرون آید... <sup>(271)</sup>

این پیشگویی غیبی نیز در جای خود، بسیار عجیب است و از معجزات زندگی حضرت علی علیه السلام می باشد، در این گفتار، تصریح است و از معجزات زندگی حضرت علی علیه السلام می باشد، در این گفتار، تصریح شده که قم یکی از پایگاه های مرکزی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هنگام قیام جهانی آن حضرت است.

## نظریه آیه الله مرعشی نجفی درباره مسجد جمکران

مرجع تقلید شیعیان، مرحوم آیه الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی (وفات یافته هفتم صفر 1311 هجری قمری) درباره پیدایش و فضیلت مسجد جمکران چنین فرمود:

این مسجد شریف اول غیبت حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تأسیس<sup>(272)</sup> و بنیانگذاری شده است، و در نوشته های قدمی، به نام های: مسجد صاحب الزمان، مسجد جمکران و مسجد حسن بن مثله، معرفی شده که هر یک از این نام ها به مناسبت خاص می باشد...<sup>(273)</sup> حضرت صاحب الزمان؛ عج) در این مسجد به طور مکرر دیده شده است، شیخ بزرگوار و محدث عالی مقدر، شیخ صدوق در کتابی به نام مونس الحزین ماجرای تأسیس و فضیلت آن را به تفصیل کرده است، باین مسجد را بعدها شیخ صدوق (رحمه الله) تعمیر کرد و پس از او در زمان صفویه، چندین بار تعمیر شده است، و در میزان ریاست آیه الله العظمی عبدالکریم حائری نیز بار دیگر تعمیر گردید.

حقیر خودم مکرر کراماتی از آنجا مشاهده کرده ام، چهل شب چهارشنبه مکرر، موفق شدم که در آن مسجد بیتوته کنم و حاجات خود را بگیرم، جای تردید نیست که این مسجد از مکان هایی است که مورد توجه و نزول برکات الهی است، و پس از مسجد سهله در کوفه (که به وجود مبارک حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) منسوب است) بهترین جایی است که به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نسبت دارد.<sup>(274)</sup>

## دیدار با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در مسجد جمکران

در مسجد جمکران، مطابق نقل های بسیار، از علما و صلحا، بارها افرادی سعادت دیدار امام زمان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را پیدا

کرده اند، و بعضی از آنها در کتاب‌ها نگاشته شده است، ما در اینجا از میان ده  
ها مورد، به سه مورد که اولی از مرجع بزرگ مرحوم آیه الله العظمی سید محمد  
رضا گلپایگانی و دومی از آیت الله العظمی مرعشی نجفی و سومی از حضرت  
آیه الله صافی گلپایگانی نقل شده، اکتفا می‌کنیم:

### ملاقات آقای بافقی با امام علیه السلام

1- یکی از علمای برجسته و مبارز و ربانی که رضاخان او را به جرم مبارزه  
او با کشف حجاب و منکرات، از قم، به شهری ری تبعید کرد، سپس او در سال  
1322 شمسی در 72 سالگی در شهر ری رحلت نمود، و جنازه اش را به قم  
آوردند، و در مسجد بالا سر مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپردند،  
مرحوم آیه الله شیخ محمد تقی بهجت بافقی (رحمه الله) است. یکی از علمای قم  
نقل کرد، که آیه الله العظمی سید محمد رضا گلپایگانی فرمود: در عصر مرجعیت  
و ریاست آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (رحمه الله) چهارصد نفر طلبه در  
حوزه علمیه قم، جمع شده بودند، آنها متحداً از مرحوم آیه الله شیخ محمد تقی  
بافقی (رحمه الله) که سرپرستی تقسیم شهریه آیه الله شیخ عبدالکریم حائری را  
داشت، عبا زمستانی خواستند، آقای بافقی ماجرا را به مرحوم آقای حائری  
فرمود: چهارصد عبا از کجا بیاوریم؟

آقای بافقی عرض کرد: از حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) می‌گیریم.

آقای حائری فرمود: من راهی نداریم که از آن حضرت بگیریم.

آقای بافقی عرض کرد: من ان شاء الله از آن حضرت می‌گیرم.

شب جمعه آقای بافقی (رحمه الله) به مسجد جمکران رفت و به خدمت  
حضرت رسید و روز جمعه به آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری گفت: حضرت

صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) وعده فرمودند که فردا روز شنبه چهارصد عبا مرحمت فرمایند.

روز شنبه دیدم یکی از تجار چهارصد عبا را آورد و بین طلبه ها تقسیم کرد.  
ای دختر عقل و خواهر دین      وی گوهر درج و عز و تمکین  
عصمت شده پاینده مویت      ای علم و عمل مقیم کویت  
وی گوهر تاج آدمیت      فرخنده نگین خاتمیت  
شیطان به خطاب قم براندند      پس تخت تو را به قم نشانند  
کاین خانه بهشت و جای حواست      ناموس خدای جایش اینجا است  
جسمی که در این زمین نهان است      جانی است که در تن جهان است  
این ماه منی و مهر تابان      عکسی بود اقم و خراسان  
ایران شده نور بخش ارواح      مشکاه صفت به این دو مصباح  
از این او حرم دلا چه برسی      حق داند و صف عرش و کرسی  
هر کس به درت به یک امید است      محتاج تر از همه وحیدی است  
مژده ای دل شام مشتاقان به سر خواهد رسید      وز پس این تیره شب تابان سحر خواهد رسید  
ای زبان! کم شکوه کن از تلخی ایام هجر      دوره ای شیرین تر از شهد و شکر خواهد رسید  
دیگر ای یعقوب سیل اشک در دامن مریز      یوسف گم گشته خندان از سفر خواهد رسید

### دیدار عالم نجفی، و راهنمایی حضرت مهدی (عج)

2- افراد مورد اطمینان از مرحوم آیت الله العظمی سید شهاب الدین حسینی مرعشی نجفی (رحمه الله) نقل کردند: یکی از علمای نجف اشرف که مدتی به قم آمده بوده برای من نقل کرد؛ مشکلی داشتم، به مسجد جمکران رفتم، در دلم را در عالم معنی به حضرت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشريف) عرض کردم و از او خواستم که وساطت کرده از درگاه خدا شفاعت کند تا مشکل من حل



گردد، برای این منظور به طور مکرر به مسجد جمکران رفتم، ولی نتیجه ای نگرفتم، تا اینکه روزی در آن مسجد در هنگام نماز دلم شکست و خطاب به امام زمان عج عرض کردم، مولا جان! آیا جایز است که در محضر شما باشم و در منزل شما باشم و به دیگری متوسل شوم؟ شما امام من می باشید، آیا زشت نیست با وجود امام، حتی به علمدار کربلا قمر بنی هاشم علیه السلام متوسل و او را شفیع قرار دهم؟

از شدت ناراحتی، بین خواب و بیداری قرار گرفته بودم، ناگهان با چهره نورانی قلب عالم امکان حضرت حجت عج روبرو شدم، بی درنگ سلام کردم، جواب سلامم را داد و فرمود: نه تنها زشت نیست و ناراحت نمی شوم که به علمدار کربلا متوسل گردی بلکه به شما راهنمایی نیز می کنم که هنگام توسل به علمدار کربلا چه بگویی؟ هنگامیکه برای روای حاجت به آن حضرت متوسل شدی بگو: یا ابا الغوث ادرکنی؛ ای پدر پناه دهندگان به فریادم برس و به من پناه ده.

### دیداری دیگر، و ماجرای مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام در قم

3- حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی (مد ظله) که از مراجع تقلید است، و داماد مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی (رحمه الله) می باشند چنین فرمود: از ماجرای عجیب و راست که در مزان ما واقع شده، این است:

چنان که اکثر مسافرینی که از قم به تهران و از تهران به قم می آیند، و اهالی قم اطلاع دارند اخیراً در محلی که سابقاً بیابان و خارج از شهر قم بود در کنار راه قم - تهران دست راست کسی که از قم به تهران می رود، جناب حاج یدالله رجبیان از اخیار قم مسجد مجلل و باشکوهی به نام مسجد امام حسن مجتبی

علیه بنا کرده است که هم اکنون دائر نشده و نماز جماعت در آن منعقد می گردد. (275)

در شب چهارشنبه بیست و دوم مه مبارک رجب سال 1398 هجری قمری مطابق هفتم تیر ماه 1357 شمسی، حکایت ذیل را راجع به این مسجد شخصا از صاحب حکایت جناب آقای حاج احمد عسکری کرمانشاهی که از اخیار، و سال ها است در تهران و سکونت دارد، در منزل جناب آقای رجیبان با حضور ایشان و بعضی دیگر از محترمین شنیدم.

آقای عسکری نقل کردند: حدود هفتاد سال پیش روز پنجشنبه ای بود، مشغول تعقیب نماز صبح بودم، در زند رفته بیرون دیدم سه نفر جوان که هر سه میکانیک بودند با ماشین آمدند گفتند: تقاضا داریم امروز روز پنجشنبه است با ما همراهی نمایید تا به مسجد جمکران مشرف شویم دعا کنیم حاجتی شرعی داریم.

اینجانب جلسه ای داشتم که جوان ها را در آم جمع می کردم و نماز و قال: به آنها می آموختم، این سه جوان از همان جوان ها بودند، من از این پیشنهاد خجالت کشیدم سرم را پایین انداختم و گفتم من چکاره ام بیایم دعا کنم، سرانجام اصرار کردند من هم صحیح نبود آنها را رد کنم موافقت کردم سوار شدم و به سوی قم حرکت کردیم.

در جاده قیم تهران (نزدیک قم) ساختمان های فعلی نبود، فقط دست چپ یک کاروانسرا خرابه به نام قهوه خانه علی سیاه بود، چند قدم از همین جا که فعلا (حاج آقا رجیبان) مسجدی به نام مسجد امام مجتبی علیه بنا کرده است ماشین خاموش شد.

رفقا که هر سه مکانیک بودند پیاده شدند، سه نفری کاپوت ماشین را بالا زدند و به آن مشغول شدند، من از یک نفر آنها به نام علی آقا یک لیوان آب گرفتم برای قضای حاجت و تطهیر، رفتم بروم توی زمین های مسجد فعلی دیدم سیدی بسیار زیبا و سفید، ابوهایش کشیده، دندان هایش سفید، و خالی بر صورت مبارکش بود با لباس سفید و عبای نازک و نعلین زرد و عمامه سبز مثل عمامه خراسانی ها، ایستاده و با نیزه ای که به قدر هشت نه متر بلند بود زمین را خط کشی می نماید. با خود گفتم اول صبح آمده است اینجا جلو جاده دوست و دشمن می آیند رد می شوند نیزه دستش گرفته است!!

(آقای عسکری در حالی که از این سخنان خود پشیمان و عذر خواهی می کرد گفت) گفتم: عمو! زمان تانک و توپ و اتم است، نیزه را آورده ای چه کنی؟ برو درست را بخوان، رفتم برای قضای حاجت نشستم، صدا زد آقای عسکری آنجا ننشین اینجا را من خط کشیده ام مسجد است.

من متوجه نشدم که از کجا مرا می شناسد مانند بچه ای که از بزرگتر اطاعت کند گفتم چشم، یا شدم، فرمود: برو پشت آن بلندی، رفتم آنجا پیش خود گفتم سر سوال را او باز کنم بگویم: آقا جان سید فرزند پیغمبر برو درست را بخوان، سه سوال پیش خود طرح کردم:

1- این مسجد را برای جناب آقای می سازی یا ملائکه که دو فرسخ از قم آمده ای بیرون زیر آفتاب نقشه می کشی درس نخوانده معمار شده ای؟

2- هنوز مسجد نشده چرا در آن قضای حاجت نکنم؟

3- در این مسجد را که می سازی جن در آن نماز می خواند یا ملائکه؟

این پرسش ها را پیش خود طرح کردم جلو سلام کردم بار اول او ابتدا به سلام کرد، نیزه را بر زمین فرو برد و امر به سینه گرفت دستهایش سفید را نرم

بود، چون این فکر را هم کرده بودم که با او مزاح کنم، چنان که در تهران هر وقت سیدی شلوغ می کرد. می گفتم مگر روز چهارشنبه است؟  
عرض کردم روز چهارشنبه که نیست آمده ای میان آفتاب بدون اینکه...  
عرض کنم.

لبخند نمود و فرمود پنج شنبه است، چهارشنبه نیست و فرمود: سه سوالی که داری بگو، من متوجه نشدم که قبل از اینکه سوال کنم از دل من اطلاع داد، گفتم، سید فرزند پیغمبر! درس را ول کرده ای، اول صبح آمده ای کنار جاده نمی گویی این زمان تانک و توپ، نیزه به درد نمی خورد و دوست و دشمن می آیند رد می شوند برو درست را بخوان؟

خندید چشمش را انداخت به زمین، فرمود: دارم نقشه مسجد می کشم.  
گفتم برای جن یا ملائکه؟ فرمود: برای آدمیزاد، اینجا آبادی می شود.  
گفتم بفرمایید بینم اینجا که می خواستم قضاء حاجت کنم هنوز مسجد نشده است؟ فرمود: یکی از ذریه فاطمه زهرا ع در اینجا بر زمین افتاده و شهید شده است، من مربع مستطیل خط کشیده ام اینجا می شود محراب، اینجا که می بینی جای قطرات خون آن شهید است که مومنان به نماز می ایستند، اینجا که می بینی مستراح می شود، و اینجا دشمنان خدا و رسول ص به خاک افتاده اند. همین طور که ایستاده بود، برگشتم و مرا هم برگردانید، فرمود اینجا می شود حسینیه و با ذکر نام حسین ع، اشک از چشمانش جاری شد، من هم بی اختیار گریه کردم.

فرمود: پشت اینجا می شود کتابخانه، تو کتابهایش را می دهی؟

گفتم: ای پسر پیغمبر! به سه شرط می دهم:

1- اینکه: من زنده باشم، فرمود: ان شاء الله.

2- اینکه اینجا مسجد شود، فرمود بارک الله.

3- اینکه به قدر استطاعت گرچه یک کتاب شده برای اجرای امر تو پسر پیغمبر، بیاورم ولی خواهش می کنم برو درست را بخوان، آقا جان این هوا را از سرت دور کن.

خندید، بار دیگر مرا به سینه خود گرفت گفتم: آخر نفرمودید اینجا را کی می سازد؟ فرمود: یدالله فوق ایدیهم (فتح - 10)

گفتم: آقا جان من این قدر درس خوانده ام، سعی دست خدا بالای همه دست ها است، فرمود: آخر کار می بینی که ساخته شده به سازنده اش از قول من سلام برسان، بار دیگر هم مرا به سینه گرفت، فرمود: خدا خیرت بدهد. من آمدم رسیدم سر جاده دیدم ماشین راه افتاده گفتم چطور شد؟ گفتند: یک چوب کبریت گذاشتم زیر این سیم وقتی آمدی درست شد گفتند: باکی زیر آفتاب حرف می زدی؟ گفتم: مگر سید به این بزرگی را با نیزه ده متری که دستش بود ندیدید. من با او حرف می زدم؟ گفتند: کدام سید؟ خود برگشتم دیدم سید نیست؟ زمین مثل کف دست است و پستی و بلندی وجود ندارد و هیچ کس نیست.

من یک تکانی خوردم، آمدم توی ماشین نشستم، دیگر با آنها حرف نزد، به حرم مشرف شدم، نمی دانم چطور نماز ظهر و عصر خواندم، سرانجام آمدم جمکران، ناهار خوردیم، نماز خواندم گیج بودم، رفقا با من حرف می زدند من نمی توانستم جوابشان را بدهم.

در مسجد جمکران پیرمردی در یک طرف من نشسته بود و جوانی طرف دیگر، من هم وسط آنها ناله و گریه می کردم، نماز مسجد جمکران را خواندم، می خواستم بعد از نماز به سجده بروم تا صلوات بخوانم، دیدم آقای سیدی که

بوی خوش عطر می داد به من فرمود: آقای عسکری سلام علیکم، سپس پهلوی من نشست.

تن صدایش همان تن صدا سید صبحی بود، به من نصیحتی فرمود: رفتم به سجده ذکر صلوات را گفتم، دلم پیش آن آقا بود، سرم بر سجده گفتم سر بلند کنم از او بپرسم شما اهل کجا هستید و مرا از کجا می شناسید وقتی سر بلند کردم دیدم آقا نیست.

به پیرمرد گفتم: این آقا که با من حرف می زد کجا رفت، آقا او را ندیدی؟ گفت: نه از جوان پرسیدم، او هم گفتن ندیدم یک دفعه مثل این که زلزله شد تکان خوردم، فهمیدم که حضرت مهدی علیه السلام بوده است، حالم به هم خورد، رفقا مرا بردند آب به سر و رویم ریختند چه شده، خلاصه نماز را خواندیم، و به سرعت به سوی تهران برگشتیم.

مرحوم آیه الله حاج شیخ جواد خراسانی را هنگام ورود به تهران، ملاقات کردم و ماجرا را برای ایشان تعریف کردم و خصوصیات را از من پرسید، گفت: خو حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بوده اند، حالا صبر کن اگر آنجا مسجد شد، درست است.

مدتی قبل روزی پدر یکی از دوستان فوت کرده بود به اتفاق رفقای مسجدی جنازه او را آوردیم، به همان محل رسیدیم دیدم دو پایه خیلی بلند، بالا رفته است، از آن پرسیدم، گفتند این مسجدی است که به نام امام حسن مجتبی علیه السلام پسرهای حاج آقا حسین سوهانی می سازند و اشتباه گفتند.

وارد قم شدیم، جنازه را بردیم باغ بهشت دفن کردیم، من ناراحت بودم، سر از پا نمی شناختم به رفقا گفتم تا شما می روید و نهار می خورید، من به زودی یم آیم، تاکسی سوار شدم رفتم سوهان فروشی پسرهای حاج حسین آقا

پیاده شدم، به پسر حاج حسین آقا گفتم: در اینجا شما مسجد می سازید؟ گفت: نه، گفتم این مسجد را کی می سازد؟

گفت: حاج یدالله رجبیان، تا گفت حاج یدالله قلبم به زدن افتاد گفت: آقا چه شد؟ صندلی گذاشت نشستم خیش عرق شدم، با خود گفتم یدالله فوق ای دیدهم فهیمدم حاج یدالله است، ایشان را هم تا آن موقع ندیده و نمی شناختم، به تهران برگشتم ماجرا را به مرحوم حاج شیخ جواد گفتم.

فرمود: برو سراغش درست است، من بعد از آنکه چهارصد جلد کتاب خریداری کردم، رفتم قم آدرس محل کار (یشمبافی) حاج یدالله را معلوم کردم، رفتم کارخانه از نگهبان پرسیدم گفت: حاجی رفت منزل، گفتم: استدعا می کنم تلفن کنید یک نفر از تهران آمده با شما کار دارد، تلفن کرد حاجی گوشی را برداشت من سلام عرض کردم گفتم: از تهران آمده ام، چهارصد کتاب وقف مسجد شما کرده ام کجا بیاورم.

فرمود: شما از کجا این کار را کردید و چه آشنایی با ما دارید؟ گفتم: حاج آقا چهارصد کتاب وقف کرده ام، گفت باید بگویید مال چیست؟ گفتم: تلفنی نمی شود، گفت شب جمعه آینده منتظر هستم کتاب ها را به این آدرس بیاورید منزل چهار راه شاه کوچه سرگرد شکر الهی، دست چپ، در سوم.

رفتم تهران، کتاب ها را بسته بندی کردم، روز پنج شنبه با ماشین یکی از دوستان آوردم قم منزل حاج آقا ایشان گفت من اینطور قبول نمی کنم، ماجرا؛ وؤش ش را بگو، بالاخره جریان را گفتم، و کتاب ها را تقدیم کردم، رفتم در مسجد دو رکعت نماز حضرت خواندم و گریه کردم.

مسجد و حسینیه را طبق نقشه ای که حضرت کشیده بودند حاج یدالله به من نشان داده و گفت: خدا خیرت بدهد تو به عهدت وفا کردی. این بود حکایت مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام که تقریباً به طور اختصار و خلاصه نقل شد، علاوه بر این حکایت جالبی نیز آقای رجیبیان نقل کرده که آن را نیز مختصر نقل می نمایم:

### حکایت جالب آقای رجیبیان

آقای رجیبیان گفتند: شب های جمعه حسب المعمول حساب و مزد کارگرهای مسجد را مرتب کرده، و وجوهی که باید پرداخت شود پرداخت می شد، شب جمعه ای استاد اکبر، بنای مسجدی برای حساب و گرفتن مزد کارگرا، آمده بود، گفت: امروز یک نفر آقا (سید) تشریف آوردند، در ساختمان مسجد، و این پنجاه تومان را برای مسجد دادند.

من عرض کردم: بانی مسجد از کسی پول نمی گیرد، با تندی به من فرمود: می گویم بگیر، این را می گیرد، من پنجاه تومان را گفتم روی آن نوشته بود برای مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام.

دو سه روز بعد صبح زود زنی مراجعه کرد، وضع تهی دستی و حاجت خود و دو طفل یتیمش را شرح داد، من دست کردم در جیب هایم پول موجود نداشتم، غفلت کردم که از اهل منزل بگیرم آن پنجاه تومان مسجد را به او دادم، و گفتم: بعد خودم خرج می کنم، و به آن زن آدرس دادم که باید تا به او کمک کنم. زن پول را گرفت و رفت، و دیگر هم با اینکه به او بیاید تا به او کمک کنم. زن پول را گفت و رفت، و دیگر هم با اینکه به او آدرس داده بودم مراجعه نکرد، ولی من متوجه شدم که نباید آن پول را داده باشم و پشیمان شدم.



تا جمعه دیگر استاد اکبر برای حساب آمد گفت: این هفته من از شما؛ - -  
شش تقاضایی دارم اگر قول می دهید که قبول کنید تقاضا کنم، گفتم: بگویند  
گفت: در صورتی که قول بدهید قبول می کنید می گویم گفتم آقا استاد اکبر اگر  
بتوانم از عهده اش برآیم. گفت می توانی، گفتم بگو گفت تا قول ندهی نمی  
گویم، از من اصرار که بگو، از او اصرار که قول بده تا من بگویم. آخر گفتم بگو  
قول می دهم وقتی قول گرفت گفت آن پنجاه تومان که آقا دادند برای مسجد  
بده به خودم، گفتم آقای استاد اکبر! داغ مرا تازه کردی چون بعد از دادن پنجاه  
تومان، به آن زن پیشیمان شده بودم، و تا دو سال بعد هم هر اسکناس پنجاه  
تومانی به دست می رسید نگاه می کردم شاید آن اسکناس باشد.

گفتم: آن شب مختصر گفتم، حالا خوب تعریف کن بدانم گفت:

آری حدود سه و نیم بعد از ظهر هوا خیلی گرم بود، در آن بحران گرما  
مشغول کار بودم، دو سه نفر کارگر هم داشتم، ناگاه دیدم یک آقای از یکی از  
درهای مسجد وارد شد، با قیافه نورانی جذاب با صلابت، که آثار بزرگی و  
بزرگواری از او نمایان بود، وارد شدند دست و دل من دیگر دنبال کار نمی رفت  
می خواستم آقا را تماشا کنم.

آقا آمدند، اطراف شبستان قدم زدند، تشریف آوردند جلو تخته ای که من  
بالایش کار می کردم دست کردند زیر عبا پولی در آوردند فرمودند: استاد! این  
را بگیر، بده به بانی مسجد

من عرض کردم آقا! بانی مسجد پول از کسی نمی گیرد شاید این پول را از  
شما بگیرم، و او نگیرد و ناراحت شود اما تقریباً تغییر کردند، فرمودند: به تو می  
گویم بگیر، این را می گیرد من فوری با دست های گچ آلود، پول را از آقا  
گرفتم، آقا تشریف بردند بیرون.

من گفتم: این آقا کجا بود در این هوای گرم یکی از کارگرها به ام مشهدی علی را صدا زدم گفتم: برو دنبال این آقا ببین کجا می روند؟ با کی و با چه وسیله ای آمده بودند؟ مشهدی علی رفت، چهار دقیقه شد، پنج دقیقه شد، ده دقیقه شد مشهدی علی نیامد، خیلی حواسم پرت شده بود، مشهدی علی را صدا زدم پشت دیوار ستون مسجد بود، گفتم نمی آیی؟

گفت: ایستاده ام آقا را تماشا می کنم، گفتم بیا وقتی آمد گفت آقا سرشان را زیر انداختند و رفتند، گفتم با چه وسیله ای؟ ماشین بود؟ گفت نه آقا هیچ وسیله ای نداشتند سر به زیر انداختند و تشریف بردند گفتم تو چرا ایستاده بودی گفت ایستاده بودم، آقا را تماشا می کردم.

آقای رجبیان گفت: این جریان پنجاه تومان بود، ولی باور کنید که این پنجاه تومان یک اثری روی کار مسجد گذارد، خو من امید به اینکه: این مسجد این گونه بنا شود و خودم به تنهایی به اینجا برسانم نداشتم، از موقعی که این پنجاه تومان به شدت رسید، روی کار مسجد و ری کار خود من اثر گذاشت. (پایان حکایت)

نگارنده<sup>(276)</sup> گوید: اگر چه متن این حکایت ها بر معرفی آن حضرت غیر از اطمینان صاحب حکایت، به اینکه سید معظمی که نقشه مسجد را می کشید، و در مسجد جمکران با او سخن فرمود، شخصی آن حضرت بوده است، دلالت ظاهر دیگر ندارد، اما چنان که محدث نوری در باب نهم کتاب شریف نجم الثاقب شرح داده است، وقوع این گونه مکاشفات و دیدارها برای شیعیان آن حضرت، حداقل از شواهد صحت مذهب، و عنایات به واسطه یا بلاواسطه آن حضرت به شیعه، و خصوصا که موید است به حکایات دیگر که متن آنها دلالت بر معرفی آن حضرت دارد، بعضی از آن حکایات ها در همین عصر خود ما واقع

شده است، و به یاری خداوند متعال در کتاب جدیدی که مخصوص تشریف های معاصرین است، در اختیار شیعیان و ارادتمندان آن غوث زمان و قطب جهان ارواحنا فداه قرار خواهد گرفت ان شاء الله تعالی و ما توفیقی الا بالله. (277)

### دور نمایی از تحولات مسجد جمکران در حال حاضر

چنان که قبلا از آیه الله العظمی مرعشی نجفی (رحمه الله) نقل شد، مسجد جمکران، در آغاز به دستور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (توسط حسن بن مثله و سید ابوالحسن، در سال 293 هجری قمری به صورت ساده با سقف چوبی) ساخته شد، و بعدها توسط شیخ صدوق (وفات یافته سال 381 هجری قمری) تعمیر گردید، و پس از مدتی در عصر شاهان صفوی، چندین بار تعمیر و بازسازی شد و در عصر ریاست آیه الله شیخ عبدالکریم حائری نیز چند بار تعمیر گردید.

در سال 1167 هجری قمری میرزا علی اکبر قمی، تعمیرات کلی، داری صحن شبستان و یک مناره و کاشی کاری های مختلف، به عمل آمد و بعدها پس از این تعمیرات کلی، تزیینات و تعمیرات دیگری بر آن افزوده شد.

روستای جمکران در حدود پنج کیلومتری جنوب شرقی شهر قم، از قدیمی ترین روستاهای قم است، مسجد صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در فاصله حدود پانصد متری آن در طول جنوب شرقی آن قرار گرفته است.

تا آنجا که نگارنده از نزدیک دیده ام؛ این مسجد از سال 1350 شمسی، روز به روز از جهات ظاهر و باطن، رونق چشمگیری یافته، و هم اکنون به صورت یک مجموعه بزرگ عبادی اجتماعی در سطح وسیع دارای چند مسجد و حسینیه خوابگاه و صحن و سرای بزرگ و کتاب فروشی های بزرگ می باشد.

از دحام جمعیت که از نقاط مختل کشور، و خارج از کشور در شب های چهارشنبه به جمکران می آیند، به قدری چشمگیر است که انسان را به یاد صحرای عرفات و منی در ایام حج می اندازد، ده هزار نفر عاشق و شیفته وجود مبارک امام قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به این بارگاه با عظمت می آیند و به مناجات و راز و نیاز می پردازند.

توسعه شهر قم موجب شده مخه نزدیک است، به مسجد جمکران برسد و اکنون خیابان وسیعی به عنوان حرم به حرم (از حضرت معصومه علیها السلام تا مسجد جمکران در دست احداث است. اینها همه نشانگر آن است که به راستی مسجد جمکران روزی پایگاه و مرکز عظیم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پس از مکه و مسجد سهله و کوفه خواهد شد، و آن بزرگوار در همین پایگاه عظیم، رحله تازه ای از انقلاب جهانی خود را همراه یارانی استوار و بسیار، به جهانیان صادر می کند، و از این پایگاه صدای ملکوتیش، به جهان می رسد، چنان که انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (رحمه الله) یار راستین امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از قم آغاز گردید، و بارها مقام معظم رهبری حضرت آیه الله خامنه ای (مدظله العالی) را در این مسجد دیده اند.

بنابراین باید با دید عمیق به این مسجد نگریست، و از این کانون مالکوتی درس های شجاعت، صلابت، تهذیب نفس آموخت و از منتظران راستین امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شد.

### اعمال مسجد جمکران

اعمال مسجد جمکران، عبارت از چهار رکعت نماز است، دو رکعت به نیت نماز تحیت، و دو رکعت نماز اما زمان (عج)، شیوه آن دو نماز تحیت چنین

است: در هر رکعت بعد از حمد، هر بار سوره توحید خوانده شود، ذکر رکوع و ذکر دو سجده در هر رکعت نیز هفت بار خوانده شود.

سپس دو رکعت نماز امام زمان علیه السلام به این طریق بخوانند: در رکعت اول و دوم وقتی که در سوره حمد، به آیه ای یک نعبد و ای یک نستعین رسیدند آن را صدبار بگویند، تسبیح رکوع و سجود را در هر رکعت، هفت بار بخوانند، و بعد از نماز یک بار لا اله الا الله بگویند. <sup>(278)</sup> سپس تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بگویند، و بعد سر بر سجده بگذارند و صد بار صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آلش بفرستند. <sup>(279)</sup>

علما و مراجع بزرگ همچون آیات عظام آقایان، بروجردی، سید محمد تقی خوانساری، سید محمد رضا گلپایگانی، آیه الله حجت، آیه الله صدر، آیه الله مرعشی نجفی و... اهمیت بسیار به مسجد جمکران و اعمال آن می دادند، و در این راستا، به بزرگ ترین حوایج خود نائل می شدند.

آیه الله سید محمد تقی خوانساری (رحمه الله) غالباً پیاده به جمکران می رفت، اعمال آنجا را به جا می آورد.

قابل توجه اینکه: یکی از علمای موثق از آیه الله العظمی آقای بروجردی نقل کرد که فرمود: ماجرای جمکران و دیدار با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رد بیداری بوده است، و دو نماز مسجد جمکران را به قصد ورود بخوانید.

و در مورد نماز رد اضافات آن محوطه اصلی مسجد جمکران، که به صورت مسجد وسیع در آمده، مطابق فرموده بعضی از علماء باید نماز به قصد رجاء (امید ثواب) باشد. پس چه بهتر که تا ممکن است، نمازها در مسجد اصلی خوانده شود.

## امام زادگان معروف قم

هنگامی که حضرت رضا علیه السلام به دعوت مأمون در سال 200 هجری قمری ناگزیر از مدینه به خراسان آمد و مأمون ولایت عهدی حکومت را به آن حضرت واگذار کرد، اما زادگان بسیاری و سادات عالی مقام به شوق دیدار حضرت رضا علیه السلام، از حجاز به ایران آمدند، ولی با دشمنان اهل بیت علیهم السلام روبرو شدند، بعضی به شهادت رسیدند و بعضی متواری گشتند، بسیاری از آنها به خاطر آنکه قم در آن عصر، مرکز شیعیان و طرفداران خاندان نبوت بود، به قم آمدند و در قم رحلت کردند.

مطابق قول مشهور 444 امام زاده (فرزند بلاواسطه و با واسطه امامان) وارد قم شدند، و در قم اقامت نمودند.

احمد رازی، یکی از نویسندگان معروف عصر شاه عباس کبیر (شاه معروف صفویان) که شرح مبسوطی درباره قم نوشته، خاطر نشان ساخته است که سرزمین قم بیش از 444 تن از اولاد و نوادگان امامان معصومه علیها السلام در بر گرفته است.

شیخ زکی باغبان نیز در آن اشعار عمیق خود می گوید:

هستند چهارص و چهل و چار از شرف      مدفون به امرحق همه چون در این صدف  
اولاد مرتضی علی آن شاه لو کشف      فرقی میان قم و کعبه و نجف  
جان می دهند اهل خرد بر نثار قم <sup>(280)</sup>

ما در اینجا به شرح امامزادگان معروفی که بی واسطه و یا با چند واسطه به امام می رسند با کمال اختصار می پردازیم، و اشاره ای هم به برخی از موضوعات دیگر در این باره، خواهیم نمود.

بسیار شایسته است که زائران حضرت معصومه علیها السلام ، امامزادگان قم را فراموش نکنند، و به زیارت قبور آنها هم بروند، چه آنکه زیارت آنها و اظهار ادب به پیشگاه آنها زیارت و اظهار ادب به پیشگاه خود امامان علیهم السلام است.

### امام زادگانی که در کنار مرقد حضرت معصومه علیها السلام مدفونند

صرف نظر از بانوانی که قبرشان در حرم حضرت معصومه علیها السلام است و قبلا ذکر شد، امام زادگان و سادات جلیل القدر نیز در اطراف روضه مطهر حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شده‌اند، و دارای چندین قبه جداگانه بوده‌اند که اکنون جزء بیوتات آستانه در آمده است، این گروه عبارتند از:

1 - سید ابو الحسن، حسین و بن حسین بن جعفر بن محمد بن اسماعیل بن

امام صادق علیه السلام

2 - حمزه بن احمد... بن امام سجاد علیه السلام

3 - ابوالقاسم علی بن محمد بن حمزه.

5 - علی بن حمزه.

6 - ابو علی، احمد الخطیب الشجری... ابن امام سجاد علیه السلام

7 - ابو جعفر، محمد بن احمد نامبرده.

8 - ابو محمد، حسن بن احمد نامبرده.

9 - ابو علی، احمد بن حسن نامبرده.

که همه آنها از بزرگان و سادات بوده‌اند <sup>(281)</sup>.

موسی مبرقع علیه السلام

نخستین کسی که از فرزندان امام در سال 259 هجری قمری به قم آمد، حضرت موسی بن امام جواد علیه السلام است <sup>(282)</sup> و فرزند بلا فصل امام نهم می باشد و قبر مبارکش به نام بارگاه شاه زاده موسی مبرقع <sup>(283)</sup> در کنار مقبره چهل

اختران آذر، معروف و مشهور است، وی در شب چهارشنبه 22 ربیع الثانی سال 296 از دنیا رفت و اکنون و مزار او با گنبد و صحن، با شکوه و مورد توجه است.

او شخصی جلیل القدر بود، محدث نوری کتاب مستقل به نام بدر مشعشعدر زندگانی او نگاشته است، همه سادات رضوی از نسل او هستند، محلی که هم اکنون مرقد او در آن قرار گرفته، خانه او بوده است و در کنار قبرش یکی از نواده هایش احمد بن محمد بن احمد بن موسی مبرقع مدفون است.

### چهل اختران

در کنار بقعه موسی مبرقع علیه السلام مرقد بزرگ با ساختمان شکوهمندی است که چهل اختران نام دارد، به طوری که از کتیبه ای که در آنجا در سال 851 هجری قمری نوشته شده، مقبره جمعی از سادات و امام زادگان است. (284)

ولی بنای با شکوه ساختمان آن، در سال 950 هق توسط شاه طهماسب صفوی، ساخته شده است.

و در آنجا امیرالمؤمنین سلمه و امیرالمؤمنین کلثوم دختران محمد بن احمد بن موسی مبرقع و جمعی دیگر، دفن شده اند و همچنین قبر محمد بن احمد بن موسی مبرقع و محمد بن موسی مبرقع در آنجا است.

### شاه حمزه علیه السلام

یکی دیگر از امامزادگان معروف، حمزه بن موسی بن جعفر برادر شاه چراغ شیراز (احمد بن موسی بن جعفر) است، که در مقبره او اختلاف است که آیا همین است که در قم در کنار خیابان آذر، بارگاه مجللی دارد و یا بارگاه معروف کنار بقعه شاه عبدالعظیم، و یا در اطراف شیراز بقعه ای است که به نام حمزه بن موسی می باشد.



### شاه زاده احمد علیه السلام

در کنار قبر امام زاده حمزه، مقبره دیگری معروف به امام زاده احمد هست که نسبت او را چنین نوشته اند: احمد بن اسحق بن ابراهیم بن موسی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه السلام

### امام زاده زید

امام زاده زید از نبیره های امام سجاد علیه السلام است و در چهل اختران مدفون می باشد، صحن مخروبه آن جزء صحن بنای موسی مبرقع علیه السلام است.

### امام زاده احمد علیه السلام

احمد بن قاسم بن علی بن جعفر الصادق علیه السلام از مردان عابد و با فضیلت عصر خود بود، مزار شریف او دارای صحن و گنبد در ناحیه جنوب قم (دروازه قلعه) معروف می باشد و خواهرش فاطمه علیه السلام هم در همانجا مدفون است.

### امام زاده سلطان محمد شریف

سلطان محمد شریف بن علی بن محمد بن حمزه بن احمد بن محمد بن اسمعیل بن محمد بن عبدالله الباهرین امام زین العابدین علیه السلام ، در سمت دروازه قلعه، بقعه و گنبد متوسطی دارد و آن محله به نام او در قم معروف است. آن جناب از امام زاده های بسیار جلیل القدر و معتبر قم است و جد بزرگوار امام زاده یحیی مدفون در تهران می باشد، از تعبیرات عالی المضامینی که علامه بزرگوار شیخ منتخب الدین در اول فهرست خود که به اسم اما زاده سلطان محمد شریف و امام زاده یحیی تالیف نموده جلالت قدر آن دو بزرگوار معلوم می شود.

### امام زاده علی بن جعفر علیه السلام

علی بن جعفر الصادق عریضی، مردی عالم و پرهیزکار بوده و زمان چهار اما را درک کرده است، قبر مقدسش در آخر خیابان چهارمردان، معروف به در بهشت است و دارای صحن و ضریح چوبین و بارگاه مجلل می باشد. و رواقش از کاشی های قرن هشتم آراسته شده و از آن کاشی ها در موزه آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام موجود است. دو مزار دیگر نیز به او منسوب هستند.

#### 1- در خارج قلعه سمنان

#### 2- در قریه عریض در یک فرسخی مدینه. (285)

در نزدیک بارگاه علی بن جعفر علیه السلام بقعه ای هست که مرقد آن را به نام ابراهیم بن احمد بن موسی بن جعفر نگاشته اند و نیز بقعه ای وجود دارد که به محمد بن موسی الکاظم علیه السلام معروف است.

#### سه قبر باغ گنبد سبز

در بیرون دروازه کاشان (آخر چهارمردان) باغی بود معروف به باغ گنبد سبز، که در آنجا سه بقعه مجلل و ممتاز هست که منسوب به بزرگان و شخصیت های برجسته قم می باشد و اکنون آن باغ میدان و ساختمان، تبدیل شده است. در نزدیکی علی بن جعفر، بقعه ای است که در کتیبه آن نوشته شده: مضعع ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه السلام.

#### امام زاده ابراهیم و امام زاده محمد

مرقد این دو بزرگوار که از فرزندان امام کاظم علیه السلام هستند، در زیر یک بقعه عالی، جنب هم مدفون می باشند، در پشت ایستگاه راه آهن قم معروف است.

(286)

امام زاده جعفر، معروف به شاه جعفر علیه السلام، و مرقد سید معصوم در امتداد خیابان شاه ابراهیم، بارگاهی با شکوه، به نام مزار شاه جعفر است که منسوب به امام کاظم علیه السلام می باشد و به عقیده بعضی، در این مکان، سید جلیل، جعفر نقیب علویین در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم، مدفون است. در همین امتداد، در فاصله حدود یک کیلومتری، مرقد کوچکی قرار دارد که به بقعه سید معصوم از فرزندان امام سجاد علیه السلام شهرت دارد.

امام زاده سیدعلی، معروف به شاه سید علی علیه السلام مرقد این امام زاده در دروازه ری، (پشت خیابان باجک فعلی) واقع شده است، نسب نامه وی چنین است:

علی بن ابراهیم بن ابی جعفر حسن بن عبیدالله بن ابی الفضل العباس بنا براین حضرت عباس علیه السلام، جد سوم او است.

این امام زاده، مورد توجه خاص مردم است و همواره زائران بسیار دارد و مردم کرامات فراوان از محضر او دیده اند، او نوزده پسر داشت، از جمله عبیدالله بن علی که سیدی شجاع بود، و کتاب جعفریات را که دوره کامل فقه شیعه، در چند جلد است، تألیف نموده او در سال 312 هجری قمری رحلت کردند. <sup>(287)</sup>

#### امام زاده احمد

در نزدیکی مزار شاه زاده سید علی، مزار شاه زاده احمد علیه السلام است، مطابق آنچه در روی قبرش نوشته شده: این بزرگوار از نوادگان محمد بن حنیفه است، دارای بقعه و صحن متوسط و گنبدی از کاشی می باشد، و در صفحه سقف آن، نام های مبارک چهارده معصوم علیهم السلام را به خط ثلث از گچ، بیرون آورده اند.

### امام زادگان خاک فرج

در انتهای خیابان خاک فرج، مرقد شریف دو امام زاده (پدر و پسر) به نام های: امام زاده احمد و امام زاده علی، ملقب به حارث، از نوادگان امام سجاد علیه السلام قرار گرفته، که دارای بارگاه مجلل و صحن و سرای زیبا است.

نسب نامه پدر عبارت است از:

ابوالحسن احمد بن ابی الخیر محمد بن علی عمر بن حسن الافطس بن علی اصغر بن امام سجاد علیه السلام .

نسب نامه پسر نیز چنین است:

علی الحارث بن ابوالحسن احمد بن ابی الخیر...

### امام زاده صفوراء علیه السلام و عمویش

در پشت بارگاه امام زاده خاک فرج، بقعه ای وجود دارد، معروف به بقعه صفوراء، که از نوادگان حضرت علی علیه السلام می باشد، در جنب مرقد حضرت صفورا علیه السلام مرقد عموی او، معروف به امام زاده محمد علیه السلام از نوادگان حضرت علی علیه السلام قرار گرفته است، بنای گنبد این مرقد، در سال 378 هجری قمری ساخته شده، که کلمه صفورا به حساب ابجد مطابق با 378 است نشان دهنده سال وفات سیده صفوراء و سا بنای بقعه و گنبد او است. (288)

### امام زاده ناصر علیه السلام

یکی از امام زادگان از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام امام زاده ناصر، معروف به شاه زاده ناصر علیه السلام است که بقعه او در خیابان آذر، روبروی مسجد بزرگ امام، نزدیک پل قرار دارد.

نسب نامه او چنین است:

ناصرالدین علی بن مهدی بن محمد بن حسین بن زیدبن محمدبن احمدبن  
جعفر بن محمدبن عبدالرحمن بن محمد البطحایی بن قاسم بن حسن بن زیدبن  
امام حسن مجتبی علیه السلام  
که در اواخر قرن هشتم و آغاز قرن نهم می زیسته و از شخصیت های  
برجسته آن زمان بوده است.

و اینکه به زبان عوام معروف است که در این بقعه مرقد احمد بن اسحاق قمی  
وکیل امام حسن عسکری علیه السلام در قم قرار دارد، نادرست است، این توهم از  
اینجا ناشی شده که گفته اند احمد بن اسحاق، مسجد امام را به امر امام حسن  
عسکر علیه السلام ساخت، و قبرش را در کنار همین مسجد قرار داد، ولی حقیقت این  
است که احمد بن اسحاق (رحمه الله) هنگام بازگشت از سامرا، در سرزمین سر  
پل ذهاب؛ نزدیک اسلام آباد غرب) وفات یافت و در همانجا به خاک سپرده  
شد. <sup>(289)</sup> و در آنجا دارای گنبد و بارگاه است.

#### شاه زاده احمد قاسم علیه السلام

از جمله اما زادگان معروف قم، شاه زاده احمد، فرزند قاسم بن احمد بن علی  
بن جعفر الصادق علیه السلام است. او مردی پرهیزکار و عابد بود. قبر شریفش در  
جنوب قم، در محله دروازه قلعه، واقع است، و فاطمه خواهر گرامیش نیز در  
همانجا دفن است، بقعه و صحن متوسطی دارد و تاریخ بنای آن را سال 708  
هجری قمری نوشته اند.

امام زادگان دیگری نیز در قم و اطراف قم وجود دارند که ما به خاطر  
رعایت اختصار به همین مقدار اکتفا می کنیم، مرقد بسیاری از این امام زادگان  
را نگارنده از نزدیک دیده است، ولی شرح حال آنها در کتاب های زیر آمده  
است.

مختار البلاد در تاریخ قم، تألیف ناصر الشریعه، راهنمای قم، تألیف آقای برقی، گنجینه آثار قم، تألیف آقای عباس فیض، ترجمه تاریخ قم، و باب الرضوان فی مناقب سلطان خراسان و... که ما در تدوین امام زادگان معروف قم، از این کتاب ها، استفاده کرده ایم.

### طریقه زیارت امام زادگان

همه می دانید که در کشور ایران در همه نواحی آن، بارگاه های بسیار از امام زادگان منسوب به امامان علیهم السلام هست، به خصوص در قم و کاشان و نواحی اطراف این دو شهر که بسیار دیده می شود، بسیار شایسته و بجاست که شیعیان و ارادتمندان به خاندان پیامبر احترام کنند و به زیارت این قبور پر برکت رفته و به هر عنوان شرعی که می خواهند تعظیم نمایند.

در این امام زادگانی که زیارت مخصوصی از امام وارد شده مانند زیارت حضرت معصومه علیها السلام، همان را بخوانند و اگر وارد نشده به هر لفظی که متضمن تعظیم و احترام باشد زیارت کنند خوب است، و یا از سوره های مبارکه قرآن بخوانند و ثواب آن را نثار آن قبور نمایند.

ولی طبق حدیث صحیح و معتبر وارد شده که فرزندان ذکور ائمه اطهار علیهم السلام را چنین زیارت کنند:

السلام علیک ایها السید الزکی، الطاهر الولی، الداعی الحفی، اشهد انک قلت حقاً و نطقت حقاً و صدقاً و دعوت الی مولای و مولاک علانیه و سرا فاز متبعک و نجی مصدقک و خاب و خسر مکذیبک و المتخلف عنک، اشهدلی بهذه الشهاده لاکون من الفائزین بمعرفتک و طاعتک و تصدیقک و اتباعک، و السلام علیک یا سیدی انت باب الله الموتی منه و المآخود عنه اتیتک زائراً و حاجاتی

لک مستودعا، وها اناذا استودعک دینی و امانتی و خواتیم علمی و جوامع املی الی منتهی اجلی، و السلام علیک و رحمہ اللہ و برکاتہ. (290)

### شخصیت های معروف، مدفون در قم

شخصیت های برجسته ای که در طول تاریخ، در قم به خاک سپرده شده اند بسیارند، که قبلا نام بعضی از آنها ذکر شده، در اینجا برای رعایت اختصار، تنها به ذکر نام آنها اکتفا می کنیم:

1- علی بن حسین بن موسی بن بابویه، معروف به ابن بابویه، پدر شیخ صدوق، وی به سال 329 هجری قمری در قم وفات یافت، مرقدش دارای بارگاه باشکوهی است که جنب آغاز چهارمردان در قسمت چپ قرار گرفته است.

2- ذکریا بن آدم، از اصحاب امام رضا علیه السلام.

3- آدم بن اسحاق.

4- زکریا بن ادريس، از اصحاب ائمه علیهم السلام مرقد مبارک این سه تن در قبرستان شیخان است.

5- علی بن ابراهیم، و محمد بن قولویه، که قبرشان در یکجا درکنار باغ شهرداری است.

6- قطب راوندی، محدث فقیه بزرگ شیعه در قرن ششم، که قبرش در صحن نو در قسمت جنوب، مرتفع و مشخص است.

7- محمد طاهر بن محمد بن القمی، الشیرازی الاصل، که شیخ الاسلام قم در در عصر خود بود، قبرش در شیخان قم است.

8- آیه الله العظمی میرزای قمی (رحمه الله) که در سال 1231 قمری، در 79 سالگی وفات کرد و قبرش در شیخان قم، مزار شیفتگان و حاجتمندان است.

9- مرحوم آیه الله العظمی سید محمد حسینی کوه کمری معروف به حجت، از مرجع تقلید، وی در سال 1372 هجری قمری کرد، و مرقد شریفش در حجره ای جنب مسجد در مدرسه حجتیه است.

10- مرحوم مرجع کل آیه الله العظمی بروجردی (رحمه الله) که در 12 شوال سال 1380 قمری، مطابق با فروردین 1340 شمسی، در قم در 88 سالگی وفات کرد، قبر شریفش در راهرو مسجد اعظم قم، در کنار مسجد بالا سر است.

11- آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری، مؤسس حوزه علمیه قم، که در 79 سالگی در سال 1355 هجری قمری وفات کرد، که مرقدش در مسجد بالاسر است.

12- آیه الله العظمی سید محمد تقی خوانساری، وفات یافته سال 1371 هجری قمری که مرقدش در مسجد بالاسر است.

13- آیه الله العظمی سید صدرالدین صدر، وفات یافته سال 1373 هجری قمری که مرقدش در مسجد بالا سر است.

14- آیه الله العظمی سید محمد رضا گلپایگانی، آیه الله العظمی شیخ محمد علی اراکی، آیه الله العظمی شیخ هاشم آملی، آیه الله العظمی جمادی الثانیه 1353 هجری قمری که قبرش در مسجد بالا سر مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام نزدیک مرقد آقای بروجردی است.

و همچنین علمای دیگر مانند:

آیه الله شیخ مرتضی حائری، آیه الله حاج آقا روح الله کمالوند، علامه طباطبایی، استاد شهید مطهری، آیه الله العظمی سید احمد خوانساری، همه در مسجد بالاسر مرقد حضرت معصومه علیها السلام مدفون هستند.



شهدای گرانقدر اسلام از علما و آیات عظام مانند شهید محمد منتظری، شهید ربانی املشی، شهید عباس شیرازی، شهید شاه آبادی، شهید محراب آیه الله مدنی و شهدای دیگر در کنار حرم در مسجد بالاسر و مسجد آینه طباطبائی مدفون هستند.

مراقد استاد شهید آیه الله محمد مفتاح، مرحوم آیت الله محقق داماد، شهید آیت الله شیخ فضل الله نوری در حجره های مختلف صحن نو قرار دارند. قبرهای شهید آیه الله سید محمد رضا سعیدی، شهید پر صلابت نواب صفوی، آیه الله شیخ مهدی قمشه ای، در وادی السلام قم به خاک سپرده شده اند. به طور خلاصه اینکه مراجع و علمای برجسته بسیاری در این سرزمین به خاک سپرده شده اند، و قبرشان زینت بخش سرزمین قم شده است، و شاید یک در بهشت یا سه در بهشت از قم به سوی بهشت، باز می شود یکی به خاطر همین علمای ربانی است در اینجا نظر شما را به ذکر نام چند نفر دیگر جلب می کنیم:

- 1- مرحوم حاج ملامحمد صادق (صاحب مدرسه معروف حاج ملا صادق در قم.)
- 2- مرحوم حاج سید صادق (صاحب مدرسه حاج سید صادق).
- 3- مرحوم آقا سید عبدالله رضوی.
- 4- مرحوم آقا شیخ ابوالقاسم، خازن آستانه.
- 5- مرحوم آقای حاج میرزا محمد فیض قمی.
- 6- مرحوم آقای حاج سد حسین کوچه حرمی.
- 7- مرحوم شیخ محمد حسین نویس.
- 8- مرحوم آقا میرزا فخرالدین باغ پنبه ای، بسط صاحب قوانین.

- 9- مرحوم حاج آقا حسین فاطمی.
- 10- مرحوم آخوند ملا غلامرضا صاحب حاشیه رسائل.
- 11- مرحوم آقا شیخ محمد حسین پایین شهری.
- 12- مرحوم شیخ مهدی حکمی (معروف به پایین شهری).
- 13- مرحوم حاج میرزا محمد ارباب پدر اشراقی، واعظ معروف.
- 14- مرحوم حاج سید جواد قمی.
- 15- مرحوم حاج آقا احمد طباطبایی اخوی حضرت آیه الله حاج آقا حسین قمی.
- 16- مرحوم حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی (صاحب کتب ارزشمند از اخلاق و عرفان) که قبرش در قبرستان شیخان است.
- 17- مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم ملامحمد کریم (از اعظم محققین بزرگ در عصر خود.)
- 18- مرحوم آخوند ملا محمد طاهر قمی معاصر آقای سید جواد قمی.
- 19- مرحوم آقای حاج میرزا ابوطالب، داماد میرزای قمی.
- 20- مرحوم آقای محمد حسین قمی صاحب توضیح القوانین از شاگردان مبرز میرزای قمی.
- 21- مرحوم آقای میرزا علیرضا والد ماجد آقا حاج سید جواد و داماد میرزای قمی.
- 22- مرحوم آخوند ملامهدی نراقی معروف به آقا کوچک برادر حاج ملا احمد صاحب مستند (قبرش در مقابل قبر علی بن بابویه هست.)
- 23- مرحوم قاضی سعید قمی صاحب شرح توحید صدوق، که قبرش به حسینیه تولیت متصل است.

- 24- مرحوم آقا میرزا حسن کاشفی متوفی 1043 هجری قمری نوه دختری ملاصدرا (رحمه الله) صاحب کتاب شمع الیقین، فرزند عبدالرزاق لاهیجی، صاحب شوارق (که قبر وی در کنار خیابان ارم نزدیک ابن بابویه است که آن را به دستور حضرت آیه الله نجفی بنا نموده اند.)
- 25- مرحوم آقا میرزا ابومحمد، نواده آقا میرزا ابوطالب از طرف پدر و نواده صاحب قوانین از طرف مادر.
- 26- مرحوم سید صفی الدین محمد حسینی معروف به هندی جد سادات میر بهاء الدینی.
- 27- مرحوم میر عین العارفين از شاگردان علامه مجلسی و جد سادات میر بهاء الدینی.
- 28- مرحوم میر عین العارفين از شاگردان علامه مجلسی و جد سادات عارفی قم.
- 29- مرحوم میر محمد عاشور حسینی جد سادات عاشوری که از شاگردان علامه مجلسی بوده است.
- 30- مرحوم میرزا جمال الدین محمدبن محمدرضا، صاحب تفسیر شریف کنزد الدقایق در چهار جلد، که در کتابخانه عمومی حضرت آیه الله نجفی (رحمه الله) موجود است.
- 31- علامه محدث فقیه بزرگوار، سید شمس الدین محمد مهدی از شاگردان محقق کرکی، از نواده های موسی مبرقع که قبر شریفش در خیابان ارم جنب مسجد محمدیه رد بقعه ای به نام بقعه محمدیه معروف است. و شخصیت های دیگری که هر یک درخور استعداد خود به این سرزمین مقدس شکوه و آبرو داده اند، خداوند همه آنها را با محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و آلش محشور گرداند.

## پادشاهان مدفون در قم

شاهانی که در قم مدفونند، شش تن می باشند، چهار نفر آنها از پادشاهان صفوی دو نفر آنها از شاهان قاجاریه به ترتیب ذیل می باشند:

شاه صفی دو نفر آنها از شاهان قاجاریه به ترتیب ذیل می باشند:

شاه صفی اول پسر صفی میرزا، پسر شاه عباس کبیر، نامش سام میرزا بوده، و چون به تخت سلطنت نشست، نام خود را شاه صفی نهاد، وی در سن 17 سالگی به سلطنت رسید و در سال 1052 هجری قمری در سن سی و یک سالگی وفات نمود، جنازه اش را به قم حمل کردند و در ناحیه جنوبی حرم مطهر، مدفون گردید، سابقا بر روی قبرش صندوق بزرگی بود، ولی اکنون در رواق زنانه واقع شده و قبرش با سطح رواق مساوی است و صندوق قبرش که در آن ظریف کاری های شده است در موزه آستانه می باشد.

شاه عباس دوم پسر شاه صفی در سن ده سالگی به سلطنت رسید و در سال 1077 در خسرو آباد دامغان وفات نمود و جنازه اش را به قم حمل نمودند و در ناحیه جنوبی غربی حرم، جایی که اکنون به نام مسجد امام خمینی است دفن نمودند.

شاه سلطان سلیمان پسر شاه عباس ثانی، در سال 1105 در سن چهل و نه سالگی از دنیا رفت، جنازه اش را به قم آوردند و در بقعه ای که در ناحیه جنوبی مسجد بالاسر است به خاک سپردند.

شاه سلطان حسین پسر شاه سلیمان که در سرای سلطنتی به دست اشرف افغان کشته شد، جنازه بی سرش را به قم حمل کردند و در قسم جنوبی مسجد بالاسر در کنار قبر پدرش سلیمان دفن نمودند.

فتحعلی شاه قاجار در سال 1250 در سن 67 سالگی در اصفهان وفات نمود و جنازه اش را به قم حمل کردند و در طرف شمال صحن کهنه در بقعه مخصوصی (که خودش در حال حیاتش آنجا را ساخته بود) مدفون گردید.

محمد شاه قاجار پدر ناصرالدین شاه در سال 1264 در تجریش وفات یافت و جنازه اش را به قم حمل کردند و در قسمت غربی صحن کهنه در بقعه ای که جنب راهرو و مدرسه مادر شاه<sup>(291)</sup> بود دفن نمودند.

باید توجه داشت که شاه زادگان بسیاری هم در جنب مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام مدفونند و همچنین از طبقه وزیران و حکام و... و نیز مدفونند، مانند علی اصغر اتابک که صدراعظم ایران در زمان ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه بود و صحن نو را ساخت که به صحن اتابکی، معروف است و مانند کامران میرزا پسر ناصرالدین شاه، حسن مستوفی، عین الملک، محمد حسن حاجب الدوله، احمد مشیر السلطنه، فرخ امین الدوله، عبدالصمد عزالدوله، جهانگیر ناظم الملک، منوچهر متعمد، ملک منصور شعاع السلطنه، مهدی اعتضاد الدوله، ابراهیم معتمد السلطنه، اسد الله نظام الدوله، علینقی بهاء الملک، باقر سعد السلطنه، بو عبدالرحیم قائم مقام، محمد اقبال الدوله، حسن وثوق، احمد قوام السلطنه، و محمد اعتضاد الدوله قائم مقام الملک تبریزی، پروین اعتصامی و... دفن شده اند.

از شاه زادگان صفویه، قریب هفتاد نفر که به دست افغان ها کشته شدند در سردابه بزرگی که مقبره خانوادگی صفویه بوده، در زیر مسجد طباطبائی، (صحن زنانه سابق) قرار داشته، به خاک سپرده شده اند، ظاهراً این سردابه هنوز هم وجود دارد، و از قرار داشته، به خاک سپرده شده اند، ظاهراً این سردابه، بسیار بوده و تا قسمتی از صحن نو تا نزدیک قبر قطب راوندی ادامه دارد، یکی از

مدوفونین آن، عباس میرزا، پسر و ولیعهد شاه ظهاسب دوم است، که افغانها او را هم کشتند. (292)

### مساجد معروف قم

در شهر مذهبی قم، مساجد فراوانی وجود دارد، در اینجا نظر شما را به ذکر چند مسجد معروف و باستانی آن، جلب می‌کنیم:

#### 1- مسجد امام

این مسجد عظیم نزدیک حرم (بین حرم و بازار، در خیابان حضرتی) واقع شده که به صورت ابتدایی توسط احمد بن اسحاق اشعری (رحمه الله) به امی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام ساخته گردید، بدیهی است که سال‌های بعد به توسعه و تعمیرات و بازسازی‌های جدید، پرداخته شد در دوران صفویه و قاجاریه تغییرات و اضافات در آن شده است و اخیراً نیز توسط مرحوم آیه الله میرزا ابوالفضل زاهدی (رحمه الله) قسمت سرداب و مسجد بالای سرداب به طور کلی عوض شده و به صورت جالب و نوینی درآمده است.

#### 2- مسجد جامع (جمعه)

این مسجد از بناهای قدیمی است، تاریخ اصل بناء آن درست روشن نیست ولی تاریخ کتیبه بالای ایوان بزرگ را 529 قمری نوشته‌اند. اما این تاریخ سند ساخت مسجد به شمار نیم آید، این مسجد از نظر قدمت وسعت و مجلل بودن بنای آن، تاریخی و دینی است. این مسجد در عصر حضرت رضا علیه السلام وجود داشته است، و دعبل خزاعی، اشعار خود را در آن برای مردم خوانده است.

#### 3- مسجد عشقعلی

از بناهای قدیمی و ظاهراً در دوره شاهان صفوی ساخته شده است، و در اوائل خیابان چهارمردان قم می‌باشد.

و معلوم نیست که وجه نام گذاری این مسجد به عشقعلی به خاطر آن است که نام بانی آن عشقعلی بوده است و یا به عشق علی این مسجد را ساخته اند و یا اهل خانقاه به آن نفوذ کرده بودند؟

#### 4- مسجد بالا سر

این مسجد در کنار حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام واقع شده و اینک به صورت بسیار جالب و وسیعی درآمده است (نامش مسجد است و جزء حرم می باشد، ولی مسجد شرعی نیست، زیرا محل دفن اموات است.) بسیاری از مراجع و بزرگان علم و شهیدان و والامقام انقلاب اسلامی، در این مکان مقدس به خاک سپرده شده اند.

و به طور کلی در جنب حرم حضرت معصومه علیها السلام جز مسجد اعظم، مسجدی وجود ندارد، تنها در مورد محراب مسجد بالاسر، رعایت احتیاط شود.

#### 5- مسجد سینی

این مسجد در محله پنجه علی واقع شده بالای محراب مسجد جای پنجه ای است که گویند پنجه علی علیها السلام است، این مسجد در سال 886 هجری قمری ساخته شده است.

ظاهرا پنج نفر که نام آنها علی بوده، آن را ساخته اند، از این رو چنین نامی شهرت یافته است.

#### 6- مسجد اعظم

از مساجد بسیار عظیم و با اهمیت قم است که در کنار حرم حضرت معصومه علیها السلام واقع شده و در قم از نظر بنا و ساختمان و اهمیت، بی نظیر است. این مسجد به امر حضرت آیه الله العظمی بروجردی (قدس سره) ساخته شده است.

روز 11 ذی القعدة 1373 هجری قمری با ولادت جواب رضا علیه السلام حضرت آیه الله العظمی بروجردی (رحمه الله) اولین کلنگ بنای آن را طی مراسم باشکوهی بر زمین زدند.

در کنار آن، ناحیه رودخانه، وضوخانه مجهزی نیز ساخته شد، و آن وضو خانه در سال 1374 شمسی به همت تولیت آستانه، تجدید بنا گردید، و هم اکنون واردین و زائرین با کمال راحتی از این مسجد استفاده می کنند.

بنای ساختمان این مسجد از سال 1374 هجری قمری آغاز گردید، و تا زمان وفات آیه الله بروجردی (رحمه الله) سال 1380 هجری قمری ادامه یافت. قابل توجه این که: اخیراً با باز شدن مسجد بالاسر، به مسجد اعظم، جزء آستانه مقدسه شده و فضای آستانه را وسعت بخشیده است.

این مسجد از آغاز تا کنون همچون یک دانشگاه بزرگ، محل تدریس آیات و مراجع بزرگ بوده و هست و طلاب علوم اسلامی اکثر استفاده را از آن نموده اند.

#### 7- مصلاي قدس قم

این مصلا با عظمت که بعد از انقلاب برای اقامه نماز جمعه در قسمت پایانی خیابان شهدا (صفائیه سابق) واقع شده، در مساحت ده هزار متر مربع، و چهار هزار متر مربع بالکن، مخصوص خواهران ساخته شده، داری گنبد استیل و دیدنی است. محوطه این مصلا، باری بیش از پنجاه هزار نفر گنجایش دارد.

#### کتابخانه های عمومی قم

کتابخانه های عمومی و معروف قم عبارتند از: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (رحمه الله) در خیابان آیه الله مرعشی (ارم سابق) جنب مرقد شریفشان. 2- کتابخانه دفتر تبلیغات اسلامی، در خیابان فاطمی. 3- کتابخانه



مسجد اعظم. 4- کتابخانه آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام در کنار صحن

نو و ...

همه اینها از آثار پربرکت وجود مقدس حضرت معصومه علیها السلام است.

از این رو پایان کتاب را با این اشعار زیبا و پر محتوا، به عنوان توسل به

عالمه آل عبا حضرت فاطمه معصومه علیها السلام زینت می بخشیم:

خاک قم گشته مقدس باز جلال فاطمه	تور باران گشته این شهر از جمال فاطمه
گرچه شهر قم شده گنجینه علم و ادب	قطره ای باشد ز دریای کمال فاطمه
تابش شمع و چراغ و کهربای نورها	باشد از نقد جمال بی مثال فاطمه
صافی آینه ایوان نیکو منظرش	گوشه ای از صافی قلب زلال فاطمه
عطر آگین گشته گر این بارگاه جنتی	این نسیمی است از عبیر دلگشای فاطمه
بر سر ما سایه افکن از کرامت ای بتول	شد سعید آن کسی که بد اندر زلال فاطمه
آفت دل ها فراق از درگه معصومه است	حرمت من، حرمت عز و جلال فاطمه
یا رب از غم ها مرا برهان هم از افسردگی	عفو کن ما را به قلب پرملال فاطمه
کبریا از درگهش کس را نکرد ناامید	خاصه آن کود داشت پشتیبان مثال فاطمه <sup>(293)</sup>

### اعتذار و تذکر

از این که به عللی برخی از مطالب به طور مجمل یا کوتاه بیان شد، و یا اصلا ذکر نشد از خوانندگان معذرت می خواهم و عذر ما هم به جا است چون بنای این کتب بر اختصار است.

لازم به تذکر است که اصیل ترین مدارک درباره قم و ورود حضرت معصومه علیها السلام به قم... که علامه مجلسی و محدث قمی و علمای دیگر، در این باره، بسیار از آن نقل می کنند، کتاب تاریخ قم است که در سال 378 هجری قمری، آن را دانشمند فاضل حسن بن محمد (معاصر شیخ صدوق) به نام صاحب بن

عباد تألیف کرد، متأسفانه متن عربی آن در دسترس نیست و قسمتی از ترجمه فارسی آن که در قرن نهم (سال 865 هجری قم) توسط حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی در 347 صفحه وزیری ترجمه شده باقی مانده است. ولی با کمال تأسف از ترجمه آن نیز بیش از پنج باب که جلد اول کتاب می باشد باقی نمانده است، این کتاب در سال 1313 شمسی با تصحیح و اهتمام آقای سید جلال الدین تهرانی، به طرز زیبایی چاپ شده است، نگارنده در کتابخانه مسجد اعظم قم از این کتاب استفاده نموده ام. (294)

اللهم اجعل لنا حظا وافرا من شفاعتها:

خدایا! بهره فراوانی از شفاعت حضرت معصومه علیها السلام را نصیب ما گردان.

آمین یا رب العالمین

## پی نوشت ها :

- 1 - از شاعر اهل بیت علیهم السلام آقای چایچیان، متخلص به حسان.
- 2 - سوره حج / آیه 32.
- 3 - به نقل از آیت الله العظمی شیخ لطف الله صافی گلپایگانی.
- 4 - کتاب برستیغ نور (شرح حال مرحوم آیت الله الظمعی سید شهاب الدین مرعشی نجفی) ص 70 و 71.
- 5 - همان مدرک، ص 131.
- 6 - یعنی سرزمین قم به خاطر شکوهی که دارد، موجب رشک و حسرت بهشت است (و بهشت از آن حسرت می برد) بلکه قم، جلودار و پیش قراول (اجازه دهنده ورود به بهشت) است. (یعنی پشتاز بهشت است، و بهشتیان باید از آن عبور کنند).
- 7 - دیوان امام خمینی ص 253 تا 257 که قصیده فوق شامل 44 شعر است.
- 8 - کلیات دیوان امام، به قطع وزیری مجلد، در 445 صفحه، توسط موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله) و منتشر شده است.
- 9 - صاحب کتاب شریف انوار المشعشعین محدث خبیر مرحوم محمد علی بن حسین بن علی بن بهاء الدین کاتوزیان، کچوئی قمی از علمای قرن چهاردهم است و کتاب نامبرده را در سال 1325 هجری قمری نگاشته است. وی داماد مرحوم حجت الاسلام آقای آ میرزا ابوالحسن فرزند مرحوم حجه الاسلام آقای حاج ملا صادق صاحب مدرسه معروف در قم (مدرسه حاج ملاصادق) بوده و این کتاب سه جلد است. جلد اول آن فقط طبع شده که درباره قم و تاریخ ورود حضرت معصومه علیها السلام و... می باشد جلد دوم آن درباره امام زادگان و جلد سوم آن درباره محدثین قم است که هنوز طبع نشده است. جلد اول با چاپ سنگی است که در سال 1327 قمری در 243 صفحه به طبع رسیده است.
- 10 - پسر یزدگرد از پادشاهان دلاور ایران باستان است که پس از پدر به جای او نشست و در زمان سلطنت خود فتوحات و پیروزی های او بر دشمن بسیار بوده است، وی در سال 184 قبل از هجرت دیده از جهان فرو بست.
- 11 - انوار المشعشعین، ج 1، ص 15.

- 12 - شهاب الدین ابو عبدالله، یاقوت بن عبدالله حموی صاحب کتاب مجمع البلدان از علمای برجسته و جغرافی دان های برآزنده اسلام در قرن 13 میلادی (وفات یافته 1229 میلادی) است.
- 13 - ساسانیان پادشاهانی بودند که پس از اشکانیان، یعنی در حدود 226 سال قبل از میلاد، زمام حکومت ایران را به دست گرفتند، پس از ظهور اسلام در قرن اول هجری توسط حمله مسلمانان شکست خوردند.
- 14 - اسکندر مقدونی، در سال 330 قبل از میلاد به ایران حمله کرد و بر ایران مسلط شد، در همان عصر سلسله هخامنشی پایان یافت وی در سال 323 قبل از میلاد درگذشت.
- 15 - هخامنشیان، سلسله پادشاهان ایران باستان هستند که در سال 558 قبل از میلاد سلطنت آنان توسط کوروش بزرگ شروع شد تا آنکه سال 330 قبل از میلاد توسط اسکندر مقدونی منقرض گردید.
- 16 - قم را بشناسید، ص 37.
- 17 - دومین شاه پیشدادی که اولی آنها کیومرث بوده است.
- 18 - حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی بزرگ ترین حماسه سرای تاریخ ایران و یکی از برجسته ترین شاعران جهان است، وی در حدود هشتاد سال عمر کرد و در سال 329 قمری در دهکده باژ طوس متولد شد و در سال 411 قمری دیده از جهان فروبست (ناگفته نماند: در تاریخ تولد و فوت او اختلاف است آنچه در اینجا نگاشتیم صحیح تر به نظر می رسد). (لغتنامه دهخدا).
- 19 - راهنمای قم، صفحه ب.
- 20 - ابوموسی اشعری (عبدالله بن قیس) از اصحاب رسول الله ﷺ است که در زمان آن حضرت به حکومت زبید و عدن و سواحل یمن منصوب گردید، در زمان عمر و عثمان حکومت بصره و کوفه و یمن را داشت. و در زمان علی عَلِيٍّ نیز مدتی زمامدار کوفه بود. (ریحانه الادب ج 1).
- 21 - خلفای عباسی که اولی آنها سفاح و آخری آنها المستعصم بالله بود از سال 132 هجری قمری تا سال 640 یعنی در حدود پانصد سال حکومت کردند.
- 22 - هارون الرشید از خلفای عباسی، از سال 170 هجری تا سال 193، یعنی در حدود 23 سال حکومت کرد.
- 23 - اقتباس از قم را بشناسید، ص 38 و 39.
- 24 - اقتباس از ترجمه تاریخ قدیم قم، ص 28.
- 25 - شیعه در اسلام، علامه طباطبایی، ص 25.

- 26 - ترجمه تاریخ قدیم قم، ص 13.
- 27 - تیمور لنگ اولین پادشاه تیموریان، مردی بی رحم و سفاک بود، با تاخت و تاز و بی باکی عجیبی در سن چهل سالگی بر خراسان تاخت. رفته رفته سراسر ایران را تحت سلطه خود آورد سرانجام در سال 807 قمری، در سن هفتاد سالگی درگذشت، مقبره وی گورامیری در شهر سمرقند معروف است.
- 28 - اقتباس از نقشه قم، نشریه شهرداری، ستون اول.
- 29 - قم را بشناسید، ص 36.
- 30 - انوار المشعشعین، ج 1، ص 97.
- 31 - انوار المشعشعین، ج 1، ص 97، قریب روایت دیگری در سفینه البحار ج 2: ص 455 و بحارالانوار، ج 60، ص 207 آمده است.
- 32 - سفینه البحار (قمم)؛ بحار ج 60، ص 213.
- 33 - بحار، ج 60، ص 216.
- 34 - معجم البلدان، ج 4، ص 397، حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی (رحمه الله) فرمودند به نظر من اصح وجوه همین است که قم معرب کم است و الان هم در کنار کوچه رهبر قم، نهری به نام نهر کمندان معروف است.
- 35 - این نام ها از لابلای اخباری است که در فضیلت قم امامان معصوم علیهم السلام رواد شده حضرت آیه الله العظمی نجفی مرعشی (رحمه الله) می فرمود: یکی از اسم های معروف قم جنه البلاد بوده است، و نیز اسم دیگر آن که کنون نیز معروف است در بهشت می باشد و چون مجاور حضرت علی بن جعفر علیه السلام دروازه مهم شهر بوده به همین مناسبت آنجا معروف به در بهشت شده است و گرنه یکی از نام های خود قم در بهشت (باب الجنه) است. شرح بیشتر در مورد علت نام گذاری به قم را در کتاب گنجینه آثار قم، ج 1، از صفحه 77 تا 88 بخوانید.
- 36 - قسمتی از این روایات در بحار، ج 6، از صفحه 211 تا 231 آمده است.
- 37 - بحار، ج 60، ص 216.
- 38 - بحار ج 60، ص 228، مجالس المومنین، ج 1، ص 83.
- 39 - مطابق بعضی از روایات آمده: یک در بهشت از قم گشوده شود (بحار، ج 60، ص 215)
- 40 - انوار المشعشعین، ج 1، ص 112.
- 41 - ... قم عش آل محمد و مأوای شیعتهم (بحار، ج 6، ص 214).

42 - انوار المشعشعین، ص 114، از آنجایی که اهل قم ارادت خاصی به ائمه هدی علیهم السلام داشتند، فرزندان و نوادگان آنها را با عزت و احترام پذیرفتند، آنها با کمال آزادی بدون تقیه در قم زندگی می کردند و تا آخر عمر در قم می ماندند و کثرت بارگاه امامزادگان حاکی از همین مطلب است، این است که شاعر می گوید:

هستند چهارصد و چهل و چهار از شرف  
مدفون به امر حق همه چون در دراین  
صدف

اولاد مرتضی علی آن شاه لو کشف  
فرقی مدان میان قم و کعبه و نجف

جان می دهند اهل خرد در نثار قم.

43 - بحار، ج 60 ص 218.

44 - بحار، ج 60، ص 214 و 215.

45 - اختصاصی شیخ مفید، ص 101.

46 - تاریخ جدید قم، ص 7 مجالس المومنین، ج 1، ص 35.

47 - سفینه البحار (قمم) - ناگفته نماند همان گونه که از برخی از این روایات استفاده می شود این فضایل و کرامت ها برای اهل قم، مخصوص افرادی است که واقعا شیعه و ارادتمند اهل بیت علیهم السلام هستند، همان گونه که در زمان اما رضا علیه السلام اهل قم آن گونه اخلاص را به این خاندان داشتند، و منظور از اهل قم شامل ساکنان قم نیز خواهد شد.

48 - بحار، ج 60، ص 213 - منظور از حجت یعنی دلیل، به عبارت ساده تر خداوند مردم این شهر را محاکمه می کند و به مردم اقامه حجت می کند که اگر از شهر خود گله دارید این شهر قم است، چرا چنین نیک است و اگر از مردم اعتراض دارید این مردم قم اند که چگونه در راه حق رفتند و موفق بودند، شما هم می توانستید مانند اینها باشید.

49 - قاضی نور الله از علمای برجسته شیعه، و هم عصر شیخ بهایی (قرن 11 هجری قمری) بوده است، وی به جرم انتساب به تشیع، در هند شهید شد، مرقد مطهرش در اکبر آباد هند مزار شیعیان است.

50 - جلد 1، ص 34.

51 - اهل تسنن به شیعیان رافضی می گویند، به این بیان که شیعیان ترک کردند گفتار زید بن علی را که گفته بود بدگویی از ابابکر و عمر و عثمان نکنید (مجمع البحرین: واژه رفض).

52 - معجم البلدان، ج 4، ص 397؛ مجالس المومنین، ج 1 ص 35، در معجم البلدان ج 4،

ص 397 می نویسد: صاحب بن عباد با این شعر قاضی قم را عزل کرد

ایها القاضی بقم قد عزلناک فقم

ای قاضی ساکن قم، تو را عزل کردم، پس برخیز و از اینجا برو

53 - مجالس المومنین، ج 1، ص 35.

54 - سفینه البحار، (قمم).

55 - شرح کوتاه این برجستگان، بعدا در زیر عنوان حوزه علمیه قم، خاطر نشان می شود.

56 - اصول کافی، ج 1، ص 488 و 489، عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 149.

57 - فرحه الغری، ص 105، سفینه البحار، ج 2، ص 447، قابل ذکر است که علامه حلی

(متوفی 726) در رساله دلایل البرهانیه همین مطلب را بدون انتقاد، نقل کرده است (الغارات، چاپ

انتشارات انجمن ملی، جلد 2، ص 857 و 858.

58 - تاریخ مذهبی قم، ص 77 و 78.

59 - این روایت در کتاب مختصر البلدان، ص 264 آمده است.

60 - تاریخ قدیم قم، ص 91، مطابق نقل تاریخ مذهبی قم، ص 75.

61 - تاریخ مذهبی قم، ص 74.

62 - اقتباس از عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 263؛ سفینه البحار، ج 2، ص 447.

63 - سفینه البحار، ج 4، ص 447، بحار، ج 60، ص 231، به نقل از عیون اخبار الرضا.

64 - اقتباس از گنجینه آثار قم، ج 1، ص 154 تا 158.

65 - اقتباس از گنجینه آثار قم، ج 1، ص 159 - 161.

66 - تاریخ مذهبی قم، ص 81

67 - همان مدرک، ص 142.

68 - مختار الخرائج، ص 273.

69 - مناقب آل ابیطالب، ج 4، ص 413.

70 - مناقب آل ابیطالب، ج 4، ص 425.

71 - کمال الدین شیخ صدوق، ج 1، ص 150 - 152.

72 - اقتباس از کشف العمه، ج 2، باب 25، ص 502.

73 - این کتاب در سال 378 هجری قمری، به زبان عربی نوشته شده، و سپس در اوایل قرن

نهم هجری به فارسی ترجمه شده است، متأسفانه متن عربی آن در دست نیست، و از ترجمه آن

بیش از یک چهارم برجا نمانده است.

- 74 - فتوح البلدان بلاذری، ص 384 و 385. تاریخ قدیم قم، ص 25 و 6 و معجم البلدان، ج 4، ص 397.
- 75 - کامل ابن اثیر، ج 4، ص 435، تاریخ طبری، حلقه دوم، ص 992. تاریخ مذهبی قم، ص 40.
- 76 - تاریخ قدیم قم، ص 38.
- 77 - تاریخ قدم قم، ص 38.
- 78 - اخبار الطول دینوری، ص 307.
- 79 - اقتباس از تاریخ قدیم قم، ص 378.
- 80 - تاریخ قدیم قم، ص 278. معجم البلدان، واژه قم.
- 81 - گنجینه دانشمندان، ج 1، ص 36.
- 82 - بحار، ج 60، ص 213.
- 83 - اقتباس از گنجینه آثار قم، ص 89 - نگارنده گوید: طبق روایات معروف، قاتل متوکل پسرش به نام منتصر بود. (تتمه المنتهی، ص 238).
- 84 - عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 149.
- 85 - فرحة الغری، ص 105 - از این عبارت روشن می شود که مدرسه فوق در قرن هفتم، یکی از مدارس حوزه علمیه قم بوده است، بنابراین در قرن هفتم، حوزه علمیه قم رونقی داشته است، ضمناً ناگفته نماند که این مدرسه هم اکنون به نام مدرسه رضویه در خیابان آذر قم قرار دارد.
- 86 - بحار، ج 60، ص 213.
- 87 - بهجه الامال، ج 4، ص 197؛ قاموس الرجال، ج 4، ص 178؛ معجم رجال الحدیث، ج 273.
- 88 - بحار، ج 49، ص 278؛ رجال کشی، ص 496.
- 89 - بهجه الامال، ج 4، ص 201؛ بحار، ج 49، ص 278.
- 90 - همان مدرک ج 1، ص 480.
- 91 - بهجه الامال، ج 2، ص 119 - 200.
- 92 - الاختصاص شیخ مفید، ص 69؛ بحار، ج 47، ص 336.
- 93 - جامع الرواه، ج 1، ص 642؛ قاموس الرجال، ج 7، ص 232.
- 94 - امالی المفید، ص 76؛ بحار، ج 47، ص 349.
- 95 - الاختصاص شیخ مفید، ص 195.



- 96 - بعضی تعداد کتاب های او را 94 جلد دانسته اند و گویند او در سال 207 هجری قمری وفات نموده است (تفسیر علی بن ابراهیم، ج 1، ص 10 تا 14، مقدمه).
- 97 - معجم رجال احادیث الشیعه، ج 1، ص 191 و 177 - قاموس الرجال، ج 1، ص 225.
- 98 - بهجه الامال، ج 5، ص 354.
- 99 - اعیان الشیعه، ج 10، ص 327.
- 100 - قاموس الرجال، ج 1، ص 262؛ اعیان الشیعه، ج 2، ص 478؛ فهرست شیخ، ص 26.
- 101 - اعیان الشیعه، ط جدید، ج 7، ص 225؛ قاموس الرجال، ج 4، ص 335.
- 102 - بهجه الامال، ج 6، ص 562.
- 103 - تنقیح المقال، ج 2، ص 18.
- 104 - نساء - 114.
- 105 - معادن الحکمه، ج 2، ص 264؛ مناقب آل ابیطالب، ج 4، ص 425 و 426 (با اندکی تفاوت).
- 106 - اعیان الشیعه، ط جدید، ج 4، ص 154 و 155؛ بحار، ج 1، ص 84 - 88.
- 107 - اقتباس از فوائد الرضویه، ص 562.
- 108 - اقتباس از بحار، ج 51، ص 236؛ 306 و 307.
- 109 - تاریخ قدیم قم، فهرست باب 16.
- 110 - بخشی از شرح حال آنها در کتاب طبقات اعلام الشیعه فی القرن الرابع ذکر شده است.
- 111 - کتاب النقض، ص 164. این کتاب رد بر کتاب فضائح الروافض تألیف محمد بن محمود سلجوقی است، مرحوم عبدالجلیل بن ابی الفتح، مسعود بن عیسی ابوسعید متکلم الرازی، این کتاب را در حدود سال های 559 و 566 هجری تألیف نموده است (الذریعه علامه حاج آقا بزرگ تهرانی، ج 24، ص 284).
- 112 - تاریخ مذهبی قم، تألیف علی اصغر فقیهی، ص 167.
- 113 - محمد بن محمد مفید القمی، معروف به قاضی سعید، از فحول علما و عرفا و فلاسفه در اواخر قرن یازده و اوائل قرن دوازده هجری قمری، و از شاگردان برجسته فیض کاشانی بود، مدتی به عنوان قاضی شهر قم، بر مسند قضاوت نشست، دارای تألیفات بسیار در علوم مختلف اسلامی است، فرزندش مولا صدرالدین نیز از شخصیت های علمی و بزرگ به شمار می آمد (اقتباس از فوائد الرضویه، ص 627 و 628).
- 114 - تاریخ مذهبی قم، ص 131.

- 115 - الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج 7، ص 153.
- 116 - مرجع عالیقدر، آیت الله العظمی ابوالقاسم، معروف به میرزای قمی فرزند محمد حسن گیلانی، در چاپلق بروجرد متولد شد، برای ادامه تحصیل به نجف اشرف رفت و سپس به قم آمد و مرجع تقلید مردم بود و سرانجام در سال 1231 هجری قمری در قم، رحلت کرد. مرقد مطهرش در مزار شیخان قم، زیارتگاه و محل توسل بسیاری از علما و مردم حاجتمند است.
- 117 - اقتباس از گنجینه آثار قم، ج 1، ص 328 تا 337.
- 118 - روزنامه رسالت، 14 آذر، 1374، ص 3.
- 119 - برابر با 1236 شمسی، ولی فرزند بزرگوارش مرحوم آیت الله شیخ مرتضی حائری می نویسد: چنین به نظر می رسد که ایشان حدود سال 1280 قمری به دنیا آمده است (سر دلبران، ص 48).
- 120 - اقتباس از گنجینه آثار قم، ج 1، ص 324؛ شرح بیشتر زندگی آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری و سیر حوزه در آن عصر را در کتاب خورشید حوزه های علمیه قم نوشته نگارنده بخوانید.
- 121 - برای اطلاع کافی به پیشرفت های مختلف دینی، حوزوی، اجتماعی و سیاسی، در عصر مرجعیت آیت الله العظمی بروجردی، به کتاب زندگانی آیت الله بروجردی نوشته استاد: علی دوانی، مراجعه شود.
- 122 - گفتار مقام معظم رهبری در روز 13 آذر 1374 در صحن بزرگ حرم حضرت معصومه علیها السلام قم.
- 123 - بحار، ج 60، ص 213.
- 124 - همان مدرک.
- 125 - بحار، ج 60، ص 213.
- 126 - اقتباس از مجله حوزه، شماره 6 و شماره 49، ص 62.
- 127 - گفتار مقام معظم رهبری در روز 13 آذر 1374 در صحن بزرگ بارگاه حضرت معصومه علیها السلام.
- 128 - دیوان امام، ص 29 و 30 (مقدمه)
- 129 - همان مدرک، ص 267.
- 130 - دیوان امام، ص 26.

- 131 - برای توضیح بیشتر به کتاب هایی که در مورد فهرست کتب این کتابخانه ها، تدوین شده مراجعه کنید.
- 132 - فوائد الرضویه، ص 562.
- 133 - منسوب به برقه رود یا بیرقون، که در پنج فرسخی قم قرار دارد.
- 134 - فوائد الرضویه، ص 29.
- 135 - سفینه البحار، ج 1، ص 296.
- 136 - اصول کافی، ج 1، ص 163.
- 137 - تحریر الوسیله، ج 1، ص 234.
- 138 - تاریخ مذهبی قم، ص 118.
- 139 - کامل ابن اثیر، ج 6، ص 122 و 135.
- 140 - نماز مظلوم چندین نوع است، یک نوع آن چنین است که، دو رکعت به نیت نماز مظلوم بخوان و پس از نماز بگو: اللهم انی مظلوم فانتصر؛ خدایا من ستمدیده ام، پس انتقام مرا از او بگیر. امام صادق علیه السلام فرمود: پس از این نماز و دعا، خداوند یاریش را به نماز گزار می رساند. (مکارم الاخلاق، ج 2، ص 36).
- 141 - مکیال المکارم، تألیف میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی، ج 2، ص 85.
- 142 - مهج الدعوات، ص 68 و 69.
- 143 - قبلا در پاورقی از او سخن به میان آوردیم.
- 144 - هود آیه 113.
- 145 - گنجینه دانشمندان، ج 1، ص 121 و 122.
- 146 - اقتباس از قصص العلماء، ص 10 و 11.
- 147 - همان، ص 101.
- 148 - اقتباس از مجموعه سمینا بررسی مسائل حوزه، ص 138 تا 140.
- 149 - تاریخ 20 ساله ایران، ج 4، ص 28، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج 1، ص 68 - 69 (به طور اقتباس).
- 150 - شرح بیشتر برخوردهای رضا خان با آیت الله حائری را در کتاب خورشید حوزه های علمیه آیت الله حائری نوشته نگارنده بخوانید.
- 151 - پنجاهی از رفتار علمای اسلام، ص 21 و 22.
- 152 - همان، ص 22.

- 153 - اقتباس از زندگی زعیم بزرگ عالم شیعه، آیت الله بروجردی، ص 410 و 411.
- 154 - صحیفه نور، ج 13، ص 219.
- 155 - از آنجا که مطابق نقل سبط بن جوزی در تذکره، حضرت امام کاظم علیه السلام دارای چهار فرزند دختر به نام های: فاطمه کبری، فاطمه وسطی، فاطمه صغری و فاطمه اخری بود. (بحار، ج 48، ص 317) در اینکه حضرت معصومه علیه السلام کدامیک از اینها بوده، بعضی تردید نموده اند، ولی از قرائن عظمت مقام معصومه علیه السلام نسبت و دیگران استفاده می شود، که او همان فاطمه کبری علیه السلام بوده است.
- 156 - منتهی الامال، ج 2، ص 121، 149.
- 157 - دلائل الامامه طبری شیعی، چاپ منشورات رضی، ص 149.
- 158 - دلائل الامامه طبری شیعی، چاپ منشورات رضی، ص 149.
- 159 - مستدرک سفینه البحار، ج 8، ص 275.
- 160 - انجم فروزان، ص 58 - گنجینه آثار قم، ج 1 ص 386 - آقای فیض در کتاب گنجینه مدعی است که حجه الاسلام آقای شیخ جواد مجتهد، در سفر حج، در کتابخانه مدینه طیبه، دو کتاب مذکور (الواقح و نزهه) را با زحمت یافته، و این مطلب را از آن دو کتاب دیده است (گنجینه آثار قم، ج 1، ص 386).
- 161 - زندگانی حضرت موسی بن جعفر، عماد زاده، ج 2، ص 375.
- 162 - تاریخ قدیم قم، تألیف حسن بن محمد بن حسن قمی، ص 213، بحار الانوار، ج 48، ص 290، اعیان الشیعه، ج 8، ص 391، ریاحین الشریعه، ج 5، ص 32، انوار المشعسعین ج 1، ص 208، منتهی الامال، ج 2، ص 242، مراقد المعارف، ج 2، ص 163، دایره المعارف شیعه (سید حسن امین)، ج 3، ص 231، گنجینه دانشمندان، ج 1، ص 14.
- 163 - وسیله المعصومین، میر ابوطالب واعظ تبریزی، ص 65، لواقح الانوار، طبف انجم فروزان، ص 58، زندگانی حضرت معصومه علیه السلام، تألیف مهدی منصوری، (متوفی 1146 هجری قمری) ص 37، کریمه اهل بیت، ص 105.
- 164 - مستدرک سفینه البحار، علامه شیخ علی نمازی، ج 8، ص 257.
- 165 - رساله العربیه العلویه و اللغه المرویه، تألیف شیخ حر عاملی طبق نقل کتاب حیاة الست مهدی منصوری، ص 11.
- 166 - وسایل الشیعه، ج 14، ص 3.
- 167 - همان مدرک، ص 7 و 8.

- 168 - همان مدرک، ص 117 و 118.
- 169 - اصول کافی، ج 1، ص 317.
- 170 - اصول کافی، ج 1، ص 261.
- 171 - سفینه البحار، ج 2، ص 376 (فطم)، بحار ج 60، ص 219.
- 172 - سنی در لغت به نام خانم و بانو است، این مدرسه را از این رو که به بانوی جلیل القدر حضرت معصومه علیها السلام منسوب است ستیه می گویند، اما اینکه در افواه برخی از عوام افتاده که در آنجا تنور حضرت بوده، اصلی ندارد و به هیچ وجه درست نیست، و گفتن بیت النور (خانه نور) به خاطر مقدس بودن آن مکان بسیار شایسته است، گویا بعضی بر اثر ناآگاهی، به جای بیت النور بیت التنور گفته اند.
- 173 - همان مدرک، با توجه به سالروز وفات حضرت معصومه علیها السلام (دهم یا دوازدهم ربیع الثانی سال 201) که قبلا ذکر شد، و 16 روز در قم زیست، نتیجه می گیریم که ورود حضرت معصومه علیها السلام به قم تقریبا در روز 23 ربیع الاول سال 201 بوده است.
- 174 - ریاض الانساب، ص 160، مطابق نقل کتاب حیاة الست، تألیف مرحوم منصورى (متوفای سال 1406) ص 50.
- 175 - الحیاة السیاسیة للامام رضا تألیف جعفر مرتضی عاملی، ص 428 قیام سادات علوی ص 161 و 168.
- 176 - وسیله المعصومین، تألیف میرزا ابوطالب بیوک، ص 68.
- 177 - این اشعار در آغاز کتاب ذکر شد.
- 178 - منهاج الدموع، ص 440.
- 179 - بحار، ج 60، ص 219 - بعضی احتمال داده اند که آن دو نقاب دار حضرت رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام بوده اند.
- 180 - همان مدرک، ص 229 و 220.
- 181 - منتهی الامال، ج 2، ص 162. و در کتاب تاریخ قدیم قم، صفحه 218 آمده: ام اسحاق و ام حبیب، در بقعه چسبیده به مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام دفن شده اند. محدث قمی در جای دیگر گوید: از تاریخ قم، استفاده می شود که: زینب و ام محمد و میمونه، دختران امام جواد بوده اند. (منتهی الامال، ج 2، ص 235).
- 182 - علاوه بر اینها، نه امام زاده دیگر، در کنار مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام دفن شده اند که ذکر آنها در بخش آخر خواهد آمد.

- 183 - اقامه البرهان در اصول دین، تألیف میرزا موسی فرهانی، ص 479 (این کتاب سال 1302 هجری قمری تألیف یافته است.)
- 184 - الفقیه، ج 1، ص 121 - بحار، ج 22، ص 550.
- 185 - تحف العقول (ترجمه شده)، ص 183.
- 186 - بحار، ج 48، ص 317، و ج 102، ص 266.
- 187 - ناسخ التواریخ، ج 3، ص 68، ریاحین الشریعه، ج 5، ص 35.
- 188 - بحار، ج 102، ص 266.
- 189 - منهاج الدموع، ص 441.
- 190 - بحار، ج 60، ص 117.
- 191 - بحار، ج 60، ص 228.
- 192 - این مطالب از جمله در بحار، ج 43، ص 86 و 88 نقل شده است.
- 193 - اقتباس از کتاب کریمه اهل بیت، تألیف علی اکبر مهدی پور، ص 63 و 64.
- 194 - انوار المشعشعین، ج 1، ص 211.
- 195 - الغدیر، ج 1، ص 197.
- 196 - بحار، ج 68، ص 76 و 77.
- 197 - الامالی، ص 82، مطابق نقل کتاب فاطمه بنت الامام الکاظم، تألیف دکتر محمد هادی امینی، ص 61.
- 198 - به نقل از دریای سخن، تألیف سقازاده.
- 199 - اللؤلؤ الثمین، ص 217 مطابق نقل کتاب گنجینه دانشمندان (تألیف شیخ محمد رازی) ج 1، ص 16 و 17 و آثار الحجج ج 1، ص 8.
- 200 - اقتباس از کتاب ارزشمند کریمه اهل بیت علیها السلام، ص 43 تا 45 - ماجرای فوق را مرحوم آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی به طور مکرر برای افراد مختلف نقل کرده است. یکی از شاگردان آیه الله نجفی می گفت: ایشان در درس خود می فرمود: علت آمدن من به قم، همین مطلب بود، پدرم، چهل شب در حرم حضرت علی علیه السلام بیتوته نمود، شبی علی علیه السلام (در حال مکاشفه) به پدر فرمود: سید محمود چه می خواهی؟ پدرم عرض می کند: قبر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام کجا است تا زیارت کنم، حضرت علی می فرماید: من که نمی توانم بر خلاف وصیت آن حضرت، قبر او را معلوم کنم. پدرم عرض کرد: پس من در هنگام زیارت او چه کنم؟ حضرت علی علیه السلام فرمود: خداوند مقام شکوه حضرت فاطمه علیها السلام را (در این مورد) به حضرت معصومه

عَلَيْهَا داده است. هر کس می خواهد زیارت حضرت فاطمه عَلَیْهَا را درک کند، به زیارت حضرت فاطمه معصومه عَلَیْهَا برود.

201 - بحار، ج 102، ص 266.

202 - همان مدرک.

203 - این کتاب در سال 1325 هجری قمری، تألیف شده.

204 - انوارالمشعشعین، ج 1، ص 211.

205 - مرقد شریف این عالم ربانی در قبرستان شیخان قم، همواره موجب کرامت ها بوده است.

206 - بحار، ج 48، ص 317.

207 - در بعضی از روایات به جای تعدل، تعادل آمده (بحار، ج 60، ص 219).

208 - عیون اخبار الرضا ج 2، ص 267.

209 - بحار ج 48، ص 317.

210 - ناسخ التواریخ، ج 3، ص 67؛ ریاحین الشریعه، ج 5، ص 35.

211 - انوار المشعشعین، ج 1، ص 212.

212 - زبده التصانیف، ج 6، ص 159.

213 - عیون الخبار الرضا، ج 2، ص 262.

214 - همان مدرک، ص 260.

215 - اصول کافی، ج 2، ص 74.

216 - همان مدرک، ص 75.

217 - سوره آل عمران، آیه 49.

218 - ولاءها و ولایت ها، استاد شهید مرتضی مطهری، ص 73 و 82.

219 - با توجه به اینکه در آن عصر برق شهر کم بود، و تنها برقی که موتور مستقل داشت و نور نور آن از دور پیدا بود تا برق آستانه مقدسه بود.

220 - اقتباس از ماهنامه کوثر، نشر آستانه مقدسه قم.

221 - انوار المشعشعین، ج 1، ص 212.

222 - انوار المشعشعین، ج 1 ص 216.

223 - همان مدرک.

- 224 - سابقا در قم نقاره خانه بود که هم اکنون در مشهد هست، طبق معمول آن زمان هرگاه کرامتی از حضرت معصومه علیها السلام دیده می شد، نقاره خانه را به صدرا در می آوردند تا مردم را از حادثه مهم، خبر دهند و هم اکنون در حال حاضر نیز، این سنت تجدید شده است.
- 225 - نظیر این مطلب ا مرحوم آیه الله محقق داماد (رحمه الله) نقل شده است (زندگانی حضرت معصومه علیها السلام ، ص 45)
- 226 - منتخب التواریخ، ص 495 - 496.
- 227 - فواید الرضویه، ص 379.
- 228 - گنجینه دانشمندان، ج 1، ص 39.
- 229 - بر ستیغ نور (شرح حال آیه الله نجفی مرعشی)، ص 77.
- 230 - همان مدرک، ص 79.
- 231 - واحد تبلیغات آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام ، سال 1373 شمسی.
- 232 - واحد تبلیغات آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ، سال 1373 شمسی.
- 233 - واحد تبلیغات آستانه مقدسه قم، سال 1375 شمسی.
- 234 - واحد تبلیغات آستانه مقدسه قم، سال 1373 شمسی.
- 235 - ضبط صوتی و تصویری این مصاحبه با آیه الله العظمی مکارم شیرازی، در واحد فرهنگی آستانه مقدسه قم موجود است.
- 236 - حضرت آیه الله العظمی شیخ محمد علی اراکی (رحمه الله) در سن 103 سالگی در 25 جمادی الثانی 1413 قمری (1373 شمسی) رحلت کرد، مرقد شریفش رحلت کرد، مرقد شریفش در مسجد بالا سر حرم حضرت معصومه علیها السلام قرار گرفته است.
- 237 - واحد تبلیغات آستانه مقدسه قم، سال 1373 شمسی.
- 238 - همان مدرک.
- 239 - اقتباس از چهره درخشان قمر بنی هاشم ابوالفضل العباس علیه السلام ، ج 3 ص 374.
- 240 - خاندان صفوی از سال 905 تا سال 1135 قمری یعنی 230 سال در ایران سلطنت کردند، پادشاهان این خاندان به این ترتیب هستند: شاه اسماعیل اول، شاه طهماسب اول، شاه اسماعیل دوم، شاه عباس اول، شاه صفی، شاه عباس دوم، شاه سلیمان، شاه سلطان حسین، شاه طهماسب دوم، شاه اسماعیل سوم، شاه عباس سوم (دایره المعارف فرهنگ هنر، ص 778).
- 241 - خاندان قاجاریه از سال 1200 تا سال 1339 هجری قمری در ایران سلطنت کردند، پادشاهان این خاندان به این ترتیب بودند: آقا محمد خان، فتح علی شاه، محمد شاه، ناصر الدین



شاه، مظفر الدین شاه، محمد علی شاه و احمد شاه. (دایره المعارف فرهنگ و دانش و هنر، ص 778).

242 - گنجینه آثار قم، ج 1، راهنمای قم، ص 32 - 40.

243 - شرح مفصل این امور را در کتاب راهنمای قم و گنجینه آثار قم، ج 1، بخوانیم.

244 - مطابق با این بیت، تعداد بانوان منسوب به امامان علیهم السلام که در کنار مرقد معصومه علیها السلام

دفن شده اند هفت نفر می باشند.

245 - پیامبر فرمود: کسی که زبان خود را از آبروی مردم نگهدارد (آبروی مردم را نبرد)

خداوند در روز قیامت لغزش های او را پس می گیرد. (نا دیده می گیرد)

246 - کسی که بین مادر و فرزندش جدایی بیندازد، خداوند بین او و بهشت جدایی می

اندازد.

247 - زنا موجب فقر و تهی دستی می شود.

248 - خداوند متعال یار بنده خود است تا وقتی که بنده، یار برادر خود می باشد.

249 - توضیح بیشتر را در کتاب حضرت معصومه (علیها السلام) چشمه جوشان کوثر، نوشته

نگارنده بخوانید.

250 - اقتباس انشریه پیام آستانه، مورخه 23 آذر 1379 ش: ص 4.

251 - بحار، ج 100، ص 121.

252 - هفته نامه پیام آستانه، شماره 25، تاریخ 1380/12/8 ش، ص 1 و 4.

253 - بحار، ج 60، ص 216.

254 - بحار، ج 60 ص 214.

255 - بحار، ج 60، ص 216.

256 - همان مدرک؛ تاریخ قدیم قم، ص 100.

257 - بحار، ج 60، ص 212 و 213 - این حدیث به روشنی رابطه مردم قم و ظهور امام

زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بیان می کند، و به پایگاه شدن قم برای حکومت امام قائم

(عج)، اشاره می نماید.

258 - بحار، ج 60، ص 218؛ تاریخ قدیم قم، ص 93.

259 - بحار، ج 60، ص 217؛ تاریخ قدیم قم، ص 90.

260 - تفسیر برهان، ج 2، ص 406.

261 - بحار، ج 60، ص 216.

262 - بحار، ج 60، ص 228؛ مجالس المومنین ج 1، ص 83.

263 - سفینه البحار، ج 2، ص 447.

264 - چنان که بعد از ذکر ماجرای مسجد جمکران، خاطر نشان می شود، حضرت علی علیه السلام به پایگاه شدن قم برای حکومت حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هنگام خروج، تصریح کرده است.

265 - طبق نظریه صاحب مستدرک، آیه الله حاجی نوری، سال 373 هجری قمری صحیح است، نه سال 293 (نجم الثاقب، ص 215 - جنه المأوی، ص 47). و علت آن را چنین بیان می کند: زیرا شیخ صدوق قبل از سال 90 (یعنی سال 381) از دنیا رفته است. گویا حاجی نوری اشتباه فرموده، زیرا شیخ صدوق قبل از نود سال قرن چهارم از دنیا رفته، نه قبل از 90 قرن سوم، تا این اشکال وارد شود، پس بنای نخستین مسجد جمکران در همان سال 293 بوده است (اقتباس از روح مجرد، ص 292).

266 - ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق در سال 381 هجری قمری در هفتاد و چند سالگی وفات یافت، مرقدش در ابن بابویه شهر ری می باشد، او حدود سیصد جلد کتاب در فقه و حدیث و رجال و کلام و... تألیف نمود. شرح حال این بزرگوار در کتاب بحار ج 1، از صفحه 35 تا 42 آمده است.

267 - ظاهراً راز اینکه: مراسم جمکران در شب های چهارشنبه، واقع می شود، همین مطلب است که به چهارشنبه، خصوصیتی داده است.

268 - مرقد ایشان در بقعه ای واقع در کوچه ای است که عمود بر کوچه عریض چهل اختران، در خیابان آذر، جنب میدان کهنه است و محل زیارت شیعیان می باشد (گنجینه آثار قم 2، ص 366).

269 - بحار، ج 53 ص 230 تا 233 - به نقل از تاریخ قم تألیف حسن بن محمد بن حسن قمی، که او از کتاب مونس الحزین شیخ صدوق، نقل کرده است. آیه حاجی نوری، کتاب تاریخ قم را کتاب معتبر می داند (بحار، ج 53، ص 233) و ماجرای جمکران (که در بالا ذکر شد) از منابع زیر نقل شده است: نجم الثاقب، ص 212 - 215؛ جنه المأوی ص 42 تا 46؛ جمال الاسبوع ص 280؛ بحار ج 53، ص 230، مستدرک الوسائل ج 3، ص 337، تاریخ قم ناصر الشریعه، ص 60؛ الذریعه، ج 23، ص 282.

270 - منظور، پایگاه امام در مراحل بعد است، و گرنه بدون تردید، نخستین پایگاه قیام آن حضرت در مکه، کنار خانه خدا است.

- 271 - انوار المشعشین، ج 2، ص 190 - 194.
- 272 - 17 رمضان سال 293 آغاز تأسیس مسجد جمکران، در عصر غیبت صغری، در عصر نایت اول خاص امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عثمان بن سعید رخ داد.
- 273 - از جمله از نام هایی که قبلاً معوف بوده، ولی اکنون از آن سخنی به میان نمی آید نام قدمگاه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که در مورد مسجد جمکران می گفتند.
- 274 - بر ستیغ نور (شرح حال آیه الله مرعشی نجفی ص 94 و 95) - شرح مبسوط درباره مسجد جمکران و فضایل و کرامات آن را در کتاب سیمای صاحب الزمان (عج) نوشته مهدی حائری بخوانید.
- 275 - مرحوم حضرت آیت الله ستوده اراکی چند سال در این مسجد نماز جماعت خواند.
- 276 - منظور از نگارنده در اینجا، آیه الله صافی (مدضله) است.
- 277 - کتاب پاسخ به ده پرسش، تألیف آیه الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی، ص 31 تا 4 این ماجرا در کتاب ارزشمند الامام المهدی من المهد الی الظهور تألیف علمه مرحوم سید محمد کاظم قزوینی، صفحه 323 نیز آمده است.
- 278 - ظاهر این است که بگویند: لا اله الا الله وحده وحده.
- 279 - بحار، ج 53، ص 231.
- 280 - باب الرضوان (مخلوط)، ص 204.
- 281 - گنجینه آثار قم، ج 1، ص 396، شرح حال اینها در همین کتاب آمده است.
- 282 - خواهران موسی مبرقع به نام های: زینب و امیرالمؤمنین محمد و میمونه و سپس دخترش بریهیه پس از او به قم آمده و قبر آنها در جنب مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام است.
- 283 - موسی شمایل زیا و صورتی نورانی داشت و به روی خود نقاب می افکند، از این رو او را موسی مبرقع خواندند.
- 284 - در نزدیک چهل اختران، اواخر خیابان آذر مزاری به نام سید سربخش هست، وی به اسماعیل بن محمد بن جعفر الصادق معروف می باشد.
- 285 - یگانه کسی که فرموده قبر حضرت علی بن جعفر در قم است مرحوم علامه بزرگوار ملامحمد تقی (مجلسی اول) در شرح خود بر مشیخه من لا یحضره الفقیه می باشد.
- 286 - بنای قبه امام زاده ابراهیم با سعی حضرت آیه الله العظمی نجفی به نفقه و خرج مرحوم حاج حسینعلی گری آشتیانی ساخته شده است نشب آن بزرگوار را حضرت آیه الله معظم، تا حضرت کاظم علیه السلام بر سر در مقبره اش نوشته اند.

- 287 - گنجینه آثار قم، ج 2، ص 262.
- 288 - همان مدرک، ص 281، 282 و 288.
- 289 - گنجینه آثار قم، ج 2، ص 684 - 686.
- 290 - باب الرضوان فی مناسب سلطان خراسان، ص 222 (مخلوط)؛ بحار، ج 102، ص 272.
- 291 - مدرسه مادر ناصرالدین شاه به نام مهدعلیا مدرسه کوچکی از بناهای مادر ناصرالدین شاه، جنب بقعه مادر شاه بوده است که فعلا قسمتی از آن دست خدام و قمست دیگرش خراب شده و جزو مسجد اعظم گریده است و دیگر صورت مدرسه را ندارد. و قسمتی از آن هم اکنون به صورت دفتر تشرفات حرم مطهر است.
- 292 - شرح درکتاب تاریخ مذهبی قم، از صحنه 6 تا 159 - و راهنمای قم.
- 293 - گنجینه دانشمندان، ج 1، ص 17.
- 294 - شرح بیشتر درباره این کتاب را، در کتاب الذریعه فی تصانیف الشیعه، ج 4 و بحار، ج 53، ص 233 و 234، بخوانید.

## فهرست مطالب

2	پرتوی از تالوؤ زهرا <small>علیها السلام</small> .....
3	پیش سخن .....
3	در پناه بارگاه ملکوتی حضرت معصومه <small>علیها السلام</small> .....
4	احترام به مقدسات مذهبی .....
6	کتاب حاضر و وجه نام گذاری آن .....
8	(مدیحه نورین نیرین، فاطمه زهرا و فاطمه معصومه <small>علیها السلام</small> ) .....
10	فصل اول .....
10	پیشینه تاریخی قم، برخاستگان آن و حوزه علمیه .....
10	قم قبل از اسلام .....
11	قم پس از اسلام .....
11	قم در عصر خلافت عباسیان .....
12	مهاجرت شیعیان کوفه به قم، و تشیع قمی ها .....
13	قم آماده استقبال از آل علی <small>علیهم السلام</small> .....
14	دیدار چند نفر خارجی از قم .....
16	چرا قم را قم گفتند؟ .....
19	قداست سرزمین مبارک قم .....
22	فضیلت اهل قم .....
22	مرکز شیعیان .....
25	شخصیت های برجسته شیعه در قم .....
25	حضرت امام رضا <small>علیه السلام</small> در قم .....
27	داستان دعبل، و عشق قمی ها به خاندان رسالت .....

- 28..... ملاقات جمعی از مردم قم، با حضرت رضا علیه السلام
- 29..... استقلال طلبی مردم قم در برابر خلفای ستمگر و غاصب
- 30..... اعتراض و شورش مردم قم در برابر مأمون
- 31..... همبستگی محکم اهل قم با آل علی علیه السلام
- 33..... لطف امام جواد علیه السلام به یکی از شیعیان قم
- 34..... ارتباط مردم قم با امام هادی علیه السلام
- 34..... نامه امام حسن عسکری علیه السلام به مردم قم و آوه
- 36..... ارتباط مردم قم و مدائن با امام حسن عسکری علیه السلام
- 38..... استقبال مردم از فرماندار شیعه
- 39..... نگاهی بر پیشینه تاریخی حوزه علمیه قم و تحولات آن
- 39..... اشاره
- 39..... دور نمایی از پیشینه تاریخی حوزه علمیه قم
- 41..... ورود اشعری ها به قم
- 43..... حوزه علمیه قم در قرن دوم، و آستانه قرن سوم هجری
- 44..... حوزه علمیه قم در قرن سوم و ورود حضرت رضا علیه السلام به قم
- 45..... تأثیر ورود حضرت معصومه علیه السلام به قم در تشیید و تداوم حوزه
- 46..... چهره های برجسته حوزه علمیه قم در قرن های دوم، سوم و چهارم
- 46..... 1- ذکریا بن آدم بن عبدالله بن سعد اشعری
- 47..... 2- ذکریا بن ادريس بن عبدالله اشعری
- 48..... 3- آدم بن اسحاق بن آدم بن عبدالله اشعری
- 48..... 4- اسحاق بن عبدالله بن سعد اشعری
- 49..... 5 و 6- عمران و عیسی، دو برادر از فرزندان عبدالله
- 50..... 7 و 8- ابراهیم بن هاشم و پسرش علی بن ابراهیم
- 52..... 10- احمد بن اسحاق، وکیل امام حسن عسکری علیه السلام در قم
- 53..... 11- سعد بن عبدالله اشعری قمی
- 54..... 12 - علی بن بابویه قمی

- 13- ابن ولید قمی ..... 56
- 14- ابن قولویه قمی ..... 56
- 15- شیخ صدوق ..... 56
- نتیجه و جمع بندی: ..... 58
- حوزه علمیه قم از قرن پنجم تا کنون ..... 58
- رونق حوزه علمیه قم در قرن پنجم و ششم ..... 58
- حوزه علمیه قم در قرن 10 و 11 و 12 (عصر صفویه) ..... 59
- حوزه علمیه قم در عصر قاجاریه ..... 61
- نقش آیت الله فیض برای توسعه حوزه ..... 62
- تأسیس جدید حوزه، توسط آیت الله العظمی حائری ..... 63
- تحول عظیم حوزه، در عصر زعامت آیت الله العظمی بروجردی ..... 65
- ورود آیت الله بروجردی به قم ..... 66
- نظری به آثار درخشان حوزه، و فرزندگان برخاسته از آن ..... 68
- سخن عمیق امام خمینی (رحمه الله) و آیت الله خامنه ای ..... 71
- تحول حوزه، توسط امام خمینی ..... 72
- نگاهی بر تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حوزه ..... 74
- تحولات فرهنگی ..... 74
- تحولات اجتماعی ..... 77
- تحولات سیاسی ..... 78
- استقلال قم از اصفهان ..... 79
- موضع گیری پنج عالم بزرگ قم، در برابر طاغوت ..... 81
- 1- میرزای قمی (رحمه الله) در برابر فتحعلی شاه ..... 81
- 2- آیت الله حائری و رضاخان ..... 83
- 3- فریاد آیت الله بافقی بر ضد رضا خان ..... 84
- 4- آیت الله بروجردی در برابر شاه ..... 85
- 5- امام خمینی در میدان سیاست ..... 88

89	..... وسعت حوزه علمیه بعد از انقلاب اسلامی
91	..... فصل دوم: زندگی نامه حضرت معصومه <small>علیها السلام</small> از آغاز تا شهادت
91	..... زندگی نامه حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>
91	..... پدر بزرگوار حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>
92	..... مادر حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>
92	..... روز ولایت حضرت فاطمه معصومه <small>علیها السلام</small>
93	..... بررسی و شرح کوتاه:
94	..... شادی و سرور ولادت
95	..... تاریخ وفات حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>
96	..... چرا حضرت معصومه <small>علیها السلام</small> ازواج نکرده است؟
98	..... هجرت عظیم حضرت معصومه <small>علیها السلام</small> از حجاز به ایران
100	..... ماجرای ورود حضرت معصومه <small>علیها السلام</small> به قم در روایات دیگر
101	..... داغ پر سوز فراق
102	..... ماجرای دفن جنازه حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>
104	..... پیکرهای تر و تازه، پس از هزار و چند سال
105	..... نگاهی به فضایل حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>
106	..... دختر روح و جسم پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>
106	..... مقام عصمت و طهارت حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>
108	..... چند شعر از نگارنده تقدیم به حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>
109	..... 3- پیشگویی امام صادق <small>علیه السلام</small> از حضرت معصومه <small>علیها السلام</small> قبل از ولادتش
111	..... 4- پدرش به فدایش
112	..... 5- عالمه و محدثه و حجت امین امامان <small>علیهم السلام</small>
116	..... 6- حرم حضرت معصومه <small>علیها السلام</small> تجلیگاه مرقد حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>
118	..... 7- زیارتنامه مخصوص
119	..... 8- القاب پیام آور



- 120..... 9 - شفاعت وسیع حضرت معصومه علیها السلام
- 121..... 10- پاداش عظیم زیارت مرقد حضرت معصومه علیها السلام
- 123..... دو نکته پیام آور
- 123..... 1- آن همه مقام چرا؟
- 125..... 2- توجه اسلام و مسلمانان به ارزش زن
- 126..... چند کرامت از درگاه حضرت معصومه علیها السلام
- 126..... توضیحی درباره کرامت و ولایت تکوینی
- 128..... 1- نجات گروه سرگردان با راهنمایی حضرت معصومه علیها السلام
- 129..... 2- امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در کنار حرم
- 130..... 3- شفای بیماری بی درمان
- 131..... 4- رفع خطر شدید سیل
- 132..... 5- تقاره خانه به صدا در آمد
- 133..... 6- توسل ملاصدرا به حضرت معصومه علیها السلام
- 134..... 7- هلاکت مزدور گستاخ
- 135..... 8- حل مشکل آیه الله نجفی به دست حضرت معصومه علیها السلام
- 136..... کرامت های تازه
- 136..... 9- شفا یافتن دختر فلج
- 138..... 10- نسیم رحمت بر اعصاب مبتلا به تشنج
- 139..... 11- شفای دخترک مبتلا به فلج
- 140..... 12- جام شفا
- 142..... 13- شفای چشم طلبه نخجوانی
- کرامات معصومیه: از قول حضرت آیه الله العظمی شیخ محمد علی اراکی (رحمه الله)
- 143.....
- 144..... 14- شفای بیماری دستم
- 144..... 15- شفای سید فلج

- 16 - سفارش حضرت رضا علیه السلام به حضرت معصومه علیها السلام ..... 145
- 17- لطف حضرت معصومه علیها السلام به مداحش ..... 146
- 18- شفا در حرم حضرت معصومه علیها السلام با عنایت حضرت عباس علیه السلام ..... 148
- 19- یک کرامت تازه ..... 149
- 20- توجه حضرت معصومه علیها السلام به خدمت گزاری شهدا ..... 150
- سیر تاریخی بارگاه حضرت معصومه علیها السلام به طور کوتاه، ..... 151
- در عصر صفویه ..... 151
- در عصر قاجاریه ..... 152
- اشعار و احادیث برخی از کتیبه ها ..... 153
- نمونه از آیات و احادیث کتیبه ها ..... 155
- کتیبه های مرقد معطر ..... 156
- ماجرای طلاکاری گنبد مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام ..... 157
- پیشینه تاریخی ضریح، و چگونگی نصب ضریح جدید ..... 160
- اشعاری در مدح حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ..... 162
- آیین غبار رویی ..... 163
- فصل سوم: مسجد جمکران و مراقد امامزادگان و مکان های دیدنی قم ..... 164
- قم یکی از مراکز مهم حکومت حضرت مهدی (عج) ..... 164
- ماجرای مسجد جمکران: ..... 168
- خبر غیبی حضرت علی علیه السلام از مسجد جمکران ..... 173
- نظریه آیه الله مرعشی نجفی درباره مسجد جمکران ..... 174
- دیدار با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در مسجد جمکران ..... 174
- ملاقات آقای بافقی با امام علیه السلام ..... 175
- دیدار عالم نجفی، و راهنمایی حضرت مهدی (عج) ..... 176
- دیداری دیگر، و ماجرای مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام در قم ..... 177
- حکایت جالب آقای رجیبیان ..... 184

- 187..... دور نمایی از تحولات مسجد جمکران در حال حاضر
- 188..... اعمال مسجد جمکران
- 190..... امام زادگان معروف قم
- 191..... امام زادگانی که در کنار مرقد حضرت معصومه علیها السلام مدفونند
- 191..... موسی مبرقع علیه السلام
- 192..... چهل اختران
- 192..... شاه حمزه علیه السلام
- 193..... شاه زاده احمد علیه السلام
- 193..... امام زاده زید
- 193..... امام زاده احمد علیه السلام
- 193..... امام زاده سلطان محمد شریف
- 194..... امام زاده علی بن جعفر علیه السلام
- 194..... سه قبر باغ گنبد سبز
- 194..... امام زاده ابراهیم و امام زاده محمد
- 195..... امام زاده جعفر، معروف به شاه جعفر علیه السلام ، و مرقد سید معصوم
- 195..... امام زاده سیدعلی، معروف به شاه سید علی علیه السلام
- 195..... امام زاده احمد
- 196..... امام زادگان خاک فرج
- 196..... امام زاده صفوراء علیه السلام و عمویش
- 196..... امام زاده ناصر علیه السلام
- 197..... شاه زاده احمد قاسم علیه السلام
- 198..... طریقه زیارت امام زادگان
- 199..... شخصیت های معروف، مدفون در قم
- 204..... پادشاهان مدفون در قم
- 206..... مساجد معروف قم

206.....	1- مسجد امام
206.....	2- مسجد جامع (جمعه)
206.....	3- مسجد عشقعلی
207.....	4- مسجد بالا سر
207.....	5- مسجد سینی
207.....	6- مسجد اعظم
208.....	7- مصالای قدس قم
208.....	کتابخانه های عمومی قم
209.....	اعتذار و تذکر
211.....	پی نوشت ها :
229.....	فهرست مطالب